
آئین همسرداری
و
آداب زندگی
در اسلام

بسم الله الرحمن الرحیم

آیین همسرداری و آداب زندگی در اسلام

نویسنده:

محمد حسینی بهارانچی

ناشر چاپی:

عطرعترت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
آیین همسرداری و آداب زندگی در اسلام ----- ۱۲
مشخصات کتاب ----- ۱۲
اشاره ----- ۱۲
فهرست مطالب ----- ۱۴
خطبه الکتاب ----- ۲۶
هدف و انگیزه تالیف ----- ۲۹
اسلام و ازدواج ----- ۳۲
اشاره ----- ۳۲
سفارش اسلام به ازدواج و تشکیل خانواده ----- ۳۳
انتخاب همسر شایسته ----- ۳۹
معیار برابری و کفویت در ازدواج ----- ۴۶
قانون ازدواج موقت و دایم ----- ۵۰
قانون مهر و احکام آن در اسلام ----- ۵۷
آداب زناشویی ----- ۶۴
اشاره ----- ۶۴
آداب زفاف ----- ۶۵
آداب همبستر شدن ----- ۶۷
دستور نماز و دعا در شب زفاف ----- ۸۱
استحباب آرایش و زینت ----- ۸۴
استحباب بازی و ملاعبه قبل از جماع ----- ۸۵
وجوب اطاعت و تمکین زن از شوهر ----- ۸۷
پاداش همبستر شدن با همسر ----- ۹۱
مسایل مربوط به فرزندان و حقوق آنان ----- ۹۴

اشاره ---------- ۹۴
آداب و پاداش فرزندداری ---------- ۹۵
استحباب درخواست فرزند شایسته ---------- ۱۰۱
ارزش زن و فرزندان شایسته ---------- ۱۰۵
پاداش شوهرداری و بارداری زن ---------- ۱۰۶
آداب نوزاد و مقام مادر ---------- ۱۰۸
انتخاب نام نیک برای فرزندان ---------- ۱۱۲
نام ها و کنیه های فاطمه علیهاالسلام ---------- ۱۱۵
اسامی و القاب فاطمه علیهاالسلام ---------- ۱۱۷
ترجمه اسامی و القاب فاطمه زهرا علیهاالسلام ---------- ۱۲۵
حقوق و وظایف متقابل زن و مرد ---------- ۱۳۲
اشاره ---------- ۱۳۲
پاداش کمک به همسر در اصلاح زندگی و خانواده ---------- ۱۳۳
سفارش معصومین علیهم السلام به تحفظ و پنهان بودن زن ---------- ۱۳۴
غیرت مرد و غیرت زن ---------- ۱۳۸
ارزش عبادت و خدمات زن در خانه ---------- ۱۴۰
پیامدهای خروج زن از خانه و اختلاط او با مردهای نامحرم ---------- ۱۴۱
پاداش صبر بر بدخلقی زن ---------- ۱۴۳
پاداش اطاعت زن از شوهر ---------- ۱۴۴
جلب محبت همسر از راه های غیر مشروع ---------- ۱۴۶
آرایش زن برای غیر شوهر ---------- ۱۴۷
آزار زن و شوهر به یکدیگر ---------- ۱۴۸
ارفاق و احسان به همسر ---------- ۱۵۰
پاداش همسر دوستی و معیار احسان به همسر ---------- ۱۵۱
مدارا و احسان به زن ها و نهی از اطاعت آنان ---------- ۱۵۲
احیای حقوق زن در اسلام ---------- ۱۵۷

حقوق زن و شوهر بر یکدیگر ----- ۱۵۹
عبادت زن مشروط به رضایت شوهر ----- ۱۶۲
پاداش تحصیل حلال برای تأمین زندگی ----- ۱۶۵
پاداش تقوا و پرهیز از محرّمات ----- ۱۶۹
توضیح و بیان موارد تقوا در سخنان معصومین علیهم السلام ----- ۱۷۱
پیشگیری های اسلام از فساد اجتماع و خانواده ----- ۱۷۴
اشاره ----- ۱۷۴
نگاه های حرام و پاداش خودداری از نگاه به نامحرم ----- ۱۷۵
تماس با زن نامحرم ----- ۱۷۷
حرمت گفتگو و مزاح با زن نامحرم ----- ۱۷۸
نگاه به پشت سر زن نامحرم ----- ۱۷۹
آداب اسلامی در باره ورود به منازل و غیره ----- ۱۷۹
سن قانونی نامحرم بودن دختر و پسر ----- ۱۸۴
نگاه زن به مرد نابینا ----- ۱۸۴
تماس پزشک برای معالجه ----- ۱۸۵
زن های نمونه در اسلام ----- ۱۸۷
اشاره ----- ۱۸۷
اسوه های ارزش و نمونه های بی نظیر ----- ۱۸۸
عبادت فاطمه علیهاالسلام ----- ۱۸۸
تسبیحات فاطمه علیهاالسلام ----- ۱۹۰
فاطمه علیهاالسلام و انفاق زینت های خود در راه خدا ----- ۱۹۱
مقام فضّه کنیز فاطمه علیهاالسلام ----- ۱۹۴
فاطمه علیهاالسلام و نزول آیه عذاب ----- ۱۹۸
عبادت حضرت زینب علیهاالسلام ----- ۲۰۲
عفت و حیای زینب علیهاالسلام ----- ۲۰۳
سخنان فاطمه علیهاالسلام ----- ۲۰۵

اشاره ----- ۲۰۵
۱- ثمره اخلاص ----- ۲۰۶
۲- نرمخویی و اکرام بانوان ----- ۲۰۶
۳- خوشرویی در چهره مومن ----- ۲۰۶
۴- معیار شیعه بودن ----- ۲۰۶
۵- مَثَل امام مَثَل کعبه است ----- ۲۰۷
۶- ارزش مؤمن ----- ۲۰۷
۷- علی علیه السلام و شیعیانش ----- ۲۰۸
۸- خلعت های کرامت ----- ۲۰۸
۹- بدترین امت ----- ۲۰۸
۱۰- انگشتری عقیق ----- ۲۰۹
۱۱- نیکوترین ویژگی زنان ----- ۲۰۹
۱۲- نزدیک ترین حالت زن به پروردگار خود ----- ۲۰۹
۱۳- شفاعت امت گنهکار ----- ۲۰۹
۱۴- ثواب صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام ----- ۲۰۹
۱۵- خشم همسر، رضایت همسر ----- ۲۱۱
۱۶- بهره روزه دار ----- ۲۱۱
۱۷- رضایت فاطمه علیهاالسلام از خدا و رسول او صلی الله علیه و آله ----- ۲۱۱
۱۸- حالات معنوی فاطمه علیهاالسلام در شب ازدواج ----- ۲۱۲
۱۹- صبر و ایثار فاطمه در خانه علی علیهاالسلام ----- ۲۱۲
۲۰- عفت و حجاب فاطمه علیهاالسلام ----- ۲۱۳
۲۱- سخن فاطمه علیهاالسلام در مورد آداب غذا خوردن ----- ۲۱۳
۲۲- دعای فاطمه علیهاالسلام برای گناهکاران امت ----- ۲۱۴
۲۳- دعای فاطمه علیهاالسلام وقت غروب روز جمعه ----- ۲۱۴
۲۴- فاطمه علیهاالسلام از خدا درخواست غذای بهشتی نمود ----- ۲۱۵
۲۵- خیرخواهی فاطمه علیهاالسلام و درسی که به زن ها داده است ----- ۲۱۵

۲۶- صحنه دلخراش و خیرخواهی فاطمه علیهماالسلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله ----- ۲۱۶

۲۷- ناله های فاطمه علیهاالسلام در لحظه های غمبار رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله ----- ۲۱۷

۲۸- مبارزات فاطمه علیهاالسلام و دفاع از علی علیه السلام ----- ۲۱۷

۲۹- آه و ناله فاطمه علیهاالسلام از فراق پدر ----- ۲۱۹

۳۰- نگاه فاطمه علیهاالسلام به حسن وحسین و یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله ----- ۲۲۰

۳۱- درخواست فاطمه علیهاالسلام از بلال برای اذان گفتن ----- ۲۲۰

۳۲- مبارزه منفی فاطمه علیهاالسلام و سخن نگفتن او با غاصبین خلافت ----- ۲۲۱

۳۳- آخرین وصایای فاطمه علیهاالسلام ----- ۲۲۱

۳۴- وصیت به مخفی بودن مراسم تدفین و قبر فاطمه علیهاالسلام ----- ۲۲۲

۳۵ کیفر و عذاب زنان گناه کار ----- ۲۲۳

۳۶- حدیث فاطمه علیهاالسلام در باره سبک شمردن نماز ----- ۲۲۶

اخلاق زندگی در اسلام ----- ۲۲۹

اشاره ----- ۲۲۹

ارزش اخلاق در زندگی ----- ۲۳۰

۱- اندوه زدایی و پاداش بهشت ----- ۲۳۱

۲- بهترین مردم و بهترین عمل آنان ----- ۲۳۲

۳- عدالت و انصاف ----- ۲۳۲

۴- هدیه و احسان (کادو) ----- ۲۳۳

۵-پاداش احسان ----- ۲۳۴

۶- ماعون (عاریه دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان) ----- ۲۳۵

۶- ماعون (عاریه دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان) ----- ۲۳۵

۸- مواظبت بر صدقه و عمل خیر در هر روز ----- ۲۳۶

۹- سازش و نرم خویی و مدارای با مردم ----- ۲۳۷

۱۰- خیرخواهی نسبت به مردم و انتقادپذیری از آنان ----- ۲۳۸

۱۱- ادب و تجاوز نکردن از حق خود ----- ۲۳۹

۱۲- نگهداری اسرار و آبروی مردم ----- ۲۳۹

۱۳- رعایت عهد و پیمان ----- ۲۴۰
۱۴- مشورت و استفاده از فکر دیگران ----- ۲۴۱
۱۵- روح بی نیازی از مردم و توکل به خداوند ----- ۲۴۲
۱۶- نگهداری و برگرداندن امانت ----- ۲۴۳
۱۷- تواضع و فروتنی ----- ۲۴۴
۱۸- احترام به بزرگ تر و ترحم به کوچک تر ----- ۲۴۵
۱۹- پاداش احترام به مؤمن و گناه توهین به او ----- ۲۴۶
۲۰- کیفر قهر و پاداش آشتی و گذشت ----- ۲۴۷
۲۱- گناه غیبت و بدگویی از مردم ----- ۲۴۷
۲۲- گناه اسراف و تبذیر ----- ۲۴۸
آداب زندگی در اسلام ----- ۲۵۰
اشاره ----- ۲۵۰
شیرینی و طراوت زندگی ----- ۲۵۱
۱- سلام و احترام به برادران و خواهران مسلمان ----- ۲۵۱
۲- اجازه ورود به اتاق پدر و مادر ----- ۲۵۲
۳- احوالپرسی و پند و اندرز ----- ۲۵۳
۴- پاداش سلام و مصافحه (دست دادن) و معانقه (در آغوش گرفتن) ----- ۲۵۵
۵- پاداش زیارت و بوسیدن پیشانی مؤمن ----- ۲۵۶
۶- آداب عطسه و تحیّت آن ----- ۲۵۷
۷- آداب آروغ زدن و آب بینی و دهان انداختن ----- ۲۵۸
۸- مزاح و خنده و شیرینی سخن ----- ۲۵۹
۹- سنّت های ابراهیمی و محمدی صلی الله علیه و آله در نظافت ----- ۲۵۹
۱۰- نگهداشتن محاسن و برطرف نمودن موهای دیگر بدن ----- ۲۶۰
۱۱- آداب ناخن گرفتن ----- ۲۶۱
۱۲- پاداش مسواک و پاکیزه کردن دهان ----- ۲۶۲
۱۳- پاداش استعمال عطر و بوی خوش ----- ۲۶۳

۱۴- اجابت دعوت مؤمن و پاداش آن ---------- ۲۶۴
۱۵- نکوهش از میهمان بدون دعوت ---------- ۲۶۵
۱۶- آداب میهمانی رفتن ---------- ۲۶۶
۱۷- پاداش احترام به میهمان ---------- ۲۶۷
۱۸- پرهیز از مجالس گناه ---------- ۲۶۹
۱۹- آداب مسافرت ---------- ۲۷۵
اشعار مجالس عقد و عروسی ---------- ۲۷۷
آثار مؤلف تاکنون ---------- ۲۹۴
درباره مرکز ---------- ۲۹۷

آیین همسرداری و آداب زندگی در اسلام

مشخصات کتاب

شابک : ۲۸۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۹۵۸۰۵-۳۸-۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۸۸۳۴۹

عنوان و نام پدیدآور : آیین همسرداری و آداب زندگی در اسلام/ نویسنده سید محمدحسینی بهارانچی.

مشخصات نشر : قم: عطر عترت، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۳۲۰ ص.

موضوع : زناشویی (اسلام)

موضوع : راه و رسم زندگی (اسلام)

موضوع : اسلام و خانواده

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۲۵

رده بندی کنگره : BP۲۵۸/۵/ح۵آ۹ ۱۳۸۵

سرشناسه : حسینی بهارانچی، سید محمد، ۱۳۲۳ -

ص :۱

اشاره

نویسنده: سید محمّد حسینی بهارانچی

ص :۲

فهرست مطالب

خطبه الکتاب... ۹

هدف و انگیزه تالیف... ۱۲

اسلام و ازدواج... ۱۵

سفارش اسلام به ازدواج و تشکیل خانواده... ۱۶

انتخاب همسر شایسته... ۲۲

معیار برابری و کفویت در ازدواج... ۲۹

قانون ازدواج موقت و دایم... ۳۳

قانون مهر و احکام آن در اسلام... ۴۰

آداب زناشویی... ۴۷

آداب زفاف... ۴۸

آداب همبستر شدن... ۵۰

دستور نماز و دعا در شب زفاف... ۶۴

استحباب آرایش و زینت... ۶۷

استحباب بازی و ملاعبه قبل از جماع... ۶۸

وجوب اطاعت و تمکین زن از شوهر... ۷۰

پاداش همبستر شدن با همسر... ۷۴

مسایل مربوط به فرزندان و حقوق آنان... ۷۷

آداب و پاداش فرزندداری... ۷۸

استحباب درخواست فرزند شایسته... ۸۴

ارزش زن و فرزندان شایسته ۸۸

ص :۳

پاداش شوهرداری و بارداری زن… ۹۰

آداب نوزاد و مقام مادر… ۹۳

انتخاب نام نیک برای فرزندان… ۹۸

نام ها و کنیه های فاطمه علیهاالسلام … ۱۰۳

اسامی و القاب فاطمه علیهاالسلام … ۱۰۶

ترجمه اسامی و القاب فاطمه زهرا علیهاالسلام … ۱۰۹

حقوق و وظایف متقابل زن و مرد… ۱۱۳

پاداش کمک به همسر در اصلاح زندگی و خانواده… ۱۱۴

سفارش معصومین: به تحفظ و پنهان بودن زن… ۱۱۶

غیرت مرد و غیرت زن… ۱۲۲

ارزش عبادت و خدمات زن در خانه… ۱۲۴

پیامدهای خروج زن از خانه و اختلاط او با مردهای نامحرم… ۱۲۵

پاداش صبر بر بدخلقی زن… ۱۲۹

پاداش اطاعت زن از شوهر… ۱۳۰

جلب محبت همسر از راه های غیر مشروع… ۱۳۳

آرایش زن برای غیر شوهر… ۱۳۴

آزار زن و شوهر به یکدیگر… ۱۳۵

ارفاق و احسان به همسر… ۱۳۸

پاداش همسر دوستی و معیار احسان به همسر… ۱۴۰

مدارا و احسان به زن ها و نهی از اطاعت آنان… ۱۴۱

احیای حقوق زن در اسلام··· ۱۴۸

حقوق زن و شوهر بر یکدیگر··· ۱۵۱

عبادت زن مشروط به رضایت شوهر··· ۱۵۵

پاداش تحصیل حلال برای تأمین زندگی··· ۱۶۰

پاداش تقوا و پرهیز از محرّمات··· ۱۶۵

توضیح و بیان موارد تقوا در سخنان معصومین:··· ۱۶۷

ص: ۴

پیشگیری های اسلام از فساد اجتماع و خانواده... ۱۷۱

نگاه های حرام و پاداش خودداری از نگاه به نامحرم... ۱۷۲

تماس با زن نامحرم... ۱۷۵

حرمت گفتگو و مزاح با زن نامحرم... ۱۷۶

نگاه به پشت سر زن نامحرم... ۱۷۸

آداب اسلامی در باره ورود به منازل و غیره... ۱۷۹

دستور اسلام در باره اجازه ورود به خانه ها... ۱۸۰

سن قانونی نامحرم بودن دختر و پسر... ۱۸۴

نگاه زن به مرد نابینا... ۱۸۶

تماس پزشک برای معالجه... ۱۸۷

زن های نمونه در اسلام... ۱۸۹

اسوه های ارزش و نمونه های بی نظیر... ۱۹۰

عبادت فاطمه علیهاالسلام ... ۱۹۱

تسبیحات فاطمه علیهاالسلام ... ۱۹۲

فاطمه علیهاالسلام و انفاق زینت های خود در راه خدا... ۱۹۵

مقام فضّه کنیز فاطمه علیهاالسلام ... ۱۹۹

بیست سال جز با قرآن سخن نگفت... ۲۰۱

فاطمه علیهاالسلام و نزول آیه عذاب... ۲۰۴

عبادت حضرت زینب علیهاالسلام ... ۲۰۷

عفت و حیای زینب علیهاالسلام ... ۲۰۹

سخنان فاطمه علیهاالسلام ··· ۲۱۱

۱- ثمره اخلاص··· ۲۱۲

۲- نرمخویی و اکرام بانوان··· ۲۱۲

۳- خوشرویی در چهره مومن··· ۲۱۲

۴- معیار شیعه بودن··· ۲۱۳

۵- مَثَل امام مَثَل کعبه است··· ۲۱۳

۶- ارزش مؤمن··· ۲۱۳

۷- علی علیه السلام و شیعیانش ... ۲۱۴

۸- خلعت های کرامت ... ۲۱۵

۹- بدترین امت ... ۲۱۵

۱۰- انگشتری عقیق ... ۲۱۵

۱۱- نیکوترین ویژگی زنان ... ۲۱۶

۱۲- نزدیک ترین حالت زن به پروردگار خود ... ۲۱۶

۱۳- شفاعت امت گنهکار ... ۲۱۶

۱۴- ثواب صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام ... ۲۱۶

۱۵- خشم همسر، رضایت همسر ... ۲۱۷

۱۶- بهره روزه دار ... ۲۱۷

۱۷- رضایت فاطمه علیهاالسلام از خدا و رسول او صلی الله علیه و آله ... ۲۱۷

۱۸- حالات معنوی فاطمه علیهاالسلام در شب ازدواج ... ۲۱۸

۱۹- صبر و ایثار فاطمه در خانه علی علیهاالسلام ... ۲۱۹

۲۰- عفت و حجاب فاطمه علیهاالسلام ... ۲۱۹

۲۱- سخن فاطمه علیهاالسلام در مورد آداب غذا خوردن ... ۲۲۰

۲۲- دعای فاطمه علیهاالسلام برای گناهکاران امت ... ۲۲۰

۲۳- دعای فاطمه علیهاالسلام وقت غروب روز جمعه ... ۲۲۱

۲۴- فاطمه علیهاالسلام از خدا درخواست غذای بهشتی نمود ... ۲۲۱

۲۵- خیرخواهی فاطمه علیهاالسلام و درسی که به زن ها داده است ... ۲۲۲

۲۶- صحنه دلخراش و خیرخواهی فاطمه علیهماالسلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله ... ۲۲۳

۲۷- ناله های فاطمه علیهاالسلام در لحظه های غمبار رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله ··· ۲۲۴

۲۸- مبارزات فاطمه علیهاالسلام و دفاع از علی علیه السلام ··· ۲۲۵

۲۹- آه و ناله فاطمه علیهاالسلام از فراق پدر··· ۲۲۶

۳۰- نگاه فاطمه علیهاالسلام به حسن وحسین و یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله ··· ۲۲۸

۳۱- درخواست فاطمه علیهاالسلام از بلال برای اذان گفتن··· ۲۲۸

۳۲- مبارزه منفی فاطمه علیهاالسلام و سخن نگفتن او با غاصبین خلافت··· ۲۲۹

۳۳- آخرین وصایای فاطمه علیهاالسلام ··· ۲۳۰

ص :۶

۳۴- وصیت به مخفی بودن مراسم تدفین و قبر فاطمه علیهاالسلام ... ۲۳۰

۳۵ کیفر و عذاب زنان گناه کار... ۲۳۲

۳۶- حدیث فاطمه علیهاالسلام در باره سبک شمردن نماز... ۲۳۶

اخلاق زندگی در اسلام... ۲۳۹

ارزش اخلاق در زندگی... ۲۴۰

۱- اندوه زدایی و پاداش بهشت... ۲۴۲

۲- بهترین مردم و بهترین عمل آنان... ۲۴۳

۳- عدالت و انصاف... ۲۴۴

۴- هدیه و احسان (کادو)... ۲۴۵

۵-پاداش احسان... ۲۴۶

۶- ماعون (عاریه دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان)... ۲۴۷

۷- نمک نشناس های لعنت شده... ۲۴۸

۸- مواظبت بر صدقه و عمل خیر در هر روز... ۲۴۹

۹- سازش و نرم خویی و مدارای با مردم... ۲۵۰

۱۰- خیرخواهی نسبت به مردم و انتقادپذیری از آنان... ۲۵۱

۱۱- ادب و تجاوز نکردن از حق خود... ۲۵۳

۱۲- نگهداری اسرار و آبروی مردم... ۲۵۴

۱۳- رعایت عهد و پیمان... ۲۵۵

۱۴- مشورت و استفاده از فکر دیگران... ۲۵۶

۱۵- روح بی نیازی از مردم و توکل به خداوند... ۲۵۸

۱۶- نگهداری و برگرداندن امانت... ۲۵۹

۱۷- تواضع و فروتنی... ۲۶۰

۱۸- احترام به بزرگ تر و ترحم به کوچک تر... ۲۶۲

۱۹- پاداش احترام به مؤمن و گناه توهین به او... ۲۶۳

۲۰- کیفر قهر و پاداش آشتی و گذشت... ۲۶۴

۲۱- گناه غیبت و بدگویی از مردم... ۲۶۵

۲۲- گناه اسراف و تبذیر... ۲۶۷

آداب زندگی در اسلام··· ۲۶۹

شیرینی و طراوت زندگی··· ۲۷۰

۱- سلام و احترام به برادران و خواهران مسلمان··· ۲۷۰

۲- اجازه ورود به اتاق پدر و مادر··· ۲۷۲

۳- احوالپرسی و پند و اندرز··· ۲۷۳

۴- پاداش سلام و مصافحه (دست دادن) و معانقه (در آغوش گرفتن)··· ۲۷۵

۵- پاداش زیارت و بوسیدن پیشانی مؤمن··· ۲۷۶

۶- آداب عطسه و تحیّت آن··· ۲۷۷

۷- آداب آروغ زدن و آب بینی و دهان انداختن··· ۲۷۹

۸- مزاح و خنده و شیرینی سخن··· ۲۸۰

۹- سنّت های ابراهیمی و محمدی علیهماالسلام در نظافت··· ۲۸۱

۱۰- نگهداشتن محاسن و برطرف نمودن موهای دیگر بدن··· ۲۸۲

۱۱- آداب ناخن گرفتن··· ۲۸۴

۱۲- پاداش مسواک و پاکیزه کردن دهان··· ۲۸۵

۱۳- پاداش استعمال عطر و بوی خوش··· ۲۸۶

۱۴- اجابت دعوت مؤمن و پاداش آن··· ۲۸۸

۱۵- نکوهش از میهمان بدون دعوت··· ۲۸۹

۱۶- آداب میهمانی رفتن··· ۲۹۰

۱۷- پاداش احترام به میهمان··· ۲۹۲

۱۸- پرهیز از مجالس گناه··· ۲۹۵

۱۹- آداب مسافرت... ۳۰۳

اشعار مجالس عقد و عروسی... ۳۰۵

ص :۸

خطبه الکتاب

الحمدللّه المحمود بنعمته، المعبود بقدرته، المطاع بسلطانه، المرهوب من عذابه و سطواته، النا فذ أمره فی سمائه و ارضه، الذی خلق الخلق بقدرته، و میّزهم باحکامه، و اعزّهم بدینه. و اکرمهم بنبیّه، و هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا و کان ربّک قدیرا، و من آیاته أن خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودّه و رحمهً، و اسبغ علیکم نعمه ظاهرهً و باطنهً.

و هوالأوّل قبل أوّلیه الأوّلین، و الباقی بعد فناء العالمین، الذی قرب من حامدیه، و دنا من سائلیه، و وعد الجنّه من یتّقیه، و انذر بالنّار من یعصیه نحمده بجمیع محامده علی جمیع نعمه و آلائه و نشهد أن لاإله إلّااللّه وحده لاشریک له و أنّ محمّدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدّین کلّه و لو کره المشرکون و انّ أمیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب و أبناءه الطاهرین علیهم السلام أوصیاء نبیّه و هم المصطفین الهادین و هداه الخلق اجمعین.

و صلوات اللّه الدائمه علی نبیّه خاتم النبیّین و علی وصیّه أمیرالمؤمنین و علی فاطمه الزهراء سیّده نساء العالمین و علی السبطین الحسن و الحسین سیّدی شباب اهل

الجنّه اجمعين. و على عليّ بن الحسين زين العابدين و على محمّدبن عليٍّ باقرعلوم الدين و على جعفربن محمّد الصادق الأمين و على موسى بن جعفر الكاظم الممتحن الحزين و على عليّ بن موسى الرضا ملجاء الهاربين و على محمّد بن عليّ الجواد فى العالمين و على عليّ بن محمّد قدوه الهادين و على الحسن بن عليّ المهيمن على المؤمنين و على سمّى المصطفى و كنيّه الكهف الحصين و غياث المضطرّ المستكين و عصمه المعتصمين و رحمه للعالمين الذى بيمنه رزق الورى و بوجوده ثبتت الارض و السماء الحجّه بن الحسن العسكرى عجل اللّه فرجه الشريف.

و اللعنه الدائمه على اعدائهم اجمعين الى يوم الدّين سيّما من لعنهم اميرالمؤمنين و امام المتقّين و قائد الغرّ المحجّلين و ابوالأئّمه الطاهرين عليهم افضل صلوات المصليّن فانّه عليه السلام كان يقول فى قنوته:

اللّهمّ العن صَنَمَى قريش و جبتَيْها و طاغوتَيْها و إفكيْها، و ابنتيْهما اللذيْن خالفا أمرك و أنكرا وحيك، وجحدا إنعامك، و عصيا رسولك، وقلّبا دينك و حرّفا كتابك، وعطّلا أحكامك، وأبطلا فرائضك، وألحدا فى آياتك، وعاديا أولياءك و واليا أعداءك، و خرّبا بلادك، وأفسدا عبادك.

اللّهمّ العنهما وأنصارهما فقد أخربا بيت النبوّه، و ردّما بابه، ونقضا سقفه، وألحقا سماءه بأرضه وعاليه بسافله و ظاهره بباطنه واستأصلا أهله وأبادا أنصاره وقتلا أطفاله وأخليا منبره من وصيّه ووارثه وجحدا نبوّته وأشركا بربّهما فعظّم ذنبهما وخلّدهما فى سقر وما أدريك ما سقر لا تبقى ولا تذر.

اللّهمّ العنهم بعدد كلّ منكر أتوه و حقٍّ أخفوه و منبرٍ علوه و منافق ولوّه وموءمن أرجوه و وليٍّ آذوه و طريد آووه و صادق طرّدوه و كافر نصروه و إمامٍ قهروه و فرض غيّروه وأثرٍ أنكروه و شرٍّ أضمروه ودمٍ أراقوه وخبر بدّلوه و حكم قلّبوه و كفر أبدعوه و

ص: ١٠

كذب دلّسوه و إرث غصبوه و فييءاقتطعوه و سحتٍ أكلوه و خمسٍ استحلّوه و باطلٍ أسّسوه وجورٍ بسطوه و ظلم نشروه، ووعد أخلفوه و عهد نقضوه و حلال حرّموه و حرام حلّلوه و نفاق أسرّوه وغدرٍ أضمروه وبطن فتقوه وضلع كسروه وصكٍّ مزّقوه و شمل بدّدوه و ذليل أعزّوه و عزيز أذلّوه و حقّ منعوه وإمام خالفوه.

اللّهمّ العنهما بكلّ آيه حرّفوها و فريضه تركوها، وسنّه غيّروها وأحكام عطّلوها وأرحام قطعوها و شهادات كتموها و وصيّه ضيّعوها وأيمان نكثوها ودعوى أبطلوها وبيّنه أنكروها وحيله أحدثوها وخيانه أوردوها وعقبه ارتقوها ودباب دحرجوها وأزياف لزموها [وأمانه خانوها].

اللّهمّ العنهما فى مكنون السرّ و ظاهر العلانيه لعنا كثيرا دائبا أبدا دائما سرمدا لا انقطاع لأمده ولا نفاد لعدده ويغدو أوّله ولا يروح آخره لهم ولأعوانهم و أنصارهم و محبّيهم و مواليهم و المسلّمين لهم والمائلين إليهم و الناهضين بأجنحتهم و المقتدين بكلامهم و المصدّقين بأحكامهم. (البلد الأمين ص ۵۵۱ البحار ج ۸۲/۲۶۰)

امّا بعد: فانّ اللّه تبارک و تعالى قال فى كتابه: «و أنكحو الأيامى منكم و الصالحين من عبادكم و إمائكم إن يكونوا فقراء يغنهم اللّه من فضله و اللّه واسع عليم» و النكاح سنّه نبيّنا خاتم النبيّين و سيره اهل بيته الائمه الطاهرين عليهم افضل صلوات المصلّين و قال النبيّ صلى الله عليه و آله : النكاح سنّتى فمن رغب عن سنّتى فليس منّى.

و قال صلى الله عليه و آله : من تزوّج فقد احرز نصف دينه فليتّق اللّه فى النصف الباقى. و من لايجد نكاحا فليستعفف و يسئل فضل ربّ العالمين و الزواج افضل بناء فى الأسلام يبنيه المتزوّج و يعتصم به عن وساوس الشياطين و يفوز برضى الرحمان و الجنّه و الرضوان بفضل اللّه الملک المنّان، اللّهمّ اعتقنا من النار و ادخلنا الجنّه مع الأبرار و زوّجنا من الحورالعين بحقّ محمد و آله الطاهرين صلواتک عليهم اجمعين.

ص :۱۱

هدف و انگیزه تالیف

غریزه جنسی از حکمت های الهی است که جهت تداوم نسل بنی آدم در سرشت انسان قرار داه شده است. تمایل به جنس مخالف از دوران نوجوانی تا قبل از کهولت و پیری در انسان وجود دارد و هیچ انسان سالمی بدون این غریزه و تمایل نخواهد بود.

این نیاز همانند سایر نیازها باید از راه صحیح تأمین گردد تا انسان را از خطر انحراف و فساد و تجاوز به نوامیس دیگران باز دارد. بدین منظور اسلام به مسأله ازدواج اهمیت فراوانی داده و آن را به عنوان بهترین راه تأمین این غریزه و در ردیف سنت های دیگر دینی قرار داده است. بر هر مسلمان لازم است که برای انجام این سنّت اسلامی روش اولیای دین و دستور العمل های مربوط به آن را همان گونه که وارد شده است ملاک عمل قرار دهند تا انجام آن برای جوانان مشکل آفرین نباشد.

توجه به سخنان و سیره و روش اولیای دین روشن می سازد که آنان این سنّت را به سهولت و سادگی انجام می داده و حتی توصیه های فراوانی نموده اند که این سنّت هرچه زودتر و ساده تر انجام گیرد و هیچ جوانی، دختر و یا پسر، بدون همسر

ص :۱۲

زندگی نکند و با انجام ازدواج از خطرهای گوناگون و دام های شیاطین محفوظ بماند.

در فرهنگ اسلامی عزوبت و تنها زیستی به عنوان کمبود و نقص دیانت یک مسلمان قلمداد شده است.

به جرأت می توان گفت که وضع موجود و مرسوم بین نوع ما مسلمانان با فرهنگ اسلامی همخوانی ندارد و همان گونه که مشاهده می شود بی توجهی به این مسأله علت عمده انحراف و فساد و آلودگی جوانان ما شده است. مع الأسف دوری ما از دستورات اسلامی و روش اولیای دین باعث شده است تا جوانان ما غریزه جنسی خود را از راه های غیر مشروع ارضا نمایند؛ مسأله ای از این رنج آورتر نیست که اکنون مراسم ازدواج به یک فاجعه اخلاقی و اجتماعی و حتی سیاسی تبدیل گردیده است.

توجه به این مسایل مرا برآن داشت که درحد توان خود کتابی در باره ازدواج و آداب زندگی و همسرداری و دستورات اولیای دین در این رابطه بنویسم و تنها ازمنابع وحی و سخنان معصومین علیهم السلام استفاده نمایم و دیدگاه ها و افکار بشری را در مطالب کتاب دخالت ندهم تا فطرت های پاک و سالم به خوبی بتوانند از این منابع وحی استفاده و از آن پیروی کنند.

ناگفته نماند که در زمان ما عده ای، به عنوان روشن فکر و مترقی، اسلام را با نظرات و افکار خود می سنجند و احیانا اگر مطابق سلیقه و نظر آنان نبود آن را غیر قابل پذیرش می دانند و می گویند که علم آن را تأیید نمی کند و یا می گویند که این قانون برای جوامع و زمان های گذشته کارایی داشته و امروزه با پیشرفت علم قابل استفاده نمی باشد و مع الأسف بعضی از این افراد در سلک اهل علم نیز هستند! ای

ص :۱۳

کاش این گونه افراد برای یک بار هم که شده به معارف اسلامی و سخنان معصومین علیهم السلام توجه می کردند و سیره و سخنان آنان را مطالعه می نمودند و این گونه سخن نمی گفتند و در چنین خطری (یعنی خطر انکار احکام الهی) قرار نمی گرفتند. چه خوب بود آنان در صورت ناسازگاری افکار بشری با منابع وحی این افکار را که خالی از خطا نیست کنار می گذاردند. و به منابع وحی توجه می نمودند.

البته روشن است که بهترین راه برای کشف حقایق، توجه به زندگی و اخلاق و روش اولیای دین است؛ چرا که آنان معصوم از خطا بوده و دانش و علمشان از ناحیه خداوند تأمین شده است. در این مسأله باید به ازدواج امثال امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهاالسلام که با نظارت و دستورالعمل های رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام گرفته است توجه نمود و آنان را که رهبران معصوم و الهی ما هستند الگو قرار داد. اعاذنااللّه من الخطاء و الزلل.

یاد آوری می کنم که چون بنده در کتاب «اسوه النساء - بانوی نمونه عالم» بخش هایی از مسایل مربوط به ازدواج و زندگی امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهماالسلام را بیان نموده ام از تکرار آن ها در این کتاب خودداری می کنم و خوانندگان محترم را به آن کتاب ارجاع می دهم. ازخداوند متعال توفیق تفقّه و فهم معارف اسلامی و پیروی از فرامین معصومین علیهم السلام را خواهانیم.

اقل الطلبه سیّد محمّد حسینی بهارانچی

ص :۱۴

اسلام و ازدواج

اشاره

ص: ۱۵

سفارش اسلام به ازدواج و تشکیل خانواده

در قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام فراوان به ازدواج سفارش شده است. اسلام، ازدواج را به عنوان یک عبادت معرفی کرده و آثار دنیوی و اخروی فراوانی برای آن برشمرده است. در مقابل، از عزوبت و پرهیز از ازدواج نیز نکوهش زیادی شده و کناره گیری از ازدواج و تشکیل خانواده دلیل نقص در دیانت معرفی گردیده است.

از دیدگاه اسلام، ازدواج دلیل کمال دین و عزوبت و ترک ازدواج دلیل نقصان آن است. اسلام، ارزش عبادت شخص متزوّج را هفتاد برابر عبادت شخص عزب (مجرد) برشمرده و می فرماید: شخص متزوّج، با ازدواج خود، نصف ایمان و دین خویش را از خطرها و آفات حفظ نموده است.

(۱)۱- اینک به بعضی از آیات قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام در باره این موضوع اشاره می کنیم: خداوند در سوره نور می فرماید: «عزب های خود را به ازدواج درآورید، [بلکه] غلامان و کنیزان خود را نیز تزویج دهید؛ اگر آنان تهی

۱- (۱)کراهه العزوبه و الحثّ علی التزویج ۱- قال اللّه سبحانه و تعالی: وأنکحوا الأیامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم إن یکونوا فقراء یغنهم اللّه من فضله و اللّه واسع علیم. و قال سبحانه: و لیستعفف الذین لایجدون نکاحا حتّی یغنیهم اللّه من فضله. (سوره النور آیه/ ۳۲)

دست بودند خداوند از فضل و کرم خود آنان را بی نیاز خواهد نمود. [البته] او دانا و گشایش دهنده است.»

و در باره کسانی که راهی برای ازدواج ندارنـد می فرمایـد: «آنان باید عفّت پیشه کنند تا این که خداوند آنان را از فضل خود بی نیاز نماید.»

(۱)و در سوره روم می فرمایـد: «از آیات و نشانه های خداونـد این است که او همسـرانی از جنس شـما آفریـده است تا وسـیله آرامش شـما شونـد و بین شـما و آنـان محبت و رحمت قرار داده است و این برای اندیشـمندان از نشـانه هـای خداشناسـی می باشد.»

(۲)۲- علامه مجلسـی در کتاب بحار، با سند خود، از قداح نقل نموده که گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی خدمت پـدرم امـام باقر علیه السـلام رسـید پـدرم به او فرمود: آیا ازدواج نموده ای؟ آن مرد گفت: خیر. پـدرم فرمود: من دوست نمی دارم دنیـا و آنچه در آن است را مالـک بـاشم و یـک شب را بـدون همسـر طی کنم. سـپس فرمود: دو رکعت نمـاز مـتزوّج از عبادت یک شبانه روز عزب افضل است سپس پدرم هفت دینار به او داد و فرمود: با اینها ازدواج کن.»

۱- (۱)و قال سبحانه: و من آیاته اَن خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودّه و رحمهً إنّ فی ذلک لآیاتٍ لقومٍ یتفکّرون. (سوره الروم آیه/ ۲۱)

۲- (۲)۲- و فی البحار عن قرب الإسناد عن القداح عن الصادق علیه السلام قال جاء رجل الی ابی فقال له: هل لک زوجه؟ قال: لاـ قـال لا احبّ أنّ لی الـدنیا و ما فیها و انّی ابیت لیلهً لیس لی زوجه، قال: ثم قال: إنّ رکعتین یصلیّهما رجل متزوّج افضل من رجل یقوم لیله و یصوم نهاره أعزب

(۱)امام صادق علیه السلام سپس فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: ازدواج کنید تا روزی شما فراوان شود.»

(۲)۳- در همان کتاب، از خصال صدوق، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «سه چیز وسیله آسایش و راحتی مؤمن است: خانه بزرگی که تأمین آبروی او کند، و زن صالحه و شایسته ای که او را بر امر دنیا و آخرت او یاری دهد، و دختر و یا خواهری که آنها را با ازدواج و یا مرگ از خانه خارج کند.»

(۳)۴- و در همان کتاب، از کتاب خصال صدوق، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که آنحضرت در ضمن حدیث معروف به «چهارصد سخن» خود فرمود: «ای مردم! ازدواج کنید؛ چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها می فرمود: هر که می خواهد پیرو سنت من باشد باید ازدواج کند، و می فرمود: یکی از سنت های من ازدواج است پس ازدواج

۱- (۱)ثمّ اعطاه ابی سبعه دنانیر و قال: تزوّج بهذه. ثمّ قال ابی: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله اتّخذوا الأهل فانّه ارزق لکم. (البحار ج ۱۰۳/۲۱۷ عن قرب الاسناد ص ۱۱)

۲- (۲)۳- و فیه عن الخصال عن الصادق علیه السلام قال: ثلاثه للمؤمن فیهنّ راحه: دار واسعه تواری عورته و سوء حاله من الناس، و امرأه صالحه تعینه علی امرالدنیا و الآخره و ابنه و اخت یخرجها من منزله بموتٍ او بتزویجٍ. (البحار ج ۱۰۳/۲۱۸ عن الخصال ج ۱/۱۰۴)

۳- (۳)۴- و فیه عنه الأربعمأه: قال امیرالمؤمنین علیه السلام : تزوّجوا فإنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله کثیرا ما یقول: من کان یحبّ ان یتّبع سنّتی فلیتزوّج، فانّ من سنّتی التزویج و اطلبوا الولد فانّی اکاثربکم الأمم غدا. (البحار ج ۱۰۳/۲۱۸ الخصال ج ۲/۴۰۵)

کنید و به وسیله ازدواج [از خداوند] طالب فرزند باشید همانا من فردای قیامت با فراوانی امت خود بر امت های دیگر مباهات می کنم.»

(۱)۵- درهمان کتاب، از امالی شیخ طوسی، از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: «زنی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: خدا شما را صالح بدارد، من زن متبتله ای هستم. امام باقر علیه السلام فرمود: مقصود تو از این کلمه چیست؟ او گفت: من هیچ گاه اراده ازدواج نداشته ام. امام علیه السلام فرمود: برای چه؟ آن زن گفت: این را برای خود یک فضیلت و ارزش می دانم. امام علیه السلام به او فرمود: این سخن را رها کن؛ چرا که اگر فضیلت و ارزشی در این کار می بود فاطمه علیهاالسلام که کسی در فضیلت به او نمی رسد به آن سزاوارتر بود.

(۲)۶- در همان کتاب، از امالی شیخ طوسی، از امام صادق، از پدرانش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «هر که ازدواج کند نصف دین خود را حفظ نموده است؛ پس نسبت به نصف دیگر آن از خدا بترسد [که آن را از دست ندهد].»

ص: ۱۹

۱- (۱)۵- و فیه عن امالی الطوسی عن دعبل عن الرضا علیه السلام قال: إنّ امرأةً سألت اباجعفر علیه السلام فقالت: اصلحک اللّه انّی متبتّله فقال لها: و ما التبتّل عندک؟ قالت: لا اُرید التزویج ابدا قال: و لِمَ؟ قالت: التمس فی ذلک الفضل، فقال: انصرفی فلوکان فی ذلک فضل لکانت فاطمه علیهاالسلام احقّ به منک، انّه لیس احد یسبقها الی الفضل. (المصدر ص ۲۱۹ عن الامالی ج ۱/۳۸۰)

۲- (۲)۶- و فیه عنه عن الصادق عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من تزوّج فقد احرز نصف دینه، فلیتقّ اللّه فی النصف الباقی. (المصدر)

(۱)۷- در همـان کتـاب، از ثواب الأعمـال صـدوق، از امام صادق علیه السـلام نقل شـده که فرمود: «دو رکعت نماز کسـی که ازدواج نموده باشد بهتر ازهفتاد رکعت نماز کسی است که عزب باشد.»

(۲)۸- در همـان کتـاب، از کتاب روضه الواعظین، از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نقل شـده که فرمود: «کسـی که دوسـت دارد با پاکی و طهارت خدای خود را ملاقات کند باید با داشتن همسر از دنیا برود.»

(۳)۹- در همان کتاب، از جامع الأخبار، از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نیز نقل شـده که فرمود: «ازدواج و نکاح سـنت من است و هرکه از سنت من اعراض کند از من نخواهد بود.»

(۴)۱۰- و فرمود: «ازدواج کنیـد تا جمعیت شـما زیاد شود؛ همانا من در روز قیامت به وسـیله [جمعیت] شـما بر امت های دیگر مباهات می نمایم، گرچه فرزند سقط شده باشد.»

۱- (۱)۷- و فیه عن ثواب الأعمـال عن الصـادق علیه السـلام قـال: رکعتـان یصـلّیها متزوّج افضـل من سـبعین رکعه یصـلّیها غیر متزوّج. (البحار ج ۱۰۳/۲۱۹ عن ثواب الأعمال ص ۳۷)

۲- (۲)۸- و فیه: قـال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : من احبّ ان یلقی اللّه طـاهرا مطهّرا فلیلقه بزوجهٍ. (المصـدر ص ۲۲۰ عن روضه الواعظین ص ۳۷۳)

۳- (۳)۹- و قال صلی الله علیه و آله : النکاح سنّتی فمن رغب، عن سنّتی فلیس منّی.

۴- (۴)۱۰- و قال صلی الله علیه و آله : تناکحوا تکثروا فانّی اُباهی بکم الأمم یوم القیامه و لوبالسقط. (المصدر ص ۲۲۰)

(۱)۱۱- و فرمود: «کسی که ازدواج کرده باشد اگر درخواب هم باشد، نزد خداوند، از شخص عزب روزه دار و شب بیدار [درعبادت] افضل خواهد بود.»

(۲)۱۲- و رسول خدا صلی الله علیه و آله به شخصی بنام عکاف فرمود: «آیا ازدواج نموده ای؟» گفت: خیر. فرمود: «آیا کنیزی داری؟» گفت: خیر. فرمود: «آیا تمکّن مالی داری؟» گفت: آری. فرمود: «باید ازدواج کنی وگرنه از گناهکاران خواهی بود.»

(۳)۱۳- و فرمود: «بدترین شما عزب ها هستند؛ آنها برادران شیطانند.»

(۴)۱۴- و فرمود: «هرکه بکوشد تا ازدواجی انجام بگیرد خداوند از حورالعین به او تزویج خواهد نمود وبرای هر قدمی که برداشته و هرکلمه ای که به زبان جاری نموده عبادت یک سال برای او نوشته خواهد شد.»

(۵)۱۵- در همان کتاب، از نوادر راوندی، از موسی بن جعفر، از پدرانش، از

۱- (۱)۱۱- و قال صلی الله علیه و آله : المتزوّج النائم افضل عنداللّه من الصائم القائم العزب.
۲- (۲)۱۲- و قال صلی الله علیه و آله لرجلٍ: ألک زوجه؟ قال: لا ـ یا رسول اللّه قال: ألک جاریه؟ قال: لا یا رسول اللّه قال: أفأنت موسرٌ؟ قال: نعم قال تزوّج و الاّ فأنت من المذبنین.
۳- (۳)۱۳- و قال صلی الله علیه و آله : شرارکم عزّابکم و العزّاب اخوان الشیاطین.
۴- (۴)۱۴- و قال صلی الله علیه و آله : خیار امّتی المتأهلون و شرار امّتی العزّاب.
۵- (۵)۱۵- و قال صلی الله علیه و آله : من عمل فی تزویج حلالٍ حتّی یجمع اللّه بینهما زوّجه اللّه من الحورالعین و کان له بکلّ خطوهٍ خطاها و کلمهٍ تکلّم بها عباده سنهٍ. و قال صلی الله علیه و آله : ما من شابٍ تزوّج فی حداثه سنّه الاّ عجّ شیطانه: یا ویله یا ویله عصم منّی ثلثی دینه فلیتّق اللّه العبد فی الثلث الباقی. (البحار ج ۱۰۳/۲۲۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «هیچ جوانی در اوایل جوانی ازدواج نمی کند جز آن که شیطان فریاد می کند: «وای بر من! وای بر من! او دوسوم دین خود را از شرّ من حفظ نمود»، پس باید نسبت به یک سوم باقی مانده از خدا بترسد.»

(۱)۱۶- و فرمود: «عزب های خود را به ازدواج درآورید تا خداوند اخلاق آنان را نیکو و رزق آنان را فراوان و مروّت آنان را زیاد کند.»

انتخاب همسر شایسته

انتخاب همسر مسأله بزرگ و حساس زندگی است و هرگز انسان عاقل، سرنوشت یک عمر دیانت و اسرار و آسایش زندگی و... خود را به دست کسی که از دیانت و اخلاق و عادات و کمالات او آگاهی ندارد نمی دهد. و بیش از همه چیز در انتخاب شریک زندگی اش دقت می کند. این وظیفه برای پدران و مادران نیز وجود دارد.

اسلام با آن همه تشویق و ترغیب به ازدواج و توصیه به این که جوانان پسر و دختر را هرچه زودتر به ازدواج درآورید، در مسأله انتخاب همسر، سفارش اکید نموده که باید پدر و مادر وارسی کنند و همسری که دارای دیانت و اخلاق زندگی باشد برای فرزندان خود انتخاب نمایند وگرنه فرزندان خود را تباه کرده اند.

اینک به بخشی از روایات این موضوع توجه فرمایید:

در بعضی از روایات آمده است که امام علیه السلام می فرماید: «اذاجاءکم من ترضون

۱- (۱)۱۶- و قال صلی الله علیه و آله : زوّجوا ایاماکم فانّ اللّه یحسن لهم فی اخلاقهم و یوسّع لهم فی ارزاقهم و یزیدهم فی مروّاتهم. (المصدر ص ۲۲۲)

خلقه و دینه فزوّجوه والاّـ تکن فی الأرض فتنهٌ و فساد کبیر»؛ (کافی ج ۵/۳۴۷) یعنی اگر کسی که از دیانت و اخلاق او راضی هستید به خواستگاری فرزند شما بیاید دختر خود را به او تزویج کنید وگرنه فتنه و فساد بزرگی رخ خواهد داد [و علت ایجاد چنین فتنه ای شما خواهید بود، زیرا با بهانه های واهی خواستگار را رد نموده اید و یا بدون بررسی از اخلاق و دیانت طرف دختر خود را به او تزویج نموده اید.]

(۱)خداوند در سوره فرقان ضمن بیان صفات بندگان صالح خود می فرماید: «آنان می گویند: پروردگارا، به ما همسران و فرزندانی عطا کن که سبب روشنی چشم ما باشند.»

(۲)و درسوره تحریم، خطاب به زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله که گاهی آن حضرت را آزار می داده اند می فرماید: «امید می رود اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله شما را طلاق دهد، خداوند به جای شما همسران بهتری برای او قرار دهد که آنان مسلمان و مؤمن و تائب و عابد و... باشند.»

اینک به برخی از سخنان معصومین علیهم السلام نیز توجه می کنیم.

۱- (۱)اصناف النساء و الحث علی اختیار خیارهنّ قال اللّه سبحانه: والذین یقولون ربّنا هب لنا من ازواجنا و ذرّیاتنا قرّه اعین واجعلنا للمتقّین اماما. (الفرقان/ ۷۴)

۲- (۲)و قال سبحانه: عسی ربّه ان طلّقکنّ أن یبدله ازواجا خیرا منکنّ مسلماتٍ مؤمناتٍ قانتاتٍ تائباتٍ عابداتٍ سائحاتٍ ثیّباتٍ و ابکارا. (التحریم/۵)

(۱)۱- علامه مجلسی، درکتاب بحار، از امالی مفید، از حضرت رضا، از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نموده که فرمود: «بهترین زن های شما دارای پنج خصلت هستند.» گفته شد: آن پنج خصلت چیست؟ فرمود: «آنها دارای برخورد شیرین و لیّن هستند، و از شوهران خود اطاعت می کنند، و اگر شوهرانشان نسبت به آنان خشم کنند می کوشند تا آنان را راضی نمایند، و در نبودن همسران خود امانت دار آنان هستند، و حق آنان را ضایع نمی کنند [یعنی مال شوهر خود را حفظ می کنند و خود را نیز که امانت او هستند از مردان نامحرم حفظ می نمایند].»

سپس فرمود: چنین زن هایی کار پردازان الهی هستند که خسران ندارند.»

(۲)۲- و در همان کتاب، از معانی الأخبار، از امام صادق علیه السلام ، از پدرانش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ای مردم! از سبزی هایی که در محل های آلوده روییده است دوری کنید.» گفته شد: مقصود شما چیست؟ فرمود: «مقصود من زن زیبایی است که در خانواده فاسد رشد نموده باشد.»

ص :۲۴

۱- (۱)۱- فی البحار عن امالی الطوسی عن الرضا عن آبائه علیهم السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه السلام : خیر نساءکم الخمس: [فقیل: و ما الخمس؟] قال: الهیّنه اللیّنه المواتیه الّتی اذا غضب زوجها لم تکتحل بغمضٍ حتّی یرضی، و الّتی اذا غاب زوجها حفظته فی غیبته فتلک عامله من عمال اللّه لا تخیب. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۱)

۲- (۲)۲- و فیه عن معانی الأخبار عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیهم السلام : انّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال للناس: ایّاکم و خضراء الدمن، قیل: یا رسول اللّه و ما حضراء الدمن؟ قال: المرأه الحسناء فی منبت السوء.

(1)۳- در همان کتاب، از ابراهیم کرخی نقل شده که گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: همسر موافق و خوبی داشتم از دنیا رفت و تصمیم دارم باز همسری انتخاب کنم. امام صادق علیه السلام فرمود: «بنگر با که می خواهی زندگی کنی و چه کسی را می خواهی شریک مال خود و مطلع از دین و اسرار و امانت های خود بگردانی؟ پس اگر تو را چاره ای از ازدواج نیست با زن باکره معروف به خیر و از خانواده ای خوشنام و دارای اخلاق نیک ازدواج کن و بدان که زن ها، چنان که شاعر در شعر خود بیان کرده. سه قسم هستند:

(2)۱- زنی که فرزندآور و اهل محبت است و در امور دنیا و آخرت به شوهر خود کمک می کند و در سختی ها صابر و باوفا می باشد.

ص: ۲۵

۱- (۱)۳- و فیه عنه: عن ابراهیم الکرخی قال: قلت لأبیعبداللّه: انّ صاحبتی هلکت و کانت لی موافقه و قد هممت ان اتزوّج فقال: انظر این تضع نفسک و من تشرکه فی مالك و تطلعه علی دینک و سرّك و امانتک، فان کنت لابدّ فاعلاً فنکرا تنسب الی الخیر و الی حسن الخلق و اعلم [انّهنّ کما قال الشاعر:]

۲- (۲)الا إنّ النساء خلقن شتّی فمنهنّ الغنیمه و العزام و منهنّ الهلال اذا تجلیّ لصاحبه و منهنّ الضلام فمن یظفر بصالحهنّ یسعد و من یغبن فلیس له انتقام و هن ثلاث: فامرأه ولود ودود تعین زوجها علی دهره لدیناه و لآخرته و لاتعین الدهر علیه، و امرأه عقیم لاذات جمال و لاخلق و لاتعین زوجها علی خیرٍ، و امرأه صخّابه ولّاجه همّازه تستقلّ الکثیر و لاتقبل الیسیر. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۲ عن معانی الأخبار ص ۳۱۷)

۲- زنی که عقیم و نـازا است و از جمال ظاهری و اخلاق خوب بی بهره است و در هیـچ کار خیری به شوهر خود کمک نمی کند.

۳- زنی که فراوان شـیون می کنـد و در خانه آرام نمی گیرد و زیاد عیب جویی می کنـد و احسان فراوان همسـر خود را ناچیز می داند و احسان ناچیز او را نمی پذیرد.»

(۱)۴- در همان کتاب، از معانی الأخبار، از بعضـی از اصـحاب امام صادق علیه السـلام نقل شده که گویند: از امام صادق علیه السلام شنیدیم که فرمود: «زن برای انسان مانند قلاده ای است که به گردن می اندازند. پس دقت کن چه چیزی را می خواهی به گردن خود بیندازی؟»

سپس فرمود: «برای زن خوب و زن بـد نمی توان قیمتی تعیین نمود امـا ارزش زن خوب هرگز [برابر] طلا و نقره نیست بلکه از طلا و نقره بالاتر است، و زن بد را با خاک [هم] نمی شود مقایسه نمود، چرا که از خاک پست تر است.»

(۲)۵- در همان کتاب، از مکارم الأخلاق، از حضرت کاظم علیه السلام نقل شده که

ص: ۲۶

۱- (۱)۴- و فیه عنه عن بعض اصـحابنا قال: سـمعت اباعبـداللّه علیه السـلام یقول: انّما المرأه قلّاده فانظر ماتتقلّد، و لیس لإمرأهٍ خطر لاالصالحتهنّ و لاالطالحتهنّ فأمّا صالحتهنّ فلیس خطرها الـذهب و الفضّه هی خیر من الـذهب و الفضّه و امّا طالحتهنّ فلیس خطرها التراب التراب خیرمنها. (البحارج ۱۰۳/۲۳۳ معافی الاخبار ص ۱۴۴)

۲- (۲)۵- البحار عن مکارم الأخلاق عن الحسـین بن بشّار قال: کتبت الی ابی الحسن علیه السـلام : انّ لی قرابه قد خطب الیّ و فی خلقه سوء قال: لا تزوّجه ان کان شیّی ء الخلق. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۴ مکارم الأخلاق ص ۲۳۲)

حسین بن بشار گوید: نامه ای به آن حضرت نوشتم که یکی از خویشان من از دخترم خواستگاری نموده اما اخلاق او خوب نیست. امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «اگر بد خلق است، دخترت رابه او تزویج مکن.»

(۱)۶- در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «کسی که فقط برای زیبایی یک زن با او ازدواج کند، هرگز از جمال و زیبایی آن زن استفاده نخواهد نمود؛ و کسی که برای ثروت یک زن با او ازدواج کند، خداوند او را به خودش واگذار خواهد کرد. پس بر شما باد که با زن های با دیانت ازدواج کنید.»

(۲)۷- در همان کتاب، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: [می دانید] بهترین عمل زن ها چیست؟ [کسی پاسخ نداد]. پس فاطمه علیهاالسلام فرمود: بهترین عمل زن ها این است که مردهای نامحرم را نبینند و مردهای نامحرم نیز آنان را نبینند. رسول خدا صلی الله علیه و آله از این پاسخ فاطمه تعجب نمود و فرمود: فاطمه پاره تن من است.»

(۳)۸- در همان کتاب، از کتاب غایات نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب

۱- (۱)۶- و فیه عن روضه الواعظین: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله :من تزوّج امرأهً لایتروّجها الاّ لجمالها لم فیها ما یحبّ، و من تزوّجها لمالها لا یتزوّجها الاّ و کله اللّه الیه فعلیکم بذات الدین. (المصدر ص ۲۳۵ روضه الواعظین ص ۴۷۴)

۲- (۲)۷- و فیه عن مصباح الأنوار: روی عن امیرالمؤمنین علیه السلام أنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال: اخبرونی ایّ شی ءٍ خیرللنساء؟ فقالت فاطمه علیهاالسلام : ان لایرین الرجل و لایراهنّ الرجال، فاعجب النبیّ صلی الله علیه و آله و قال: انّ فاطمه بضعه منّی. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۸)

۳- (۳)۸- و فیه عن کتاب الغایات: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : الأ اخبرکم بخیرنسائکم؟ قلنا بلی یا رسول اللّه قال: إنّ من خیرنسائکم الولود الودود السیتره العفیفه العزیره فی اهلها الذلیله مع بعلها، الحصان مع غیره، التی تسمع له و تطیع امره، اذا خلابها بذلت ما اراد منها. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۹ الغایات ص ۹۰)

خود فرمود: «به شما بگویم که بهترین زنان شما کیانند؟» اصحاب گفتند: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین زنان شما زنی است که عقیم نباشد و مهربان و پوشیده و عفیف باشد؛ بین اهل و خویشان خود عزیز و برای شوهر خود ذلیل باشد؛ خود را از غیر شوهر مصون دارد و مطیع شوهر خود باشد و چون با او خلوت نماید آنچه او می خواهد در اختیار او گذارد.»

(۱)۹- و فرمود: «به شما بگویم که بدترین زنان شما کیانند؟» اصحاب گفتند: آری، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بدترین زنان شما زن نازا و عقیمی است که از هیچ عمل زشتی پرهیز نمی کند و چون شوهر او غایب باشد زینت های خود را بر دیگران آشکار می سازد ولی نسبت به شوهر خود امتناع می ورزد و به حرف او گوش نمی دهد و دستور او را اطاعت نمی کند و چون با او خلوت می کند مانند حیوان چموش از او امتناع می ورزد و عذر او را نمی پذیرد و از خطایش نمی گذرد.»

۱- (۱)۹- و قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ألا اخبرکم بشرّنسائکم؟ قالوا: بلی یا رسول اللّه قال: إنّ من شرّ نسائکم العقیم الحقود الّتی لاتتورّع من قبیح المتبرّجه اذاغاب عنها بعلها، الحصان مع بعلها، التی لاتسمع قوله و لا تطیع امره، اذا خلابها بعلها تمنّعت علیه تمنّع الصعب عند رکوبها، ولا تقبل منه عذرا و لاتغفرله ذنبا. (البحار ج ۱۰۳/۲۳۹ الغایات ص۹۲)

(۱)۱۰- و فرمود: «بدترین چیزها و سخت ترین دشمن مؤمنین زن های ناشایسته هستند.»

(۲)۱۱- و فرمود: «بدترین زن های شما زن بی حیای عبوس و فحاش و سخن چین است.»

معیار برابری و کفویت در ازدواج

در اسلام، معیار ارزش انسان، معرفت و تقوا و عبودیت او و نسبت به ذات مقدس الهی است. این معیار، وسیله ای برای سنجش ارزشیابی در همه ابعاد زندگی و شخصیت انسان هاست. با این معیار، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، ارزش های کاذب و دروغین زمان جاهلیت را ابطال فرمود و کسانی را که مردم جاهلی با اعتبارات خود شریف می پنداشتند بی اعتبار و کسانی که آنها را ناچیز و پست می شمردند عزیز و سربلند نمود.

در مسأله کفویت زن و مرد نیز با معیارهای زمان جاهلیت مبارزه شد و معیار شرافت و شخصیت از عناوینی مثل نسب و مال و رنگ و عشیره و قبیله خارج گردید و منحصر در معرفت و ایمان و تقوا شد. البته عده ای هنوز معیارهای غلط زمان جاهلیت را رها نکرده اند و همانند آن زمان فکر و عمل می کنند. قانون اسلام در این مسأله بسیار روشن و واضح است.

ص: ۲۹

۱- (۱)۱۰- و قال صلی الله علیه و آله : شرّ الأشیاء المرأه السوء.

۲- (۲)۱۱- و قال صلی الله علیه و آله : اغلب اعداء المؤمنین زوجه السوء. (المصدر ص ۲۴۰ الغایات ص۹۲)

اینک به سخنان معصومین علیهم السلام و سیره عملی آنان در مسأله کفویت و ازدواج و انتخاب همسر توجه فرمایید تا این حقیقت برای شما روشن گردد.

(۱)۱- درکتاب وسائل الشیعه، از ابوحمزه ثمالی نقل شده که گوید: من خدمت حضرت باقر علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت گفت: من از دختر یکی از دوستان شما، به نام ابن ابی رافع، خواستگاری نمودم و او مرا برای زشتی صورت و غربت و فقری که دارم رد نمود.

امام باقر علیه السلام چون این سخنان را شنید به او فرمود: «برخیز نزد او برو و از جانب من به او بگو: محمدبن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام می فرماید: دختر خود را به من تزویج کن.»

ابوحمزه گوید: سپس امام باقر علیه السلام فرمود: «مردی از یمامه، به نام جویبر، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله به اسلام مشرّف شد و در مسلمانی خود پایدار بود لکن مردی کوتاه قد، زشت رو و فقیر و برهنه و از سودانی ها بود... روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱- (۱)الکفویّه فی الزواج۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی حمزه الثمالی قال: کنت عند ابی جعفر علیه السلام له رجل: انّی خطبت الی مولاک فلان بن ابی رافع ابنته فلانه فردّنی و رغب عنّی وازدرانی لدمامتی و حاجتی و غربتی، فقال أبوجعفر علیه السلام : اذهب فأنت رسولی إلیه، فقل له: یقول لک محمّدبن علی بن الحسین بن علیّ بن أبی طالب: زوّج منجح بن ریاح مولای بنتک فلانه، و لاتردّه «إلی أن قال:» ثمّ قال أبوجعفر علیه السلام : انّ رجلا کان من أهل الیمامه یقال له: جویبر أتی رسول اللّه صلی الله علیه و آله منتجعا للاسلام فأسلم و حسن اسلامه، و کان رجلا قصیرا دمیما محتاجا عاریا، و کان من قباح السّودان «إلی أن قال:»

از روی محبت و رقت به او نظر کرد و فرمود: ای جویبر! ای کاش همسری می گرفتی و به وسیله آن عفّت خود را تأمین می کردی و او برای دنیا و آخرت تو یار و یاورت می بود.

جویبر گفت: یا رسول اللّه! پدر و مادرم فدای شما باد! کدام زنی به من رغبت پیدا می کند؟ به خدا سوگند، من از حسب و نسب و مال و جمال محروم هستم، چه زنی به من توجه می کند؟

(۱)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جویبر! بدان که خداوند به برکت اسلام کسانی را که در زمان جاهلیت شریف و عزیز بودند پست و بی ارزش نمود و کسانی را که پست و بی ارزش بودند شرافت و عزّت داد و نخوت ها و مفاخرت های زمان

۱- (۱)وإنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله نظر إلی جویبر ذات یوم برحمه له ورقّه علیه فقال له: یا جویبر لو تزوّجت امرأه فعففت بها فرجک و أعاتنک علی دنیاک و أخرتک، فقال له جویبر: یا رسول اللّه بأبی أنت و أمّی من یرغب فیّ فواللّه ما من حسب ولا- نسب ولا- مال ولاجمال، فأیّه امرأه ترغب فی؟ فقال له رسول اللّه صلی الله علیه و آله : یا جویبر انّ اللّه قد وضع بالاسلام من کان فی الجاهلیه شریفا، و شرّف بالاسلام من کان فی الجاهلیه وضیعا، و أعزّ بالاسلام من کان فی الجاهلیه ذلیلا، و أذهب بالاسلام ماکان من نخوه الجاهلیّه و تفاخرها بعشایرها و باسق أنسابها، فالناس الیوم کلّهم أبیضهم و أسودهم و قرشیهم و عربیهم و عجمیّهم من آدم، و انّ آدم خلقه اللّه من طین، و انّ أحبّ الناس إلی اللّه أطوعهم له و أتقاهم، و ما أعلم یا جویبر لأحد من المسلمین علیک الیوم فضلا إلّا لمن کان أتقی للّه منک و أطوع، ثم قال له: انطلق یا جویر إلی زیاد بن لبید فانّه من أشرف بنی بیاضه حسباُ فیهم، فقل له:

جاهلی که به عشیره و قبیله و انساب خود تکیه داشتند را از بین برد و امروز همه مردم، از سیاه و سفید و قریشی و عربی و عجمی، یکسان هستند، همه آنان فرزندان آدم علیه السلام می باشند و آدم را خدا از خاک آفرید و عزیزترین و محبوب ترین مردم نزد خداوند کسانی هستند که تقوا و اطاعت آنان در مقابل خداوند بیشتر باشد و امروز من کسی را بهتر از تو بین مسلمانان نمی دانم، جز آن که تقوا و ورع او بیشتر از تو باشد!

(۱)سپس به جویبر فرمود: از طرف من نزد زیادبن لبید که بزرگ قبیله بنی بیاضه است می روی و می گویی: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تو پیام آورده ام و او به تو دستور داده که دختر خود دلفاء را به من تزویج کنی.»

در پایان این حدیث آمده است که زیادبن لبید خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و آن حضرت به او فرمود: «جویبر، مؤمن است و مؤمن همتا و برابر با مؤمنه است،»؛ یعنی مرد مؤمن [از جهت ارزش] با زن مؤمنه برابر است، چنان که مرد مسلمان نیز با زن مسلمان برابر است. سپس فرمود: «دخترت را به جویبر تزویج کن و او را رد مکن.»

مؤلف گوید: در ذیل این حدیث در کافی (ج ۵/۲۴۰) آمده است که پس از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله زیاد بن لبید دختر خود را به جویبر تزویج نمود و برای او خانه و لوازم زندگی و لباس مناسب تهیه کرد ولی جویبر چون داخل حجله زفاف

۱- (۱)انّی رسول اللّه صلی الله علیه و آله إلیک، و هو یقول لک زوّج جویبرا بنتک الدلفاء الحدیث، و فیه انّه زوّجه ایّاها بعد ما راجع النّبیّ صلی الله علیه و آله ، فقال له: یا زیاد جویبرمؤمن و المؤمن کفوالمؤمنه، و المسلم کفوا لمسلمه فزوّجه یا زیاد و لا ترغب عنه. (الوسائل ج ۱۴/۴۳ الفروع ج ۲/۸)

شد و این همه نعمت را مشاهده نمود با خود عهد کرد که برای شکر این نعمت ها سه شبانه روز خدا را عبادت کند و پس از آن از همسرش استفاده نماید.

از این رو جویبر در کنار عروس مشغول عبادت شد و روزها را روزه می گرفت و چون شب ها مشغول عبادت بود عمل زفاف به تأخیر افتاد و زیاد بن لبید خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول اللّه! شما ما را امر فرمودید که دختر خود را به این عجم سیاه بدهیم در حالی که او نیاز به ازدواج ندارد و در این سه شبانه روز فقط به عبادت مشغول بوده است!

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله جویبر را طلب نمود و به او فرمود: «مگر تو نگفتی نیاز به همسر داری؟» جویبر گفت: آری، چنین است لکن من خواستم در مقابل نعمت های الهی ادای شکری کرده باشم و با خود عهد کردم که تا سه روز عبادت خدا را نکنم از این نعمت ها استفاده ننمایم و امشب رضایت آنان را حاصل خواهم نمود.

در پایان این حدیث نیز آمده است که چیزی نگذشت که جویبر در یکی از جنگ ها به امر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرکت نمود و به فیض شهادت رسید.

قانون ازدواج موقت و دایم

(۱)خداوند در سوره مؤمنون صفات و نشانه های مؤمنان را برشمرده و

۱- (۱)المتعه و ثوابها قال اللّه سبحانه: والذینهم لفروجهم حافظون الاّ علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فإنّهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون (المؤمنون/۶) و قال سبحانه: و احلّ لکم ماوراء ذلکم ان تبتغوا بأموالکم محصنین غیر مسافحین فما استمتعتم به منهنّ فآتوهنّ اُجورهنّ فریضهً ولاجناح علیکم فیما تراضیتم به من بعد الفریضه انّ اللّه کان علیما حکیما. (النساء /۲۴)

می فرماید:... مؤمن ها خود را از بهره وری و آمیزش با زنان جز همسـران و کنیزان خود حفظ می کنند. و کسانی که بخواهند از زن های غیرقانونی تمتع و بهره گیری کنند متجاوز شناخته می شوند.»

بنابراین جز کنیزان زر خرید تنها راه اسـتفاده و بهره وری از زن های دیگر به وسـیله ازدواج امکان پذیر است و مطابق مدارک قرآنی و روایی بین شیعه و اهل تسنّن ازدواج یا دایم است و یا موقت.

ازدواج دایم مـورد اتفـاق همه فرق اسـلامی است ولی ازدواج موقت، در اثر حوادثی که بر اسـلام و مسـلمین رخ داده، توسـط خلیفـه دوم ممنـوع گردیـده است. او گرچه گفته من آن را حرام نکرده ام بلکه تنهـا از آن جلـوگیری نمـوده ام لکن پیروان او یعنی (اهل تسـنن) آن را حرام می دانند. و در بعضی از روایات معروف و مشهور آمده است که عمربن خطاب خود تصریح به مشروعیت متعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نموده و می گوید: «متعتان کانتا محلّلتان زمن رسول اللّه و انا احرّمهما و اعاقب علیهما.»

یعنی دو چیز بود که در زمـان رسول خـدا صـلی الله علیه و آله حلاـل بود و من آنها را حرام می کنم و کسـی که مرتکب آنها شود مجازات خواهم نمود [یکی عقد موقت و دیگر تمتّع در حج].

شگفتا که او با اعتراف به حلال بودن آنها در زمان پیامبر صـلی الله علیه و آله به خود جرأت داده که حلال خـدا و رسول او را حرام نماید!

ص :۳۴

البته این تحریم بعد از گذشت دوران خلافت خلیفه اول (ابوبکر) و بعد از گذشت چهارسال از خلافت خلیفه دوم (عمربن خطاب) روی داده است. او چون دید خواهرش فرزندی در آغوش دارد، از او پرسید: این فرزند را از کجا آورده ای؟ او گفت: از راه متعه و عقد موقت به دست آمده پس عمر عصبانی و خشمناك شد و گفت: از این زمان به بعد کسی حق ندارد از زنی به عنوان عقد موقت و متعه استفاده کند و...

و عجیب آن بود که در آن جلسه احدی به او اعتراض نکرد که تو مگر قانون گذار هستی و یا از طرف خداوند دستوری برای تو آمده است که برخلاف حکم خدا و رسول او صلی الله علیه و آله حکم می کنی؟ البته عدم اعتراض مردم از ترس تازیانه او بود و او نیز اولین بار نبود که در دین خدا بدعت می گذارد. مرحوم علامه سیّد شرف الدین کتاب مبسوطی را در باره بدعت ها و اجتهادهای عمربن خطاب به نام «النص و الاجتهاد» نوشته و اخیرا به عنوان «اجتهاد در مقابل نص» ترجمه شده است.

ولی در زمان های بعد انتقادات زیادی به اوشد و حتی نقل شده است که هارون الرشید با حالت خشم و عصبانیت شدید سخن عمر را زمزمه می کرد و می گفت: «متعتان کانتا محلّلتان فی زمن رسول اللّه و انا احرّمهما و اعاقب علیهما» و سپس می افزود: «من انت یا جعّل؟»؛ یعنی ای سوسک سیاه تو چه کاره بودی که چیزی را که خدا و رسول او صلی الله علیه و آله حلال نموده حرام کردی؟!

از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است که فرمود: «اگر عمربن خطاب متعه و عقد موقت را حرام نکرده بود احدی جز افراد شقی و بدسیرت به زنا آلوده نمی شد.» از این رو، همه زناهای بعد از این تحریم به عهده عمر نیز خواهد

بود.

اکنون به بخشی از آیات قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام در باره مشروعیت و استحباب عقد موقت توجه فرمایید:

خداوند در سوره مبارکه نساء، بعد از ذکر زن هایی که ازدواج با آنها حرام است می فرماید: «و جز آنها ازدواج با بقیه زن ها برای شما حلال است تا شما با اموال خود، به صورت مهریه و یا خریدن کنیز [مطابق قانون]، نه از راه زنا، آنان را برای خود حلال نمایید. و در مقابل بهره و استمناعی که از آنان می برید واجب است پاداش آنان را [که همان مهریه است] به آنان پرداخت کنید.»

در کتاب کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «متعه و عقد موقت در قرآن آمده و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر آن جاری بوده است.» و از امام باقر علیه السلام نیز، چنان که گذشت، نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام همیشه می فرمود: «اگر قبل از من پسر خطاب متعه را حرام نکرده بود جز افراد شقی و بدسیرت زنا نمی کردند.»

(۱)۱- علامه مجلسی، از کتاب احتجاج نقل نموده که حمیری نامه ای خدمت

۱- (۱)۱- البحار عن الإحتجاج: كتب الحميرى الى الناحيه المقدسه سائلاً عن الرجل ممّن يقول بالحق و يرى المتعه و يقول بالرجعه إلّا أنّ له اهلاً موافقه له فى جميع اموره و قدعاهدها ان لايتزوّج عليها و لايتمتّع و لايتسرّى و قد فعل هذا مذتسع عشره سنه و وفى بقوله فرّبما غاب عن منزله الأشهر فلايتمتّع و لايتحرّك نفسه ايضا لذلك و يرى أنّ وقوف من معه من اخٍ و ولدٍ و غلامٍ و وكيل و حاشيهٍ ممّا يقلله فى اعينهم و يحبّ المقام على ما هو عليه محبّةً لأهله و ميلاً اليها و صيانتا لها لنفسه لالتحريم المتعه بل يدين اللّه بها فهل عليه فى ترك ذلك مأثم ام لا؟ فخرج الجواب: يستحبّ له ان يطيع اللّه تعالى بالمتعه ليزول عنه الحلف فى المعصيه و لومرّةً واحدةً. (البحار ج ۱۰۳/۲۹۸ الإحتجاج ج ۲/۳۰۶)

حضرت بقیه اللّه علیه السلام فرستاد و سؤال نمود که مردی از موالیان شما که اعتقاد به متعه و رجعت شما دارد، با همسر خود پیمان بسته که همسر دیگری و یا کنیزی را بر سر او نیاورد و مدت نوزده سال است که به این پیمان وفا نموده و بسا ماه ها از منزل خود دور می شود و برای آن پیمان و حفظ آبروی خود نزد آشنایان و تأمین رضایت همسر خود سراغ متعه نمی رود گرچه آن را حرام نمی داند و معتقد به حلیت آن است. آیا خودداری از متعه برای او حرام بوده و مرتکب گناه شده است؟

پس حضرت بقیه اللّه علیه السلام پاسخ داد: «مستحب است در باره متعه ولو یک بار از خدا اطاعت کند تا عهد وپیمانی که در معصیت خدا انجام داده از بین برود.»

(۱)۲- در همان کتاب، از کتاب قرب الاسناد نقل شده که شخصی به نام ازدی گوید: از امام صادق علیه السلام در باره متعه سؤال نمودم، امام صادق علیه السلام فرمود: «من خوش ندارم مسلمان از دنیا برود و یکی از سنت ها و خصلت های رسول خدا صلی الله علیه و آله به عهده او باقی مانده باشد و آن را انجام نداده باشد.»

(۲)۳- در همان کتاب، از کتاب «رساله المتعه» شیخ مفید، از ابوبصیر نقل شده

ص: ۳۷

۱- (۱)۲- و فیه عن قرب الإسناد: ابن سعد، عن الأزدی قال: سألت اباعبداللّه علیه السلام عن المتعه فقال: اکره له ان یخرج من الدنیا و قد بقیت علیه خلّه من خلال رسول اللّه صلی الله علیه و آله لم یقضها.(المصدر عن قرب الاسناد ص ۲۱)
۲- (۲)۳- و فی البحار: عن أحمد بن محمّد بن عیسی، عن علی بن أبی حمزه البطاینی، عن أبی بصیر قال: دخلت علی أبی عبداللّه علیه السلام فقال: یا أبامحمّد تمتّعت منذ خرجت من أهلك بشی ء من النّساء؟ قلت: لا، قال: و لم؟ قلت: مامعی من النفقه یقصر عن ذلک، قال: فأمر لی بدینار وقال: أقسمت علیک إن صرت إلی منزلک حتّی تفعل قال: ففعلت. (البحارج ۱۰۳/۳۰۶)

که گویـد: من بر امام صادق علیه السـلام وارد شـدم، ناگهان به من فرمود: «آیا از وقتی که از همسـر خود جدا شده ای تاکنون متعـه کرده ای؟» گفتـم: خیر. فرمـود: «برای چه؟» گفتم: نفقه و مـالی که همراه دارم گنجـایش آن رانـدارد. چـون چنین گفتم دسـتور داد تا دیناری به من دادند و فرمود: «من تو را سوگند می دهم که تا به منزل خود باز نگشـته ای متعه ای انجام دهی.» و من به دستور آن حضرت عمل کردم.

(۱)۴- در همان کتاب، شـیخ مفید، از شخصـی به نام عقبه نقل نموده که گوید: به امام باقر علیه السـلام گفتم: آیا برای متعه و عقـد موقت ثوابی هست؟ امـام علیه السـلام فرمود: «اگر برای خـدا و مخالفت با عمربن خطاب باشـد هر کلمه ای که با او (زن متعه ای) می گویـد خداونـد حسـنه ای برای او می نویسـد و چون به او نزدیـک می شود خداونـد گناهی را از او می بخشـد و چـون غسـل می کنـد خداونـد به انـدازه هر مویی که آب بر آن جـاری می شود گناهـان او را می آمرزد.» گفتم: به انـدازه هر مویی؟ فرمود: «آری، به اندازه هر مویی.»

ص: ۳۸

۱- (۱)۴- و فیه: عن أحمـدبن محمّـد بن عیسی،عن محمّـد بن الحسن، عن محمّد بن عبداللّه عن صالح بن عقبه، عن أبیه، عن الباقر علیه السـلام قال: قلت: للتمتّع ثواب؟ قال: إن کان یریـد بذلک اللّه عزَّوجلَّ و خلافا لفلان لم یکلّمها کلمه إلاّ کتب اللّه له حسـنه، و إذادنا منها غفر اللّه له بـذلک ذنبا، فاذا اغتسل غفراللّه له بعدد ما مرّ الماء علی شـعره، قال: قلت: بعدد الشـعر؟ قال: نعم بعدد الشعر.

(۱)۵- در همـان کتـاب، از امام باقر علیه السـلام نقل شـده که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «چون من به معراج رفتم جبرئیـل نزد من آمـد و گفت: ای محمـد! خداونـد عزّوجـلّ می فرمایـد: همانا من مردهایی که [در دنیا] متعه انجام داده انـد را بخشیدم.»

(۲)۶- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هیچ مردی نیست که متعه انجام دهد و پس از آن غسل نمایـد، جز این که خداونـد از هر قطره آبی که از غسـل او می ریزد هفتاد ملک را خلق می کنـد که تا قیامت برای او اسـتغفار نمایند و بر هر که از متعه پرهیز می کند لعنت نمایند.»

(۳)۷- در همان کتاب، از کتاب متعه شیخ مفید، از بشربن حمزه، از مردی از

۱- (۱)۵- و فیه: عن أحمـدبن علی [کـذا] عن البـاقر علیه السـلام قـال: قـال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : لمّا اُسری بی إلی السّماء لحقنی جبرئیل فقال: یا محمّد إنَّ اللّه عزَّوجلَّ یقول: إنّی قدغفرت للمتمتّعین من النساء. (البحار ج ۱۰۳/۳۰۶)

۲- (۲)۶- و فیه: عن أحمدبن محمّد، عن موسـی بن علیّ بن محمّد الهمدانی عن رجل سـمّاه، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: مـا من رجل تمتّع ثمّ اغتسل إلا خلق اللّه من کلِّ قطره تقطر منه سـبعین ملکا یسـتغفرون إلی یوم القیامه و یلعنون متجنّبها إلی أن تقوم السّاعه، و هذا قلیل من کثیر فی هذا المعنی. (البحار ج ۱۰۳/۳۰۷)

۳- (۳)۷- و فیه: عن ابن قولویه، عن محمّـد بن یعقوب، عن محمّـد بن یحیی عن أحمدبن محمّد، عن علیٍّ بن الحکم، عن بشـر بن حمزه، عن رجـل من قریش قـال: بعثت إلیَّ ابنه عمه لی لهـا مـال کثیر: قـد عرفت کثره من یخطبنی من الرجـل و لم اُزوّجهم نفسـی و مـا بعثت الیک رغبه فی الرِّجال غیر أنّه بلغنی أنَّ المتعه أحلّها اللّه فی کتابه و سـنّتها رسول اللّه صـلی الله علیه و آله فی سنّته فحرَّمهـا عمر فـأحببت أن اُطیع اللّه و رسوله و أعصـی عمرفتزوّجنی متعه، فقلت لها حتّی أدخل علی أبی جعفر علیه السـلام فأستشیره فدخلت علیه فاستشرته فقال: افعل. (البحار ج ۱۰۳/۳۰۷)

قریش نقل شده که گوید: دختر عمه من که صاحب مال فراوانی بود به من پیغام داد: تو می دانی که مردان زیادی از من خواستگاری کرده اند ومن با آنان ازدواج نکرده ام و اکنون نه برای علاقه به مردها برای تو پیغام فرستادم بلکه چون خداوند متعه را در قرآن حلال نموده و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز آن را سنت قرار داده است و عمر آنرا حرام نموده من دوست داشتم که خدا و رسول او را اطاعت کنم واز گفته عمر تخلّف نمایم و تو با من به طور متعه ازدواج کنی. پس من در پاسخ او گفتم: باید با حضرت باقر علیه السلام مشورت کنم و چون خدمت آن حضرت رسیدم و با او مشورت نمودم فرمود: «به آنچه گفته است عمل کن.»

قانون مهر و احکام آن در اسلام

(۱)علت این که در ازدواج، مرد باید مهر بپردازد و زن حق دارد آن را دریافت نماید، بااین که زن و مرد از جهت استفاده جنسی از یکدیگر مساوی هستند بلکه زن

۱- (۱)المهر و احکامه فی الإسلام قال اللّه سبحانه: و آتوا النساء صدقاتهنّ نحلةً فان طبن لکم عن شی ءٍ منه نفسا فکلوه هنیئا مریئا. (النساء /۴) و قال سبحانه: و ان طلّقتموهنّ من قبل ان تمسّوهنّ و قد فرضتم لهنّ فریضه فنصف ما فرضتم إلاّ أن یعفون او یعفو الذی بیده عقده النکاح و ان تعفوا اقرب للتقوی و لاتنسوا الفضل بینکم إن اللّه بما تعملون بصیر. (البقره ۲۳۷/۲۳۶)

غریزه بیشتری دارد و چنان که در روایتی آمده غریزه زن ده برابر مرد است و اگر حیا را خداوند مانع او قرار نداده بود او به طرف مرد می رفت این است که خداوند مرد را قیّم و مدیر زندگی قرار داده و نیازهای زن را به عهده او گذاشته و زن را از تجارت و معامله در بازارها منع نموده است.

از سویی، زن باید خود را کاملاً در اختیار مرد قرار دهد و بدون اجازه او از خانه خارج نشود و جز در واجبات و محرمات باید تابع دستور مرد خود باشد به طوری که مرد بتواند هر لذت مشروعی را از او ببرد و در یک کلمه زن در حقیقت با ازدواج نمودن خود را به همسر خود می فروشد و مرد خریدار اوست و البته انسان چیزی را که می خرد باید عوض و ثمن آن را بپردازد. و مهر در واقع همان ثمن و عوض است بنابراین مهر یک بدهکاری مسلّم است و زن حق دارد قبل از آن که خود را در اختیار مرد بگذارد آن را دریافت نماید. ودر مورد ادای مهر خداوند در قرآن فرموده است: «و آتو النساء صدقاتهنّ نحلهً فان طبن لکم عن شیءٍ منه فکلوه هنیئا مرئیا»؛ یعنی مهر زن های خود را بپردازید و اگر آنان چیزی از آن را از روی رضایت به شما بخشیدند برای شما گوارا و حلال خواهد بود.

و در آیه ۲۰ سوره نساء می فرماید: «و ان اردتم استبدال زوج مکان زوج و آتیتم احدیهنّ قنطارا فلا تأخذوا منه شیئا أتأخذونه بهتانا و اثما مبینا»؛ یعنی اگر خواستید همسری را طلاق دهید و همسر دیگری انتخاب کنید آنچه برای همسر اول مهر قرار داده اید [باید به او بدهید و اگر به او داده اید] نباید چیزی ازآن را پس بگیرید گرچه مال فراوان باشد، آیا از روی گناه و بهتان مهری که [قرار] داده اید پس می گیرید؟!

اینک به بعضی از سخنان معصومین علیهم السلام در باره قانون مهر و مقدار آن توجه

فرمایید:

(۱)۱- علامه مجلسی در کتاب بحار، از علل و عیون صدوق، از حسین بن خالد نقل نموده که گوید: به حضرت کاظم علیه السلام گفتم: فدای شما شوم! به چه علت مهر زن ها (مهرالسّنّه) پانصد درهم، معادل دوازده و نیم اوقیه، تعیین شده است؟

امام علیه السلام فرمود:

«به این علت که خدای تبارک و تعالی بر خود لازم و واجب نموده که اگر مؤمنی صد مرتبه اللّه اکبر و صد مرتبه سبحان اللّه و صد مرتبه الحمدللّه و صد مرتبه لااله الاّ اللّه بگوید و صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او صلی الله علیه و آله بفرستد و سپس بگوید: خدایا، حورالعین بهشتی را به من تزویج کن، خداوند حورالعین را به اوتزویج خواهد نمود و از این جهت مهر زن های دنیایی نیز پانصد درهم معین شده است.

و هر مؤمنی که با این مهریه از برادر خود بخواهد که دخترش را به او تزویج نماید اگر او دخترش را با این مهریه به او تزویج نکند به او ظلم نموده وحق است که خداوند حورالعین را به او تزویج نکند.»

۱- (۱)۱- البحار عن العلل و العیون عن الحسین بن خالد قال: قلت لأبی الحسن علیه السلام : جعلت فداک کیف صارمهر النساء خمسمأه درهم اثنتی عشره اوقیه و نش؟ قال: إنّ اللّه تبارک و تعالی أوجب علی نفسه ان لایکبّره مؤمن مأه مرّه و یسبّحه مأه تسبیحهٍ و یحمده مأه تحمیده و یهلّله مأه مرّه و یصلّی علی محمّد و آل محمّدٍ مأه مرّهٍ ثمّ یقول: اللّهمّ زوّجنی من الحورالعین الاّ زوّجه اللّه عزّوجلّ فمن ثمّ جعل مهر النساء خمسمأه درهم و أیّما مؤمن خطب [الی] أخیه حرمه و بذل له خمسمأه درهم فلم یزوّجه فقد عقّه و استحقّ من اللّه عزّوجلّ ألاّ یزوّجه حوراء. (البحارج ۱۰۳/۳۴۸ العیون ج ۲/۸۴)

(۱)۲- در همـان کتـاب، از معـانی الأخبـار، از امـام صـادق علیه السـلام نقل شـده که فرمود: «رسول خـدا صـلی الله علیه و آله هیچکدام از زن ها و دختران خود را با بیش از پانصد درهم تزویج نکرد.»

(۲)۳- در همان کتاب، از امالی صدوق، از رسول خدا صـلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «هر مردی که در باره مهریه به همسـر خود ظلم کنـد و مهر او را ندهـد، او نزد خداوند زناکار محسوب می شود و خداوند در قیامت به او می فرماید: ای بنده من، من تـو را به کنیز خـود بـا عهـد و پیمـان [و قرار مهرمعین] تزویـج نمـودم و تو به عهـد من عمـل نکردی و به کنیز من ظلم رواداشتی، پس از حسـنات واعمـال نیـک او گرفته می شود و به آن زن داده می شود و چون حسـنه و عمل نیکی برای او باقی نمی ماند او را برای شکستن عهد خدا به آتش می برند و در قرآن نیز آمده که عهد خداوند مورد سؤال واقع خواهد شد.»

(۳)۴- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «کسانی که زکات

۱- (۱)۲- البحـار عن معانی الأخبار عن ابی عبـداللّه علیه السـلام قال: ما تزوّج رسول اللّه صـلی الله علیه و آله شـیئا من نساءه و لازوّج شیئا من بناته علی اکثر من اثنی عشر اوقیه و نش و الأوقیه اربعون درهما والنش عشرون درهما. (المصدر ص ۳۴۹ معانی الأخبار ص ۲۱۴)

۲- (۲)۳- و فیه عن الأمـالی للصـدوق فی خبرالمناهی، عن النبیّ صـلی الله علیه و آله قال: من ظلم امرأةً مهرها فهو عنـداللّه زانٍ یقول اللّه عزّوجلّ یوم القیامه: عبـدی زوّجتک امتی علی عهـدی فلم توف بعهدی و ظلمت أمتی. فیؤخذ من حسـناته فیدفع الیها بقدر حقّها فاذا لم تبق حسنه أمر به الی النار بنکثه للعهد، إنّ العهد کان مسئولاً. (المصدر امالی الصدوق ص ۴۲۸)

۳- (۳)۴- و فیه عن الخصـال عن اسـماعیل بن کثیر قال: قال ابوعبـداللّه علیه السـلام : السـرّاق ثلثه: مانع الزکاه و مسـتحلّ مهور النساء و کذلک من استدان و لم ینوقضاءه. (المصدر الخصال ج ۱/۱۰۱)

مـال خـود را نمی دهنـد و کسـانی که مهر زن هـای خود را نمی پردازنـد و کسـانی که مـال مردم را قرض می گیرنـد و بنـای پرداخت آن را ندارند دزد شناخته می شوند.»

(۱)۵- و در همـان کتـاب، از ابن سـنان نقـل شـده که گویـد: به حضـرت رضـا علیه السـلام نوشـتم: علت تعیین مهر و وجـوب پرداخت آن بر مردها چیست؟ و چگونه بر زن ها واجب نیست که به شوهران خود چیزی به عنوان مهریه بدهند؟

امام علیه السـلام فرمود: «چون مؤونه و خرج زن ها به عهـده مردها می باشـد و زن در حقیقت خود را به مرد می فروشد و مرد خریدار اوست، از این رو، مرد باید قیمت و ثمن این معامله را بپردازد. از سویی، زن ها از تجارت و معامله گری ممنوع هسـتند و علت های دیگری نیز دارد.»

(۲)۶- در همان کتاب، از علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «مهریه ها را زیاد نکنید که موجب عداوت و دشمنی می شود.»

و در روایتی از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «بهترین زن های امت من زن هایی هسـتند که با مهر کمتر ازدواج می کنند.»

ص: ۴۴

۱- (۱)۵- و فیه عن مکارم الأخلاق عن علیّ علیه السـلام قال: لاتغالوا بمهور النساء فیکون عـداوه. (البحار ج ۱۰۳/۳۵۱/ مکارم الأخلاق ص ۲۷۲)

۲- (۲)۶- و فیه عن النوادر عن زراره قـال: سـألت اباعبـداللّه علیه السـلام عن رجـل تزوّج امرأهً أیحـلّ له ان یـدخل بهـا قبل ان یعطبها شیئا؟ قال: لاحتّی یعطیها شیئا. (المصدر النوادرص۶۹)

و در همان کتاب، از زراره نقل شده که گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: آیا جایز است کسی که با زنی ازدواج می کند بدون این که چیزی به او بدهد با او همبستر شود؟ امام علیه السلام فرمود: «جایز نیست با او همبستر شود تا این که چیزی به او بدهد.»

(۱)۷- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «کسی که درآمد حرامی را به دست آورد خداوند حج و عمره او را قبول نمی کند و صله رحم او را نمی پذیرد تا جایی که ازدواج او را نیز فاسد می کند [و فرزند او ولد حرام خواهند شد].»

مؤلف گوید: برای توجه و تنبّه برادران و خواهران دینی، بخشی از دستورات اسلام را در باره رعایت حلال و حرام که باعث پاکی روح و روان و صفای ایمان پدر و مادر و فرزندان است در بخش های آینده بیان خواهیم نمود.

ص: ۴۵

۱- (۱)۷- و فیه عن مجالس الشیخ عن موسی الخیاط انّه قال ذکرعن ابی جعفر علیه السلام انّه ذکرعنده رجل فقال: انّ الرجل اذا اصاب ماا من حرام لم یقبل منه حجّ و لا عمره ولاصله رحمٍ حتّی انّه یفسد فیه الفروج. (البحار ج ۱۰۳/۳۵۳ امالی الطوسی ج ۲/۲۹۳)

آداب زناشویی

اشاره

ص :۴۷

آداب زفاف

از سخنان و سیره معصومین علیهم السلام استفاده می شود که زفاف عروس باید در شب انجام شود و ولیمه ازدواج در روز باشد و عروس را بر مرکب سوار کنند و با ذکر خدا و تکبیر به طرف خانه داماد ببرند و مستحب است زفاف در ساعت گرمی هوا نباشد و شب چهارشنبه نیز نباشد و ولیمه آن نیز بیش از یک روز و یا دو روز نباشد و مستحب است که قبل از عقد نکاح خطبه ای خوانده شود و حمد و ثنای الهی در آن ادا گردد.

بهتر است مراسم زفاف در اوایل شب واقع شود؛ چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه اوایل شب می خوابیده اند و بیشتر شب را در عبادت و تهجّد بوده اند و فاطمه زهرا علیهاالسلام را اوایل شب به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام بردند.

ولی آنچه در زمان ما معمول است خلاف سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام می باشد.

اساسا معصومین علیهم السلام مراسم عروسی را یک عبادت و عمل مقدس می شمرده اند و ذکر خدا و تکبیر پرودگار را در آن شعار قرار می داده اند. ولکن مع الاسف آنچه امروز بین ما مرسوم است خلاف سنت اولیای دین، و همراه با انواع خلاف و گناه و آزار به مردم است. از خداوند می خواهیم که ما را موفق به پیروی از دین و روش اولیای خود به فرماید و به برکت شنیدن سخنان آنان هدایتمان نماید.

ص :۴۸

(۱)۱- مرحوم صاحب وسایل، با سند خود، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که آن حضرت فرمود: «زفاف (عروس) را در شب و ولیمه ازدواج را در ظهر قرار دهید.»

(۲)۲- و در همان کتاب از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: «سنت این است که ازدواج و زفاف در شب باشد؛ چرا که خداوند شب را وسیله آرامش قرار داده است و زن ها نیز برای مردها وسیله آرامش هستند.»

(۳)۳- در همان کتاب، از جابربن عبداللّه انصاری نقل شده که گوید: هنگامی که

۱- (۱)استحباب الزفاف لیلاً مع التکبیر و الولیمه نهارا۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: زفّوا عرائسکم لیلاً و اطعموا ضحیً. (الوسائل ج ۱۴/۶۲ الفروع ج ۲/۱۷)

۲- (۲)۲- و فیه عنه... عن الحسن بن علیّ الوشّا عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: سمعته یقول فی التزویج قال: من السنّه التزویج باللیل لأنّ اللّه جعل اللیل سکنا، و النساء انّما هنّ سکن. (المصدر)

۳- (۳)۳- و فیه عنه... عن جابربن عبداللّه قال: لمّا زوّج رسول اللّه صلی الله علیه و آله فاطمه من علیّ علیهماالسلام أتاه أناس فقالوا له: انّک قد زوّجت علیّا بمهرٍ خسیس، فقال: ما انا زوّجته، ولکن اللّه زوّجه «الی ان قال»: فلّما کان لیله الزفاف أتی النبیّ صلی الله علیه و آله ببغله و ثنی علیها قطیفه، و قال لفاطمه: ارکبی و امر سلمان ان یقودها و النبیّ صلی الله علیه و آله یسوقها فبینما هو فی بعض الطریق اذ سمع النبی صلی الله علیه و آله و جبه فاذا بجبرئیل فی سبعین الفا و میکائیل فی سبعین الفا فقال النبیّ صلی الله علیه و آله : ما اهبطکم الی الأرض؟ فقالوا جئنا نزفّ فاطمه الی زوجها و کبّر جبرئیل و کبّر میکائیل و کبّرت الملائکه و کبّر محمّد صلی الله علیه و آله فوضع التکبیر علی العرائس من تلک اللیله. (الوسائل ج ۱۴/۶۲ الفقیه ج ۲/۱۲۸)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیهاالسلام را به علی علیه السلام تزویج نمود عده ای گفتند: شما فاطمه علیهاالسلام رابا مهر ناچیزی به علی تزویج نمودی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این من نبودم که چنین کردم، بلکه خدا او را تزویج نمود...»

تا این که گوید: چون شب زفاف فاطمه علیهاالسلام رسید رسول خدا صلی الله علیه و آله استر شهبای خود را آورد و قطیفه ای بر آن قرار داد و به فاطمه علیهاالسلام فرمود تا بر آن سوار شود و سلمان را فرمود تا افسر آن را بگیرد و خود از عقب او حرکت نمود. ناگهان در بین راه رسول خدا صلی الله علیه و آله صدایی شنید و دید که جبرئیل علیه السلام با هفتاد هزار ملك و میکائیل با هفتاد هزار ملك حضرت زهرا علیهاالسلام را بدرقه می کنند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: «برای چه شما به زمین آمده اید؟» آنها گفتند: ما آمده ایم فاطمه علیهاالسلام را به خانه علی علیه السلام ببریم. پس جبرئیل تکبیر گفت و میکائیل و ملائکه دیگر نیز تکبیر گفتند و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز تکبیر گفت و از آن شب تکبیر برای زفاف عروسان سنّت گردید.

آداب دیگری نیز در این باره وارد شده که ما در کتاب اسوه النساء ذکر کرده ایم. علاقه مندان می توانند به آن کتاب مراجعه فرمایند.

آداب همبستر شدن

پیش از بیان آداب زناشویی و توصیه های معصومین و اولیای دین علیهم السلام در این باره، ذکر یک نکته مهم را لازم می دانم و آن این که چون علم و دانش، از تفکر و اندیشه بشر به دست می آید و بررسی ها و تجربیات انسان ها در زمان ها و مکان های مختلف در این زمینه مختلف می باشد، ضرورت دارد که انسان، هم چنان که به مسائل علمی و تفکر بشر توجه می کند به وحی (دانش بدون خطا) نیز متکی باشد. البته اختلاف در مسایل علمی یک امر ضروری محسوب می شود و فراوان دیده

ص: ۵۰

شده است که مراکز علمی و دانشمندان با بررسی های فراوان یک نظریه علمی را ارائه نموده و پس از مدتی آن را خطا اعلام کرده و نظریه دیگری را جایگزین آن ساخته اند. این مساله خود، نیاز بشر را به یک امام و راهنمای بدون خطا و اشتباه آشکار می سازد. انسان ها نمی توانند نیاز شخصی و جامعه خود را تنها از طریق دانش خود تامین کنند، بلکه نیازمند به عالم و دانشمند و امامی هستند که دانش او از یک منبع الهی و آسمانی باشد؛ زیرا مصالح بشر راتنها کسی می داند که آفریدگار بشر است. بنابراین تنها آنچه از ناحیه خداوند و به عنوان وحی الهی بر پیامبران نازل شده و یا به اوصیای آنان افاضه گردیده می تواند نیاز بشر را به صورت اساسی، تامین نموده و دغدغه های او را دراین زمینه از بین ببرد و حقایق را همان گونه که هست به آنان نشان دهد. براین اساس، در هر مساله ای، باید نخست سراغ وحی و علوم انبیا و اوصیای آنان علیهم السلام رفت و آنچه را در آن زمینه از ناحیه خداوند رسیده به دست آورد.

در موضوع (زناشویی) معصومین علیهم السلام آدابی بیان فرموده اند و رعایت نکردن آن آداب را موجب عواقب و آثار بدی در فرزندان و حتی علاقه زن و شوهر دانسته اند. در این میان آنان، هرگز مسأله ازدواج فامیلی را در این آثار موثر ندانسته، بلکه عملاً ـ خود آنان فراوان ازدواج فامیلی انجام داده اند. مایه تأسف است که پیروان آنان در اثر دوری از این حقایق که از ناحیه وحی صادر شده است، به خیال خود، دنبال مسایل علمی رفته و بدون توجه به دستورالعمل های ازدواج و زناشویی ازدواج فامیلی را موجب معلولیت های فرزندان خود قلمداد کرده اند. به نظر نگارنده، شنیدن چنین سخنی از یک مسلمان شیعه یک فاجعه است. باید گفت همه بیچارگی های ما به دلیل دوری ما از فرهنگ دینی است و یکی از آن ها همین مسأله زناشویی است.

ص :۵۱

از این نکته نیز نبایـد غفلت شود که خداونـد به شـیطان اجـازه داده است که در مـال و فرزنـد انسان شـریک شود. بنابراین اگر دستورات آینده رعایت نشود شیطان در نطفه مرد شریک خواهد شد.

اینک به بخش هایی از سخنان معصومین علیهم السلام در این زمینه توجه می کنیم:

(۱)۱- علامه مجلسـی، در کتاب بحارالانوار، از علل الشـرایع و امالی صـدوق، از ابوسـعید خـدری نقل نموده که گوید: رسول خدا صـلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السـلام سفارش و وصیت نمود و فرمود: «یا علی! چون عروس وارد خانه تو شود، هنگامی که می نشیند کفش های او را از پایش درآور و پاهای او را بشوی و از درب خانه تا

ص :۵۲

۱- (۱)آداب الجماع و الزفاف۱- البحـار عن العلـل و الأمالی: قال اللّه تعالی: و شارکم فی الأموال و الأولاد. سوره الاسـراء آیه الطالقانی، عن الحسن بن علی العدوی، عن یوسف بن یحیی الاصـبهانی، عن إسـماعیل بن حاتم، عن أحمد بن صالح بن سعید، عن عمروبن حفص، عن إسـحاق بن نجیح، عن حصـیب، عن مجاهد، عن أبی سـعید الخدری قال: أوصـی رسول اللّه صـلی الله علیه و آله علیّ بن أبی طـالب علیه السـلام فقـال: یـا علی إذا دخلت العروس بیتـک فاخلع خفّیها حین تجلس، و [اغسل [رجلیها وصبَّ المـاء مـن بـاب دارک الی أقصـی دارک، فانّـک إذا فعلت ذلـک أخرج اللّه من دارک سـبعین ألـف ترفرف علی رأس العروس حتّی تنـال برکتهـا کـل زاویه فی بیتـک، و تـأمن العروس من الجنون و الجـذام و البرص أن یصـیبها مـا دامت فی تلک الدار، و امنع العروس فی اُسبوعها من الألبان و الخل و الکزبره و التفّاحه الحامضه من هذه الأربعه الأشیاء.

انتهـای آن را آب بپـاش. اگر چنین بکنی خداونـد هفتـادهزار نوع فقر را از خـانه تو دور و هفتـاد نوع برکت را در آن داخل و هفتـاد رحمت را بر تو نـازل می نمایـد، و از آن آب نیز بر سـر عروس می پاشـی تـا برکت آن به همه زوایای خانه تو برسـد و عروس از خطر جنون و جذام و پیسی برای همیشه محفوظ بماند.»

(۱)سپس فرمود: «عروس را در هفته اول از خوردن شـیر و سـرکه و کربزه و سـیب ترش منع کن.» پس علی علیه السلام پرسید: «چرا او را از خـودن این چهـار چیز منـع کنم؟» رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «به علت این که رحم زن به وسـیله این چهارچیز عقیم و سرد می شود و فرزندی از آن به دست نمی آید و حصیر کنارخانه از زنی که عقیم باشد بهتر خواهد بود.»

علی علیه السـلام فرمـود: «یـا رسـول اللّه! چرا می فرماییـد عروس از خوردن سـرکه منع شود؟» رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «به علت این که زن هنگام خوردن سـرکه اگر حیض شود دیگر پاکی کامل به خود نخواهـد دید، و کربزه حیض را در شکم او داخل می کند و زایمان برای او سخت می شود، و سیب ترش حیض او راقطع می کند و موجب بیماری او می شود.»

ص :۵۳

۱- (۱)فقال علیٌّ علیه السـلام : یا رسول اللّه صـلی الله علیه و آله ولأیِّ شی ء أمنعها هذه الأشیاء الأربعه؟ قال: لأنَّ الرَّحم تعقم و تبرد من هـذه الأـربعه الأشـیاء من الولـد، و حصـیرفی نـاحیه البیت خیرمن امرأه لاتلـد، فقـال علیّ علیه السـلام یا رسول اللّه علیه السـلام فمـا بـال الخـلّ تمنع منه؟ قـال: إذا حاضت علی الخلّ لم تطهر أبـدا طهرا بتمام، و الکزبره تثیر الحیض فی بطنها و تشـدّد علیها الولاده، و التفاحه الحامضه تقطع حیضها فیصیر داء علیها.

(۱)سپس فرمود: «یا علی! در اول و وسط و آخر هر ماه با همسر خود مجامعت مکن؛ چرا که اگر چنین کنی جنون و جذام و کودنی به سرعت به او و فرزند او روی خواهد آورد.»

(۲)آن گاه فرمود: یا علی! بعد از ظهر با همسر خود مجامعت مکن؛ چرا که اگر فرزندی برای شما در آن وقت مقدر شود لوچ خواهد بود و شیطان از لوچ بودن انسان خشنود می شود.

(۳)یا علی! هنگام مجامعت سخن مگو که اگر فرزندی نصیب شما شود ایمن نیست از این که گنگ باشد.

[یا علی] مرد در هنگام جماع نباید به عورت همسر خود نگاه کند بلکه باید چشم خود را ببندد؛ چرا که نگاه به عورت زن در وقت جماع موجب نابینایی فرزند خواهد شد.

(۴)یا علی! به نیت زن دیگری با همسر خود مجامعت مکن چرا که من ترس آن

۱- (۱)ثمّ قال: یا علیّ لاتجامع امرأتک فی أوّل الشهر ووسطه و آخره فإن الجنون و الجذام و الخبل یسرع إلیها و إلی ولدها.

۲- (۲)یا علیّ لاتجامع امرأتک بعدالظهر فانّه إن قضی بینکما ولد فی ذلك الوقت یکون أحول و الشیّطان یفرح بالحول فی الانسان.

۳- (۳)یا علیّ لاتتکلّم عندالجماع فإن قضی بینکما ولد لایؤمن أن یکون أخرس ولاینظرنَّ أحدکم فرج امرأته ولیغضنَّ بصره عند الجماع، (*) فإنَّ النظر إلی الفرج یورث العمی یعنی فی الولد.

۴- (۴)یا علیُّ لاتجامع امرأتک بشهوه امرأه غیرك فإنّی أخشی إن قضی بینکما ولد أن یکون مخنّثا مؤنثا بخیلاً.

دارم که اگر چنین کنی فرزند تو مخنّث و مؤنّث و بخیل باشد. [مخنث مردی را گویند که خود را شبیه به زن ها نماید.]

(۱)یا علی! اگر در بستر خود جنب بودی قرآن مخوان که من هراس دارم آتشی از آسمان فرود آید و شما را بسوزاند.

(۲)یـا علی! مجامعت مکن جز این که پوشاک تو از پوشاک همسـرت جـدا باشـد، و هرگز از یک پوشاک اسـتفاده نکنیـد که شهوت بر روی شهوت قرار می گیرد و موجب دشمنی شما می شود و با طلاق از همدیگر جدا می شوید.

یا علی! در حال ایستاده با همسر خود مجامعت مکن که این کار الاغ است و اگر فرزندی نصیب شما شود مانند الاغ در بستر و در هرجای دیگر بول می کند.

(۳)یا علی! با همسر خود در شب عید فطر مجامعت مکن؛ چرا که اگر فرزندی

۱- (۱)یا علیّ إذا کنت جنبا فی الفراش مع امرأتک فلاتقرأ القرآن فإنّی أخشی أن ینزل علیکما نار من السّماء فتحرقکما.

۲- (۲)یا علیّ لاتجامع امرأتک إلاّ و معک خرقه و مع امرأتک خرقه، ولا تمسـحا بخرقه واحده فنقع الشـهوه علی الشـهوه، و إنَّ ذلک یعقب العداوه بینکما ثم یؤدّیکما إلی الفرقه و الطلاق.

۳- (۳)یا علیّ لاتجامع امرأتک من قیام فانَّ ذلک من فعل الحمیر و إن قضـی بینکما ولد یکون بوّالا فی الفراش کالحمیر البوّاله فی کلِّ مکـان. یـا علیّ لاتجـامع امرأتـک فی لیله الفطر فـانّه إن قضـی بینکما ولـد فیکبر ذلک الولـد ولا یصـیب ولـدا إلاّ علی کبرالسنّ.

نصیب شما شود پیر می شود و بعد از پیری اولاد پیدا می کند.

(۱)یا علی! با همسر خود در شب عید قربان مجامعت مکن که فرزند شما شش انگشتی و یا چهارانگشتی خواهد شد.

(۲)یا علی! با همسر خود زیر درخت میوه مجامعت مکن که فرزند شما جلّاد و آدمکش و عریف [یعنی کاهن] خواهد شد.

(۳)یا علی! مقابل خورشید با همسر خود مجامعت مکن، جز این که با چیزی خود را مستور کنید؛ چرا که فرزند شما همیشه در بلا و فقر خواهد بود تا از دنیا برود.

(۴)یا علی! بین اذان و اقامه با همسر خود مجامعت مکن که فرزند شما خونریز خواهد شد.

۱- (۱)یا علیّ لاتجامع امرأتک فی لیله الأضحی فإنّه إن قضی بینکما ولدیکون له ستّ أصابع أو أربع أصابع.
۲- (۲)یا علیّ لاتجامع امرأتک تحت شجره مثمره فإنّه إن قضی بینکما ولد یکون جلّادا قتّالاً عریفا.
۳- (۳)یا علیّ لاتجامع امرأتک فی وجه الشمس وتلألؤها إلاّ أن ترخی علیکما سترافإنّه إن قضی بینکما ولد لایزال فی بؤس وفقر حتّی یموت.
۴- (۴)یا علیّ لاتجامع أهلک بین الأذان و الاقامه فإنّه إن قضی بینکما ولد یکون حریصا علی إهراق الدماء.

(۱)یا علی! اگر همسر تو باردار بود، بدون وضو با او مجامعت مکن وگرنه فرزند شما کوردل و بخیل خواهد شد.

(۲)یا علی! در نیمه ماه شعبان با همسر خود مجامعت مکن که فرزند شما از جهت صورت و مو زشت خواهد شد.

(۳)یا علی! باهمسر خود در آخر ماه [یعنی دو روز به آخر آن] مجامعت مکن که فرزند شما ابله واحمق و ناتوان خواهد شد.

یا علی! با همسر خود با شهوت خواهر او مجامعت مکن؛ چرا که فرزند شما راهزن و یاور ستمگر خواهد شد و جمعیت های فراوانی به دست او کشته می شوند.

(۴)یاعلی! بر روی پشت بام با همسر خود مجامعت مکن که فرزند شما منافق و

۱- (۱)یا علیّ إذا حملت امرأتک فلا تجامعها إلّا وأنت علی وضوء فإنّه إن قضی بینکما ولد یکون أعمی القلب بخیل الید.
۲- (۲)یا علیّ لاتجامع أهلک فی النصف من شعبان فانّه إن قضی بینکما ولد یکون مشوّها ذا شامه فی شعره و وجهه.
۳- (۳)یا علیّ لاتجامع أهلک فی آخر درجه منه - یعنی إذا بقی یومان - فإنّه إن قضی بینکما ولدکان مفدما (الفدم - بالفاء - العیّی عن الکلام فی رخاوه و قله فهم، والاحمق).
۴- (۴)یا علیّ لاتجامع أهلک علی شهوه اُختها، فإنّه إن قضی بینکما ولد یکون عشّارا أوعونا لظّالم، و یکون هلاک فئام من النّاس علی یدیه. یا علیّ لاتجامع أهلک علی سقوف البنیان فإنّه إن قضی بینکما ولدیکون منافقا مماریا مبتدعا.

اهل ریا و بدعت خواهد شد.

(۱)یا علی! چون به مسافرت رفتی، در نخستین شب سفر، با همسر خود مجامعت مکن که اگر فرزندی نصیب شما شود مال خود را در راه غیرصحیح مصرف خواهد نمود و اهل تبذیر خواهد بود، در حالی که [خدا] و رسول فرموده اند که مبذّرین برادران شیاطین هستند.

(۲) یا علی! در سفری که بیش از سه شبانه روز طول نمی کشد با همسر خود مجامعت مکن؛ چرا که فرزند شما یاور هر ظالم و ستمگری خواهد شد.

(۳)یا علی! بر تو باد که در شب دوشنبه جماع کنی تا فرزند تو حافظ قرآن و راضی به مقدرات خدا باشد.

(۴)یا علی! اگر در اول شب سه شنبه با همسر خود مجامعت کنی فرزند شما

۱- (۱)یا علی و إذا خرجت فی سفر فلا تجامع أهلك تلك اللّیله فإنّه إن قضی بینکما ولد یکون ینفق ماله فی غیر حق و قرأ رسول اللّه صلی الله علیه و آله «إنّ المبذّرین کانوا إخوان الشیّاطین».

۲- (۲)یا علیّ لاتجامع أهلك إذا خرجت إلی مسیره ثلاثه أیّام ولیالیهنَّ فإنّه إن قضی بینکما ولدیکون عونا لکلِّ ظالم.

۳- (۳)یا علیّ علیك بالجماع لیله الاثنین فإنّه إن قضی بینکما ولد یکون حافظا لکتاب اللّه راضیا بما قسم اللّه عزَّوجلَّ.

۴- (۴)یا علی إن جامعت أهلك فی أوّل لیله الثلاثاء فقضی بینکما ولد فانّه یرزق الشهاده بعد شهاده أن لاإله إلاّ اللّه و أن محمّدا رسول اللّه، و لایعذّ به اللّه عزوجل مع المشرکین، و یکون طیّب النکهه من الفم رحیم القلب، سخی الید، طاهر اللّسان من الغیبه و الکذب و البهتان.

گوینده شهادتین و موفق به شهادت در راه خدا می شود و هرگز خداوند او را با مشرکین عذاب نخواهد نمود و دهان او خوشبو و قلب او رحیم و مهربان و دست او با سخاوت و زبان او از غیبت و دروغ و بهتان پاک خواهد بود.

(۱)یا علی! اگر در شب پنجشنبه با همسر خود مجامعت کنی فرزند شما یکی از علما و حکام خواهد شد و اگر در وسط روز پنجشنبه مجامعت کنی شیطان تا هنگام پیری، نزدیک فرزند شما نخواهد آمد و خداوند آن فرزند را سلامت دین و دنیا عطا می فرماید و فرزند دانا و فهمیده ای خواهد بود.

(۲)یا علی! اگر در شب جمعه با همسر خود مجامعت کنی فرزند شما خطیب توانایی می شود، و اگر بعد از عصر جمعه با او مجامعت کنی فرزند شما عالم مشهور و معروفی خواهد شد، و اگر بعد از نماز عشای شب جمعه با او مجامعت کنی امید می رود فرزند شما، ان شاءاللّه، یکی از ابدال و بزرگان بشود.

۱- (۱)یا علیّ و إن جامعت أهلک لیله الخمیس فقضی بینکما ولد فانّه یکون حاکما من الحکام أو عالما من العلماء، و إن جامتها یوم الخمیس عند زوال الشمس عن کبد السّماء فقضی بینکما ولد، فإنّ الشیّطان لایقربه حتّی یشیب، و یکون فهما و یرزقه اللّه السّلامه فی الدّین والدنیا.
۲- (۲)یا علیّ و إن جامعتها لیله الجمعه و کان بینکما ولد، یکون خطیبا قوّالاّ مفوّها، و إن جامعتها یوم الجمعه بعد العصر فقضی بینکما ولدفانّه یکون معروفا مشهورا عالما، و إن جامعتها فی لیله الجمعه بعد صلاه العشاء الأخره فإنّه یرجی أن یکون ولدا بدلاً من الأ بدال إن شاء اللّه.

(۱)یا علی! در ساعت اول شب با همسر خود مجامعت مکن که ممکن است فرزند شما ساحر و اهل دنیا شود و آخرت خود را از دست بدهد.

(۲)یا علی! این وصیت ها را از من بشنو و حفظ کن؛ هم چنان که من از جبرئیل شنیدم و حفظ نمودم.»

(۳)۲- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از علل الشرایع، از سدیر نقل نموده که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «مرد نباید با همسر و کنیز خود در جایی هم بستر شود که کودک خردسالی در آن جا باشد؛ چرا که آن کودک اهل زنا خواهد شد.»

(۴)۳- در همان کتاب، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «از وصیت های رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که مرد در حال حیض با همسر خود مجامعت نکند و اگر

۱- (۱)یا علیّ لاتجامع أهلک فی أوّل ساعه من اللیل فانّه إن قضی بینکما ولد لایؤمن أن یکون ساحرا مؤثرا للدُّنیا علی الأخره.

۲- (۲)یا علیّ احفظ وصیّتی هذه کما حفظتها عن جبرئیل علیه السلام (البحار ج ۱۰۳/۲۸۰)

۳- (۳)۲- البحار عن العلل... عن سدیر قال: سمعت اباعبداللّه علیه السلام یقول: لایجامع الرجل امرأته و لاجاریته و فی البیت صبیّ فانّ ذلک ممّا یورثه الزنا.

۴- (۴)۳- و فیه عنه... عن جعفربن محمد عن ابیه عن جدّه عن علیّ بن ابیطالب علیهم السلام فی حدیث طویل یذکر فیه وصیّه النبیّ صلی الله علیه و آله و یقول فیها: انّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله کره ان یغشی الرجل امرأته و هی حائض، فان فعل و خرج الولد مجذوما او به برص فلایلومنّ الاّ نفسه، و کره ان یأتی الرجل اهله و قد احتلم حتّی یغتسل من الإحتلام فان فعل ذلک و خرج الولد مجنونا فلایلو منّ الاّ نفسه. (البحار ج ۱۰۳/۲۸۶ العلل ص ۵۱۴)

چنین کند و فرزند او جذامی و یا دارای پیسی شود باید خود را ملامت نماید، و آن حضرت مکروه می داشتند کسی که محتلم شده قبل از غسل کردن با همسر خود مجامعت کند و می فرمود: اگر چنین کند و فرزند او دیوانه به دنیا آید باید فقط خود را ملامت نماید.»

(۱)۴- در همان کتاب، از خصال نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیث اربعمأه فرمود: «هنگامی که یکی از شما می خواهد با همسر خود مجامعت کند نباید با عجله و بدون مقدمه باشد [بلکه باید قبل از آن مزاح و بوسه و... انجام گیرد]؛ چرا که زن ها به این نیاز دارند.»

(۲)و فرمود: «اگر یکی از شما زنی را ببیند که او را خوش آید باید نزد اهل و همسر خود رود؛ چرا که نزد او نیز همان چیزی است که نزد آن زن است. و با این

۱- (۱)۴- و فیه عن الخصال فی الأربعمائه قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : إذا أراد أحدکم أن یأتی زوجته فلا یعجّلها فانّ للنساء حوائج، إذا رأی أحدکم امرأه تعجبه فلیأت أهله فان عند أهله مثل ما رأی، و لایجعلنَّ للشیطان إلی قلبه سبیلًا، لیصرف بصره عنها، فان لم تکن له زوجه فلیصلِّ رکعتین و یحمد اللّه کثیرا و یصلّی علی النبیّ و آله ثمَّ لیسأل اللّه من فضله فانّه یبیح له برأفته ما یغنیه، إذا أتی أحدکم زوجته فلیقل الکلام، فانَّ الکلام عند ذلک یورث الخرس، لاینظرنَّ أحدکم إلی باطن فرج امرأته لعلّه یری ما یکره و یورث العمی.

۲- (۲)إذا أراد أحدکم مجامعه زوجته فلیقل: اللهمَّ إنّی استحللت فرجها [بأمرک] و قبلتها بأمانتک فان قضیت لی منها ولدا فاجعله ذکرا سویّا، ولا تجعل للشیطان فیه نصیبا ولا شرکا.

کار شیطان را به قلب خود راه نداده و چشم خود را از آن زن برگردانده است و اگر همسر ندارد باید دو رکعت نماز بخواند و زیاد حمد خدا را به جا آورد و بر محمد و آل او صلوات بفرستد سپس از فضل الهی طلب نماید تا خداوند او را بی نیاز نماید.»

و فرمود: «هنگامی که یکی از شما با همسر خود مجامعت می کند باید کم سخن بگوید که سخن گفتن در آن حال موجب گنگی فرزند می شود و نباید به داخل فرج او نگاه کند شاید او را خوش نیاید و از سویی موجب کوری فرزند شود.»

(۱)و فرمود: «چون یکی از شما بخواهد با همسر خود مجامعت کند باید بگوید: خدایا، من به دستو تو او را حلال نمودم و به امانت تو او را پذیرفتم پس اگر فرزندی از او برای من مقدر نمودی آن را پسری سالم قرار ده و برای شیطان در او بهره و شراکتی قرار مده.»

(۲)۵- علامه مجلسی، در بحار، از تفسیر عیاشی، از ابی ربیع شامی نقل نموده

ص: ۶۲

۱- (۱)و قال علیه السلام : إذا أراد أحدکم أن یأتی أهله فلیتوقّ أوَّل الأهلّه و أنصاف الشّهور فانَّ الشیطان یطلب الولد فی هذین الوقتین و الشیاطین یطلبون الشرک فیهما فیجیئون و یحبلون. (البحار ج ۱۰۳/۲۷۸ الخصال ج ۲/۴۳۳-۴۳۴)

۲- (۲)۵- البحا عن تفسیر العیاشی عن ابی الربیع الشامی قال: کنت عنده (یعنی الصادق علیه السلام) لیله فذکر شرک الشیطان فعظّمه حتّی افزعنی فقلت: جعلت فداک فما المخرج منها و ما نصنع؟ قال: اذا اردت المجامعه فقل: بسم اللّه الرّحمن الرّحیم الذی لاإله إلّا هوبدیع السماوات و الأرض، اللّهمّ ان قصدت منّی فی هذه اللیله ولدا فلا تجعل للشیطان فیه نصیبا و لاشرکا و لاحظّا و اجعله عبدا صالحا مصفیّا و ذرّیته جلّ ثناءک. (البحار ج ۱۰۳/۲۹۴ العیاشی ج ۲/۳۰۰)

که گوید: شبی خدمت امام صادق علیه السلام بودم که آن حضرت مسأله شرک شیطان و شرکت او را در نطفه مرد بیان نمود و من از آن ترسیدم و گفتم: فدای شما شوم! راه نجات از دخالت شیطان در فرزند چیست؟

امام علیه السلام فرمود: «چون خواستی با همسر خود مجامعت کنی بگو: «بسم اللّه الرحمن الرحیم. الذی لا اله الّاهو، بدیع السماوات و الأرض. سپس بگو: خدایا، اگر در این شب برای من فرزندی تقدیر نموده ای او و ذرّیه او را صالح و پاک و بنده خود قرار ده و برای شیطان در او شرکت و نصیبی قرار مده، ای خدای بزرگوار!»

(۱)۶- در همان کتاب، از تفسیر عیاشی، از امام صادق و یا امام باقر علیهماالسلام نقل شده که فرمود: «شرکت شیطان در نطفه فرزند از ناحیه مال حرام نیز خواهد بود و شیطان در صورتی که صاحب نطفه اهل حرام باشد نطفه خود را نیز در رحم زن می ریزد و با نطفه مرد مخلوط می گرداند و فرزند ممکن است از یکی از آنها و یا از هر دو به وجود بیاید.»

مؤلف گوید: چه خوب است این دستورات قبل از ازدواج به جوان ها تفهیم شود تا از این خطرها پرهیز کنند و ازدواج آنان این آفات را در پی نداشته باشد.

۱- (۱)۶- و فیه عنه عن احدهما علیهماالسلام قال: شرک الشیطان ما کان من مال حرام فهو من شرکه، ویکون مع الرجل حین یجامع فیکون نطفته مع نطفته اذا کان حراما قال: کلیتها جمیعا یختلطه و قال: ربّما خلق من واحده و ربّما خلق منهما جمیعا (البحار ج ۱۰۳/۲۹۴ تفسیرالعیاشی ج ۲/۳۰۰)

دستور نماز و دعا در شب زفاف

(۱)در بحث قبل آداب زفاف و زناشویی و مسایل لازم دیگر بیان شد. در این بخش دستور نماز و دعا در شب زفاف و گفتن بسم اللّه در وقت مجامعت و بعضی از مسایل مناسب این موضوع ذکر خواهد شد.

۱- در کتاب وسایل، از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت به اصحاب خود فرمود: «شما در شب زفاف چه می کنید؟» یکی از اصحاب آن حضرت گفت: فدای شما شوم! من نمی دانم چه باید بکنم. امام علیه السلام فرمود: «چون شب زفاف شود و زوج بخواهد به طرف همسر خود برود باید دو رکعت نماز بخواند و حمد خدا را به جای آورد و بگوید:

(۲)«اللّهمّ إنّی اُریدُ أن أَتزَوَّجَ أللّهمَّ فَأَقدِر لی مِنَ النساءِ أَعَفَهُنَّ فَرجا و أحفَظَهُنَّ

ص: ۶۴

۱- (۱)استحباب صلاه رکعتین لمن اراد الزفاف و الدعاء بالمأثور عند ذلک۱- الوسائل: محمّد بن الحس باسناده عن أحمدبن محمّد بن عیسی عن علیّ بن الحکم، عن مثنّی بن الولید الحنّاط، عن أبی بصیر قال: قال أبوعبداللّه علیه السلام : إذا تزوّج أحدکم کیف یصنع؟ قال: قلت له: ما أدری جعلت فداک، قال: إذاهمّ بذلک فلیصلّ رکعتین و یحمداللّه و یقول:

۲- (۲)«اللهمّ انّی اُرید أن أتزوّج اللهم فاقدر لی من النساء أعفّهنّ فرجاوا حفظهنّ لی فی نفسها و فی مالی، و أوسعهنّ رزقا وأعظمهنّ برکه، واقدر لی منها ولداطیّبا تجعله خلفا صالحا فی حیاتی و بعد موتی» فاذا ادخلت علیه فلیضع یده علی ناصیتها ویقول: «اللهم علی کتابک تزوجتها، و فی أماتتک أخذتها، و بکلماتک استحللت فرجها فان قضیت فی رحمها شیئا فاجعله مسلما سوّیا، و لا تجعله شرک شیطان» قلت: و کیف یکون شرک شیطان؟ فقال:

طیّبا تَجْعَلُهُ خَلَفا صالِحا فی حیاتی و بَعدَ مَوتی.»

و چون عروس وارد حجله شود، داماد باید دست خود را بر پیشانی او گذارد و بگوید: «اللّهمّ عَلی کِتابِک تَزَوَّجْتها وَ فی أمانِتِک أَخَذتُها وَ بِکَلِماتِک إستَحْلَلتُ فَرجَها فَإن قَضَیتَ فی رَحِمها شَیئا فَاجعَلهُ مُسلِما سَوِّیا وَ لا تَجعَلْهُ شِرکَ شَیطانٍ»

(۱)راوی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چگونه شیطان در نطفه فرزند شریک می شود؟ فرمود: «چون مرد برای مجامعت نزدیک زن خود می رود اگر نام خدا را ببرد شیطان از او دور می گردد و اگر نام خدا را نبرد شیطان نیز آلت خود را داخل می کند و شریک آن فرزند می شود.» راوی گوید: به امام علیه السلام گفتم: فدای شما شوم، از کجا معلوم می شود، که شیطان شریک فرزند است؟ فرمود: «نشانه آن دوستی و دشمنی با ما می باشد.»

(۲)۲- در همان کتاب، از کتاب کافی، از ابوبصیر نقل شده که گوید: شنیدم که

ص: ۶۵

۱- (۱)انّ الرّجل إذادنا من المرأه و جلس مجلسه حضره الشیطان، فان هو ذکراسم اللّه تنحّی الشیطان عنه و ان فعل و لم یسمّ أدخل الشیطان ذکره فکان العمل منهما جمیعا و النطفه واحده؛ قلت: فبأیّ شیء یعرف هذا جعلت فداک؟ قال: بحبّنا و بغضنا. (الوسائل ج ۱۴/۷۹)

۲- (۲)۲-الوسائل عن الکافی: محمّد بن یعقوب، عن محمّد بن یحیی، عن أحمد بن محمّد بن عیسی، و عن عدّه من أصحابنا، عن أحمد بن أبی عبداللّه جمیعا عن ابن محبوب، عن جمیل، عن أبی بصیر قال:سمعت رجلا و هو یقول لأبی جعفر علیه السلام انّی رجل قد اسننت و قد تزوّجت امرأه بکرا صغیره و لم أدخل بها، و أنا أخاف إذا دخلت علیّ فرأتنی أن تکرهنی لخضابی و کبری، فقال أبوجعفر علیه السلام : إذا دخلت فمرهم قبل أن تصل إلیک أن تکون متوضیّه، ثمّ أنت لاتصل إلیها حتّی توضّأ وصلّ رکعتین، ثمّ مجّداللّه وصلّ علی محمّد و آل محمّد، ثمّ ادع اللّهو مرمن معها أن یؤمّنوا علی دعائک، و قل: «اللهمّ ارزقنی الفها وودّها و رضاها، و ارضنی بها و اجمع بیننا بأحسن اجتماع و آنس ایتلاف فإنّک تحبّ الحلال و تکره الحرام» ثمّ قال: واعلم بأحسن اجتماع و آنس ایتلاف فانّک تحبّ الحلال و تکره الحرام» ثمّ قال: و اعلم أنّ الالف من اللّه، و الفرک من الشیطان لیکره ما أحلّ اللّه. و رواه الشیّخ بإسناده عن الحسن بن محبوب نحوه. (الوسائل ج ۱۴/۸۱ الفروع ج ۲/۵۸)

مردی به امام باقر علیه السلام می گفت: من مرد سالخورده ای هستم و اکنون با دختر جوان و کم سنی ازدواج نموده و هنوز با او هم بستر نشده ام و هراس دارم که او اگر وارد بر من شود و پیری و خضاب مرا ببیند او را خوش نیاید و از من جدا شود.

امام باقر علیه السلام به او فرمود: «به خویشان آن دختر بگو آن دختر با وضو وارد حجله شود و تو نیز به او نزدیک مشو تا وضو بگیری و دو رکعت نماز بخوانی. سپس خدا را تمجید کن و بر محمد و آل او صلوات فرست. سپس دعا کن [و خیر خود را از او بخواه] و به کسانی که همراه عروس آمده اند بگو آمین بگویند و پس از آن بگو:

«اللّهمّ اُرزُقنی إلفَها وَ وُدَّها وَ رِضاها وَارضِنی بِها وَ اجْمَع بَینَنا بِأحسَنِ إجتماعٍ وَ آنَسِ إیتلافٍ فَأنّکَ تُحِبُ الحَلالَ وَ تکرَهُ الحَرامَ.»

سپس فرمود: «بدان که علاقه و محبت از ناحیه خداست و جدایی و دشمنی

ص: ۶۶

از ناحیه شیطان است و شیطان می خواهد حلال خدا را برای مردم زشت نشان دهد.»

(۱)۳- در همان کتاب، از حضرت باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «چون خواستی با همسر خود همبستر شوی بگو:

«اللّهمّ اُرزُقنی وَلَدا وَ اجعَلهُ تَقیّا زَکیا لَیسَ فی خَلْقِهِ زِیادهٌ وَ لانُقصانٌ وَاجعَل عاقِبَتَهُ إِلی خَیرٍ.»

یعنی: خدایا، فرزندی با تقوا و پاک سیرت و سالم از هر عیب و نقص ظاهری و باطنی نصیب من کن و سرانجام او را نیکو گردان.

استحباب آرایش و زینت

در اسلام، به طور کلی نسبت به مسأله نظافت سفارش زیادی شده است. و اساسا رهبران دین ما نظافت را مقتضای دیانت دانسته اند. در مورد زن و شوهر نیز سفارش شده است که آنان خود را برای یکدیگر بیارایند و تنظیف کنند تا مرد به زن های دیگر و زن به مردهای دیگر توجه نکند و کانون ازدواج و خانواده با گرمی و محبت برقرار بماند.

۱- (۱)۳- الوسائل... محمدبن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام قال: اذا اردت الجماع فقل: اللّهمّ ارزقنی ولدا واجعله تقیّا زکیّا لیس فی خَلقه زیاده ولانقصان واجعل عاقبته الی خیرٍ. (المصدر ص ۸۲)

(۱)۱- در کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از حسن بن جهم نقل شده که گوید: من حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام را دیدم که خضاب نموده بود. گفتم: فدای شما شوم! خضاب نموده اید؟ فرمود: «این عمل بر عفّت زن ها می افزاید، همانا عده ای از زن ها برای این که مردها این عمل [یعنی زینت و آرایش] را رعایت نمی کنند از عفت و نجابت خارج گردیدند و فاسد شدند.

(۲)سپس فرمود: «آیا تو دوست می داری که همسر تو همانند تو آلوده و غبارآلود باشد؟» گفتم: خیر. فرمود: «او هم چنین است.»

آن گاه فرمود: «نظافت و عطر و آرایش مو و زناشویی فراوان از اخلاق پیامبران علیهم السلام است.»

استحباب بازی و ملاعبه قبل از جماع

در روایات معصومین علیهم السلام آمده است که قبل از جماع و همبستر شدن با همسر، ملاعبه و بازی و... انجام دهید و مانند حیوانات با عجله و شتاب جماع

ص :۶۸

۱- (۱)استحباب الزینه و النظافه للرجال و النساء۱- الوسائل عن الکافی... عن الحسن بن الجهم قال: رأیت اباالحسن علیه السلام اختضب، فقلت: جعلت فداک اختضبت؟ فقال: نعم إنّ التهیّه ممّا یزید فی عفّه النساء، ولقد ترک النساء العفّه بترک ازواجهنّ التهیّه،

۲- (۲)ثمّ قال: أیسّرک ان تراها علی ما تراک علیه اذا کنت علی غیرتهیّهٍ؟ قلت: لاقال: فهو ذاک ثمّ قال: من اخلاق الأنبیاء التّنظف و التطیّب و حلق الشعر و کثره الطروقه. الحدیث (الوسائل ج ۱۴/۱۸۳ - الفروع ج ۲/۷۸)

نکنید؛ چرا که نیاز زن بدون این مقدمات تأمین نمی شود و جماع اگر بدون ملاعبه و بازی باشد ظلم به همسر خواهد بود.

(۱)۱- در کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامیکه یکی از شما می خواهد با خانواده و همسر خود مجامعت کند نباید مثل حیوانات شتاب کند، بلکه باید با تأنّی و رعایت مقدمات (مانند ملاعبه و بازی و...) باشد.»

(۲)۲- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «بعضی از شما [در اثر رعایت نکردن آداب مجامعت] چون نزدیک همسر خود می روید، او از شما فرار می کند [در حالی که غریزه او به قدری قوی می باشد که] او اگر غلام سیاهی را ببیند حاضر است به او بیاویزد. پس شما باید در وقت مجامعت بازی و شوخی و ملاعبه داشته باشید که تأثیر بسزایی در پاکی و صیانت شما خواهد داشت.»

(۳)۳- در همان کتاب، از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «هنگامیکه یکی

۱- (۱)استحباب الملاعبه و ترک التعجیل عندالجماع۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : اذا جامع احدکم اهله فلایأتیهنّ کما یأتی الطیر لیمکث و لیلبث. قال بعصهم: ولیتلث. (الوسائل ج ۱۴/۸۲)

۲- (۲)۲- و فیه عنه... قال الصادق علیه السلام : إنّ احدکم لیأتی اهله فتخرج من تحته، فلواصابت زنجیّا لتشبثت به فاذا اتی احدکم اهله فلیکن بینهما ملاعبه «مداعبه خ ل» فانّه اطیب للأمر. (المصدر)

۳- (۳)۳- وفیه عن الخصال باسناده عن علیّ علیه السلام فی حدیث الأربعمأه قال: اذا اراد احدکم ان یأتی زوجته فلا یعجلّها فانّ للنساء حوائج. (المصدر ص ۸۳)

از شما می خواهد با همسر خود مجامعت کند نباید با شتاب و عجله وارد شود؛ چرا که زن ها [برای تأمین غریزه جنسی] نیاز به ملاعبه و شوخی و بازی دارند.»

وجوب اطاعت و تمکین زن از شوهر

تردیـدی نیست که نظام زندگی نیازمند به یک مدیر شایسـته است همان گونه که در سـطح وسـیع، جامعه بشـر نیز نیاز به یک حاکم مـدیر و مدبّر و شـجاع ومتعهد به قانون دارد. ضـرورت وجود مدیر و حاکم تا جایی است که باید گفت: حاکم سـتمگر بهتر از هرج و مرج است در نظام خانواده نیز که یک مجموعه کوچکی است این ضـرورت احساس می شود. و مطابق تصـریح قرآن و بیان معصومین علیهم السـلام ، خداوند، مرد را حاکم و قیم و سرپرست زندگی و خانواده قرار داده است و در وجود او نیروی چنین مسـئولیت سـنگینی را نهاده و به دلیل نیرو و تعقل و انـدیشه قوی تری که در وجود او گـذارده تأمین نیاز همسـر و خانواده را نیز برعهده او قرار داده است.

به این ترتیب، زندگی خانوادگی، با تعیین مقررات معین و صـلاح دید مرد اداره می شود. البته این یک مسؤولیت بیش نیسـت و خطر بی عـدالتی در آن بسـیار نزدیک است. از این رو، مرد نبایـد به این حاکمیت مغرور شود بلکه بایـد در هراس باشـد که حق زیردسـتان خود را ضایع نکند؛ چرا که روز قیامت قبل از هر کس، حاکم و مسؤول مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت و زن ها بایـد خوشـنود باشـند که چنین بار سـنگینی به دوش آنان نیامـده است و گرفتار رفت و آمـد و تلاش های خارج خانه برای تأمین زندگی نشده اند؛

ص: ۷۰

همان گونه که حضرت زهرا علیهاالسلام پس از آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روزهای اول زندگی مشترکشان با حضرت علی علیه السلام بین او و علی علیه السلام تقسیم کار نمود و فرمود: فاطمه جان «کارهای خارج خانه مربوط به علی علیه السلام باشد و کارهای داخل خانه مربوط به تو فاطمه علیهاالسلام » بسیار خشنود گردید و فرمود: «تاکنون چیزی به این اندازه مرا خشنود نکرد که پدرم مسؤولیت رفت و آمد بین مردان را در خارج خانه از دوش من برداشت.»

البته روشن است که آنچه گفته شد فقط مربوط به نظام زندگی خانواده است وگرنه مسأله ارزش و قابلیت و مقام هر انسان (چه مرد و چه زن) وابسته به ایمان و معرفت و تقوا و بندگی اوست و ممکن است یک زن خانه دار که وظایف خود را رعایت می کند و از اختلاط با مردها در خارج خانه خودداری می نماید و... در پیشگاه خداوند عزیزتر از آن مردی باشد که سرپرست اوست.

اینک به سخنان معصومین علیهم السلام در این موضوع توجه می کنیم:

(1)۱- در کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از محمدبن مسلم، از امام باقر علیه السلام نقل

۱- (۱)وجوب تمکین المرأه زوجها علی کل حال۱- الوسائل عن الکافی عن عدّه من اصحابنا عن احمدبن محمدعن ابن محبوب، عن مالک بن عطیّه، عن محمّدبن مسلم، عن أبی جعفر علیه السلام قال: جاءت امرأه إلی النبی صلی الله علیه و آله فقالت: یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله ماحقّ الزوج علی المرأه؟ فقال لها ان تطیعه ولا تعصیه ولا تصدق من بیته إلاّ باذنه و لاتصوم تطوعا الاّ باذنه ولا تمنعه نفسها و ان کانت علی ظهرقتب ولاتخرج من بیتها إلاّ باذنه و ان خرجت بغیر اذنه لعنتها ملائکه السماء و ملائکه الارض و ملائکه الغضب و ملائکه الرحمه حتّی ترجع إلی بیتها قالت: یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله من أعظم الناس حقا علی الرّجل؟ قال: والده قالت: فمن أعظم الناس حقّا علی المرأه؟قال: زوجها قالت: فمالی علیه من الحقّ مثل ماله علیّ قال: لاولا من کلّ مأه واحده الحدیث. و رواه الصّدوق بإسناده عن الحسن بن محبوب نحوه. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۲ - الفروع ج ۲/۶۰ الفقیه ج ۳/۴۳۸)

شده که فرمود: زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: حق مرد بر زن چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «باید از او اطاعت کند و حق ندارد او را نافرمانی کند و بدون اجازه او صدقه بدهد و یا روزه مستحبی بگیرد. و باید خود راکاملاً در اختیار او قرار دهد [و از هر گونه بهره جنسی نسبت به او دریغ نکند] و بدون اجازه او از خانه خارج نشود و اگر خارج شود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و ملائکه رحمت او را لعنت خواهند کرد تا به خانه خود باز گردد.»

آن زن گفت: حق چه کسی بر مرد بزرگ تر است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق پدر او.» پرسید: حق چه کسی بر زن بزرگ تر است؟ فرمود: «حق شوهر او»

پرسید آیا همانند حقوقی که او بر من دارد من نیز بر او خواهم داشت؟ فرمود: «خیر. بلکه یک صدم حقی که او بر تو دارد تو بر او نداری.»

آن زن گفت: قسم به خدایی که شما را به پیامبری مبعوث نمود، هرگز مردی مالک من نخواهد شد و من ازدواج نخواهم نمود.

(۱)۲- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: زنی خدمت رسول

۱- (۱)۲- و فیه عنه: و عنهم، عن أحمد، عن الجامورانی، عن ابن أبی حمزه، عن عمروبن جبیر العزرمی، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: جاءت امرأه إلی رسول اللّه صلی الله علیه و آله فقالت یا رسول اللّه ما حقّ الزوّج علی المرأه؟ فقال: أکثر من ذلک، قالت: فخبّرنی عن شی ء منه، قال: لیس لها أن تصوم إلا باذنه یعنی تطوّعا و لاتخرج من بیتها بغیر اذنه و علیها أن تتطیب بأطیب طیبها و تلبس أحسن ثیابها و تزین بأحسن زینتها و تعرض نفسها علیه غدوه و عشیّه و أکثر من ذلک حقوقه علیها. (المصدر)

خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول اللّه! حق مرد بر زن چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق او بیش از آن است که تو فکر می کنی!» او گفت: مقداری از آن را برای من بیان فرمایید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بدون اجازه او حق ندارد روزه مستحبی بگیرد و یا از خانه خارج شود و بر او لازم است که خود را به بهترین بوی خوش معطّر کند و بهترین لباس خود را بپوشد و به بهترین زینت ها خود را بیاراید و هر صبح و شام خود را در اختیار او قرار دهد و حقوق فراوان دیگری نیز دارد.»

(۱)۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: حق مرد بر زن چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خواسته جنسی او را برآورده کند گرچه بر روی شتر باشد و چیزی از مال او را بدون اجازه او انفاق نکند والاّ گناهکار خواهد بود و پاداش صدقه او هم برای مرد می باشد و هیچ شبی را با خشم او به سر نبرد.» آن زن گفت: گرچه او ظالم باشد؟ فرمود: «آری.» آن

۱- (۱)۳- و فیه عنه: و بالاسناد عن ابن أبیحمزه، عن أبی المغرا، عن أبی بصیر، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: أتت امرأه إلی رسول اللّه صلی الله علیه و آله فقالت: ما حقّ الزوّج علی المرأه؟ قال: أن تجیبه إلی حاجته و ان کانت علی قتب ولا تعطی شیئا إلاّ باذنه فان فعلت فعلیها الوزر و له الاخر و لاتبیت لیله و هو علیها ساخط قالت: یا رسول اللّه و ان کان ظالما؟ قال: نعم الحدیث. (المصدر)

زن گفت: سوگند به آن خدایی که تو را به حق مبعوث به رسالت نمود، من هرگز همسری انتخاب نخواهم نمود.

مؤلف گوید: مهم ترین وظیفه زن مسأله شوهرداری اوست و در حقیقت سعادت و نجات و بهشت او وابسته به آن است که اگر رعایت این وظیفه را نکند عبادت های دیگر او کم رنگ و بی ارزش خواهد بود.

(۱)۴- در کتاب وسایل الشیعه، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «زنی که نمازهای پنجگانه خود را در شبانه روز بخواند و روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و حج خانه خدا را برود و از شوهر خود اطاعت کند و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام [و فرزندان او] را پذیرفته باشد اهل بهشت خواهد بود و از هردری بخواهد می تواند وارد بهشت شود.»

پاداش همبستر شدن با همسر

(۲)مسأله ازدواج و زناشویی می تواند عبادت باشد، در صورتی که با قصد قربت

ص: ۷۴

۱- (۱)۴- و فیه عنه: محمّدبن علیّ بن الحسین بإسناده عن أبی الصبّاح الکنانی، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: اذاصلّت المرأه خمسها و صامت شهرها و حجّت بیت ربّهما و اطاعت زوجها و عرفت حقّ علیّ فلتدخل من ایّ باب الجنان شاءت. (المصدر ص ۱۱۲ - الفروع ج ۲/۷۴) استحباب المجامعه و الأجرفیها

۲- (۲)۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لرجل: اصبحت ضائما؟ فقال: لا، قال: فاطعمت مسکینا؟ قال: لا، قال: فارجع الی اهلک فانّه منک علیهم صدقه.

و برای انجام دستور دین و رضای خداوند انجام گیرد. به نظر می رسد انجام این سنت اگر همراه ریا و اغراض فاسده دیگر نباشد نیز عبادت محسوب شود؛ چنان که از ظاهر روایات این گونه استفاده می شود. متن روایات وارده چنین است:

۱- در کتاب وسائل، از کتاب کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی از اصحاب خود فرمود: «آیا امروز روزه گرفته ای؟» گفت: خیر. فرمود: «آیا فقیری را اطعام نموده ای؟» گفت: خیر. فرمود: «پس نزد همسر خود برو که آن برای تو صدقه محسوب می شود.»

(۱)۲- در ثواب الأعمال، قبل از جمله اول آمده است که فرمود: «آیا تشییع جنازه ای کرده ای؟» گفت: خیر. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پس به خانه خود بازگرد و با اهل خود همبستر شو که این عمل برای تو صدقه محسوب خواهد شد.»

(۲)۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱- (۱)۲- و رواه الصدوق فی ثواب الأعمال عن عبدالله بن میمون... و زاد قبل قوله: فاطعمت مسکینا؟: فعدت مریضا؟ قال: لا، قال: فاتبعت جنازه؟ قال: لا. و قال فی آخره: فارجع الی اهلک فاصبهم. (الوسائل ج ۱۴/۷۵ الفروع ج ۲/۵۷)

۲- (۲)۳- و فیه عنه... عن ابراهیم الجعفی قال: سمعت اباعبداللّه علیه السلام یقول: انّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله دخل بیت ام سلمه فشمّ ریحا طیّبه فقال: أتتکم الحولاء؟ فقالت: هو ذاهی تشکو زوجها فخرجت علیه الحولاء فقالت: بابی انت و امّی انّ زوجی عنّی معرض، فقال: زیدیه یا حولاء، فقالت: لا اترک شیئا طیّبا ممّا اتطیّب له به و هو معرض فقال: امّا لویدری ماله باقباله علیک قالت: و ما له باقباله علیّ؟

روزی وارد خانه امّ سلمه – همسر خود – گردید و چون احساس بوی خوش نمود به امّ سلمه فرمود: «آیا آن زن حولاء به این خانه آمده است؟» امّ سلمه گفت: آری، او در این جا حاضر است و از شوهر خود شکایت دارد.

پس آن زن خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: پدر و مادرم فدای شما باد! همسر من از من دوری می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از او دلجویی کن و خود را زینت نما و بر او عرضه کن.»

آن زن گفت: من هرچه می توانسته ام خود را خوشبو کرده ام و او از من اعراض می کند.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای کاش او می دانست که توجه کردن و بهره گیری از تو برای او چه قدر پاداش دارد؟» آن زن گفت: او به این چیزها توجه نمی کند.

(۱)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آگاه باش که اگر به تو توجّه کند و از تو بهره بگیرد دو ملک او را در آغوش می گیرند و او پاداش کسی را خواهد داشت که با شمشیر خود از دین خدا حمایت کند و چون با تو همبستر شود گناهان او همانند برگ خزان می ریزد و هنگامی که غسل جنابت می نماید از گناهان خود پاک خواهد شد.»

۱- (۱)فقال صلی الله علیه و آله : اما انّه اذا اقبل اکتنفه ملکان، و کان کالشاهر سیفه فی سبیل اللّه، فاذا هو جامع تحات عنه الذنوب کما یتحاب ورق الشجر، فاذا هواغتسل انسلخ من الذنوب. (المصدر)

مسایل مربوط به فرزندان و حقوق آنان

اشاره

ص :۷۷

آداب و پاداش فرزندداری

دستورات اسلام در مورد تربیت فرزندان و محبت و احسان به آنان فراوان است. می توان گفت که هیچ آیین و مکتبی این اندازه در مسأله تربیت فرزندان واحسان به آنان سفارش نکرده است و اگر هیچ دلیلی برای اثبات حقانیت اسلام نباشد همین دستورات حقوقی و تربیتی و عاطفی و حقوق متقابلی که بین پدر و مادر و فرزندان و زن و شوهر و خویشان و برادران دینی قرار داده است دلیلی روشن برای حقانیت آن خواهد بود.

البته اسلام به دلیل این که کامل ترین ادیان و آخرین آیین آسمانی است و پیامبر آن حضرت محمدبن عبداللّه صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران است، در تمام ابعاد و زمینه های حقوقی و فقهی و سیاسی و اخلاقی و... کامل ترین و جامع ترین مقررات را داراست و مقررات آن هرگز کهنه و مندرس نمی شود و باید به کسانی که احیانا از روی نادانی و دوری از معارف اسلامی گمان می کنند که علم روز و پیشرفت صنعت و تکنولوژی با اسلام سازگار نیست و می گویند اسلام برای مردم جاهلی و اعراب آن زمان خوب بوده است و الآن با این همه پیشرفت قابل پیاده شدن نیست باید گفت که شما اسلام را نشناخته و درک نکرده اید وگرنه چنین سخنان کفرآمیزی را به زبان جاری نمی کردید و هرچیز تازه ای را حق نمی پنداشتید و همانند ماهی که چون داخل آب است و قدر آب را نمی داند شما نیز قدر اسلام را نمی دانید.

اینک به گوشه هایی از دستورات تربیتی و حقوقی بین پدر و مادر و فرزندان که از زبان مبارک معصومین علیهم السلام صادر شده است توجه می کنیم:

ص :۷۸

(۱)۱- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از کتاب مکارم الاخلاق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «بچه ها را دوست بدارید و به آنان ترحم کنید و چون به آنان وعده ای می دهید به آن وفا نمایید؛ چرا که آنان جز شما را رازق خود نمی دانند.»

(۲)۲- در همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که چون مردی را دیدند که دو فرزند داشت و یکی از آنان را می بوسید و دیگری را رها می کرد، به او فرمود: «برای چه بین آنان فرق می گذاری؟»

(۳)۳- و فرمود: «بین فرزندان خود به عدالت عمل کنید؛ چنان که دوست می دارید آنان در محبت و احسان بین شما به عدالت عمل کنند.»

(۴)۴- در همان کتاب نقل شده که چون رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسن و امام

۱- (۱)۱- البحار عن مکارم الأخلاق عن النبیّ صلی الله علیه و آله قال: احبّوا الصبیان و ارحموهم فاذا وعدتموهم ففوا لهم فانّهم لایرون إلاّ انّکم ترزقونهم. (البحار ج ۱۰۴/۹۲ مکارم الأخلاق ص۲۵۲)

۲- (۲)۲- و قال صلی الله علیه و آله : اعدلوا بین اولادکم کما تحبّون ان یعدلوا بینکم فی لبّر و اللطف. (المصدر)

۳- (۳)۳- و عن النبی صلی الله علیه و آله (انّه) نظر الی رجلٍ له ابنان فقبّل احدهما و ترک الآخر فقال النبیّ صلی الله علیه و آله : فهلاّ و اسیت بینهما. (المصدر)

۴- (۴)۴- و فی البحار عن مکارم الأخلاق: قبّل رسول اللّه صلی الله علیه و آله الحسن و الحسین علیهماالسلام ، فقال الاقرع بن جابس: إنّ لی عشرةً من الاولاد ما قبّلت واحدا منهم فقال صلی الله علیه و آله : ما علیّ ان نزع اللّه الرحمه منک او کلمه نحوها. (المصدر)

حسین علیهماالسلام را می بوسیدند شخصی به نام اقرع بن جابس گفت: من ده فرزند دارم و تاکنون یکی از آنان را نبوسیده ام. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چه کنم که خدا رحمت و محبت را از دل تو برداشته است.»

(۱)۵- و فرمود: «حق فرزند بر پدر سه چیز است: نام نیک براو گذارد، کتابت و نوشتن به او یاد دهد، و چون بالغ شود او را به ازدواج درآورد.»

و فرمود: «کسی که سه دختر و یا سه خواهر خود را نگهداری و تأمین نماید بهشت برای او واجب می شود.» گفته شد: اگر دو دختر یا دو خواهر خود را تأمین کند چگونه است؟ فرمود: «بهشت برای او واجب خواهد شد.» گفته شد: اگر یک دختر و یا یک خواهر خود را تأمین کند چگونه است؟ فرمود: «بهشت برای او واجب خواهد شد.»

(۲)۶- و فرمود: «فرزندان خود را زیاد ببوسید همانا به هر بوسه ای برای شما درجه ای در بهشت خواهد بود که بین هر درجه تا درجه دیگر پانصد سال می باشد.»

(۳)۷- و فرمود: «پدر و مادر نیز مانند فرزندان عاق آنان خواهند شد [اگر حقوق

۱- (۱)۵- و قال صلی الله علیه و آله : من حقّ الولد علی والده ثلاثه: یحسّن اسمه و یعلّمه الکتابه و یزوّجه اذا بلغ. (المصدر)

۲- (۲)۶- و قال صلی الله علیه و آله : کثروا من قبله اولادکم فانّ لکم بکلّ قبلهٍ درجه فی الجنّه ما بین کلّ درجه خمسمأه عام. (المصدر)

۳- (۳)۷- و فیه عنه قال الرضا علیه السلام : یلزم الوالدین من عقوق الولد ما یلزم الولد لهما من العقوق. (المصدر ص ۹۲)

آنان را ضایع کنند و یا سبب عقوق آنان شوند].

(۱)۸- و فرمود: «سوگند به خدایی که مرا به حق [به نبوت] مبعوث نموده، کسی که عاق پدر و مادر خود شود بوی بهشت را نمی شنود.»

(۲)۹- و فرمود: «کسی که داخل بازار شود و چیزی برای خانواده خود خریداری کند، همانند کسی خواهد بود که برای فقرا و مستمندان چیزی تهیه می کند و چون متاعی که خریده را به خانه می برد [و فرزندان اطراف او جمع می شوند] اول دختران خود را خشنود کند، چرا که هرکس دختری را خشنود کند همانند آن است که غلامی را از فرزندان اسماعیل علیه السلام آزاد نموده باشد، و هر کس فرزند پسری را خشنود کند همانند آن است که از خوف خدا گریسته باشد، و هرکس از خوف خدا بگرید خداوند او را در بهشت متنعم خواهد نمود.»

(۳)۱۰- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فرزند خود را رها

۱- (۱)۸- و فیه عنه قال الّنبیّ صلی الله علیه و آله : و الذی بعثنی بالحق إنّ العاقّ لوالدیه ما یجد ریح الجنّه. (المصدر)

۲- (۲)۹- و فیه عن نوادر الحکمه عن ابن عباس قال: قال الّنبیّ صلی الله علیه و آله : من دخل السوق فاشتری تحفهً فحملها الی عیاله کان کحامل صدقهٍ الی قوم محاویج ولیبدأ بالأناث قبل الذکور، فانّه من فرّح ابنهً فکأنّما اعتق رقبهً من ولد اسماعیل و من اقرّ بعین ابن فکأنّما بکی من خشیه اللّه، و من بکی من خشیه اللّه ادخله جنات النعیم. (البحارج ۱۰۴/۹۴ مکارم الاخلاق ص ۲۵۴)

۳- (۳)۱۰- و فیه عنه عن الصادق علیه السلام قال: دع ابنک یلعب سبع سنین و یؤدّب سبعا، و الزمه نفسک سبع سنین فان افلح و الاّ فانّه من لاخیرفیه. (المصدر)

کن تـا هفت سال بازی کنـد، و در هفت سال دوم، او را آداب و تربیت بیاموز، و در هفت سال سوم، او را امر و نهی کن. پس اگر رستگار نشد او را رها کن که خیری در او نیست.»

(۱)۱۱- و در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «فرزند در هفت سال اول آقا و سیّد است [که تو بایـد از او اطـاعت کنی]، و در هفت سال دوم غلام تواست [که او از تو اطاعت می کنـد]، و در هفت سال سوم وزیر تو می باشـد [که بایـد از او کمک بگیری و نظرخواهی کنی]. پس اگر [به وظیفه خود عمل کردی] و در سن بیست و یک سالگی به اخلاق و روش او راضی شدی [سعادتمند خواهد بود[وگرنه او را رها کن و تو در پیشگاه خداوند معذور هستی.»

(۲)۱۲- و فرمود: «فرزندان خود را اکرام و احسان کنید و آداب نیکو به آنان یاد دهید تا آمرزیده شوید.»

(۳)۱۳- در همان کتاب، از امام باقر علیه السـلام نقل شـده که فرمود: «چون فرزندان شـما به ده سال می رسـند بستر آنان را از زن ها جدا کنید.»

ص: ۸۲

۱- (۱)۱۱- و قال النّبیّ صلی الله علیه و آله : الولد سیّد سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین فان رضیت خلائقه لاحدی و عشرین و الاّ فاضرب علی جنبه فقد اعذرت الی اللّه تعالی.

۲- (۲)۱۲- و فیه عنه قال صلی الله علیه و آله : اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم یغفرلکم. (البحار ج ۱۰۴/۹۵)

۳- (۳)۱۳- و فیه عنه عن الباقر علیه السلام قال: یفرّق بین الغلمان و النساء فی المضاجع اذا بلغوا عشرسنین. (المصدرص ۹۶)

(۱)۱۴- در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «فرزندان شما چون به ده سال می رسند، دو پسر و دو دختر و یک پسر و یک دختر را در یک بستر قرار ندهید.»

(۲)۱۵- و فرمود: چون دختر به شش سال می رسد او را نبوسید و پسر نیز چون به هفت سال می رسد نباید زن ها را ببوسد.

(۳)۱۶- و فرمود: زن اگردختر شش ساله خود را مباشرت کند (یعنی او را مانند دوران بچه بودن بشوید و حمام کند) شعبه ای از زنا خواهد بود.

(۴)۱۷- و آن حضرت به احمدبن نعمان نسبت به دختر شش ساله ای که خویشی با او نداشت فرمود او را در دامن خود مگذار و او را نبوس.

۱- (۱)۱۴- و فیه عنه عن الصادق عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : الصبیّ و الصبی، و الصبیّه و الصبیّه، و الصبیّ و الصبیّه یفرّق بینهم فی المضاجع لعشر سنین. (المصدر عن مکارم الأخلاق ص ۲۵۵)
۲- (۲)۱۵- و قال علیه السلام : اذا بلغت الجاریه ستّ سنین فلا تقبّلها، و الغلام لایقبّل المرأه اذا جاز سبع سنین. (المصدر)
۳- (۳)۱۶- و قال علی علیه السلام : مباشره المرأه ابنتها اذا بلغت ستّ سنین شعبه من الزنا. (المصدر)۱۷- و فیه عنه عن الصادق علیه السلام سأله احمدبن النعمان فقال: جویره لیس بینی و بینها رحم و لهاستّ سنین؟ قال علیه السلام : فلا تضعها فی حجرک و لاتقبّلها. (المصدر)

استحباب درخواست فرزند شایسته

(۱)در قرآن کریم در سوره انبیاء آمده که حضرت زکریا علیه السلام از خدای خود درخواست فرزند نمود و گفت: «خدایا، مرا تنها مگذار» و خداوند او را اجابت نمود و حضرت یحیی علیه السلام را به او عطا کرد. و در سوره فرقان، خداوند نشانه های بندگان خود را بیان نموده و می فرماید: «آنان می گویند: خدایا، از همسران و ذریّه ما فرزندانی به ما عطا کن که نور چشم ما باشند.»

(۲)و در سوره نوح آمده که او به پروردگار خود گوید: من به مردم گفتم: باید از خدای غفّار و بخشنده خود استغفار کنید تا او رحمت خود را بر شما فرو فرستد و به وسیله اموال و فرزندان شما را کمک دهد.

(۳)۱- علامه مجلسی، درکتاب بحار، از کتاب طبّ الائمه، از بکیربن محمد نقل

ص: ۸۴

۱- (۱)استحباب طلب الولد و ما یوجب رشده قال اللّه سبحانه: و زکرّیا اذنادی ربّه ربّ لاتذرنی فردا و انت خیرالوارثین. فاستجبناله و وهبناله یحیی و اصلحنا له زوجه. (الأنبیاء /۹۰)

۲- (۲)و قال سبحانه: والذّین یقولون ربّنا هب لنا من ازواجنا و ذریّاتنا قرّه اعین و اجعلنا للمتّقین اماما. (الفرقان /۷۳) و قال سبحانه عن قول نوح: فقلت استغفروا ربّکم إنّه کان غفّارا یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین. (سوره نوح /۱۲)

۳- (۳)۱- البحار عن طبّ الائمه علیهم السلام عن بکیربن محمد قال: کنت عند ابی عبداللّه علیه السلام فقال له رجل: یابن رسول اللّه صلی الله علیه و آله یولد لی الولد فیکون فیه البله و الضعف فقال: ما یمنعک من السویق اشربه و مراهلک به فانّه ینبت اللحم و یشدّ العظم و لایولدلکم الاّ القویّ. (البحار ج ۱۰۴/۷۸ طب الائمه ص ۸۸)

نموده که گوید: من خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله ، مرا فرزندی به هم رسیده که مبتلای به کودنی و ضعف و ناتوانی است پس امام علیه السلام به او فرمود: چه مانع است تو را که خود و همسرخود از سویق استفاده نمی کنید تا به وسیله آن گوشت و استخوان شما محکم و نیرومند گردد و فرزند شما نیز قوی گردد؟!»

(۱)۲- در همان کتاب، از کتاب محاسن، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «یکی از پیامبران از کمی نسل امت خود به خداوند شکایت نمود. پس خدا امر نمود که به امت خود بگوید: از تخم مرغ استفاده کنند و چون چنین کردند نسل آنان فراوان گردید.»

(۲)۳- در همان کتاب، از حضرت کاظم علیه السلام نقل شده که فرمود: «شیر و عسل برای آب کمر سودمند است.»

(۳)۴- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هرکس اول روز از

۱- (۱)۲- و فیه عن المحاسن عن الاصبغ عن علی علیه السلام قال: انّ نبیّا من الأنبیاؤ شکا الی اللّه قلّه النسل فی امّته فامره ان یأمرهم بأکل البیض ففعلوا فکثر النسل فیهم. (المصدر ص ۷۹ المحاسن ص ۴۸۱)

۲- (۲)۳- و فیه عنه... عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیهماالسلام قال: من تغیّر علیه ماء الظهر ینفع له اللبن الحلیب و العسل. (المصدر ص ۸۰ المحاسن ص ۴۹۲)

۳- (۳)۴- و فیه عنه... عن الصادق علیه السلام قال: من اکل سفرجله علی الریق طاب ماؤه و وحسن ولده. (المصدر ص ۸۱)

بِه استفاده کند نطفه او پاکیزه و فرزند او زیبا خواهد شد.»

(۱)۵- در همان کتاب نقل شده است: «انار آب مرد را زیاد و فرزند را نیکو و زیبا می گرداند.»

مولف گوید: چنان که گذشت و خواهد آمد، فرزند زیاد مورد سفارش معصومین ما علیهم السلام بوده است و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: ازدواج کنید تا فرزندان زیادی بیابید؛ چرا که من روز قیامت به وسیله امت خود بر امت های دیگر مباهات می نمایم، حتی نسبت به آن فرزندی که سقط شده باشد.» و فرمود:

«فرزندی که سقط شده است بر در بهشت باحالت خشم می ایستد و چون به او می گویند: وارد بهشت شود، می گوید: هرگز بدون پدر و مادرم وارد بهشت نخواهم شد.» ولی با کمال تأسف امروزه بعضی ماها، همانند بعضی از جهّال صدراسلام، می گویند: «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و اکثر آنان خود را عقیم می کنند که صاحب فرزند زیاد نشوند، در حالی که سیره و روش اولیای دین ما چنین نبوده است.

(۲)۶- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از کتاب محاسن، از بکربن صالح نقل

۱- (۱)و فیه عنه... قال علیه السلام : اکل الرمان یزید فی ماء الرجل و یحسّن الولد. (المصدرص ۸۲)

۲- (۲)۶- وفیه عن مکارم الأخلاق عن بکربن صالح قال: کتبت الی ابی الحسن الثانی علیه السلام : انّی اجتنبت طلب الولد منذخمس سنین وذلک انّ اهلی کرهت ذلک و قالت انّه یشتدّ علیّ تربیتهم لقلّه الشی ء فماتری؟ فکتب اطلب الولد فانّ اللّه یرزقهم. (المصدر ص ۸۴ مکارم الأخلاق ص ۲۲۲)

نموده که گوید: من نامه ای به حضرت ابوالحسن ثانی، علی بن موسی الرضا علیه السلام ، نوشتم که پنج سال است از تولید نسل خودداری نموده ام و این به این علت است که همسر من از آن کراهت دارد و می گوید: چون چیزی نداریم تربیت آنان بر ما سخت است، نظر شما چیست؟

پس امام علیه السلام در پاسخ نامه من نوشت: «از تولید نسل و فرزند دریغ مکن؛ چراکه خداوند رازق آنها است.»

(۱)۷- و در همان کتاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ازدواج کنید تا نسل شما فراوان گردد همانا من در روز قیامت به وسیله شما بر امت های دیگر مباهات می نمایم حتی فرزند سقط شده شما نیز از امت من محسوب خواهد شد.

(۲)۸- و در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله (ضمن سخنان طولانی خود) فرمود: آیا نمی دانید که من در مقابل امت های دیگر به شما مباهات می کنم حتی نسبت به فرزند سقط شده شما نیز مباهات می کنم؟ همانا او با حالت خشم بر در بهشت می ایستد و خداوند به او می فرماید: وارد بهشت شود و او می گوید: وارد بهشت نمی شوم تا این که قبل از من پدر و مادرم وارد شوند پس خداوند به ملکی از ملائکه دستور می دهد: پدر و مادر او را بیاورید پس آنان وارد بهشت می شوند و سپس خداوند به او می فرماید: «این از فضل رحمت من می باشد بر تو.»

۹- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه مانع است مؤمن را که همسری بگیرد به امید آن که خداوند به او فرزندی بدهد و زمین را با گفتن لااله الّاالّله سنگین کند.

۱۰- و فرمود: هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند محبوب تراز ازدواج نیست.

۱- (۱)۷- البحار... قال النبیّ صلی الله علیه و آله تناکحوا تناسلوا تکثروا فإنّی اباهی بکم الأمم یوم القیامه و لو بالسقط. (البحار ج ۴۴/۱۷۰)

۲- (۲)۸- الکافی... عن ابی عبدالّله علیه السلام قال: قال رسول الّله صلی الله علیه و آله :...اما علمتم انّی اباهی بکم الأمم یوم القیامه حتّی بالسقط یظلّ محبنطئا علی باب الجنّه فیقول الّله عزوجلّ: ادخل الجنّه فیقول: لاادخل حتّی ابوای قبلی فیقول الّله تبارک و تعالی لملک من الملائکه ایتنی بابویه فیأمر بهما الی الجنّه فیقول: هذا بفضل رحمتی لک. (الکافی ج ۵/۳۳۴)

ارزش زن و فرزندان شایسته

(۱)تردیـدی نیست که فرزندان صالح و شایسـته از باقیات و صالحات هسـتند. از معصومین علیهم السـلام روایت شده است که دفتر اعمال انسان با مردن او بسـته می شود جز از چند راه: صدقه جاریه، و فرزند صالح، و دانشـی که تعلیم شود و آثار آن بعد از مرگ باقی به ماند. و فرموده اند:

فرزنـد صالـح ثمره و میوه زندگی انسان است و همسـر صالح نیز از نعمت های بزرگ خداوند است و چون خداوند نظر لطفی به بنده خود کند همسـر مؤمن و شایسته ای به او می دهد که چون به او می نگرد شاد می شود و چون از او غایب می گردد او امانت شوهر خود (یعنی مال شوهر و عفت خودش) را حفظ می نمایـد. و در بعضـی از روایات آمـده است که همسـر خوب و صالح از عمّال و کارپردازان الهی است.»

از سویی، در آیات قرآن و سـخنان معصومین علیهم السـلام سـفارش شده که از شـر فرزندان و همسـران ناشایست در هراس و حذر باشید و بترسید که آنان شما را از یاد خداوند غافل نکنند.

خداوند در قرآن می فرماید: «بعضی از همسران و فرزندان شما دشمنان شمایند پس باید از آنان حذر کنید.»

(۲)و یا می فرماید: «اموال و فرزندان شما وسیله فتنه و آزمایش شمایند و پاداش

ص: ۸۸

۱- (۱)فضـل الزوجه و الأولاد الصالحین و ثواب تربیتهم قال اللّه سـبحانه: و من آیاته ان خلق لکم من انفسـکم ازواجا لتسـکنوا الیهمـا و جعـل بینکم مـودّهً و رحمهً إنّ فی ذلـک لآیـات لقـوم یتفکرّون. (الروم / ۲۱) و قـال سـبحانه: و للّه ملک السـماوات و الأرض یخلق ما یشاء و یهب لمن یشاء اناثا و یهب لمن یشاء الـذکور او یزوّجهم ذکرانا و اناثا و یجعل من یشاء عقیما انّه علیهم قدیر. (حمعسق /۵۰/۴۹)

۲- (۲)و قال سـبحانه: المال و البنون زینه الحیاه الـدنیا و الباقیات الصالحات خیرعنـد ربّک ثوابا و خیراملاً. (الکهف /۴۶) و قال سبحانه: یا ایهاالذین آمنوا انّ من ازواجکم و اولادکم عدّوا لکم فاحذروهم و إن تعفوا و تصفحوا و تغفروا فانّ اللّه غفور رحیم. انّما اموالکم و اولادکم فتنه و اللّه عنده اجرعظیم. (التغابن ۱۴/۱۵)

بزرگ خداوند برای کسانی است که خشنودی خدا را بر خشنودی آنان مقدم بدارند.»

علامه مجلسی، در کتاب بحار، از کتاب مکارم الأخلاق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «فرزند صالح از گل های بهشت است.»

(۱)در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «میراث خداوند از بنده خود فرزند صالحی است که برای او استغفار کند.»

پاداش شوهرداری و بارداری زن

(۲)در سخنان معصومین علیهم السلام آمده است که جهاد زن نزد خداوند شوهرداری نیکوی او در خانه است؛(۳) هم چنانکه جهاد مرد در خارج خانه تلاش او برای به دست آوردن روزی حلال است(۴) و انجام این دو وظیفه برای زن و مرد از اسباب

۱- (۱)۱- الکافی عن ابی جعفر علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال اللّه عزّوجلّ اذا اردت ان اجمع للمسلم خیرالدنیا و الآخره جعلت له قلبا خاشعا و لسانا ذاکرا و جسدا علی البلاء صابرا و زوجةً مؤمنةً تسرّه اذا نظر الیها و تحفظه اذا غاب عنها فی نفسها و ماله. (الکافی ج ۵/۳۲۷)

۲- (۲)۲- و قال صلی الله علیه و آله : من سعاده المرأ الزوجه الصالحه. (المصدر)

۳- (۳)۳- و قال صلی الله علیه و آله : اذا مات المؤمن انقطع عمله الاّ من ثلاثٍ: صدقه جاریه، اوعلم ینتفع به، او ولد صالح یدعوله. (البحار ج ۲/۲۲)

۴- (۴)۴- و قال صلی الله علیه و آله : الولد الصالح ریحانه من ریاحین الجنّه. (المصدر ج ۱۰۴/۹۰)۵- و قال الصادق علیه السلام : میراث اللّه من عبده المؤمن ولد صالح یستغفرله. (المصدر مکارم الاخلاق /۲۵۱) ثواب النساء فی خدمه الأزواج و الحمل و الولاده و تربیه الولد

آمرزش آنان نیز خواهد بود.

۱- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از امالی صدوق، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرزنی که در خانه شوهر خودبرای اصلاح زندگی او چیزی را جابه جا کند، خداوند نظر رحمت به او می افکند و خداوند به هرکس نظر رحمت داشته باشد هرگز او را عذاب نمی کند.» امّ سلمه، همسر آن حضرت، گفت: با این سخن مردها همه خوبی ها و بهره ها را دارا شدند، پس برای زن های مستمند چه خواهد بود؟

(۱)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آری، زن چون باردار شود پاداش او همانند کسی است که در روز روزه دار و در شب عابد باشد و در راه خدا با جان و مال خود مجاهده نماید، و چون وضع حمل و زایمان نماید پاداش او به قدری بزرگ است که کسی نمی داند، و چون فرزند خود را شیر دهد با هر بار مکیدن فرزند از پستان مادر، خداوند پاداش آزاد کردن غلامی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را به او می دهد، و چون دوران شیر دادن او تمام شود ملکی از طرف خداوند دست خود را به پهلوی او می زند و می گوید: خداوند تو را بخشید، کار خود را از سر بگیر.»

(۲)۲- در همان کتاب، از کتاب خصال صدوق، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مردان امت من اگر از علاقه به دنیا و پیروی از هوای نفس و شکم پرستی و شهوت پرستی دور باشند اهل بهشت می باشند، و زن های امت من اگر عفّت خود را حفظ نمایند و از شوهران خود اطاعت نمایند و نمازهای پنجگانه

۱- (۱)فقال صلی الله علیه و آله : بلی اذا حملت المرأه کانت بمنزله الصائم القائم المجاهد بنفسه و ماله فی سبیل اللّه فاذا وضعت کان لها من الأجر مالاتدری ماهو لعظمه، فاذا ارضعت کان لها بکلّ مصّیه کعدل عتق محرّر من ولد اسماعیل فاذا فرغت من رضاعه ضرب ملک علی جنبها و قال: استأنفی العمل فقد غفرلک. (البحار ج ۱۰۴/۱۰۶ الأمالی ص ۴۱۱)

۲- (۲)۲- وفیه عن الخصال... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من سلم من امتّی من اربع خصال فله الجنّه: من الدخول فی الدنیا، و اتباع الهوی، و شهوه البطن، و شهوه الفرج، و من سلم من نساء أمتّی من اربع خصال فلها الجنّه: اذا حفظت ما بین رجلیها، و اطاعت زوجها، و صلت خمسها، و صامت شهرها. (البحار ص ۱۰۷ الخصال ج ۱/۱۵۲)

خود را بخوانند وماه مبارک رمضان را روزه دار باشند اهل بهشت خواهند بود.»

(۱)۳- در همان کتاب، از کتاب مجالس شیخ طوسی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «زنی که در حال زایمان و نفاس خود بمیرد، چون در حال اندوه [و مصیبت] مرده است، در روز قیامت حسابی برای او نخواهد بود.»

آداب نوزاد و مقام مادر

در این قسمت، بخشی از سخنان معصومین علیهم السلام را در رابطه با ولادت فرزند و آداب کام برداشتن و صدقه دادن و عقیقه کردن و اطعام و ولیمه و ختنه نمودن و نامگذاری فرزندان را مطرح می کنیم.

بهتر است متن سخنان اولیای دین را در اختیار خوانندگان قرار دهیم، به دلیل این که نورانیت و تأثیر سخنان آنان در دل ها قابل انکار نیست و نیازی نیست که ما مضامین آنها را با عبارات خود آمیخته کنیم و در اختیار مردم قرار دهیم؛ چرا که دل ها فقط با شنیدن سخنان معصومین علیهم السلام آرامش و اطمینان پیدا می کند.

(۲)۱- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از قرب الاسنا، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین علیهماالسلام را روز هفتم نام گذاری و برای آنان عقیقه نمود و آنان را ختنه کرد و سرهای آنان را تراشید و به اندازه آن از نقره صدقه داد.»

(۳)۲- در همان کتاب، از موسی بن جعفر علیهماالسلام نقل شده که فرمود: «عقیقه برای دختر و پسر یکسان است.»

(۴)۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام ، از پدرانش نقل شده که فرمود:

۱- (۱)۳- و فیه عن امالی الطوسی... عن الصادق علیه السلام قال: النفساء تبعث من قبرها بغیر حسابٍ لأنّها ماقت فی غمّ نفاسها. (المصدر الأمالی ج ۲/۲۸۵) آداب الولاده و سنن المولود

۲- (۲)۱- البحار عن قرب الاسناد عن الصادق علیه السلام قال: سمیّ رسول اللّه الحسن و الحسین علیهماالسلام لسبعه ایّام و عقّ عنهما لسبع، و ختنهما لسبع،و حلق رؤوسهما لسبع، و تصدّق بزنه شعورهما فضّه. (البحار ج ۱۰۴/۱۰۸)

۳- (۳)۲- و فیه عنه... عن یونس بن یعقوب قال: سألت ابالحسن موسی علیه السلام عن العقیقه للجاریه و الغلام فیها سواء؟ قال: نعم. (المصدر)

۴- (۴)۳- و فیه عن الخصال عن الصادق عن أبائه علیهم السلام قال: قال: اختتنوا اولادکم یوم السابع فانّه اطهر و اطیب و اسرع لنبات اللحم، فانّ الأرض تنجس من بول الاغلف اربعین صباحا. (المصدرص ۱۰۹)

«فرزنـدان خود را روز هفتم ختنه کنیـد که آن در پاکی و طهارت و روییدن موی آنان مؤثر خواهد بود و زمین تا چهل روز از بول بچه ای که ختنه نشده نجس می شود [و ضجه می زند].»

(۱)۴- در همان کتاب، از امیرالمؤمنین علیه السـلام نقل شـده که فرمود: «خداوند به مریم [در وقت زایمان] فرمود: شاخه خرما را بگیر تا آن شاخه [خشـکیده] برای تو خرمای پاکیزه بریزد و از آن بخور و از آب [کنار آن] بنوش تا چشم تو روشن شود [و شادمان شوی].»

(۲)۵- و فرمود: «برای زنی که زایمـان کرده هیـچ دارو و غـذایی بهتر از خرمای تازه نیست و خرمای برنی (خرمای سـرخ) بهتر می باشد. و آن فرزند را حلیم و بردبار خواهد کرد شـما کام فرزندان خود را با آن بردارید چنان که رسول خدا صـلی الله علیه و آله کام حسن و حسین را با آن برداشت.»

(۳)۶- امیرالمؤمنین علیه السـلام می فرماید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: اگر وقت خرمای رطب نبود چه کنیم؟ فرمود: هفت دانه از خرمای مدینه را بخورد و اگر نبود از خرمای شـهرهای دیگر بخورد چرا که خداوند می فرماید: به عزت و جلال و عظمت و مقام والایم سوگند که هر زنی بعد از زایمان اگر خرمای رطب بخورد فرزند او

ص: ۹۲

۱- (۱)۴- و فیه عنه قـال امیرالمؤمنین علیه السـلام : ما تأکل الحامل من شـی ءٍ ولا تتـداوی به افضل من الرطب قال اللّه عزّوجلّ لمریم علیهماالسلام : «و هزّی الیک بجذع النخله تساقط علیک رطبا جنیّا فکلی و اشربی و قرّی عینا» (المصدر ص ۱۱۰)

۲- (۲)۶- البحـار عـن الخصـال... و حنّکـوا اولاـدکم بـالتمر فهکـذا فعـل رسـول اللّـه صـلی الله علیـه و آله بـالحسن و الحسـین علیهماالسلام . (البحار ج ۱۰۴/۱۱۰ الخصال ج ۲/۴۳۳)

۳- (۳)۵- و فی المحاسن... عن علیّ علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لیکن اوّل ما تأکل النفساء الرطب لأنّ اللّه عزّوجلّ قـال لمریم بنت عمران: «و هزّی الیـک بجزع النخله تساقـط علیـک رطبـا جنیّا قیـل: یا رسول اللّه فان لم یکن إبّان الرطب؟ قال: سبع تمرات من تمرات المدینه فان لم یکن فسبع تمرات من تمرا مصارکم فانّ اللّه تبارک و تعالی قال: «و عزّتی و جلالـی و عظمتی و ارتفـاع مکـانی لاتأکـل نفسـاء یوم تلـدالرطب فیکون غلامـا الاّ کان حلیما و ان کانت جاریه کانت حلیمه». (المحاسن ج ۲/۵۳۵)

حلیم و بردبار خواهد بود.

(۱)۷- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «کام هر فرزندی که از آب فرات برداشته شود و از آن آب بنوشد او از دوستان ما خانواده خواهد بود.» [و در روایتی فرمود: از شیعیان ما خواهد بود]

(۲)۸- از همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که فرمود: «کام فرزندان خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید تا مایه امان [و دوری از آفات] باشد.»

(۳)۹- در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ولیمه در چهار چیز است:

۱- ازدواج و عروسی؛ ۲- ولادت فرزند که [روز هفتم] برای او عقیقه می شود و از آن اطعام می کنند؛ ۳- ختنه کردن پسر؛ ۴- بازگشت از مسافرت [حج و غیره].»

(۴)۱۰- در همان کتاب، از عمربن زیاد نقل شده که گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: به خدا سوگند، نمی دانم پدرم برای من عقیقه نموده یا نه. پس امام علیه السلام امر فرمودکه من عقیقه کنم در حالی که من پیر مرد بودم. و فرمود: «هرکسی گروی زکات فطره است و هر مولودی نیز گروی عقیقه است.»

(۵)۱۱- و فرمود: «فرزند چون متولد می شود باید در گوش راست او اذان و در

۱- (۱)۷- و فیه عن کامل الزیاره عن سلیمابن هارون انّه سمع اباعبداللّه علیه السلام یقول: من شرب ماء الفرات و حنّك به فهو محبّنا اهل البیت. (الاّ کان لنا شیعه)

۲- (۲)۸- و فیه عنه عن الحسین بن ابی العلا قال: سمعت اباعبداللژه علیه السلام یقول: حنّکوا اولادکم بتربه الحسین علیه السلام فانّه امان. (کامل الزیاره ص ۴۹/۲۷۸ البحار ص ۱۱۵)

۳- (۳)۹- و فیه عن المحاسن... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : الولیمه فی اربع: العرس، و الخرس و هو المولود یعقّ عنه و یطعم له، و اعذار و هوختان الغلام، و الإیاب و هو الرجل یدعو [اخوانه] اذا آب من غیبته. (البحار ج ۱۰/۱۱۵ المحاسن ص ۴۱۷)

۴- (۴)۱۰- و فیه عن مکارم الأخلاق عن الصادق علیه السلام قال: کلّ انسان مرتهن بالفطره و کلّ مولودٍ مرتهن بالعقیقه. (المصدر ص ۱۲۰ مکارم الاخلاق ص ۴۱) و فیه عنه عن عمربن یزید قال: قلت للصادق علیه السلام : انّی و اللّه ما ادری کان ابی عقّ عنّی ام لا؟ فامرنی فعققت عن نفسی و انا شیخ. (المصدر مکارم الاخلاق ص ۲۵۹)

۵- (۵)۱۱- وفیه عن مکارم الأخلاق عن الصادق علیه السلام قال: المولود اذا ولد یؤذّن فی اذنه الیمنی ویقام فی الأیسر. (البحار ج ۱۰۴/۱۲۲ مکارم الأخلاق ص ۲۶۱)

گوش چپ او اقامه گفته شود.»

(۱)۱۲- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «روز هفتم ولادت باید برای فرزند عقیقه کنید و یک ران آن را به قابله بدهید و با آب فرات فرزند خود را کام بردارید و در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگویید و او را نامگذاری کنید و سر او را بتراشید و به اندازه آن از طلا و یا نقره صدقه دهید، همانا نام او از آسمان فرود می آید و چون خواستید عقیقه را ذبح کنید بگویید: بسم اللّه و باللّه و الحمدللّه...»

(۲)۱۳- در همان کتاب، از دعائم الاسلام، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که فرزندی پیدا می کند باید در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگوید تا از شر شیطان مصون بماند.» هم چنان که آن حضرت برای امام حسن و امام حسین علیهماالسلام چنین کرد.

سپس فرمود: «بعد از اذان و اقامه، سوره حمد و آیه الکرسی و آیات آخر سوره حشر آیات ۲۲ تا ۲۴؛ یعنی: «هُوَ اللَّهُ الّذِی لَاإِلَهَ الّا هُوَ عالِمُ الغَیبِ وَ الشَهدَهِ هُوَ الرَّحمنُ الرَّحِیمُ * هُوَ اللَّهُ الّذِی لَاإِلَهَ إلّا هُوَ المَلِکُ القُدّوسُ السَّلامُ المُؤمِنُ المُهَیْمِنُ العَزیزُ الجَبَّارُ المُتَکَبِرُ سُبحَنَ اللّهِ عَمَّایُشرکُونَ * هُوَ اللَّهُ الخَالِقُ البَارِئُ المُصَورُ لَهُ الاَسمَاءُ

۱- (۱)۱۲- قال العلّامه المجلسی علیه الرحمه: و من کتاب آداب ابی طوّل اللّه عمره عن الباقر علیه السلام قال: اذا ولد لأحدکم فکان یوم السابع فلیعقّ عنه کبشا و اطعموا القابله من العقیقه الرجل بالورک، و لیحنّکه بماء الفرات، و لیؤذّن فی اذنه الیمنی، و لیقم فی الیسری و یسمیّه یوم السابع و احلقوا و یوزن شعره فیتصدّق بوزنه فضّه اوذهبا، فانّ اللّه ینزل اسمه من السماء فاذا ذبحت فقل: «بسم اللّه و باللّه و الحمدللّه و اللّه اکبر ایمانا باللّه و ثناءً علی رسول اللّه و شکرا لرزق اللّه و عصمهً بامراللّه و معرفهً بفضله علینا اهل البیت» فان کان ذکرا فقل: اللّهمّ انت وهبت لنا ذکرا و انت اعلم بما وهبت لنا و منک ما اعطیت ولک ما صنعنا فتقبّله منّا علی سنّتک و سنّه رسولک صلی الله علیه و آله و اخسأ عنّا الشیطان الرجیم، لک سفکت الدماء لاشریک لک الحمدللّه ربّ العالمین. (المصدر)

۲- (۲)۱۳- و فیه عن دعائم الإسلام: عن علیّ علیه السلام انّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال: من ولدله مولود فلیؤذن فی اذنه الیمنی و لیقم فی الیسری فانّ ذلک عصمه من الشیطان و انّه صلی الله علیه و آله امران یفعل ذلک بالحسن و الحسین علیهماالسلام ، و ان یقرأ مع الأذان فی آذانهما فاتحه الکتاب، و آیه الکرسی و آخرسوره الحشر،و سوره الإخلاص و المعوّذتین. (البحار ج ۱۰۴/۱۲۶ دعائم الاسلام ج ۱/۱۴۷)

الحُسنی یُسَبِحُ لَهُ مَا فِی السَّمَواتِ والاَرضِ وهُوَ العَزِیزُ الحَکِیمُ» و سوره قل هواللّه احد و دو سوره آخر قرآن را نیز در گوش های او بخواند.»

انتخاب نام نیک برای فرزندان

از حقوقی که فرزند بر پدر و مادر دارد انتخاب نام نیک است. نام نیک در دنیا و آخرت برای انسان وسیله شرافت و سربلندی و برکت است.

از سخنان معصومین علیهم السلام استفاده می شود که روز قیامت هر کس را با همان نام خودش صدا می زنند و اگر نام او از نام های خوب باشد برای او سودمند خواهد بود. در دنیا نیز نام های خوب، چنان که خواهد آمد، برکاتی دارد. بهترین نام ها، نام هایی است که حاکی و مشعر به بندگی خدا باشد و یا از نام های پیامبران و امامان علیهم السلام باشد و بهتر از همه نام ها نام: محمّد صلی الله علیه و آله و احمد و محمود و علی و حسن و حسین و فاطمه و صدّیقه علیهم السلام و امثال اینها می باشد که برای آنها برکاتی نقل شده که خواهد آمد و چون ما در کتاب «اسوه النساء» نام های شریفه فاطمه علیهاالسلام را مشروحا ذکر کرده ایم تکرار نمی کنیم و فقط در باره نام هایی که برای مردها سفارش شده است بحث می کنیم.

(۱)۱- علامه مجلسی، در کتاب شریف بحار، از کتاب قرب الاسناد، از امام باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود: «عادت رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که نام های زشتی را که بر مردها و شهرها گذارده بودند تغییر می داد.»

(۲)۲- در همان کتاب، از علل و خصال، در حدیث اربعمأه، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «فرزندان خود را قبل از ولادت نام گذاری کنید و اگر نمی دانید که پسر است یا دختر نام مشترک برای او انتخاب کنید؛ چرا که بچه های سقط شده

۱- (۱)تسمیه الأولاد بالأسماء الحسنه۱- البحار عن قرب الاسناد عن الصادق عن آباءه علیهم السلام قال: کان رسول اللّه صلی الله علیه و آله یغیّرالأسماء القبیحه فی الرجال و البلدان. (البحار ج ۱۰۴/۱۲۷ قرب الاسناد ص ۴۵)

۲- (۲)۲- البحار عن العلل و الخصال: الأربعمائه قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : سمّوا أولادکم فان لم تدروا أذکر أو اُنثی فسمّوهم بالأسماء الّتی تکون للذکر و الاُنثی، فانَّ أسقاطکم إذا لقوکم فی القیامه و لم تسمّوهم یقول السقط لأبیه: ألاسمیّتنی؟ و قد سمّی رسول اللّه صلی الله علیه و آله محسنا قبل أن یولد. (البحار ج ۱۰۴ الخصال ج ۲/۴۲۹)

چون در قیامت شما را ملاقات کنند به شما می گویند: چگونه مرا نام گذاری نکردی، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله محسن را قبل از ولادت نامگذاری نمود؟»

(۱)۳- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از عیون، از حضرت رضا، از پدرانش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «هنگامی که فرزند خود را «محمد» نام گذاری می کنید به او احترام کنید و در مجلس برای او جای باز کنید و صورت خود را در مقابل او درهم نکشید.»

(۲)۴- در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «اگر مردم در جلسه مشورت خود کسی را که نام او «محمد» یا «حامد» یا «محمود» و یا «احمد» باشد شرکت دهند خیر آنان فراهم خواهد شد.»

(۳)۵- در همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که فرمود: «در هیچ خانه ای سفره ای گسترده نمی شود که شخصی به نام «محمد» یا «احمد» بر سر آن حاضر شود جز آن که خداوند آن منزل را در هر روز دو مرتبه تقدیس می فرماید.»

(۴)۶- در همان کتاب، از تفسیر عیاشی نقل شده که به امام صادق علیه السلام گفته شد: فدای شما شوم! ما فرزندان خود را به نام شما و نام های پدران شما نام گذاری می کنیم، آیا این عمل برای ما سودی دارد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «آری، به خدا سوگند، برای شما سودمند است.»

سپس فرمود: «آیا مگر دین جز دوستی می باشد؟ خداوند به رسول خود صلی الله علیه و آله

۱- (۱)۳- البحار عن العیون بالأساتید الثلاثه، عن الرضا، عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إذا سمّیتم الولد محمّدا فأکرموه و أوسعوا له فی المجلس و لاتقبّحوا له وجها. (المصدر العیون ج ۲/۲۹)

۲- (۲)۴- و فیه عنه بهذا الاسناد قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ما من قوم کانت لهم مشوره فحضر معهم من اسمه محمّد أو حامد أو محمود أو أحمد فأدخلوه فی مشهورتم إلا خیرلهم. (المصدر العیون ج ۲/۲۹)

۳- (۳)۵- و فیه عن العیون... عن الرضا علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ما من مائدهٍ وضعت و حضرعلیها من اسمه احمد او محمد الاّ قدّس ذلک المنزل فی کلّ یوم مرّتین. (المصدر ص۱۲۹)

۴- (۴)۶- و فیه عن العیاشی... قیل لأبیعبداللّه علیه السلام : جعلت فداک إنّا نسمیّ بأسمائکم و اسماء ابائکم فینفعنا ذلک؟ فقال: ای واللّه و هل الدین الاّ الحبّ؟ قال اللّه: «ان کنتم تحبّون اللّه فاتّبعونی یحببکم اللّه و یغفرلکم ذنوبکم». (المصدر ص ۱۳۰)

فرموده است: به مردم بگو: اگر شما خدا را دوست می دارید باید از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد.»

(۱)۷- در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «نخستین احسانی که یکی از شما به فرزند خود می کند نام نیک است. پس بکوشید و برای فرزند خود نام نیک انتخاب کنید.»

(۲)۸- در همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که فرمود: «هر کس چهار فرزند پیدا کند و یکی از آنان را به نام من نام گذاری نکند به من جفا کرده است.»

(۳)۹- در همان کتاب، از حضرت کاظم علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر خانه ای که در آن فرزندی به نام «محمد» یا «احمد» یا «علی» یا «حسن» یا «حسین» یا«جعفر» یا «طالب» یا «عبدالله» و یا «فاطمه» باشد فقر و تنگدستی در آن خانه وارد نخواهد شد.

(۴)۱۰- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «شیطان چون می شنود کسی را به نام «محمّد» و یا «علی» صدا می زنند بدن او مانند مس که ذوب شود از ناراحتی ذوب می شود.»

(۵)۱۱- امام هشتم حضرت رضا علیه السلام می فرماید: هر خانه ای که در آن نام محمد باشد اهل آن خانه در خیر و خوبی خواهند زیست.

(۶)۱۲- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «ما هیچ فرزندی

۱- (۱)۷- و فیه عن نوادر الراوندی باسناده عن موسی بن جعفر عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : انّ اوّل ما ینحل احدکم ولده الإسم الحسن فلیحسّن احدکم اسم ولده. (المصدر)

۲- (۲)۸- البحار عن عده الداعی: عن النبیّ صلی الله علیه و آله : من ولد له أربعه أولاد ولم یسمّ أحدهم باسمی فقد جفانی. (البحار ج ۱۰۴/۱۳۱ عده الداعی ص ۵۹)

۳- (۳)۹- و فیه عنه عن سلیمان الجعفری قال: سمعت أباالحسن علیه السلام یقول: لایدخل الفقر بیتا فیه اسم محمّد أو أحمد أوعلیّ أوالحسن أوالحسین أوجعفرأوطالب أوعبداللّه أو فاطمه من النساء (المصدر)

۴- (۴)۱۰- و فیه عنه عن أبی جعفر علیه السلام [أنَّ الشیطان] إذا سمع منادیا ینادی یا محمّد یا علی ذاب کما یذوب الرّصاص. (المصدر)

۵- (۵)۱۱- و فیه عنه قال الرضا علیه السلام : البیت الّذی فیه اسم محمد یصبح أهله بخیر و یمسون بخیر. (المصدر)

۶- (۶)۱۲- و فیه عنه عن الصادق علیه السلام : لایولد لنا مولود إلاّ سمّیناه محمّدا، فاذا مضی سبعه أیّام فاذا شئنا غیّرنا و إلاّ ترکنا. (المصدر)

پیدا نمی کنیم جز آن که اول او را «محمد» می نامیم و چون هفت روز می گذرد اگر خواستیم نام او را تغییر می دهیم.»

(۱)۱۳- و فرمود: «نام های نیک بر خودتان قرار دهید؛ چرا که روز قیامت شما را با آن نام ها صدا می زنند و می گویند: ای فلانی! برخیز، و به سوی نور خود حرکت کن، و یا می گویند: برخیز که برای تو نوری نیست.»

نام ها و کنیه های فاطمه علیهاالسلام

(۲)۱ علاّمه مجلسی در کتاب شریف بحار، از مناقب ابن شهر آشوب نقل نموده که گوید: کنیه های فاطمه علیهاالسلام امّ الحسن و امّ الحسین و امّ الأئمه و امّ ابیها می باشد و نام های مبارک او طبق آنچه ابوجعفر قمی (یعنی صدوق) ذکر نموده چنین است:

فاطمه، بتول، حسان، حرّه، سیّده، عذراء، زهراء، حوراء، مبارکه، طاهره، زکیّه، راضیه، مرضیّه، محدّثه، مریم کبری، صدیقه کبری.

و در آسمان ملائکه او را نوریّه آسمانی و حانیه یعنی کسی که نسبت به شوهر و فرزندان خود مشفق و خیرخواه است می خوانند.

(۳)۲ در همان کتاب، از تفسیر فرات، از امام صادق، از پدرانش، از

۱- (۱)۱۳- وفیه عنه عن الصادق علیه السلام : قال استحسنوا أسماء کم فانّکم تدعون بها یوم القیامه: قم یا فلان بن فلان إلی نورک، قم یا فلان بن فلان لانور لک. (المصدر) ما ذکرلها من الاسماء والکنی و الوجه فیها

۲- (۲)۱ - البحار ج ۴۳/۱۶ عن مناقب ابن شهر آشوب قال: کناها امّ الحسن و امّ الحسین و امّ المحسن و امّ الائمّه و امّ ابیها. و اسماؤها علی ما ذکره ابوجعفر القمی: فاطمه، البتول، الحصان، الحرّه، العذراء، الزهراء، الحوراء، المبارکه، الطاهره، الزکیّه، الراضیّه، المرضیّه، المحدّثه، مریم الکبری، الصدّیقه الکبری، و یقال لها فی السماء: النوریّه السماویّه، الحانیه. (ای المشفقه علی زوجها و اولادها.)

۳- (۳)۲ - و فیه ص ۱۸ عن تفسیر فرات عن الصّادق عن ابیه عن جدّه عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال معاشر النّاس تدرون لما ذاخلقت فاطمه؟ قالوا: اللّه و رسوله اعلم، قال: خلقت فاطمه حوراء انسیّه لاانسیّه [و] قال: خلقت من عرق جبرئیل و من زغبه، قالوا: یا رسول اللّه استشکل ذلک علینا تقول: حوراء انسیه لاانسیّه ثمّ تقول: من عرق جبرئیل و من زغبه! (الزغب: الشعیرات الصغری علی ریش الفرخ) قال: اذا أنبّئکم: اهدی الیّ ربّی تفّاحه من الجنّه اتانی بها جبرئیل علیه السلام فضمّها الی صدره فعرق جبرئیل علیه السلام و عرقت التفّاحه فصار عرقهما شیئا واحدا ثمّ قال: السّلام علیک یا رسول اللّه و رحمه اللّه و برکاته.

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نقل شـده که فرمود: «ای مردم! آیا می دانیـد خلقت فاطمه چگونه بوده است؟» گفتنـد: خـداو رسول او داناترند. فرمود: «فاطمه حوراء انسیّه آفریده شد، نه انسیّه. و از عرق و موی جبرئیل آفریده شد.» اصحاب گفتند: [فهم] سخن شما برای ما مشکل است، آیا حوراء انسیّه است و یا از عرق و موی جبرئیل است؟

(۱)رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «لازم شد که شـما را آگاه سازم. بدانید که خداوند توسط جبرئیل سیبی از بهشت به من اهدا نمود. آن سـیب را جبرئیل به سـینه چسـبانید و جبرائیل و آن سیب هر دو عرق نمودند و عرق آنها آمیخته شد و سپس جبرئیـل نزد من آمـد و گفت: «اَلسّـلام علیـکَ یـا رَسول اللّه و رَحمه اللّه و بَرکاته.» من در جواب او گفتم: «و علیک السـلام یا جبرئیل.» جبرئیل گفت: خداوند این سـیب را از بهشت برای تو هدیه فرستاده است. من آن سیب را گرفتم و بوسیدم و بر چشم خود گـذاردم و به سـینه خود چسـبانیدم. جبرئیـل گفت: آن را بخور، ای محمّـد! گفتم: آیـا هـدیه پروردگـار خود را بخورم؟ گفت: بلی، تو مأموری که آن را بخوری. پس آن را پاره نمودم و نوری از آن ساطع شد که من از آن ترسـیدم. جبرئیل گفت: آن را بخور! این نور، نور منصوره، یعنی فاطمه است. گفتم: ای جبرئیل! منصوره کیست؟

جبرئیل گفت: او جاریه و دختری است که از صُلب تو خارج می شود و نام او

ص :۹۹

۱- (۱)قلت: و علیـک السـلام یـا جبرئیـل فقـال: انّ اللّه اهـدی الیـک تفّـاحه من الجنّه فاخـذتها و قبّلتها و وضـعتها علی عینی و ضممتها الی صـدری، ثمّ قال: یا محمّـد کلها، قلت: یا حبیبی جبرئیل هـدیّه ربّی تؤکل؟ قال: نعم قد امرت بأکلها فافلقتها فرأیت منهـا نورا ساطعـا ففزعت من ذلـک النور قـال: کل فانّ ذلک نور المنصوره فاطمه، قلت: یا جبرئیل و من المنصوره؟ قال: جاریه تخرج من صـلبک و اسـمها فی السـماء منصوره و فی الاـرض فـاطمه. فقلت: یـا جبرئیـل و لِمَ سـمّیت فی السـماء منصوره و فی الاـرض فـاطمه؟ قـال، سـمّیت فـاطمه فی الأـرض [لأنّه] فطمت شـیعتها من النّار، و فطموا اعـداؤها عن حبّها و ذلک قول اللّه فی کتابه: «و یومئذٍ یفرح المؤمنون بنصراللّه» (الروم آیه ۴) (یعنی) بنصر فاطمه علیهاالسلام . (تفسیر فرات ص ۱۱۹)

در آسمان منصوره و در زمین فاطمه است. گفتم: ای جبرئیل! به چه علت نام او در آسمان منصوره و در روی زمین فاطمه است؟ جبرئیل گفت: او روی زمین فاطمه نامیده شده چون شیعیان او از آتش دوزخ جدا هستند و دشمنان او از محبت او محرومند.

و این است معنای قول خداوند: (و یومئذٍ یفرح المؤمنون بنصراللّه)؛ یعنی روز قیامت مؤمنین و شیعیان فاطمه به نصرت الهی، یعنی شفاعت فاطمه خشنود خواهند بود.»

اسامی و القاب فاطمه علیهاالسلام

۱) آیه النبوّه

۲) أمّ أبیها

۳) أمّ ألاصفیاء

۴) أمّ الخیره

۵) أمه اللّه

۶) انسیّه حوراء

۷) أمّ الائمّه علیهم السلام

۸) أنیسه الأمّ

۹) بارّه

۱۰) باکیه العین

۱۱) بتول

۱۲) بضعه المصطفی صلی الله علیه و آله

۱۳) بنت الرسول صلی الله علیه و آله

۱۴) بنت الهدی

۱۵) تحفه ربّ العالمین

۱۶) تحیّه اللّه

۱۷) تفّاحه الفردوس

۱۸) تقیّه

۱۹) جلیله القدر

۲۰) جمیله

۲۱) حبّه

۲۲) حبیبه

۲۳) حُرِّه

۲۴) حزینه النفس

۲۵) حسان

۲۶) حکیمه

۲۷) حلیفه الورع

۲۸) حنّانه

۲۹) حوراء

۳۰) حوریّه

۳۱) خفیّه القدر

۳۲) دوحه النبی صلی الله علیه و آله

۳۳) الدرّه البیضاء

۳۴) الذریّه الطیّبه

۳۵) راثیه الأب

۳۶) راضیه

۳۷) راکعه

۳۸) رحیمه

۳۹) رشیده

۴۰) رضیضه الصدر

۴۱) رضیعه الوحی

۴۲) رضیّه

۴۳) رکن الهدی

۴۴) ریحانه

۴۵) رؤفه

۴۶) زاکیه

۴۷) زاهده

۴۸) زاهره

۴۹) زکیّه

۵۰) زوجه الوصیّ

۵۱) زهراء

۵۲) زُهره

۵۳) زهره السماء

۵۴) زیتونه

۵۵) ساجده

۵۶) ساقطه الجنین

۵۷) سعیده

۵۸) سیّده

۵۹) سیّده نساء الجنّه

۶۰) سیّده نساء العالمین

۶۱) شائقه النّبی صلی الله علیه و آله

۶۲) شافعه

۶۳) شبیهه الأب

۶۴) شریفه النسب

۶۵) شفیعه

۶۶) شهیده

۶۷) صابره

۶۸) صاحبه العلوم

۶۹) صادقه

۷۰) صدوقه

۷۱) صدّیقه

۷۲) صفوه اللّه

۷۳) صفیّه

۷۴) صوّامه

۷۵) طاهره

۷۶) طهره

۷۷) طیّبه

۷۸) عابده

۷۹) عارفه

۸۰) عالمه

۸۱) عالیه

۸۲) عدیله المرتضی علیه السلام

۸۳) عدیمه المثل

۸۴) عذراء

۸۵) عزیزه

۸۶) عصمه الکبری

۸۷) عطوفه

۸۸) عقیله

۸۹) علّه الخلقه

۹۰) علیله

۹۱) علیمه

۹۲) فاضله

۹۳) فاطمه

۹۴) فریده

۹۵) فطیمه العلم

۹۶) فهیمه

۹۷) قانعه

۹۸) قدر

۹۹) قرّه عین الرسول صلی الله علیه و آله

۱۰۰) قوامّه

۱۰۱) کاظمه

۱۰۲) کریمه

۱۰۳) کوثر

۱۰۴) کوکب

۱۰۵) لیله القدر

۱۰۶) مبارکه

۱۰۷) مبشّره

۱۰۸) متعبّده

۱۰۹) متّقیه

۱۱۰) متهجده بالقرآن

۱۱۱) محبوبه النّبی صلی الله علیه و آله

۱۱۲) محترقه القلب

۱۱۳) محتشمه

۱۱۴) محدّثه

۱۱۵) محموده

۱۱۶) محزونه

۱۱۷) مخدومه الملائکه

۱۱۸) مخفیّه القبر

۱۱۹) مرضیّه

۱۲۰) مشرقه الوجه

۱۲۱) مشکاه نوراللّه

۱۲۲) مضطهده

۱۲۳) مطعمه

۱۲۴) مطهّره

۱۲۵) مظلومه

۱۲۶) معصّبه الرأس

۱۲۷) معصومه

۱۲۸) معظّمه

۱۲۹) مغصوبه الحق

۱۳۰) مغضوبه

۱۳۱) مقهوره

۱۳۲) مکروبه

۱۳۳) مکسوره الضلع

۱۳۴) ملهمه

۱۳۵) ممتحنه

۱۳۶) منصوره

۱۳۷) منهدّه الرکن

۱۳۸) موفّقه

۱۳۹) مونسه الامّ

۱۴۰) مهجه قلب النبیّ صلی الله علیه و آله

۱۴۱) مهدیّه

۱۴۲) مهمومه القلب

۱۴۳) میمونه

۱۴۴) مؤمنه

۱۴۵) ناحله الجسم

۱۴۶) ناعمه

۱۴۷) نخله النبوّه

۱۴۸) نسمه

۱۴۹) النسله الطاهره

۱۵۰) نظیفه

۱۵۱) نقیّه

۱۵۲) نورّیه

۱۵۳) النور السماوّی

۱۵۴) والده السبطین

۱۵۵) والهه

۱۵۶) وحیده

۱۵۷) ودیعه النبیّ صلی الله علیه و آله

۱۵۸) وفیّه

۱۵۹) وقوره

۱۶۰) ولیّه

۱۶۱) هادیه

ترجمه اسامی و القاب فاطمه زهرا علیهاالسلام

۱۶۲) انسیّه: زنی که خصلت های خوب انسانی در او متجلی است.

۱۶۳) بتول: زن پاک و دور از هرگونه آلودگی.

۱۶۴) تقیّه: پاک و بی گناه.

۱۶۵) حبیبه: دوست و رفیق، دوست داشتنی.

۱۶۶) حُرّه: زن آزاده، زنی که اسیر شهوات نیست.

۱۶۷) حَوراء: فرشته، زنی که خصلت های خوب فرشتگان را داراست.

۱۶۸) حوریه: زن بهشتی، فرشته خصال.

۱۶۹) راضیّه: زنی که به مقدرات خداوند راضی باشد.

۱۷۰) راکعه: اهل رکوع و تواضع در برابر خداوند.

۱۷۱) رشیده: زن فهمیده و صاحب خرد را گویند.

۱۷۲) رضیّه: زنی که به مقام رضا می رسد.

۱۷۳) ریحانه: گل خوشبو، لطیف و مهربان.

۱۷۴) رؤوفه: زن صاحب مهر و محبت و خیرخواهی.

۱۷۵) زکیه: زن پاک و باتقوا، در حال رشد و ترقی.

۱۷۶) زهراء: درخشنده و تابان.

۱۷۷) زُهره: درخشان، نورانی.

۱۷۸) ساجده: زنی که در پیشگاه خداوند سر به سجده بساید.

۱۷۹) سعیده: زن خوشبخت.

۱۸۰) سیّده: سرور، خانم.

۱۸۱) شافعه: زنی که حق شفاعت یافته باشد.

۱۸۲) شهیده: زنی که در راه خدا جان را فدا نماید.

۱۸۳) صابره: زن شکیبا و بردبار.

۱۸۴) صادقه: زن راستگو و درست کردار.

۱۸۵) صدوقه: زن راستگو و راست کردار.

۱۸۶) صدّیقه: زنی که در راستگویی شهره شود و در عمل نیز درست کردار باشد.

۱۸۷) طاهره: زن پاک دامن و دور از رذایل.

۱۸۸) طیّبه: پاک و پاکیزه.

۱۸۹) عارفه: زن با شناخت و درک کامل.

۱۹۰) عالیه: زن بلند همت و دوراندیش.

۱۹۱) عـدیله: فاطمه زهرا علیهاالسـلام را عدیله و همتای مریم می نامند و یا فاطمه تنها عدیله علی علیهماالسـلام است چنان که در روایت آمده: اگر علی علیه السلام نبود برای فاطمه علیه السلام کفو و همتایی در دنیا، از آدم تا آخر دنیا، نمی بود.

۱۹۲) عذراء: زن پاکدامنی که پرده عصمت را کنار نزند، زنی که باکره باشد.

۱۹۳) عزیزه: زن ارجمند و گرانقدر.

۱۹۴) علیمه: زن دانشمند و آگاه.

۱۹۵) فاضله: زن صاحب فضیلت.

۱۹۶) فاطمه: بریده شده از آتش، جهل و هر بدی و پلیدی.

۱۹۷) فریده: زن یگانه، درّ نفیس.

۱۹۸) قدر: زنی که به منزله قدر باشد در خیر و برکت.

۱۹۹) کریمه: زنی که اهل کرم و جُود و سخاوت است.

ص: ۱۰۳

۲۰۰) کوثر : خیر فراوان، زنی که دارای خیر فراوان و برکات بی شمار است.

۲۰۱) کوکب : درخشنده و درخشان، ستاره درخشان.

۲۰۲) مبارکه: زنی که در او خیر و برکت باشد.

۲۰۳) مبشّره: بشارت دهنده و بشارت داده شده.

۲۰۴) محدّثه: زن حدیث کننده و یا الهام گرفته.

۲۰۵) محموده: پسندیده، زن مورد پسند خداوند.

۲۰۶) مرضیّه: زن کاملی که خداوند از او راضی است.

۲۰۷) مضطهده: زنی که در مصیبت و سختی قرار گرفته باشد.

۲۰۸) مطهّره: زن پاک و عاری از گناه و زشتی.

۲۰۹) معصومه: زنی که هیچ گاه گناه نکرده باشد.

۲۱۰) مقهوره: زنی که او را در تنگنا قرار داده باشند.

۲۱۱) ملهمه : زنی که خداوند بر دل او الهام می فرستد.

۲۱۲) ممتحنه: زنی که امتحان شده و از آزمایش سرافراز بیرون آمده است.

۲۱۳) منصوره: زن یاری شده.

۲۱۴) موفّقه: زنی که توفیقات الهی همراهش باشد.

۲۱۵) مهدیّه: زنی که خداوند او را هدایت نموده باشد.

۲۱۶) میمونه: زن با خیر و برکت.

۲۱۷) مؤمنه: زنی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد.

۲۱۸) ناعمه: زن خوش زندگانی، شاداب.

۲۱۹) نقیه: پاک و بی گناه.

۲۲۰) والهه: زن شیفته شوهر و یا شیفته لقای پروردگار.

۲۲۱) وحیده: یگانه، تنها، بی همتا.

مؤلف گوید: هدف از ذکر نام های حضرت فاطمه علیهاالسلام و ترجمه آن ها که خود گویای شخصیت والای آن بانوی بزرگ عالم است این بوده که دوستانشان از این نام های مبارک استفاده نموده و از بعضی از نام های بی محتوا و یا گرفته شده از

اجانب پرهیز نمایند.

ص :۱۰۵

حقوق و وظایف متقابل زن و مرد

اشاره

ص :۱۰۶

پاداش کمک به همسر در اصلاح زندگی و خانواده

(۱)علامه مجلسی، در کتاب بحار، از کتاب جامع الأخبار، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نموده که فرمود: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه ما آمد و چون دید فاطمه علیهاالسلام کنار دیگ غذا نشسته و من مشغول تمیز کردن عدس هستم، فرمود: یا ابالحسن! گفتم: لبیک یا رسول اللّه! فرمود: به سخن من گوش کن و بدان که آنچه می گویم از ناحیه خداوند است.»

سپس فرمود: «هیچ مردی در خانه به همسر خود کمک نمی کند، جز آن که خداوند به اندازه هر مویی که در بدن اوست برای او عبادت یک سال را می نویسد که روزهای آن را روزه و شب های آن را به عبادت مشغول باشد و همانند پاداشی که به صابران، – مانند حضرت داود و یعقوب و عیسی علیهم السلام – می دهد به او نیز خواهد داد.

(۲)یا علی! هرکس در خانه با میل و رغبت به همسر خود کمک کند خداوند نام او را در دیوان شهیدان ثبت می فرماید و برای هر روز و شبی پاداش هزار شهید به او عطا می فرماید و برای هر قدمی که بر می دارد پاداش حج و عمره به او می دهد و به اندازه هر رگی که در بدن اوست شهری در بهشت به او مرحمت می کند.

(۳)یا علی! یک ساعت خدمت در خانه بهتر از هزار سال عبادت و هزار حج و

۱- (۱)فضل خدمه العیال فی البیت البحار عن جامع الأخبار عن علی علیه السلام قال: دخل علینا رسول اللّه صلی الله علیه و آله و فاطمه جالسه عند القدر و أنا أُنقّی العدس قال: یا أباالحسن، قلت: لبّیک یا رسول اللّه قال: اسمع منّی و ما أقول إلاّ من أمر ربّی: ما من رجل یعین امرأته فی بیتها إلاّـ کان له بکلِّ شعره علی بدنه عباده سنه، صیام نهارها و قیام لیلها و أعطاه اللّه من الثواب مثل ما أعطاه الصّابرین داود النبیّ و یعقوب و عیسی علیهم السلام .

۲- (۲)یا علیّ ن کان فی خدمه العیال فی البیت و لم یأنف کتب اللّه اسمه فی دیوان الشهداء، و کتب له بکلّ یوم ولیله ثواب ألف شهید، و کتب له بکلّ قدم ثواب حجّه و عمره، و أعطاه اللّه بکلّ عرق فی جسده مدینه فی الجنّه.

۳- (۳)یا علیّ ساعه فی خدمه البیت خیر من عباده ألف سنه و ألف حجّه، و ألف عمره، و خیر من عتق ألف رقبه، و ألف غزوه، و ألف مریض عاده، و ألف جمعه، و ألف جنازه، و ألف جایع یشبعهم، و ألف عار یکسوهم، و ألف فرس یوجّهه فی سبیل اللّه، و خیرله من ألف دینار یتصدّق بها علی المساکین، و خیرله من أن یقرأ التوراه والانجیل و الزّبور و الفرقان، و من ألف أسیر أسر فأعتقهم، و خیر له من ألف بدنه یعطی للمساکین، و لایخرج من الدّنیا حتّی یری مکانه من الجنه.

هزار عمره و آزاد کردن هزار بنـده در راه خـدا و شـرکت در هزار جنگ و غزوه و عیادت هزار مریض و شـرکت در هزار نمازجمعه و تشییع هزار جنازه و سیرکردن هزار گرسنه و پوشاندن هزار برهنه و فرستادن هزار اسب (برای جهاد) در راه خدا و انفاق هزار دینار به فقرا می باشد، بلکه بهتر از خواندن تورات و انجیل و زبور و قرآن و آزاد کردن هزار اسیر و انفاق هزار شتر به مساکین می باشد و کسی که در خانه به همسر خود کمک کند از دنیا نمی رود تا جایگاه خود را در بهشت ببیند.

(۱)یا علی! کسـی که از خـدمت به همسـر خود دریغ نکند و با میل و رغبت در خانه به همسـر خود کمک کند کفاره گناهان کـبیره او خواهـد بـود و خشـم پروردگـار از او برطرف می شـود و چنیـن خـدمتی برای او مهریه حـورالعین بهشـتی می شـود و حسنات و درجات او را افزایش می دهد.

یا علی! کسـی [توفیق] خـدمت به همسر خود را در خانه پیـدا نمی کنـد جز صـدّیق یا شـهید و یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او خواسته باشد.»

سفارش معصومین علیهم السلام به تحفظ و پنهان بودن زن

آیـا اگر چیز گرانبهـایی را در معرض دیــد و طمع هر عـابر طمـاع و اطلاع هر دزد و غـارتگری قرار ندهنــد و برای محفـوظ مانـدنش، آن را در جعبه و صـندوقی نگهـداری کننـد، توهین و تضـییع حق او محسوب می شود؟ و یا این که این عمل وسـیله حفظ و نگهـداری آن از دسـتبرد و ضایع شـدن است؟ آیا محدود کردن زن از رفت و آمدهای زیان بار و تماس هایی که بسـا منجر به از بین رفتن آبرو و نابودی حیثیت خانوادگی او می شود و بالاتر از آن دین و ایمان او را تباه می کند مصونیت

۱- (۱)یا علی من لم یأنف من خـدمه العیال فهو کفّاره للکبایر و یطفی غضب الرّب و مهور الحورالعین و تزیـد فی الحسـنات و الـدرجات، یا علیّ لایخـدم العیال إلاّ صدِّیق أو شـهید أو رجل یریداللّه به خیرالدّنیا و الأخره. (البحار ج ۱۰۴/۱۳۲ جامع الاخبار ص ۱۰۲)

اوست و یا آزار و محدودیت و تضییع حق می باشد؟

امروزه عده ای در جهان شعار آزادی و احقاق حق زنان و یا مساوات حقوق زن و مرد را مطرح می نمایند و می گویند زن باید در همه چیز همانند مرد باشد آنها در حقیقت ارزش زن را نادیده گرفته و از زن به عنوان وسیله و ابزار تأمین غریزه جنسی استفاده می کنند و حق مادری و نظام خانواده و عصمت و ارزش و عفت و حیا و الفت و مهربانی با همسر و فرزندان و خانه داری و تربیت فرزند و اداره داخل زندگی را از او گرفته و او را مجاز گذارده اند که خود را در اختیار هرکس و ناکس قرار دهد و مقید به هیچ قانون و آیینی نباشد و هر ساعتی بخواهد بتواند همسر خود را رها کند و با دیگری همراه شود. آیا این احترام به زن و رعایت حقوق اوست؟ و آیا مصونیت هایی که در اسلام برای او قرار داده شده و او را مقید به حجاب و پوشش و در اختیار یک همسر بودن و رعایت حقوق متقابل بین زن و مرد و تشکیل یک خانواده همراه با عفت و حیا و پاکی و عزت و تربیت فرزندان سالم و... نموده ظلم به او محسوب می شود؟ و آیا این گونه آزادی ها و هرج و مرج ها سلب آزادی از همه جامعه نیست؟ و آیا با این آزادی ها برای زن ارزشی باقی می ماند؟

در یک سخن باید گفت: هیچ عاقلی وضع کنونی زن را در جوامع فعلی با مفاسد فراوانی که از آزادی غلط و بی بند و باری آنان مشاهده می شود صحیح نمی داند و هیچ آیینی به اندازه اسلام برای زن حرمت قایل نشده است.

ما سخنان معصومین علیهم السلام راکه از منبع وحی سرچشمه گرفته مقابل چشم بینندگان محترم قرار می دهیم تا با فطرت سالم خود حقیقت را دریابند.

(۱)۱- امیرالمؤمنین علیه السلام ضمن بیان وضعیت خلقت زن و مرد می فرماید: «همت و خواسته پیوسته زن و غریزه جنسی او توجه به مرد است پس شما باید زن های خود را مقیّد به ماندن در خانه بنمایید و مگذارید [حتی الامکان] بین مردهای

۱- (۱)استحباب حبس المرأه فی البیت و عدم خروجها الاّ لضروره۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه السلام : خلق الرجال من الارض و انّما همّهم فی الأرض و خلقت المرأه من الرجال و انّما همّها فی الرجل، فاحبسوا نسائکم یا معاشر الرجال. (الوسائل ج ۱۴/۴۱ الکافی ج ۴/۸)

نامحرم رفت و آمد کنند.» [تا مصون بمانند]

[(۱)](#)۲- امیرالمؤمنین علیه السلام در رساله خود به امام حسن علیه السلام ، پس از بیان احوال زن ها، می فرماید: «چشم زن ها را به وسیله حجاب (خانه) از دیدن مردها بپوشان؛ چرا که محجوب بودن زن ها هرچه بیشتر باشد برای آنان و تو بهتر از ارتیاب و خطر لغزش آنـان است و بـدان که خطر بیرون رفتن آنـان از خانه هماننـد خطر وارد شـدن افراد غیرمطمئن است بر آنها، و اگر بتوانی کاری کنی که آنان جز تو را نشناسند و با مردان دیگر تماس پیدا نکنند چنین کن.»

[(۲)](#)۳- و از آن حضـرت نیز نقل شده که فرمود: من با عده ای از اصحاب خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم و چون رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «چه چیز برای زن هـا بهتر از همه چیز است؟» ما از پاسـخ آن حضـرت عاجز مانـدیم و متفرق شدیم. پس من نزد فاطمه علیهاالسـلام رفتم و سؤال رسول خدا صـلی الله علیه و آله را به او خبر دادم فاطمه علیهاالسـلام فرمود:

اگر شما از پاسخ سؤال پدرم عاجز مانده اید، من پاسخ او را می دانم. سپس فرمود: «بهترین عمل برای زن ها این است که آنها مردهای نامحرم را نبینند و مردهای نامحرم نیز آنان را نبینند.»

پس من خدمت رسول خدا صـلی الله علیه و آله بازگشتم و پاسخ فاطمه علیهاالسلام را به او خبر دادم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شـما که این مسأله را نمی دانستیـد از کجا یافتیـد؟» عرض کردم: از فاطمه علیهاالسـلام سؤال نمودم. رسول خـدا صلی الله علیه و آله تعجب نمود و فرمود: «فاطمه پاره

۱- (۱)۲- و فیه عنه... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه السلام فی رسالته الی الحسن علیه السلام : ایّاک و مشـاوره النسـاء فـإنّ رأیهنّ الی الأفن، و عزمهنّ الی الوهن و اکفف علیهنّ من ابصـارهنّ بحجابـک ایّاهنّ، فـانّ شـدّه الحجاب خیرلـک و لهنّ من الإرتیاب ولیس خروجهنّ باشـدّ من دخول من لایوثق به علیهنّ، فان اسـتطعت ان لایعرفن غیرک من الرجال فافعل. (المصدر الفروع ج ۲/۷)

۲- (۲)۳- و فیـه عـن العلـل... عـن علیّ علیـه السـلام قـال: کنّـا عنـدرسول اللّـه صـلی الله علیه و آله فقـال: اخـبرونی أی شـی ءٍ خیرللنساء، فعیینا بذلک کلّنا حتّی تفرّقنا، فرجعت الی فاطمه علیهاالسـلام فاخبرتها بالذی قال لنا رسول اللّه صلی الله علیه و آله و لیس احـدمنّا علمه ولاـ عرفه، فقالت: ولکنّی اعرفه: خیرللنساء ان لایرین الرجال و لایراهنّ الرجال، فرجعت الی رسول اللّه صـلی الله علیه و آله فقلت: یا رسول اللّه سألتنا أیّ شـی ءٍ خیرللنساء؟ خیر لهنّ أن لایرین الرجال و لایراهن الرجال، فقال صلی الله علیه و آله : من اخبرک فلم تعلمه و انت عنـدی؟ فقلت: فـاطمه فاعجب ذلک رسول اللّه صـلی الله علیه و آله و قال: انّ فاطمه بضـعه منّی. (المصدر ص ۴۲ و کشف الغمّه ص ۱۴۰)

تن من است.»

«در کتاب «وفیات الائمه» علیهم السـلام ، از یحیای مازنی نقل شـده که گوید: من مدت طولانی (بیست سال) در مدینه همسایه امیرالمـؤمنین علیه السـلام و درکنـار آن خـانه ای که حضـرت زینب علیهاالسـلام در آن سـاکن بـود زنـدگی کردم، و به خـدا سوگند، هرگز صدای زینب علیهاالسـلام را نشـنیدم و اندام او را ندیدم و هنگامی که می خواست به زیارت جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله برود شـبانه می رفت و امام حسن علیه السـلام طرف راست او بود و امام حسین علیه السلام طرف چپ او و امیرالمـؤمنین علیـه السـلام از جلـو حرکت می نمـود و چـون به قـبر شـریف رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله نزدیـک می شـد امیرالمؤمنین علیه السلام زودتر می رفتند و قندیل های مسجد را خاموش می کردند.

پس روزی امـام حسن علیه السـلام از پـدر خود سؤال نمود: برای چه چراغ هـا را خاموش می کنیـد؟ امیرالمؤمنین علیه السـلام فرمود: «می ترسم کسی به اندام خواهرت نگاه کند.» (وفیات الائمه، ص ۴۳۶)

مولف گویـد: مـا در کتاب «اسوه النساء» ص **۲۵۹،** حجـاب و عفّت و حیای حضـرت زهرا علیهاالسـلام را به طور مشـروح بیان نموده ایم. خوانندگان محترم را به آن کتاب ارجاع می دهیم.

خـدایا، شـکوه خود را نزد تو می آورم که فساد و فحشا و آلودگی جامعه و انحراف زن ها و جوانان ما به قـدری زیاد شده که دیگر امید صـلاح و هدایت نمی رود و کسی نمی تواند سخن حق را بیان کند و اگر بگوید کسی از او نمی پذیرد بلکه تحقیر می شود. امر به معروف و نهی از منکر، به ویژه در این زمینه هـا، تعطیـل گشـته است از این بالا‌تر آن که عـده زیـادی از مردم معروف و عمـل واجـب یـا مسـتحب را مـذموم و زشـت می پندارنـد و محرمـات و اعمـال زشـت را نیکـو می شـمارند و آن را مقتضای نیاز جامعه می پندارند و چون نام واجب یا حرام مطرح می شود برای ترک واجب و فعل حرام توجیه ها می تراشند و می گوینـد: امروز دیگر این حرف ها قابل قبول و یا پیاده شـدن نیست و اجتماع آن را نمی پـذیرد و مع الأسف بعضـی از اهل دانش هم عوض این که بکوشند وضع موجود را با اسلام تطبیق دهند می کوشند تا اسلام را با وضع کنونی منطبق کنند!!

حقا این وضعیت همان چیزی است که در روایات به عنوان احوال مردم آخرالزمان و نشانه های ظهور حضرت مهدی عجل اللّه فرجه الشریف برای ما نقل شده است.

خدایا، پس تو ظهور آن امید و رحمت و نور خود را نزدیک فرما که ما دیگر طاقت دیدن و ادامه یافتن چنین وضعی را نداریم.

اللّهمّ انّا نشکوا الیک فقد نبیّنا و غیبه ولیّنا و شدّه الزمان علینا، و وقوع الفتن [بنا] و تظاهر الأعداء [علینا] و کثره عدوّنا، و قلّه عددنا، اللّهمّ فأفرج ذلک بفتحٍ منک تعجّله و نصرٍ منک تعزّه و امام عدل تظهره اله الحقّ ربّ العالمین.

اللّهمّ انّا نسألک أن تأذن لولیّک فی اظهار عدلک فی عبادک و قتل أعدائک فی بلادک حتّی لاتدع للجور یا ربّ دعامهً إلّا قصمتها و لابنیهً إلّا افنیتها، و لاقّوهً إلّا أوهنتها، و لارکنا إلّا هدّدته، و لاحدّا إلّا فللته، ولا سلاحا إلّا اکللته، و لا رایهً إلا نکستها، و لا شجاعا إلّا قتلته، و لاجیشا إلّا خذلته، و ارمهم یا ربّ بحجرک الدامغ، و اضربهم بسیفک القاطع، و ببأسک الذی لا تردّه عن القوم المجرمین...

این دعا که آغاز آن با جمله: «اللّهمّ عرفنی نفسک» شروع می شود از دعاهایی است که از ناحیه امام زمان علیه السلام و توسط یکی از نوّاب آن حضرت برای شیعیان ارسال شده و توصیه فرموده اند که در زمان غیبت آن حضرت خوانده شود. مرحوم صدوق این دعا را در کتاب کمال الدین، صفحه ۵۱۱ نقل نموده و ما نیز متن آن را درکتاب دوله المهدی و کتاب انتظار مهدی علیه السلام آورده ایم.

سخن را کوتاه می کنیم و با ناامیدی و تنها برای ثبت سخنان اولیای خدا و نشر معارف دین، روایاتی را در زمینه وظیفه زن نسبت به خانه داری و ماندن در خانه و صیانت از فساد و فتنه و... نقل می نماییم.

غیرت مرد و غیرت زن

(۱)غیرت و مردانگی، به معنای عام، دفاع از حریم دین خدا و حرمت اولیا و

ص :۱۱۲

۱- (۱)وجوب الغیره علی الرجال۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: لیس الغیره الّا للرجال فامّا النساء فانّما ذلک منهنّ حسد و الغیره للرجال و لذلک حرّم علی النساء الاّ ـ زوجها و احلّ للرجال اربعا فانّ اللّه اکرم من ان یتبلیهنّ بالغیره و یحلّ للرجال معها ثلاثا. (الوسائل ج ۱۴/۱۰۷ الفروع ج ۲/۵۹)

پیامبران و بندگان اوست و به معنای خاص آن، دفاع از حریم خانواده خود و خویشان و آشنایان از مؤمنین می باشد. غیرت، نشانه ایمان و صلاح مؤمن است و آدم بی غیرت منکوس القلب است، یعنی قلب و عقل او وارونه است.

(۱)در مسأله زناشویی؛ غیرت مرد این است که هرگز راضی نشود کسی به همسر او خیانت و تجاوز نماید ولو به اندازه نگاه آلوده باشد و این دلیل ایمان اوست، و غیرت زن این است که راضی نشود همسر او با زن دیگری ازدواج کند و این دلیل حسد و کفر او محسوب می شود، و خداوند کریم تر از آن است که زن ها را مبتلا به غیرت کند و [به همین منظور] به مرد اجازه ازدواج با چهار زن را داده است. خداوند خود غیور است و هر صاحب غیرتی را دوست می دارد و از غیرت اوست که اعمال خلاف و تجاوز به حریم دیگران را در ظاهر و باطن حرام نموده است.

(۲)در کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «غیرت در باره مردها [که راضی نشوند کسی به حریم آنان تجاوز کند] صحیح [و نشانه دیانت آنان] است و اما برای زن ها [که راضی نشوند همسرانشان با زن دیگری ازدواج کنند] حسد خواهد بود؛ چرا که خداوند برای زن ها جز یک شوهر را مجاز نفرموده ولی به مردها اجازه داده است چهار همسر دایم اختیار کنند [با این قانون] خداوند کریم تر از آن است که زن ها را مبتلا و مکلف به غیرت نماید و از سویی اجازه دهد که مرد چهار همسر اختیار کند.»

(۳)در همان کتاب، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «بوی بهشت از فاصله

۱- (۱)۲- و فیه عنه عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: إنّ اللّه غیور یحبّ کلّ غیور و من غیرته حرّم الفواحش ظاهرها و باطنها. (المصدر)

۲- (۲)۳- و فیه عنه عن عبداللّه بن ابی یعفور قال: سمعت اباعبداللّه علیه السلام یقول: اذا لم یغیر «یغر» الرجل فهو منکوس القلب. (المصدر ص ۱۰۸)

۳- (۳)۴- و فیه عنه قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنّ الجنّه لیوجد ریحها من مسیره خمسمأه عام و لایجدها عاقّ و لادیّوث قیل: یا رسول اللّه صلی الله علیه و آله و ما الدیّوث؟ قال: الذی تزنی امرأته و هو یعلم بها. (المصدر ص ۱۰۹)

پانصد سال راه به اهل آن می رسد لکن به عاق والدین و آدم بی غیرت و دیوّث نمی رسد.» گفته شد: یا رسول اللّه! دیوّث کیست؟ فرمود: «کسی که بداند همسرش زنا می دهد [و سکوت کند].»

(۱)در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «غیرت زن ها حسد محسوب می شود و حسد ریشه کفر است و زن هایی که مقیّد به اسلام و دیانت نیستند چون غیرت و حسد ورزند خشم می کنند و چون خشم کنند کافر می شوند.»

(۲)در همان کتاب، از سیّدرضی، در نهج البلاغه نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «غیرت زن کفر است و غیرد مرد ایمان است.»

ارزش عبادت و خدمات زن در خانه

(۳)۱- در کتاب وسایل، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «علی و فاطمه علیهماالسلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به [وظیفه زن و شوهر و] خدمات زن و مرد در خانه و خارج شدن زن از خانه کسب تکلیف نمودند و رسول خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیهاالسلام را موظف به خدمات داخل خانه نمود و علی علیه السلام راموظف به خدمات خارج از خانه کرد و پس از تعیین وظیفه بین آنان، فاطمه علیهاالسلام فرمود: خدا داند که من چقدر از قضاوت پدرم خشنود شدم که مرا از رفت و آمد بین مردان در خارج خانه معاف نمود.»

(۴)۲- درهمان کتاب، از یکی از معصومین علیهم السلام نقل شده که فرمود: «یک زن

۱- (۱)۵- و فیه عنه عن جابرعن ابی جعفر علیه السلام قال: غیره النساء الحسد و الحسد هو اصل الکفر إنّ النساء اذا عزن غضبن و اذا غضبن کفرن الاّ المسلمات منهنّ. (المصدر ص ۱۱۰)

۲- (۲)۶- و فیه عن نهج البلاغه قال امیرالمؤمنین علیه السلام : غیره المرأه کفر و غیره الرجل ایمان. (المصدر ص ۱۱۱)
استحباب خدمه المرأه زوجها فی البیت

۳- (۳)۱- الوسائل: عبداللّه بن جعفر فی (قرب الإسناد) عن السندی بن محمّد، عن أبی البختری، عن أبی عبداللّه علیه السلام عن أبیه علیه السلام قال: تقاضی علیّ و فاطمه إلی رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی الخدمه فقضی علی فاطمه علیهاالسلام بخدمتها مادون الباب و قضی علی علیّ علیه السلام بماخلفه قال: فقالت: فلایعلم ما دخلنی من السرور إلاّ اللّه باکفائی رسول اللّه صلی الله علیه و آله تحمل ارقاب الرّجال.

۴- (۴)۲- و فیه: ورام ابن أبی فراس فی کتابه قال: قال علیه السلام الامرأه الصالحه خیر من ألف رجُل غیرصالح و ایّما امرأه خدمت زوجها شبعه أیّام اغلق اللّه عنها سبعه أبواب النّار و فتح لها ثمانیه أبواب الجنّه تدخل من ایّها شاءت.

شایسته بهتر از هزار مرد ناشایست است و هر زنی که هفت روز به شوهر خود خدمت کند خداوند درهای هفتگانه دوزخ را بر او می بندد و درهای هشتگانه بهشت را به روی او می گشاید تا از هر دری می خواهد وارد بهشت شود.»

(۱)۳- و فرمود: «هیچ زنی یک شربت آب به شوهر خود نمی دهد جز آن که خداوند پاداشی بیش از عبادت یک سال - که روزهای آن را روزه باشد و شب های آن را به عبادت برخیزد - به او خواهد داد و در عوض هر نوبت که به همسر خود آب می دهد شهری در بهشت به او خواهد داد و شصت گناه او را خواهد بخشید.»

پیامدهای خروج زن از خانه و اختلاط او با مردهای نامحرم

تردیدی نیست که وظیفه زن، شوهرداری و تربیت فرزند است و همان گونه که در روایات آمده است عبادت و ریاضت و جهاد اودر خانه است و دستور تحفظّ و پنهان بودن او از مردان نامحرم نیز همین اقتضا را دارد. اسلام برای تحکیم نظام خانواده، و جامعه، و مصونیت زن از فساد و فتنه مؤونه و هزینه های زندگی زن را برعهده مرد قرار داده و اطاعت از مرد را بر او واجب نموده و مسؤولیت او را در داخل خانه معین فرموده است. این مسأله یک حقیقت روشن است و از سیره و سخنان معصومین علیهم السلام آشکار می شود؛ خواه عده ای بپذیرند، خواه نپذیرند.

هر انسان واقع بین و منصفی که امروز به وضع زن، با این آزادی هایی که به او داده شده است، بنگرد و زن امروز را با زن دیروز که خانه دار و عفیف و پایبند به نشستن در خانه و شوهرداری و رعایت حجاب و حیا و عفّت بود مقایسه کند، اعتراف خواهد نمودکه بیشتر مفاسد خانوادگی و اختلال روابط زندگی و کش مکش ها و نزاع های خانوادگی و ازدیاد طلاق و روابط نامشروع و... نتیجه این

۱- (۱)۳- و فیه: قال: و قال علیه السلام : ما من امرأه تسقی زوجها شربه من ماء إلّا کان خیرا لها من عباده سنه صیام نهارها و قیام لیلها و یبنی اللّه لها بکلّ شربه تستقی زوجها مدینه فی الجنه و غفرلها ستّین خطئیه. (الوسائل ج ۱۴/۱۲۳)

آزادی ها و به اصطلاح همگامی زن بامرد در روابط و مشاغل اجتماعی است.

قلم به این جا رسید و سر بشکست. اللّهم الیک اشکو وتعلم ما بنا منّا و لاحول و لاقوّه الاّ بقدرتک و لانجاه لنا من مکاره الدنیا و الآخره الاّ بعصمتک...

(۱)اکنون مفاسد اجتماعی به قدری فراوان گشته که انسان مؤمن و متدین باید از خدا بخواهد که فرزندی پیدا نکند زیرا نخواهد توانست او را مطابق دستورات اسلامی تربیت نماید. فراوانند پدران و مادرانی که پیش خود می گویند: ای کاش فرزندی پیدا نمی کردیم که اکنون فساد و آلودگی اش را ببینیم و نتوانیم از آن جلوگیری کنیم. البته همه فساد از این ناحیه نیست اما این مسأله نیز سهم بزرگی در این زمینه دارد.

اینک به سخنان معصومین علیهم السلام در این موضوع توجه می کنیم:

۱- صاحب کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که امیرالمؤمنین علیه السلام به مردم عراق می فرمود: «به من خبر داده اند که زن های شما در راه ها با مردها برخورد می کنند، آیا حیا نمی کنید و از این عمل زشت جلوگیری نمی نمایید؟!»

(۲)۲- در همان کتاب، ضمن حدیث دیگری، از آن حضرت نقل شده که فرمود: «آیا غیرت ندارید و حیا نمی کنید از این که زن های شما به بازار [و خیابان] بروند و با مردهای نامحرم برخورد کنند؟!»

در روایات دیگر آمده است: «مردی که راضی باشد همسر و یا دختر و خواهر او در اختیار مردم قرار گیرند دیوّث (نامرد) است و اگر کسی به او دیوّث بگوید گناه نکرده است.»

(۳)۳- در کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «خداوند

۱- (۱)کراهه خروج النساء و اختلاطهنّ بالرجال۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه السلام : یا اهل العراق نبّئت أنّ نسائکم یدافعن الرجال فی الطریق، اما تستحون؟ (تسحیون). قال: و رواه البرقی فی المحاسن عن غیاث بن ابراهیم وزاد: و قال علیه السلام : لعن اللّه من لایغار. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۴ الفروع ج ۲/۶۸ المحاسن ص ۱۱۵)

۲- (۲)۲- وفیه عن الکافی: قال الکینی: و فی حدیثٍ آخر إنّ امیرالمؤمنین علیه السلام قال: أما تستحیون و لا تغارون؟! نساءکم یخرجن الی الأسواق و یزاحمن العلوج؟! (المصدر) تحریم الدیاثه و حرمه الجنّه علی الدیوث

۳- (۳)۳- الوسائل عن محمّدبن یعقوب، عن عدّه من أصحابنا، عن أحمدبن محمّد، عن عثمان بن عیسی، عن ابن مسکان، عن محمّد بن مسلم، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: ثلاثه لایکلمهم اللّه یوم القیامه و لایزکیهم و لهم عذاب الیم: الشیخ الزانی، و الدّیّوث، و المرأه توطیء فراش زوجها. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۵/الفروع ج ۲/۶۹)

در روز قیامت به سه دسته از مردم توجه نمی کند و با آنان سخن نمی گوید و چیزی را از آنان نمی پذیرد و عذاب دردناکی برای آنان خواهد بود: پیرزناکار، دیوّث، و زنی که کسی را در بستر شوهر خود جای دهد [و با او زنا کند].»

(۱)۴- در همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که فرمود: «خداوند بهشت را برای دیوّث و کسی که انحراف جنسی همسر خود را بداند و به آن راضی شود حرام نموده است.»

(۲)۵- در تعدادی از روایات آمده است که غیرت بی جای مرد صحیح نیست و بسا افراد پاک را به ناپاکی می کشاند؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خود به امام حسن علیه السلام فرمود:«از غیرت بیجا بپرهیز که این عمل زنان سالم و پاک را به فساد و ناپاکی وا می دارد، ولی از آنها کاملاًـ مراقبت کن پس اگر عیبی از آنان مشاهده نمودی به سرعت نسبت به بزرگ و کوچک آن مؤاخذه کن که در آن صورت سرزنش و بزرگ نمودن خطا آسان خواهد بود.[و اثر منفی نخواهد داشت.]»

پاداش صبر بر بدخلقی زن

(۳)۱- در کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱- (۱)۴- و فیه عنه، عن أحمد، عن ابن فضال، عن عبداللّه بن میمون القدّاح، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: حرّمت الجنّه علی الدیوث. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۵) عدم جواز التغایر فی غیر محّله

۲- (۲)۵- و فیه عن محمّد بن یعقوب عن أبی علیّ الأشعری عن بعض أصحابه، عن جعفربن عنبسه، عن عباده بن زیاد الأسدی، عن عمرو بن أبی المقدام، عن أبی جعفر علیه السلام و عن أحمد بن محمّد العاصمیّ، عمّن حدّثه، عن معلی بن محمّد، عن علیّ بن حسان عن عبدالرّحمن بن کثیر، عن أبی عبداللّه علیه السلام انّ أمیرالمؤمنین علیه السلام قال فی رسالته إلی الحسن علیه السلام : ایّاک و التغایر فی غیر موضع الغیره فان ذلک یدعوا الصحیحه منهنّ إلی السّقم، ولکن أحکم أمرهنّ فان رأیت عیبا فعجّل النکیر علی الصغیر و الکبیر فان تعیّنت منهنّ الریب فیعظمّ الذنب و یهون العتب. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۵ الکافی ج ۵/۵۳۷) استحباب مداراه الزوجه

۳- (۳)۱- الوسائل عن الکافی عن ابی علیّ الاشعری، عن محمّد بن عبدالجبّار، عن صفوان، عن إسحاق بن عمّار، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنّما مثل المرأه مثل الضلع المعوج إن ترکته انتفعت به و إن أقمته کسرته و فی حدیث آخر استمتعت «استنفعت خ» به. (الوسائل ج ۱۴/۱۲۳)

فرمود: «همانا مَثَل زن [بداخلاق]، مثل دنده پهلوی انسان است که شکسته باشد و با حال شکستگی جوش خورده باشد؛ اگر آن را به حال خود واگذاری از آن بهره مند می شود واگر بخواهی کجی آن را راست کنی آن را می شکنی [و از آن بی بهره می شوی].»

(۱)۲- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «حضرت ابراهیم علیه السلام از بدخلقی همسر خود ساره به خداوند شکایت نمود. پس ازناحیه پروردگار به او وحی شد: همانا مَثَل زن، مَثَل استخوانی است که شکسته باشد و کج جوش خورده باشد؛ اگر خواهی آن را راست کنی می شکند و اگر به حال خود واگذاری از آن بهره مند می شوی، پس باید بر بدخلقی او صبر کنی.»

(۲)۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث مناهی فرمود: «کسی که برای خدا بر بدخلقی زنی صبر کند خداوند پاداش شاکرین را به او خواهد داد.»

پاداش اطاعت زن از شوهر

(۳)۱- در کتاب وسایل، از کافی، از عبدالله سنان، از امام صادق علیه السلام نقل شده که

۱- (۱)۲- و فیه عنه... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: إنّ ابراهیم(علیه السلام) شکی الی اللّه تعالی ما یلقی من سوء خلق ساره فاوحی اللّه الیه: انّما مثل المرأه مثل الضلع المعوج ان اقمته کسرته و ان ترکته استمتعت به اصبرعلیها. (المصدر ص ۱۲۴)

۲- (۲)۳- و فیه عنه... عن الصادق علیه السلام عن آبئه فی حدیث المناهی عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال: و من صبر علی خلق امرأه سیئه الخلق و احتسب فی ذلک الأجر اعطاه اللّه ثواب الشاکرین. (المصدر) وجوب طاعه الزوج علی المرأه

۳- (۳)۱- الوسائل عن الکافی عن عدّه من أصحابنا، عن أحمدبن محمّد، عن أبیه، عن عبداللّه بن القاسم الحضرمی، عن عبداللّه بن سنان، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: انّ رجلا من الأنصار علی عهد رسول اللّه صلی الله علیه و آله خرج فی بعض حوائجه فعهد إلی امرأته عهدا ان لاتخرج من بیتها حتّی یقدم، قال: و انّ اباها قدمرض فبعثت المرأه إلی رسول اللّه صلی الله علیه و آله تستاذنه أن تعوده فقال: لااجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک قال: فثقل فأرسلت إلیه ثانیا بذلک فقال: اجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک قال: فمات أبوها فبعثت إلیه إنّ أبی قدمات فتأمرنی ان اصلّی علیه فقال: لا اجلسی فی بیتک و اطیعی زوجک قال: فدفن الرّجل فبعث إلیها رسول اللّه صلی الله علیه و آله انّ اللّه قدغفرلک و لابیک بطاعتک لزوجک. (الوسائل ج ۱۴/۱۲۵ الفروع ج ۲/۶۵)

فرمود: «مردی از انصـار در زمـان رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به مسـافرت رفت و از همسـرخود خواست که از خانه بیرون نرود تا او باز گردد، تا این که پدر آن زن بیمار شد و آن زن کسـی را خدمت رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرسـتاد و اجازه خواست تـا از پـدر خود عیـادت کنـد. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «من اجازه نمی دهم، بایـد در خانه بنشـینی و از شوهر خود اطاعت کنی.»

پس بیماری پـدر او سـخت شـد و مشـرف به مرگ گردید و باز خدمت رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرسـتاد تا پدر خود را عیادت کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «باید در خانه بنشینی و از شوهر خود اطاعت کنی.» تا این که پدر او از دنیا رفت و به رسول خـدا صـلی الله علیه و آله خبر داد که پـدرم از دنیـا رفت آیا اجازه می دهی نزد او بروم [و او را به بینم و بر او نماز گزارم]؟ رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «چنین اجازه ای نـدارد بلکه باید در خانه بنشـینی و از شوهر خود اطاعت کنی.» و چون پدر او را به خاک سپردند رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آن زن پیام داد که خداوند به سبب این که تو از شوهر خود اطاعت نمودی تو را و پدرت را آمرزید.

۲- در همان کتاب نقل شـده که زنی خـدمت رسول خـدا صـلی الله علیه و آله رسـید و رسول خدا صـلی الله علیه و آله پس از پاسخ به سؤالات او فرمود:«زن ها اگر به شوهران خود آزار نمی رساندنـد، به واسـطه زایمان و فرزندداری و علاقه و محبت به فرزندان خود به آنان گفته می شد بدون حساب وارد بهشت شوید.»

(۱)۳- در همـان کتـاب، از کتاب مکارم الأخلاق طبرسـی، از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نقل شـده که فرمود: «برای زن، حلال و مجاز نیست که بخوابد تا این که لباس های خود را

۱- (۱)۲- وفیه عنه... عن ولیـد قال: جاءت امرأه سائله الی رسول اللّه صـلی الله علیه و آله فقال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : والدات و الهات رحیمات باولادهنّ، لولا ما یأتین الی ازواجهنّ لقیل لهنّ ادحلن الجنّه بغیرحساب. (المصدر ص ۱۲۶)

بیرون آورد و خود را زیر لحاف به همسر خود بچسباند و آمادگی خود را به او اعلام کند و اگر جز این کند خود را بر او عرضه نکرده است.»

(۱)مرحوم صدوق در کتاب «من لایحضره الفقیه» (ج ۳/۳۸۹) نقل نموده که مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: من همسری دارم که چون وارد منزل می شوم به استقبال من می آید و چون خارج می شوم مرا بدرقه می کند و چون مرا اندوهگین می بیند به من می گوید: اندوه تو برای چیست؟ اگر برای رزق و روزی اندوه پیدا کرده ای بدان که خداوند ضمانت روزی تو را کرده است و اگر برای آخرت خود توشه ای برنداشته ای و اندوهناکی پس خدا اندوه تو را زیاد کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله چون این سخنان را شنید فرمود: «این زن از عمّال وکارپردازان خداوند است و نصف پاداش شهید را داراست.»

جلب محبت همسر از راه های غیر مشروع

سحر، همان گونه که در کتب فقهی ثبت شده از محرمات و عملی حرام و موجب کفر و از گناهان کبیره است؛ گرچه برای جلب محبت و علاقه همسر باشد. ملائکه آسمان ها و زمین ساحر را لعنت می کنند و توبه ساحر به سختی پذیرفته می شود.

(۲)۱- در کتاب وسایل، از اسماعیل بن مسلم، از امام صادق، از امام باقر، از پدرانش علیهم السلام ، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که زنی به آن حضرت گفت: من شوهر تندخویی دارم و برای جلب محبت او کاری انجام داده ام [و او را سحر نموده ام] تا به

۱- (۱)۳-وفیه عن مکارم الأخلاق عن النبیّ صلی الله علیه و آله قال: لایحلّ لإمرأةٍ ان تنام حتّی تعرض نفسها علی زوجها تخلع ثیابها و تدخل معه فی لحافه فتلزق جلدها بجلده فاذا فعلت ذلک فقد عرضت. (المصدر - مکارم الأخلاق ص ۱۲۴) یحرم السحر و ان کان لجلب المحبّه

۲- (۲)۱-الوسائل عن الفقیه... عن جعفربن محمد عن ابیه عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لأمرأه سألته إنّ لی زوجا و به علیّ غلظه، و انّی صنعت شیئا لأعطفه علیّ، فقال: لها رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «أفٍّ لکِ کدرت البحار، و کدرت الطین، و لعنتک الملائکه الأخیار و ملائکه السماوات و الأرض»

من توجه کنـد و مرا دوست بدارد. رسول خدا صـلی الله علیه و آله به او فرمود: «افّ بر تو باد! دریاها و زمین را آلوده کردی و ملائکه شایسته خدا در آسمان ها و زمین تو را لعنت می کنند.»

(۱)امام صادق علیه السلام فرمود: آن زن پشیمان شد و پس از آن روزها را روزه می گرفت و شب ها را به عبادت مشغول بود و [از ناراحتی] سر خود را تراشید و پوست حیوانات را به تن کرد تا آمرزیده شود ولی این خبر که به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید فرمود: «اینها از او قبول نمی شود و توبه او پذیرفته نمی گردد.»

آرایش زن برای غیر شوهر

(۲)۱- در کتـاب وسایـل الشیـعه، از کافی، از امام صادق علیه السـلام نقل شـده که فرمود: «هر زنی که با خشم شوهر خود، در صورتی که خشم او به حق باشد، شب را به صبح آورد، خداوند هیچ نمازی را از او نمی پذیرد تا شوهر او راضی شود.»

(۳)۲- و فرمود: «هر زنی که برای غیر شوهرش، خود را خوشـبو کنـد خداونـد هیچ نمازی را از او نمی پذیرد تا این که همانند غسل جنابت از این عمل [زشت[غسل [توبه] کند.»

در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر زنی که خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود مورد لعنت [خدا و ملائکه و...] خواهد بود تا به خانه خود باز گردد.»

(۴)۳- و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «زن نباید بدون اجازه شوهر

۱- (۱)قـال: فصـامت المرأه نهارها و قامت لیلها و حلقت رأسـها و لبست المسوح فبلغ ذلک النّبیّ صـلی الله علیه و آله فقال: إنّ ذلک لایقبل منها. (الوسائل ج ۱۴/۱۸۴ - الفقیه ج ۲/۱۴۳) جزاء المرأه التی تنزیّن لغیر زوجها و تسخطه

۲- (۲)۱- الوسائـل عن الکـافی... عن ابی عبـداللّه علیه السـلام قال: أیّما امرأهٍ باتت و زوجها علیها ساخط فی حقٍّ لم یتقبّل منها صلاهـ حتّی یرضـی عنهـا و ایّمـا إمرأه تطیّبت لغیر زوجهـا لم یقبـل اللّه منهـا صـلاه حتّی تغتسـل من طیبهـا کغسـلها من جنابتها. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۳)

۳- (۳)۲- و فیه عنه... عن ابی عبداللّه علیه السـلام قال: قال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : ایّ امرأهٍ تطیّبت و خرجت من بیتها فهی تلعن حتّی ترجع الی بیتها متی ما رجعت. (المصدر)

۴- (۴)۳- و فیه عنه... عن الصادق علیه السـلام فی حدیث المناهی قال: نهی النّبیّ صـلی الله علیه و آله ان تخرج المرأه من بیتها بغیر اذن زوجها فان خرجت لعنها کلّ ملک فی السماء و کلّ شی ءٍ تمرّ علیه من الجنّ و الإنس حتّی ترجع الی بیتها و نهی صلی الله علیه و آله ان تتزیّن لغیر زوجها فان فعلت کان حقّا علی اللّه ان یحرقها بالنار. (المصدر ص ۱۱۴)

خود از خانه خارج شود و اگر خارج شود همه ملائکه آسمان و هر که از جن و انس به او برخورد می کنند او را لعنت خواهند کرد تابه خانه خود برگردد.»

و فرمود: «حرام است زن برای غیر شوهر خود زینت کند و اگر چنین کند بر خدا حق است که او را به آتش [دوزخ] بسوزاند.»

(۱)۴- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هر زنی که به شوهر خود بگوید: «من از تو خیر ندیدم» اعمال و عبادات او از بین خواهد رفت.»

آزار زن و شوهر به یکدیگر

(۲)در کتاب وسایل الشیعه، از کتاب عقاب الأعمال، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «هر زنی که به همسر خود آزار رساند، خداوند نماز و اعمال خیر او را نمی پذیرد تا وقتی که او را یاری کند و رضایت او را فراهم نماید. چنین زنی، اگر در تمام عمر روزه بگیرد و غلامانی را در راه خدا آزاد کند و مال هایی را در راه خدا انفاق نماید سودی برای او نخواهد داشت و او نخستین کسی است که وارد آتش می شود.»

سپس فرمود: «مرد هم اگر به همسر خود آزار رساند و در حق او ظلم کند،

ص: ۱۲۲

۱- (۱)۴- و فیه عن جمیل بن درّاج عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: ایّما امرأةٍ قالت لزوجها: ما رایت قطّ من وجهک خیرا فقد حبط عملها. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۵) یحرم علی کلّ من الزوجین ان یؤذی الاخر بغیرحق

۲- (۲)۱- الوسائل عن محمّد بن علیّ بن الحسین فی (عقاب الأعمال) بسند تقدّم فی عیاده المریض عن النّبیّ صلی الله علیه و آله قال: من کان له امرأه تؤذیه لم یقبل اللّه صلاتها و لاحسنه من عملها حتّی تعینه و ترضیه و ان صامت الدّهر و قامت و أعتقت الرقاب و انفقت الأموال فی سبیل اللّه و کانت أوّل من ترد النار ثمّ قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله و علی الرّجل مثل ذلک الوزر و العذاب إذا کان لها مؤذیا ظالما و من صبر علی سوء خلق امرأته و احتسبه أعطاه اللّه له بکلّ مرّه یصبر علیها من الثواب مثل ما اعطی ایّوب علی بلائه و کان علیها من الوزر فی کل یوم ولیله مثل رمل عالج فان ماتت قبل ان تعقبه و قبل ان یرضی عنها حشرت یوم القیامه منکوسه مع المنافقین فی الدرک الأسفل من النّار و من کانت له امرأه و لم توافقه و لم تصبر علی ما رزقه اللّه و شقت علیه و حملته مالم یقدر علیه لم یقبل اللّه لها حسنه تتقی بها النار و غضب اللّه علیها مادامت کذلک. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۶)

چنین گناه و عذابی را خواهد داشت و هر مردی که برای خدا بر بدخلقی همسر خود صبر کند خداوند در مقابل هر نوبتی که بر بداخلاقی او صبر می کند پاداش حضرت ایوّب علیه السلام را به او خواهد داد و گناه آن زن در هر شبانه روز به اندازه رمل های بیابان عالج می باشد، و اگر بدون رضایت آن مرد بمیرد در قیامت با منافقین از سر در دَرَک اسفل دوزخ قرار خواهد گرفت.

و کسی که زنی داشته باشد که آن زن با او موافق نباشد و بر زندگی او صبر نکند و بر او سخت بگیرد و او را وادار به چیزی کند که توان آن را ندارد خداوند هیچ عمل نیکی را از آن زن نمی پذیرد و او از آتش نجات پیدا نمی کند و تا هنگامی که دارای چنین اخلاقی باشد خداوند بر او خشم خواهد داشت.»

مؤلف گوید: یکی از آزارهایی که زن به شوهر خود روا می دارد این استکه نیاز او را نسبت به مسایل جنسی تأمین نکند و یا در تمکین کردن، او را آزار دهد و خواسته او را انجام ندهد و یا به تأخیر اندازد. چنین زنی را ملائکه لعنت می کنند.

(۱)۲- در کتاب وسایل، از کافی، از امام باقر علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به زن ها فرمود: «نماز خود را طولانی مکنید تا همسران خویش را از بهره گیری ممنوع نمایید.»

(۲)۳- در همان کتاب، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «زنی برای حاجتی که داشت خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: شاید تو از زن های مسوّفات باشی. آن زن گفت: یا رسول اللّه! مسوّفات کیانند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مقصود من زنی می باشد که چون همسر او او را طلب می نماید و از او درخواست مسایل جنسی می کند او پیاپی او را معطل می کند تا او را خواب برباید و چون همسر او به خواب می رود ملائکه آن زن را لعنت می کنند تا

۱- (۱)۲- و فیه عن الکافی عن ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله للنساء: لاتطولنّ صلاتکنّ لمتعن ازواجکنّ. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۷ - الفروع ج ۲/۶۱)

۲- (۲)۳- و فیه عنه عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: إنّ امرأه أتت رسول اللّه صلی الله علیه و آله لبعض الحاجه فقال لها: لعلك من المسوّفات؟ قالت: و ما المسوّفات یا رسول اللّه؟ قال المرأه التی یدعوها زوجها لبعض الحاجه فلاتزال «تزل» تسوّفه حتّی ینعس زوجها فینام فتلك التی لاتزال الملائکه یلعنها حتّی یستیقظ زوجها. (المصدر ص ۱۱۷ - الفروع ج ۲/۶۱)

وقتی که شوهر او از خواب بیدار شود.»

ارفاق و احسان به همسر

از سخنان و توصیه های معصومین علیهم السلام استفاده می شودکه تضییع حق زن و ظلم به او، همانند تضییع حق یتیم و ظلم به او می باشد. براین اساس، لازم است که به زن ارفاق و از خطاهای او گذشت کنند و بیش از توان او چیزی به او تحمیل نشود و بهترین مردم کسی است که بیش از دیگران به همسر خود احسان و ارفاق نماید و ملعون است کسی که حق زن را ضایع نماید و به او ظلم کند، چرا که زن امانت خداست و امانت را باید به خوبی نگهداری نمود تا صفای زندگی و آرامش در خانواده برقرار گردد.

اینک به گوشه هایی از سخنان معصومین علیهم السلام در این باره اشاره می کنیم:

(۱)۱- در کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس همسری انتخاب نماید و از او بهره مند گردد نباید او را ضایع گذارد.»

(۲)۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «از خدا بترسید در باره حق زن و یتیم که این دو ضعیف و ناتوان می باشند.»

(۳)۳- و فرمود: «بیشتر مستضعفین در بهشت زن ها می باشند و خداوند چون از ضعیف بودن آنان آگاه بوده به آنان ترحّم نموده است.»

(۴)۴- در همان کتاب، از صدوق نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن وصیّت

۱- (۱)الإحسان و الإكرام للزوجه۱- الوسائل عن الكافی... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : انّما المرأه لعبه من اتّخذها فلايضّيعها. (الوسائل ج ۱۴/۱۱۹- الفروع ج ۲/۶۱)

۲- (۲)۲- و قال علیه السلام : اتقّوااللّه فی الضعیفین یعنی بذلك الیتیم و النساء. (المصدر)

۳- (۳)۳- و قال علیه السلام : اكثر اهل الجنّه من المستضعفین النساء علم اللّه ضعهنّ فرحمهنّ.(المصدر)

۴- (۴)۴- و فیه عن الصدوق باسناده الی وصیّه امیرالمؤمنین علیه السلام لولده محمدبن الحنفیّه نحوه الی قوله علیه السلام : ولیست بقهرمانه وزاد: فدارها علی كلّ حالٍ و احسن الصحبه لها لیصفو عیشك. (المصدر ص ۱۲۰)

به فرزنـد خود محمدبن الحنفیه فرمود: «زن همانند گل رقیق و لطیف است، او قهرمان نیست که بر او فشار آوری. پس در همه حالات و امور با او مدارا کن و معاشرت خود را با او نیکوگردان تازندگی تو با صفا و شیرین گردد.»

(۱)۵- در همـان کتـاب، از کافی، از امام صادق علیه السـلام نقل شـده که فرمود: «خداونـد مرد را قیّم و مالک زن قرار داده و اختیار زن را به دست او داده است. پس رحمت خدا باد بر مردی که بین او و همسرش صـلاح و محبت برقرارباشد و به همسر خود احسان کند.»

(۲)۶- در همـان کتـاب، از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نقـل شـده که فرمود: «ملعون است کسـی که همسر خود را ضایع گذارد و زندگی او را تأمین نکند.»

و فرمود: «دور از مروّت است که مردی در شهری زندگی کند و در کنار همسر خود نباشد و از او دوری نماید.»

(۳)۷- در همان کتاب، از موسـی بن جعفر علیهماالسـلام نقل شده که فرمود: «خانواده هر کسی [همانند] اسرایی هستند که در زیر دست اویند. پس به هرکس خدا نعمت عطا نموده باید به خانواده خود وسعت وگشایش دهد تا نعمت از او گرفته نشود.»

و رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «آگاه باشید که بهترین شماها کسانی هستند که به همسران خود بیشتر توجه می کنند و من بیشتر از شما به همسران خود توجه می کنم.»

پاداش همسر دوستی و معیار احسان به همسر

(۴)اسلام علاقه به همسر را یک فضیلت و ارزش دانسته و دستور داده که مردها

۱- (۱)۵- وفیه عن الکـافی... قـال الصـادق علیه السـلام : رحم اللّه عبـدا احسن فیما بینه و بین زوجته فانّ اللّه عزّوجلّ قـد ملّکه ناصیتها و جعله القیّم علیها. (الوسائل ج ۱۴/۱۲۲)

۲- (۲)۶- و قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ملعون ملعون من ضیع من یعول. (المصدر)

۳- (۳)۷- و فیه: قال و قال ابوالحسن علیه السـلام : عیال الرجل اسـراؤه فمن انعم اللّه علیه بنعمهٍ فلیوسّع علی اسراءه فان لم یفعل اوشک ان تزول تلک النعمه. و فیه قال: قال النبیّ صلی الله علیه و آله : ألا خیرکم خیرکم لنسائه و اناخیرکم لنسائی.(المصدر)

۴- (۴)فضل حبّ النساء و الأمر بمداراتهنّ قال اللّه سبحانه: یا ایّها الذین آمنوا إنّ من ازواجکم واولادکم عدوّا لکم فاحذروهم و ان تعفوا و تصفحوا و تغفروا فانّ اللّه غفورٌ رحیم. (سوره التغابن آیه ۱۴)

بـا همسـران خود مـدارا و سازگاری کننـد و از خطاهای آنان در حـد امکان درگذرنـد و به آنان ترحم نماینـد. از سوی دیگر، آفت هـای این مسـأله را هم گوشـزد نموده و فرموده: از شـر آنـان نیز بایـد برحـذر بود و از آنان پیروی و اطاعت نکرد. اسـلام زحمـات همسـران را نیز یادآور شـده و دسـتور داده است که بایـد در حـد امکان در خانه به آنان کمک نمود تا جایی که می فرمایـد: بهترین مردهـا آنهـایی هسـتند که به همسـران خود بیشتر محبت و احسـان می کننـد و زمینه آسایش آنان را فراهم می نمایند.

البته معیار گـذشت و احسان و علاقه به همسـران و شاد نمودن آنان مقررات و حدود اسـلامی است. بنابراین اگر هریک از این مسایل همراه تخلف از دسـتورات و حـدود اسـلامی حاصل شود مطلوب نخواهـد بود. برای مثال اگر کسـی بخواهـد نسـبت به همسـر خود با انجام یک گناه و عمل حرام احسان کنـد و یا او را شاد نمایـد و یا برای او آسایش فراهم نماید، در حقیقت، در حق او ستم رواداشته است؛ گرچه آن همسر به دلیل جهالت و نادانی طالب آن باشد.

مدارا و احسان به زن ها و نهی از اطاعت آنان

باید توجه داشت که خداوند متعال حکیم است و هرچیزی را مطابق حکمت خود آفریده و کوچک ترین ظلمی در آفرینش او وجود نـدارد؛ همـان گونه که در عـالم تکلیف نیز هرکسـی را به انـدازه توان، بلکه کمـتر از توان او، تکلیف نموده است و در قیـامت نیز هر انسانی را به انـدازه عقل و شـعوری که به او داده مؤاخـذه خواهـد نمود؛ «لایَظلم مثقال ذرّه فی السـموات و لافی الأرض». معیار سـعادت در اسلام و دیگر ادیان آسمانی، معرفت و تقوای هر انسانی است و در این مسأله تفاوتی بین زن و مرد وجود نـدارد. آری، در خلقت مرد و زن تفـاوت هـا و تفاضـل هـایی مطـابق حکمت کلی نظـام خلقت وجود دارد که اگر این تفاوت ها و تفاضل ها نباشد زندگی مرد و زن

ص: ۱۲۶

دچار مشکل می شود و خداوند خالق و حکیم و رحیم بنابر مصلحت نظام آفرینش، موجودات را چنین آفریده و در قانون خود نیز چنین تفاوت و تفاضل هایی را قرار داده است؛ چنان که خلقت پیامبران خود را که مأمور به تبلیغ دین هستند و باید معصوم و پاک باشند مانند سایر مردم قرار نداده برهمین اساس قدرت و توان و علم و عقل و تدبیری که به پیامبران علیهم السلام داده به دیگران عنایت نفرموده است.

در این زمینه بنابه فرموده قرآن «و لا يُسئل عمّا يفعل و هم يُسألون» کسی نباید خداوند را که مالك هستی و عالم و عادل و حکیم و رحیم است مورد سؤال قرار دهد بلکه این انسان است که باید به علت جهل و نادانی و خطا و ظلم مورد سؤال و مؤاخذه قرار گیرد.

از این رو، اگر در قرآن و سخنان اولیای خدا مطالب و دستوراتی به چشم می خورد که حاکی از تفاوت و یا تفاضل مرد نسبت به زن می باشد، قطعا بدون حکمت نبوده بلکه مقتضای نظام آفرینش آن بوده است. از سویی، بالاترین ارزش عبادت یك انسان، رضایت به تقدیرات خداوند است و اگر انسان مؤمن، حکمت و فلسفه حکمی از احکام خدا را ندانست و یا سرّ آن بر او آشکار نبود نباید زبان به انکار باز کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از یاران و فرزندان خود فرمود: «و ان اشكل عليك شي ء من ذلك فاحمله على جهالتك...» ؛ یعنی اگر در فهم احکام خداوند و یا نسبت به عالم خلقت و تکوین مشکلی پیدا کردی و سرّ آن را ندانستی آن را به عهده جهالت و نادانی خود گذار و به قانون خداوند اعتراض مکن [؛ چرا که این، اعتراضِ به حق و انکار آن است و مساوی با شرك و یا کفر خواهد بود].

اینک به بخشی از آیات قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام در این موضوع توجه می کنیم:

خداوند در سوره تغابن می فرماید: «ای اهل ایمان، [بدانید] که بعضی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند، پس از آنان برحذر باشدی [که آسیبی از آنان به شما نرسد].

از این آیه مبارکه روشن می شود که تنها بعضی از همسران و فرزندان چنین

هستند و نه همه آنان. برهمین اساس، روایاتی که در پی می آید نیز جنبه نوعیت دارد و چنین نیست که همه همسران و زن ها چنین باشند.

زن های با کمال نیز فراوان هستند و چه بسا بعضی از آنان در مراتب کمال و تعقل و تدبیر از بسیاری از مردها برتر باشند. ولی طبق آنچه در روایات آمده، در بین زن ها تنها چند نفر به مراحل عالی کمال رسیده اند اما از میان مردها، افراد فراوانی به مراحل عالی کمال دست یافته اند.

(۱)۱- علامه مجلسی، از علل الشرایع و امالی صدوق، با سند خود، از امام صادق، از پدرانش علیهم السلام نقل نموده که مردی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام از [آزار و اخلاق ناپسند] زن های خود به آن حضرت شکایت نمود و به این علت امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه ای ایراد نمود و فرمود:

«ای مردم! در هیچ چیز و هیچ موقعیتی از زن ها پیروی نکنید و آنان را نسبت به اموال خود امین ندانید و زندگی و تدبیر آن را به آنان وامگذارید؛ اگر آنان را آزاد گذارید خود را به هلاکت می اندازند و از امر مالک خود سرپیچی می کنند؛ چرا که ما دریافته ایم که آنان در هنگام نیاز تقوا را رعایت نمی کنند و هنگام شهوت و خواسته های نفسانی صابر و شکیبا نیستند، و تکبر و بلندپروازی حتی در هنگام پیری، لازمه وجود آنان است و خودپسندی، چه در حال ناتوانی و چه در حال توانایی شیوه آنها است. آن هنگام که از تنگدستی خارج شوند خدا را شاکر نیستند؛ خوبی ها را فراموش می کنند و بدی ها را به یاد می آورند؛ فراوان به یکدیگر تهمت می زنند و به طغیان و سرکشی خود ادامه می دهند. آنان کارگزاران شیطانند؛ از این رو باید در همه چیز با آنان مدارا نمایید و در سخن با آنان درشتی نکنید تا شاید رو به

۱- (۱)۱- البحار عن العلل و الأمالی عن الصادق عن آبائه علیهم السلام قال: شکی رجل من اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام نساءه فقام علیه السلام حطیبا فقال: معاشرالناس لاتطیعوا النساء علی حالٍ، ولا تأمنو هنّ علی مالٍ و لاتذروهنّ یدّبرن امرالعیال، فانّهنّ ان ترکن و ما اردن اوردن المهالک و عدون امرالمال:، فانّا وجدناهنّ لاورع لهنّ عند جاجتهنّ، و لاصبر لهنّ عن شهوتهنّ، البذح لهنّ لازم و ان کبرن، و العجب بهنّ لاحق و ان عجزن، لایشکرن الکثیر اذا منعن القلیل، ینسین الخیر و یحفظن الشرّ، یتهافتن بالبهتان، و یتمادین بالطغیان، و یتصدّین للشیطان، فداروهنّ علی کلّ حالٍ و احسنوا لهنّ المقال لعّلهنّ یحسنّ الفعال. (البحار ج ۱۰۳/۲۲۳ العلل ص ۵۱۲ الأمالی ص ۲۰۶)

صلاح بروند [و از کارهای ناپسند خود دست بردارند].»

(۱)۲- در همان کتاب، از امالی صدوق، از امام باقر، از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیهم السلام نقل شده که فرمود: «از زنان بد بپرهیزید و از خوبان آنان برحذر باشید. از خواسته ها و دستورهای مشروع آنان سرپیچی کنید تا طمع نکنند و شما را به منکر و خلاف شرع واندارند.»

(۲)۳- در همان کتاب، از قرب الاسناد، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «کسی که همسری انتخاب می کند باید او را گرامی بدارد، و چون بهره های خود را از او می برد نباید او را ضایع نماید.»

(۳)۴- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از خدا بترسید، از خدا بترسید در باره دو ضعیف: یکی یتیم و دیگری زن. همانا بهترین شما کسانی هستند که بیشتر به همسران خود رسیدگی می کنند.»

(۴)۵- در همان کتاب، از علل الشرایع، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «زنی از صحرانشینان خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و همراه او دو کودک بود که یکی را به دوش گرفته بود و دیگری همراه او بود و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله یک قرص نان به او داد و او آن را بین دو فرزند خود تقسیم نمود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «چنین زن های با محبتی اگر نماز می گزاردند و زیاد هوسرانی نمی کردند اهل بهشت می بودند.»

۱- (۱)۲- و فیه عن الامالی... قال امیرالمؤمنین علیه السلام : اتقّوا شرارالنساء و کونوا من خیارهنّ علی حذرٍ انْ امرنکم بالمعروف فخالفوهنّ کیلا یطمعن منکم فی المنکر. (المصدر ص ۲۲۴ الأمالی ص ۳۰۴)

۲- (۲)۳- و فیه عن الباقر علیه السلام قال: من اتّخذ امرأةً فلیکرمها فانّما فانّما امرأه احدکم لعبه فمن اتّخذها فلایضّیعها.

۳- (۳)۴- و فیه... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : اتقّوا اللّه اتقّوا اللّه فی الضعیفین: الیتیم و المرأه فانّ خیارکم خیارکم لأهله. (البحار ج ۱۰۳ ص ۲۲۴)

۴- (۴)۵- و فیه عن العلل... قال ابوعبدالله علیه السلام : جاءت امرأه من اهل البادیه الی النبیّ صلی الله علیه و آله و معها صبّیان حامله واحدا و آخر یمشی، فاعطاها النبیّ صلی الله علیه و آله قرصا ففلقته بینهمافقال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : الحاملات الرحیمات لولا کثره لعبهنّ لدخلت مصلّیاتهنّ الجنّه. (المصدر ص ۲۲۷)

(۱)۶- در همـان کتـاب، از مکـارم الأخلاق، از امام باقر علیه السـلام نقل شـده که فرمود: «در کارهای سرّی با زن ها مشورت نکنیـد و در مسایل خویشاونـدی از آنان پیروی ننماییـد. همانا زن چون پیر شود شرّ او باقی می مانـد و خیر او از بین می رود، جمـال او برطرف و رحم او عقیم و زبـان او تنـد و پرخاشـگر می شود؛ [ولی] مرد چون پیر شود شرّ او از بین می رود و خیر او باقی می ماند، نادانی و جهل او برطرف و عقل او ثابت و رأی او مستحکم می گردد.»

(۲)۷- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هر مردی که تدبیر زندگی خود را به دست زن خود بدهد ملعون است.»

(۳)۸- و فرمود: «برکت در مخالفت با زن هاست.»

(۴)۹- رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «کسـی که از همسـر خود (درگنـاه و هوسـرانی) اطاعت بکنـد خداونـد او را به صورت در آتش می افکنـد.» سؤال شد: آن چگونه اطاعتی است؟ فرمود: «او را اجازه دهد به حمام های عمومی و عروسـی ها واعیاد و جلسات آوازه خوانی برود و لباس نازک بپوشد.»

(۵)۱۰- در نهج البلاغه، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که آن حضرت بعد از

۱- (۱)۶- و فیه عن ابی جعفر علیه السـلام قـال: لاتشـاوروهنّ فی النجوی، و لاتطیعوهنّ فی ذی قرابه إنّ المرأه اذا کبرت ذهب خیر شـطریها و بقی شـرّهما: ذهب جمالها و عقم رحمها و احتدّ لسانها، و إنّ الرجل اذا کبر ذهب شرّ شطریه و بقی خیرهما ثبت عقله و استحکم رأیه و قلّ جهله. (المصدر عن مکارم الأخلاق ص ۲۶۵)

۲- (۲)۷- و فیه عن مکارم الأخلاق: قال علی علیه السلام : کلّ امراءٍ تدبرّه امرأه فهو ملعون.

۳- (۳)۸- وقال علیه السلام : فی خلافهنّ البرکه. (المصدر)

۴- (۴)۹- و قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من اطاع امرأته اکبه اللّه علی وجهه فی النار قال: و ما تلک الطاعه؟ قال: تطلب الیه الذهاب الی الحمامات و العرسات و العیدان و النایحات و الثیاب الرقاق فیجیبها.(المصدر)

۵- (۵)۱۰- و فی البحـار عن نهـج البلاـغه: قال علیّ علیه السـلام بعـد حرب الجمل فی ذمّ النساء: معاشـرالناس انّ النساء نواقص الایمـان، نواقص الحفوظ، نواقص العقول، فأمّـا نقصـان ایمـانهنّ فقعودتهنّ عن الصـلاه و الصـیام فی ایّام حیضـهنّ، و امّا نقصان عقولهنّ فشـهاده امرأتین منهنّ کشـهاده الرجـل الواحـد، و امّـا نقصـان حطوظهنّ فموارثیهنّ علی الانصـاف من مواریث الرجال، فاتقّوا شرار النساء و کونوا من خیارهنّ علی حذرٍ، و لاتطیعوهنّ فی المعروف حتّی لایطمعن فی المنکر. (البحار ج ۱۰۳/۲۲۸)

بازگشتن از جنگ جمل در مذمت و نکوهش زنان فرمود: «ای مردم! براستی زن ها از جهت ایمان وارث و عقل ناقص هستند؛ دلیـل ناقص بودن ایمان آنان این است که در ایام حیض از نماز و روزه باز می ماننـد، و دلیل ناقص بودن عقل آنان این اسـت که شـهادت دو نفر از آنان مانند شـهادت یک مرد می باشد، و دلیل ناقص بودن ارث آنان این است که ارث آنان نصف ارث مردها می باشد.»

سپس فرمود: «از زن های بـد پرهیز کنیـد و از زن های خوب نیز برحـذر باشـید. در کارهای خوب از آنان اطاعت نکنیـد تا در شما طمع نکنند و اعمال خلاف و معصیت خدا را از شما طلب ننمایند.»

احیای حقوق زن در اسلام

در تاریـخ ثبت شـده و در قرآن نیز تصـریح شـده است که قبـل از اسـلام، مردم جزیره العرب دختران خود را زنـده به گور می کردنـد و چون به آنان خبر داده می شـد که فرزنـد دختری خداونـد به شـما داده آنان از شـرمساری سـر به زیر می انداختند و صورت هایشان سیاه می شد و متحیر می ماندند که آن دختر را با خواری و ذلّت نگهداری کنند و یا او را زنده به گور نمایند.

(۱)ولی در اسـلام، برخلاف فرهنگ جاهلی، از فرزندان دختر دلجویی بیشتری شده است و دستور داده شده که محبت بیشتری به آنـان بشود. اسـلام، فرزنـدان دختر را رحمت و فرزنـدان پسـر را نعمت شـمرده است از روایات اسـتفاده می شود که پـدر و مـادری که فرزنـد دختر دارنـد نیز مورد دلجویی و رحمت الهی می باشـند. اینـک به متن سـخنان معصومین علیهم السـلام می نگریم:

۱- (۱)المرأه قبل الإسـلام و بعده قال اللّه سبحانه: و اذا بُشّر احدهم بالانثی ظلّ وجهه مسودّا و هو کظیم * یتواری من القوم من سوء مـا بشّـربه أیمسـکه علی هونٍ ام یـدسّه فی التراب ألاـ ساءما یحکمون. (النحل/۵۸)۱- و قـال الصـادق علیه السـلام : البنات حسنات و البنون نعمه فالحسنان یثاب علیها و النعم یُسأل عنها. (البحار ج ۱۰۴/۹۰ مکارم الاخلاق /۲۵۱)

(۱)در کتـاب بحار، از کتاب مکارم الاخلاق، از حمزه بن حمران نقل شـده که مردی خـدمت رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نشسته بود، پس شخصی خبر آورد که خداوند فرزندی به آن مرد عطا فرموده و چون آن مرد دانست که آن فرزند دختر است رنگ او تغییر نمود. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «چگونه شد حال تو؟» او گفت: خیر است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمـود: «برای چه حـال تـو دگرگون گردیـد؟» آن مرد گفت: یـا رسول اللّه! من از خـانه خـارج شـدم در حـالی که همسرم در حال زایمان کردن بود و اکنون به من خبر داده شد که او دختری آورده است.

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «زمین او را به دوش می گیرد و آسـمان بر او سایه می افکند و خداوند او را روزی می دهد و او گلی است برای تو که آن را می بویی.»

(۲)سپس روی مبارک خود را به سوی اصـحاب نمود و فرمود: «هرکس صاحب یک دختر باشد بار سنگینی به دوش اوست و هر کس صاحب دو دختر باشـد [خـدا] به فریاد او برسـد و هر کس صاحب سه دختر باشد جهاد و هر کار دشواری از او ساقط است و هر کس صاحب چهار دختر باشد، پس ای بندگان خدا، او را کمک دهید و به او رحم کنید و قرض به او بدهید.»

و فرمود: «هرکس سه دختر را تکفّل کنـد بهشت برای او لازم می شود.» گفته شد: دو دختر چگونه است؟ فرمود: «بهشت برای او لازم می شود.» گفته شد: یک دختر چگونه است؟ فرمود: «بهشت برای او لازم می شود.»

(۳)در همان کتاب، از تفسیر عیّاشی، از حسن بن سعید نقل شده که گوید: برای

۱- (۱)البحـار عن مکـارم الأخلاـق عن حمزه بن حمران باسـناده انّه اتی رجـل النبیّ صـلی الله علیه و آله و عنـده رجـل فاخبره بمولودٍ فتغیّرلون الرجـل فقـال النبیّ صـلی الله علیه و آله مالـک؟ فقال: خیر قال: قل، قال: خرجت و المرأه تمخض فأخبرت أنّها ولدت جاریه، فقال له النبیّ صـلی الله علیه و آله : الأرض تقلّها، و السـماء تظلّها، و اللّه یرزقها، و هی ریحانه تشّمها ثمّ اقبل علی اصـحابه فقـال: من کـانت له ابنه واحـده فهو مفـدوح و من کـانت له ابنتان فیاغوثاه، و من کان له ثلاث وضع عنه الجهاد و کلّ مکروه، و من کان له اربع فیاعباداللّه اعینوه، یا عباداللّه اقرضوه، یا عباداللّه ارحموه. (البحار ج ۱۰۴/۹۱ مکارالأخلاق /۲۵۱)

۲- (۲)و قـال صـلی الله علیه و آله : من عـال ثلث بناتٍ او ثلث اخوات وجبت له الجنّه قیل: یا رسول اللّه و اثنتین؟ قال صـلی الله علیه و آله : و اثنتین قیل: یا رسول اللّه و واحده؟ قال صلی الله علیه و آله و واحده. (المصدر ص ۹۲ مکارم الاخلاق /۲۵۲)

۳- (۳)و فی البحار عن العیاشـی عن الحسن بن سـعید اللحمی قال: ولـد لرجلٍ من اصـحابنا جاریه و دخل علی ابی عبداللّه علیه السـلام فرآه متسـخطا لها، فقال له ابوعبداللّه علیه السلام : أرأیت لو أنّ اللّه اوحی الیک انّی اختارلک او تختار لنفسک ما کنت تقول؟ قال: کنت اقول: یا ربّ تختار لی قال علیه السـلام : فانّ اللّه قـداختار لک ثمّ قال: انّ الغلام الذی قتله العالم الذی کان مع موسـی فی قول اللّه: «فاردنا ان یبدلهما ربّهما خیرا منه زکاهً و اقرب رحما» قال: فابدلهما منه جاریهً ولدت سـبعین نبیّا. (البحار ج ۱۰۴/۱۰۱)

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام فرزند دختری متولد شده بود و چون خدمت آن حضرت رسید و امام علیه السلام او را خشمناک دیدند به او فرمودند:

«بگو بدانم اگر خداوند به تو وحی می نمود که «آیا من برای تو انتخاب کنم و یا تو برای خود انتخاب می کنی تو چه می گفتی؟» آن مرد گفت: من می گفتم: پروردگارا، تو برای من انتخاب کن. پس امام علیه السلام به او فرمود: «اکنون خدا برای تو [دختر] انتخاب نموده است.»

سپس فرمود: «آن پسری که حضرت خضر کشت و حضرت موسی علیهماالسلام به او اعتراض نمود و خضر علیه السلام در پاسخ موسی علیه السلام گفت: «ما خواستیم به پدر و مادر این پسر خداوند فرزند پاک تر و نزدیک تری از جهت رحمیت عطا فرماید» خداوند به جای آن پسر (که اگر بزرگ می شد طغیان و سرکشی می نمود) دختری به آنان عطا نمود که هفتاد پیامبر از نسل او به وجود آمدند.»

(۱)و در کتاب کافی، از سلیمان جعفری، از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدای تبارک و تعالی به زن ها رؤوف تر و مهربان تر است تا مردها و هیچ مردی نیست که زنی از خویشان خود را خشنود کند جز آن که خداوند در قیامت او را خشنود خواهد نمود.»

حقوق زن و شوهر بر یکدیگر

(۲)اگر خداوند در خلقت مرد و زن تفاوت ها و برتری هایی قرار داده است؛ نه

۱- (۱)و فی الکافی... عن سلیمان بن جعفرالجعفری عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنّ اللّه تبارک و تعالی علی الاناث ارأف منه علی الذکور و ما من رجلٍ یدخل فرحه علی امرأةٍ بینه و بینها حرمه الاّ فرحّه اللّه تعالی یوم القیامه. (الکافی ج ۶/۶)

۲- (۲)حقوق الرجال و النساء بعضهم علی بعض قال اللّه سبحانه: الرجال قوّامون علی النساء بما فضل اللّه بعضهم علی بعضٍ و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ اللّه. (النساء آیه ۳۴)

از جهت تحقیر و ظلم به زن می باشد بلکه از جهت مصلحت و حکمت نظام آفرینش است؛ چرا که او عالم به مصالح عالم و حکیم و مدّبر و ربّ العالمین و رحیم است و حق احدی را در عالم تکوین و تشریع ضایع نمی کند.

مصلحت کلی نظام آفرینش ایجاب نموده که عده ای از انسان ها پیامبر یا امام و رهبر جامعه باشند و عده ای نیز در دین خدا تفّقه نمایند و به عنوان علمای دینی مردم را راهنمایی و هدایت نمایند و عده ای دیگر نیز به سایر امور بپردازند.

در نظام خانواده نیز خلقت مرد و زن به گونه ای است که یکی قیّم و مدیر باشد و سایرین از او اطاعت کنند که اگر چنین نمی بود نظام خانواده متلاشی می گردید. همان گونه که در مسأله الوهیت فرموده است: «لو کان فیهما آلهه الاّ اللّه لفسدتا»؛ یعنی اگر برای اداره عالم چند خدا وجود داشت آسمان و زمین فاسد و تباه می شد.

از این رو، بندگان خدا باید به تقدیرات الهی در عالم تکوین و تشریع راضی باشند و حتی آن را یک عبادت بدانند. اساسا تسلیم بودن بنده در مقابل تقدیرات و حکمت های الهی از بزرگترین عبادات است و معرفت و ارزش انسان مؤمن نیز وابسته به آن است.

البته معیار و ملاک ارزش انسان ها در پیشگاه خداوند بندگی و تقوای آنان می باشد؛ ممکن است یک فرد بی سواد و یک زن خانه دار در این میدان گوی سبقت را از دیگران برباید؛ و زنی مانند مادر وهب در کربلا و یا مردی چون جون، غلام سیاه امام حسین علیه السلام از دیگران سبقت گیرند. یک زن خانه دار می تواند با اطاعت از شوهر و بیرون نرفتن از خانه به مقامی برسد که جبرئیل علیه السلام برای او و پدر او بشارت آمرزش بیاورد.

اینک به بخشی از آیات و روایات در باره شخصیت مرد و زن و حقوق آنان بر یکدیگر توجه فرمایید:

خداوند در سوره نساء می فرماید: «قیمومت و سرپرستی زن ها و [و خانواده[

برای مردهاست و این به علت برتری مرد بر زن و انفاقی است که آنان برای اداره زنـدگی می کنند.» این آیه بدان معنی اسـت که خداونـد واجب نموده که مردها هزینه زنـدگی همسـران خود را تأمین نماینـد. و زن ها نیز از همسـران خود اطاعت کنند تا نظام خانواده برقرار بماند.

خداوند در آیه ای دیگر زن ها را سـتایش نموده و می فرماید: «زن های صالح و شایسـته، اهل قنوت و تضرّع و عبادت هستند ودر پنهـانی آنچه خداونـد دسـتور حفـظ و نگهـداری آن را داده حفـظ می کننـد»؛ یعنی چون شوهران آنان از خانه بیرون می رونـد خود را [که امانت همسـران محسوب می شونـد] از هر عمل خلاف حفظ می کنند. از امام باقر علیه السـلام نقل شده که فرمـود: «مقصـود از «قانتـات» در این آیه این است که زن هـای شایسـته مطیع شوهران خود می باشـند. (تفسـیر علی بن ابراهیم قمی).»

(۱)۱- علامـه مجلسـی، در کتـاب بحـار، از علـل و امالی صـدوق، از امام حسن علیه السـلام نقل نموده که فرمود: «عـده ای از یهـودی هـا نزد رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله آمدنـد و یکی از آنـان در بین سؤالات خـود پرسـید: برتری مردهـا بر زن ها چیست؟ رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: همانند برتری آسمان بر زمین و یا برتری آب بر زمین؛ همان گونه که زمین به وسـیله آب احیا و زنـده می شود، زن ها نیز به وسـیله مردها زنـده می شونـد و اگر مردها نبودنـد خداوند زن ها را نمی آفرید؛ چنان که در قرآن می فرماید: «الرجال قوّامون علی النساء بما فضّل اللّه بعضهم علی بعضٍ و بما انفقوا من اموالهم».

مرد یهودی گفت: دلیل آن چیست، و چرا این گونه است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند آدم را از گل آفرید و از باقیمانده گل آدم، حوّا را آفرید و نخستین کسـی که از زن ها اطاعت کرد، خود آدم بود و خداوند به همین علت او را از بهشت بیرون نمود.

۱- (۱)حقوق الرجال و النساء بعضـهم علی بعض قال اللّه سبحانه: الرجال قوّامون علی النساء بما فضل اللّه بعضهم علی بعضٍ و بمـا انفقوا من اموالهم فالصالحـات قانتات حافظات للغیب بما حفظ اللّه. (النساء آیه ۳۴)۱- البحار عن العلل و الأمالی عن حسن بن علی علیهماالسـلام قـال: جـاء نفر من الیهود الی رسول اللّه صـلی الله علیه و آله فسـأله عن مسائل عن مسائل فکان فیما سأله: اخبرنی ما فضل الرجال علی النساء؟

(۱)سپس فرمود: خداوند فضیلت مردها را بر زن ها در دنیا آشکار نموده است؛ مگر نمی بینی زن ها حیض می شوند و به علت این آلودگی از عبادت (نماز و روزه و...) ممنوع می گردند؟ در حالی که مردها چنین آلودگی پیدا نمی کنند و از عبادت خدا ممنوع نمی شوند؟ مرد یهودی گفت: راست گفتی ای محمد صلی الله علیه و آله .»

عبادت زن مشروط به رضایت شوهر

(۲)۱- علامه مجلسی، از کتاب امالی صدوق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «هر زنی که با زبان خود همسر خویش را بیازارد خداوند هیچ عبادت و عمل نیکی را از او نمی پذیرد تا وقتی که شوهر خود را راضی کند. او اگر روزها را روزه بگیرد و شب ها را به عبادت طی کند و در راه خدا بنده هایی را آزاد و اموال انبوهی را انفاق کند، نخستین کسی خواهد بود که وارد دوزخ می شود. مرد نیز اگر در حق همسر خود ظالم و ستمگر باشد و حقوق او را ادا ننماید همین گونه خواهد بود.»

(۳)و فرمود: «آگاه باشید هر مردی که براخلاق بد همسر خود صبر کند و برای

۱- (۱)قال النبی صلی الله علیه و آله : کفضل السماء علی الأرض او کفضل الماء علی الأرض فبالماء تحیی الأرض و بالرجال تحیی النساء لولا الرجال ما خلق النساء لقول اللّه عزّوجلّ «الرجال قوّامون علی النساء بما فضّل اللّه بعضهم علی بعض» قال الیهودیّ: لأیّ شی ءٍ کان هکذا قال النبیّ صلی الله علیه و آله خلق اللّه عزّوجلّ آدم من طین و من فضله و بقیّته خلقت حوّاء و اوّل من اطاع النساء آدم فأنزله اللّه من الجنّه و قدبیّن فضل الرجال علی النساء فی الدنیا، الاتری الی النساء کیف یحضن و لا یمکنهنّ العباده من القداره و الرجال لایصیبهم شی ءٌ من الطمث قال الیهودی: صدقت یا محمّد. (بحارج ۱۰۳/۲۴۰ العلل ص ۵۱۲ الأمالی ص ۱۹۲) عباده المرأه و أجرها مشروطه برضا زوجها

۲- (۲)۱- البحار عن الأمالی فی مناهی النبی صلی الله علیه و آله و قال: ایّما امرأهٍ آذت زوجها بلسانها لم یقبل اللّه منها صرفا و لاعدلاً و لاحسنهً من عملها حتّی ترضیه و ان صامت نهارها و قامت لیلها و اعتقت الرقاب و حملت علی جیاد الخیل فی سبیل اللّه و کانت اوّل من یردالنار و کذلک الرجل اذا کان لها ظالما.

۳- (۳)و قال صلی الله علیه و آله : ألا و من صبر علی خلق امرأهٍ سیّئه الخلق و احتسب فی ذلک الاجر اعطاه اللّه ثواب الشاکرین فی الآخره، الاو ایّما امرأهٍ لم ترفق بزوجها و حملته علی ما لایقدر علیه ومالا یطیق لم تقبل منها حسنه و تلقی اللّه [و] علیها غضبان.(البحار ج ۱۰۳/۲۴۴ الأمالی ص ۴۲۹)

خدا بردباری پیشه نماید خداوند در آخرت ثواب شاکران را به او می دهد.»

و فرمود: «آگـاه باشـید هر زنی که به شوهر خود ارفـاق نکنـد [و در سـختی هـا با او سازش ننمایـد] و او را به چیزی وادارد که طاقت آن را نداشـته باشد خداوند هیچ حسـنه و عمل نیکی را از او نمی پذیرد و چون خدا را ملاقات کند بر او خشـمناک می باشد.»

(۱)۲- در همان کتاب، از قرب الاسـناد از امام کاظم علیه السـلام نقل شده که علی بن جعفر، (برادر آن حضـرت) پرسید: زنی که فرمان شوهر خود را نمی برد حال او چگونه است و آیا نماز او قبول می شود؟ امام کاظم علیه السـلام فرمود: «او همیشه در حال گناه است تا شوهر او از او راضی شود.»

پرسـید: آیا زن می توانـد از مال شوهر خود بـدون اجازه او چیزی در راه خـدا بدهد؟ فرمود: «نمی تواند، مگر این که شوهر او آن راحلال کند.»

پرسید: آیا زن می تواند بدون اجازه همسر خود از خانه بیرون برود؟ فرمود: «خیر.»

(۲)۳- در همان کتاب، از کتاب خصال نقل شده که رسول خدا صـلی الله علیه و آله خطبه ای خواند و به اصحاب خود فرمود: «ای مردم، زن ها نزد شـما عاریه و امانت هسـتند، آنها در اختیار شـمایند و از خود اراده ای ندارنـد و خداوند آنان را نزد شـما امانت سپرده و با کلمات خود آنان را بر شما حلال کرده است. [پس بدانید که] آنان را بر شما حقی است و شما را نیز بر آنان حقی است و از حقوق شما بر آنان این است که خود را در اختیار دیگران قرار ندهند و از شما در هیچ عمل مشروعی نافرمانی

۱- (۱)۲- و فیه عن قرب الاسـناد عن علی بن جعفرعن اخیه علیه السلام قال: سألته عن المرأه العاصیه لزوجها هل لها صلاه و ما حالها؟ قال: لاتزال عاصـیه حتّی یرضـی عنها. قال: وسألته علیه السـلام عن المرأه لها ان تخرج من بیت زوجها بغیر إذنه؟ قال: لا. (المصدر عن قرب الاسناد ص ۱۰۱)

۲- (۲)۳- و فیه عن الخصال... خطب النبیّ صـلی الله علیه و آله فقال: ایّها الناس انّ النساء عندکم عوارلایملکن لأنفسهنّ ضرّا و لانفعا أخذتموهنّ بأمانه اللّه و استحللتم فروجهنّ بکلمات اللّه فلکم علیهنّ حقّ و لهنّ علیکم حقّ و من حقّکم علیهنّ ان لایواطؤا فرشـکم و لایعصـینکم فی معروف، فـاذا فعلـن ذلـک فلهنّ رزقهنّ و کسـوتهنّ بـالمعروف و لاتضـربوهن. (البحـار ج ۱۰۳/۲۴۵ الخصال ج ۲/۲۰۵)

نکنند و چون چنین کنند بر شما واجب است خوراک و پوشاک آنان را، به طور متعارف، تأمین کنید و آنان را آزار نرسانید.»

(۱)۴- در همان کتاب، از کتاب قصص الأنبیا، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «جهاد زن این است که برای شوهر خود خیرخواه باشد و خوب شوهرداری کند.»

(۲)۵- در همان کتاب، از کتاب قصص الأنبیا، از صدوق، از امام صادق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «اگر [صحیح بود و] من دستور می دادم که کسی در مقابل کسی سجده کند، می گفتم: زن در مقابل شوهرش سجده کند.»

(۳)۶- در همان کتاب، از کتاب مکارم الأخلاق، از محمدبن مسلم، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول اللّه! حق مرد بر زن چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «باید از او اطاعت کند و از دستورش سرپیچی ننماید، و جز با اجازه او چیزی از مال او را صدقه ندهد، و جز با اذن او

۱- (۱)۴- وفیه عن قصص الانبیاء عن الصادق علیه السلام قال: قال النبیّ صلی الله علیه و آله : لو امرت احدا ان یسجد لاحدٍ لأمرت المرأه ان تسجد لزوجها. (المصدر ص ۲۴۷)

۲- (۲)۵- و فیه عن مکارم الأخلاق... عن الباقر علیه السلام قال: جاءت امرأه الی رسول اللّه صلی الله علیه و آله فقالت: یا رسول اللّه ما حقّ الزوج علی المرأه؟ فقال لها: تطیعه و لاتعصیه و لا تتصدّق من بیته بشی ءٍ إلاّ بأذنه و لاتصوم تطوّعا إلاّ باذنه و لاتمنعه نفسها و ان کانت علی ظهرقتبٍ، و لاتخرج من بیته الاّ باذنه، فان خرجت بغیر اذنه لعنتها ملائکه السماء و ملائکه الأرض و ملائکه الغضب و ملائکه الرحمه حتی ترجع الی بیتها. فقالت یا رسول اللّه من اعظم الناس حقّا علی الرجال؟ قال صلی الله علیه و آله : والده قالت: فمن اعظم الناس حقا علی المرأه؟ قال صلی الله علیه و آله : زوجها، قالت: فمالی علیه من الحقّ مثل ماله علیّ؟ قال: لاولامن کلّ مأهٍ واحد، فقالت: والذی بعثک بالحقّ لایملک رقبتی رجل ابدا. (البحار ج ۱۰۳/۲۴۸ مکارم الأخلاق ص ۲۴۵)

۳- (۳)۶- و فیه عن امالی الطوسی... عن الصادق علیه السلام قال: سألت امّ سلمه رسول اللّه صلی الله علیه و آله عن فضل النساء فی خدمه ازواجهنّ فقال: ایّما امرأهٍ رفعت من بیت زوجها شیئا من موضع الی موضع ترید به صلاحا الاّ نظراللّه الیها و من نظراللّه الیه لم یعذّبه. فقالت امّ سلمه: رضی اللّه عنها: زدنی فی النساء المساکین من الثواب بأبی انت و امّی فقال صلی الله علیه و آله : یا امّ سلمه إنّ المرأه اذا حملت کان لها من الأجر کمن جاهد بنفسه و ماله فی سبیل اللّه عزّوجلّ، فاذا وضعت قیل لها قد غفرلک ذنبک فاستأنفی العمل، فاذا ارضعت فلها بکلّ رضعهٍ تحریر رقبهٍ من ولد اسماعیل. (البحار ج ۱۰۳/۲۵۱ الأمالی ج ۲/۲۳۰)

روزه مستحبی نگیرد، و خود را در همه حالات در اختیار او بگذارد، و بدون اجازه او از خانه خارج نشود، و اگر بدون اجازه او از خانه خارج شود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را لعنت می کنند تا به خانه خود بازگردد.»

آن زن گفت: ای رسول خدا! چه کسی بیش از دیگران بر مرد حق دارد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «پدر و مادر او» آن زن گفت: چه کسی بیش از همه بر زن حق دارد؟ فرمود: «همسر او.» آن زن گفت: آیا همان اندازه که مرد بر زن حق دارد زن نیز بر مرد حق دارد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نه، بلکه به اندازه یکصدم آن هم براو حق ندارد.» پس آن زن گفت: سوگند به خدایی که تو را به حق مبعوث به نبوت نموده هرگز با مردی ازدواج نخواهم نمود.

(۱)۷- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از کتاب کنز الکراجکی، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «ملعون است، ملعون است، زنی که همسر خود را بیازارد و او را اندوهگین کند و سعادتمند است و سعادتمند است زنی که به شوهر خود احترام کند و او را نیازارد و در همه حالات از او اطاعت نماید.»

(۲)۸- در همان کتاب، از کتاب عده الداعی، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «حق زن بر مرد این است که شکم او را سیر کند و لباس او را تأمین نماید و با روی خوش [و اخلاق نیک] با او برخورد کند و اگر چنین کند، به خدا سوگند، حق او را ادا کرده است.»

پاداش تحصیل حلال برای تأمین زندگی

تردیدی نیست که درآمد حلال و استفاده از آن در زندگی موجب تقویت و نورانیت ایمان و قبولی اعمال و توفیق عبادت خداوند و مصرف مال در راه های

۱- (۱)۷- و فیه عن کنز الکراجکی... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: ملعونه ملعونه امرأه تؤذی زوجها و تغمّه، و سعیده سعیده امرأه تکرم زوجها ولاتؤذیه و تطیعه فی جمیع احواله. (المصدر ص ۲۵۲ الکنز ص ۶۳)

۲- (۲)۸- و فیه عن عدّه الداعی عن النبیّ صلی الله علیه و آله انّه قال: حقّ المرأه علی زوجها ان یسدّ جوعتها و ان یستر عورتها و لایقبحّ لها وجها، فاذا فعل ذلک فقد و اللّه ادیّ حقّها. (المصدر ص ۲۵۴ عده الداعی ص ۶۳)

خیر خواهد شد. کسب حلال، خود، یک عبادت بزرگ است و کسی که بکوشد از راه حلال درآمدی به دست آورد و شتاب نکند تا حلال خدا برای او فراهم گردد مانند کسی خواهد بود که در راه خدا جهاد می کند و این عمل از اسباب آمرزش او نیز می باشد.

در روایت آمده است که عبادت هفتاد جزء است و افضل آن تحصیل روزی حلال می باشد. کسی که معاش خود را با رنج بدن خویش از راه حلال به دست آورد خداوند به او نظر رحمت می افکند و هرگز او را عذاب نخواهد نمود و درهای بهشت برای او گشوده خواهد شد و پاداش پیامبران علیهم السلام به او داده می شود و چون مشغول خوردن غذای حلال می شود ملکی بالای سر او قرار می گیرد و برای او استغفار می کند تا فارغ شود. و کسی که چهل روز از مال حلال استفاده کند خداوند قلب او را نورانی می نماید. و اگر عبادت را ده قسمت کنند، نه قسمت آن مربوط به تحصیل روزی حلال می باشد و با خوردن حلال فرزندان انسان نیز صالح و شایسته خواهند شد.

در مورد حرام نیز همین آثار به صورت منفی بیان گردیده است. از سخنان معصومین استفاده می شود که مال حرام موجب فقر می گردد و خداوند از کسی که مال حرام می خورد هیچ عبادتی را نمی پذیرد و عبادت او مانند بنایی است که بر روی رمل و یا بر روی آب بنا شده باشد.

اینک به بخشی از آیات قران و سخنان معصومین علیهم السلام توجه می کنیم. به امید آن که نورانیت آنها بر دل های ما بتابد و ان شاءالله هدایت شویم.

(۱)خداوند متعال در سوره مائده، می فرماید: «ای رسول من! به مؤمنان بگو: هرگز خبیث و طیّب [خواه انسان و خواه عمل و خواه مال و غیر آن] یکسان نیستند، گرچه فراوانی خبیث تو را به شگفت آورد.»؛ چرا که معیار ارزش، پاکی و درستی است نه زیادی و فراوانی.

در روایتی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «یا علی!

۱- (۱)فضل تحصیل الحلال و الاجتناب عن الحرام و آثارهما فی الأولاد قال اللّه سبحانه: قل لایستوی الخبیث و الطیّب و لواعجبک کثره الخبیث فاتقّوا اللّه یا اولی الألباب لعلّکم تفلحون. (المائده /۱۰۰)

چهار درهم با برکت را می خواهی و یا چهارصد درهم بدون برکت را؟ علی علیه السلام فرمود: «من چهار درهم با برکت را می خواهم.»

در تفسیرفرات کوفی نقل شده که روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تنها چهاردرهم داشت؛ یک درهم آن را شب و یک درهم دیگر را روز و یک درهم را آشکار و درهم دیگر راپنهانی در راه خدا انفاق کرد و آیه شریفه ۲۰۴ سوره بقره «الذین ینفقون اموالهم باللیل و النهار سرّا و علانیّةً فلهم اجرهم عند ربّهم و لاخوف علیهم و لاهم یحزنون»در باره او نازل گردید. (تفسیر فرات ص ۷۲)

(۱)۱- علامه مجلسی، در کتاب بحار، از امالی صدوق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود: «کسی که از خستگیِ کسب حلال شب را به صبح آورد آمرزیده شده است.»

(۲)۲- از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «خوشا به حال کسی که پیش خود ذلیل باشد و کسب و درآمد او نیز حلال باشد.»

(۳)۳- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس از غیر حلال مالی را به دست آورد، خداوند او را فقیر خواهد نمود.»

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «از تحصیل رزق حلال باز نایست که وسیله حفظ دین تو خواهد بود.» سپس فرمود: «مرکب خود را عقال کن و پس از آن به خدا توکل نما.»

(۴)۴- از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «عبادت هفتاد جزء است و بهترین آن تحصیل روزی حلال می باشد.»

(۵)۵- و فرمود: «بر هرمرد و زن مسلمان واجب است که از راه حلال تحصیل

۱- (۱)۱- البحار عن الأمالی عن الصادق عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من باب کالاً من طلب الحلال بات مغفورا

۲- (۲)۲- و فیه عن تفسیرالقمی عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال: طوبی لمن ذلّ فی نفسه و طاب کسبه. (البحار ج ۱۰۳/۲)

۳- (۳)۳- البحار عن امالی الطوسی... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من کسب مالاً من غیرحلّه افقره اللّه. (المصدر عن الأمالی ج ۱/۱۸۵)

۴- (۴)۴- و فیه عن معانی الأخبار... عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیهم السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : العباده سبعون جزأً و افضلها جزأً طلب الحلال. (المصدر ص ۷)

۵- (۵)۵- و فیه عن جامع الأخبار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : طلب الحلال فریضه علی کلّ مسلم و مسلمه. (المصدر ص ۹)

روزی بکنند.»

(۱)۶- و فرمود: «کسی که با رنج بدن تحصیل روزی حلال می کند درهای بهشت به روی او گشوده می شود و او از هر کدام که بخواهد می تواند وارد بهشت شود.»

(۲)۷- و فرمود: «کسی که با رنج بدن روزی خود را [از راه حلال] به دست می آورد روز قیامت در صف پیامبران خواهد بود و پاداش آنان را به او می دهند.»

(۳)۸- و فرمود: «کسی که مشغول خوردن غذای حلال می شود ملکی بالای سر او می ایستد و برای او استغفار می کند تا وقتی که از غذا فارغ شود.»

(۴)۹- و فرمود: «کسی که چهل روز از غذای حلال استفاده کند خداوند قلب او را نورانی می گرداند.»

(۵)۱۰- و فرمود: «خداوند هر شب ملکی را بر بالای بیت المقدس قرار داده که او می گوید: هرکس کمترین مال حرامی را بخورد خداوند هیچ عبادت واجب و مستحبی را از او نمی پذیرد.»

(۶)۱۱- و فرمود: «عبادت کسی که حرام می خورد مانند بنایی است که بر روی رمل [و یا بر روی آب] ساخته شود.»

۱- (۱)۶- و فیه عنه... قال صلی الله علیه و آله : من اکل من کدّیده حلالاً فتح اللّه له ابواب الجنّه یدخل من ایّها شاء. (المصدر ص ۱۰)

۲- (۲)۷- و فیه عنه قال صلی الله علیه و آله : من اکل من کدّیده کان یوم القیامه فی اعداد الأنبیاء و یأخذ ثواب الأنبیاء. (المصدر ص ۱۰ عن جامع الأخبار ص ۱۳۹)

۳- (۳)۸- و فیه عن الدعوات للراوندی: قال النبیّ صلی الله علیه و آله : من اکل الحلال قام علی رأسه ملك یستغفرله حتّی یفرغ من اکله. (المصدر ص ۱۱)

۴- (۴)۹- و فیه عن عدّه الداعی... عن النبیّ صلی الله علیه و آله قال: من اکل الحلال اربعین یوما نورّاللّه قلبه.

۵- (۵)۱۰- و قال صلی الله علیه و آله : إن للّه ملکا ینادی علی بیت المقدّس کلّ لیلهٍ: من اکل حراما مّا لم یقبل اللّه منه صرفا و لاعدلاً، و الصرف: النافله و العدل: الفریضه.

۶- (۶)۱۱- و قال صلی الله علیه و آله : العباده مع اکل الحرام کالبناء علی الرمل، و قیل علی الماء (البحار ج ۱۰۳/۱۶ عدّه الداعی ص ۱۱۰)

(۱)۱۲- و فرمود: «عبادت هفتاد جزء است و بهترین آنها تحصیل حلال است.»

(۲)۱۳- و فرمود: «عبادت ده جزء است و نه جزء آن مربوط به تحصیل روزی حلال است.»

(۳)۱۴- و فرمود: «امور سه قسم است: حلال روشن، و حرام روشن، و شبهه ها [که حلال و حرام آن معلوم نیست]. پس هر کس از موارد شبهه پرهیز کند از حرام نجات خواهد یافت و اگر وارد آن شود داخل حرام می شود و هلاک می گردد و نمی داند.»

پاداش تقوا و پرهیز از محرّمات

تردیدی نیست که بعد از ایمان به خداوند و مسائل اعتقادی دیگر در بین اعمال نیک عملی بهتر از تقوا و پرهیز از محرّمات الهی نیست. بهترین وسیله و راهگشای مشکلات دنیا و آخرت تقوا و پرهیز از محرّمات است. خداوند در قرآن می فرماید:

(۴)«کسی که تقوای الهی را رعایت کند خداوند مشکلات او را اصلاح و روزی او را از راه هایی که گمان نمی برد عطا می کند.»

(۵)و می فرماید: «ای اهل ایمان، از خدا بترسید و چون سخن می گویید استوار و نیکو سخن بگویید تا خداوند اعمال شما را شایسته گرداند و گناهانتان را بیامرزد.»

۱- (۱)۱۲- و فیه عن اعلام الدین عن اسماعیل بن موسی بن جعفر عن ابیه عن آباءه علیهم السلام قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : العباده سبعون جزأً افضلها جزأً طلب الحلال.

۲- (۲)۱۳- وفیه عنه قال: العباده عشره اجزاءٍ تسعه اجزاء فی طلب الحلال. (المصدر ص ۱۷/۱۸)

۳- (۳)۱۴- و فی الکافی... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : حلال بیّن و حرام بیّن و شبهات بین ذلک فمن ترک الشبهات نجا من المحرمات و من اخذ بالشبهات ارتکب المحرمات و هلک من حیث لایعلم. (الکافی ج ۱/۶۸)

۴- (۴)فضل التقوی و اجتناب المحارم قال اللّه سبحانه: «و من یتّق اللّه یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایحتسب». (سوره ۶۵ آیه ۲)

۵- (۵)«یا أیّها الذین آمنوا اتّقوا اللّه و قولوا قولاً سدیدا یصلح لکم اعمالکم و یغفرلکم ذنوبکم.» (سوره ۳۳/۷۱/۷۲)

(۱)و یـا می فرمایـد: «ای اهـل ایمان، اگر شـما تقوای خـدا را رعایت کنیـد او به شـما بینش و آگاهی خواهـد داد تا حقایق را، همان گونه که هست، بشناسید.»

(۲)و یا می فرماید: «خداوند به اهل ایمان و تقوا در دنیا و آخرت بشارت خواهد داد.»

(۳)امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایـد: «تقوا کلیـد رسـتگاری و ذخیره قیـامت و آزادی از هر عبودیت [در مقابـل مخلوق] و نجات از هر هلاکت می باشـد و به وسـیله آن هر جوینده ای موفق و هر خائفی نجات خواهد یافت و هر راغبی به مقصود خود خواهد رسید. پس تا فرصت باقی است از عبادت و توبه و دعا غافل نشوید...»

(۴)رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به خویشـان خود فرمود: «نگوییـد محمـد(صـلی الله علیه و آله) از ماست [و ما را مشـکلی نیست]، به خدا سوگند، وابستگان من - از شما و غیر شما - جز پرهیزگاران نخواهند بود.»

(۵)امام حسـین علیه السـلام نیز به یاران خود فرمود: من شما را به تقوای خدا سفارش می کنم، همانا او ضمانت نموده که اهل تقوا را از خطرهـا و گرفتـاری ها نجات دهـد و به آنچه دوست می دارنـد موفق گردانـد و روزی آنان را از راه هایی که گمان نمی برنـد برسانـد. او از کسـی فریب نخواهـد خورد و بـدون اطـاعت و بنـدگی کسـی را به بهشت و نعمت هـای خود نخواهد رساند.»

(۶)از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر تقوا سؤال شد، آن حضرت فرمود: «تقوا این

۱- (۱)«یا أیّها الذین آمنوا ان تتّقوا اللّه یجعل لکم فرقانا.» (سوره ۸/ آیه ۲۹)

۲- (۲)«الّذین آمنوا و کانوا یتّقون لهم البشری فی الحیاه الدنیا و فی الآخره.» (سوره ۱۰ آیه ۶۴/۶۵)

۳- (۳)و قـال امیرالمؤمنین علیه السـلام : «ا»نّ تقوی اللّه مفتاح سـداد و ذخیره معاد و عتق من کلّ ملکه و نجاه من کلّ هلکه بها ینجح الطالب و ینجو الراهب و تنال الرغائب، فاعملوا و العمل یرفع و التوبه تنفع و الدعا یسمع... (نهج البلاغه خطبه /۲۳۰)

۴- (۴)و قـال النبیّ صـلی الله علیه و آله : لاـتقولوا إنّ محمّـدا منّا فواللّه مـا أولیـائی منکم و لامن غیرکم إلاّ المتّقون. (البحار ج ۸/۳۵۹)

۵- (۵)و قال الإمام الحسـین بن علیّ علیهماالسـلام : «اُوصـیکم بتقوی اللّه فإنّ اللّه قد ضمن لمن إتقاه ان یحوّله عمّا یکره الی ما یحبّ و یرزقه من حیث لایحتسب إنّ اللّه لایخدع عن جنّته و لاینال ما عنداللّه إلاّ بطاعته. (الکافی ج ۸/۴۹)

۶- (۶)و سـئل الصـادق علیه السـلام عن تفسیر التقـوی فقـال: ان یفقـدک اللّه حیث امرک ولاـیراک حیث نهـاک. (البحـار ج ۶۶/۳۹۵)

است که: خداوند در جایی که امر نموده تو را حاضر ببیند و در جایی که نهی نموده تو را حاضر نبیند.»

توضیح و بیان موارد تقوا در سخنان معصومین علیهم السلام

(۱)در کتاب کافی از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در توضیح تقوا فرمود: «امور سه قسم است: حلال روشن، حرام روشن، شبهات مردّد بین حلال و حرام. پس کسانی که ازشبهات و چیزهایی که حلال و حرام آن روشن نیست اجتناب کنند از محرّمات حتمی نجات خواهند یافت و کسانی که جرأت کنند و وارد شبهات شوند نهایتا وارد حرام خواهند شد و نمی دانند.»

و در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «خداوند در مناجات خود با حضرت موسی علیه السلام فرمود: «رعایت تقوا و ورع [و ملاحظه حلال و حرام] بهترین راهی است که بندگان من به وسیله آن به من تقرّب می جویند همانا من بهشت و جنّات عدن را برای اهل تقوا مباح نمودم و کسی را در آن با آنان شریک نخواهم نمود.»

(۲)و در همان کتاب، از آن حضرت نقل شده که فرمد: «سخت ترین چیزی که خداوند بر بندگان خود واجب نموده این است که فراوان به یاد او باشند.» سپس فرمود: «مقصود من این نیست که فراوان بگویند: «سبحان اللّه و الحمدللّه و لااله إلاّ اللّه و اللّه اکبر»؛ گرچه آن نیز ذکر زبان خواهد بود، بلکه مقصود این استکه خدا را در

۱- (۱)توضیح موارد التقوی الکافی... عن الصادق علیه السلام قال... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : حلال بیّن و حرام بیّن و شبهات بین ذلک فمن ترک الشبهات بخامن المحرّمات ومن أخذ بالشبهات إرتکب المحرّمات و هلک من حیث لایعلم. (الکافی ج ۱/۶۸) و فیه عنه علیه السلام قال: فیما ناجی اللّه عزّوجلّ به موسی علیه السلام : «یا موسی ما تقرّب الیّ المتقرّبون بمثل الورع عن محارمی، فانّی أبیهم جنّات عدنٍ لا أشرک معهم أحدا.

۲- (۲)و فیه عنه علیه السلام قال: من أشدّ ما فرض اللّه علی خلقه ذکراللّه کثیرا ثمّ قال: لا أعنی سبحان اللّه و الحمدللّه و لاإله إلاّ اللّه و اللّه اکبر- و ان کان منه ولکن ذکراللّه عند ما أحل و حرّم، فان کان طاعه عمل بها و ان کان معصیه ترکها.

وقت حلال و حرام و مواجه شدن با گناه زیاد به یاد آورند تا به وسیله آن واجبات او را انجام دهند و از محرّمات او پرهیز نمایند.»

(۱)و در همان کتاب، از سلیمابن خالد نقل شده که گوید: من از امام صادق علیه السلام در باره تفسیر آیه شریفه «و قدمنا إلی ما عملوا من عملٍ فجعلناه هباءً منثورا» سؤال نمودم، آن حضرت فرمود: «خداوند می فرماید: ما اعمال و عبادات کسانی را که اهل حرام هستند تباه خواهیم نمود و پاداشی نزد ما برای آنان نخواهد بود؛ گرچه اعمال آنان همانند پارچه های سفید مصری نورانی باشد؛ چرا که آنان هنگامی که [مال] حرام برایشان فراهم می شود از آن پرهیز نمی کنند.»

(۲)و در همان کتاب، از مصباح الشریعه، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «تقوا سه مرحله دارد: [۱-] تقوای در راه خدا و آن ترک حلال است تاچه رسد از شبهه، و آن تقوای خاص الخاص است؛ [۲-] تقوا و ترس از خدا و آن پرهیز از شبهات است تا چه رسد از حرام، و آن تقوای خاصّ می باشد؛ [۳-] تقوا و ترس از آتش و کیفر قیامت و آن پرهیز از حرام است که تقوای عام نام دارد.»

ص: ۱۴۶

۱- (۱)و فیه عن سلیمابن خالد قال: سألت أباعبداللّه علیه السلام عن قول اللّه عزّوجلّ: «و قدمنا الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباءً منثورا» (الفرقان /۲۳) قال علیه السلام : أما و اللّه ان کانت أعمالهم أشدّ بیاضا من القباطی (القباطی الثیاب البیض الرقاق المصریّه) ولکن کانوا اذا عرض لهم الحرام لم یدعوه. (الکافی ج ۲/۸۰/۸۱)

۲- (۲)البحار عن مصباح الشریعه: قال الصادق علیه السلام : التّقوی علی ثلاثه أوجهٍ: تقوی اللّه فی اللّه و هو ترک الحلال فضلاً عن الشبهه و هو تقوی خاصّ الخاصّ، وتقوی من اللّه و هو ترک الشبهات فضلاً عن الحرام، و هو تقوی الخاصّ، و تقوی من خوف النار و العقاب و هو ترک الحرام و هو تقوی العامّ... (البحار ج ۶۷/۲۹۵)

پیشگیری های اسلام از فساد اجتماع و خانواده

اشاره

ص :۱۴۸

نگاه های حرام و پاداش خودداری از نگاه به نامحرم

(۱)۱- در کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «نگاه حرام تیری زهرآگین از تیرهای شیطان است و چه زیاد است نگاه هایی که مایه حسرت و پشیمانی طولانی شده است.»

(۲)۲- در همان کتاب، از امام باقر و امام صادق علیهماالسلام نقل شده که فرمودند: «کسی نیست که بهره ای از زنا نداشته باشد؛ چرا که زنای چشم نگاه و زنای دهان بوسیدن و زنای دست لمس کردن می باشد؛ خواه عمل زنا واقع شود، خواه واقع نشود.»

(۳)۳- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «جوانی از انصار مدینه با زنی مواجه گردید و نگاه خود را به او دوخت و همراه او رفت و به او نگاه میکرد تا این که صورت او به شیشه و یا استخوانی در دیوار برخورد نمود و مجروح گردید و چون آن زن دور شد جوان متوجه شد که صورتش خونین است و خون بر سینه و لباس او ریخته است پس با خود گفت:به خدا سوگند، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهم رفت و به او خبر خواهم داد.

ص :۱۴۹

۱- (۱)حرمه النظر الی الأجانب و اجر غضّ البصر عنهنّ ۱- الوسائل عن الکافی... عن عقبه عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: سمعته یقول: النظره سهم من سهام ابلیس مسموم، وکم من نظرهٍ اورثت حسرهً طویله. (الوسائل ج ۱۴/۱۳۸- الفروع ج ۲/۷۶)

۲- (۲)۲- و فیه عنه... عن ابی جعفر و ابی عبداللّه علیهماالسلام قالا: ما من احدٍ الّاو هو یصیب حظّا من الزنا فزنا العینین النظر، و زنا الغم القبله و زنا الیدین اللمس، صدق الفرج ذلک او کذب. (المصدر)

۳- (۳)۳- و فیه عنه... عن سعد الإسکاف عن ابی جعفر علیه السلام قال: استقبل شابّ من الأنصار امرأه بالمدینه و کان النساء یتقنعن خلف آذانهنّ، فنظر الیها و هی مقبله فلمّا جازت نظر الیها و دخل فی زقاق قد سمّوه ببنی فلان فجعل ینظر خلفها و اعترض وجهه عظم فی الحائط او زجاجه فشقّ وجهه، فلمّا مضت المرأه نظر فاذا الدماء تسیل علی ثوبه و صدره، فقال: و اللّه لآتینّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله و لأحبرنّه فأتاه فلمّا رآه رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال: ما هذا فاخبره فهبط جبرئیل علیه السلام بهذه الآیه: «قل للمؤمنین یغضّوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم إنّ خبیر بما یصنعون. (المصدر)

رسول خدا صلی الله علیه و آله چون او را مشاهده نمود، فرمود: «چه شده است؟» جوان ماجرای خود را بیان کرد. پس جبرئیل علیه السلام این آیه شریفه را آورد: «قل للمؤمنین یغضوّا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم انّ اللّه خبیر بما یصنعون»؛ یعنی به مؤمنان بگو: چشم خود را نگه دارند و عفت خویش را حفظ کنند؛ این برای پاکی دل های آنان مؤثرتر است، همانا خدا از اعمال مردم باخبر است.

(۱)۴- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «نگاه به نامحرم تیرمسمومی از تیرهای شیطان است. پس هرکس برای خدا از نگاه به نامحرم خودداری کند خداوند آرامش دل و ایمانی به او عطا خواهد نمود که طعم آن را بیابد.»

(۲)۵- و فرمود: «نگاه بعد از نگاه موجب آلودگی قلب و فتنه برای صاحب آن خواهد بود.»

(۳)۶- و فرمود: «کسی که با زنی برخورد بکند و چشم خود را به طرف آسمان برگرداند و یا چشم خود را ببندد، او چشم خود را باز نخواهد نمود جز آن که خداوند از حورالعین بهشتی به او تزویج کرده باشد.»

(۴)۷- در همان کتاب، از کتاب عقاب الأعمال صدوق، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «کسی که در خانه همسایه خود نگاه کند و نگاه او به عورت مردی و یا مو و یا بدن زنی بیفتد بر خدا حق است که او راهمراه منافقین به دوزخ فرستد آنان

۱- (۱)۴- و فیه عنه... عن عقبه قال: قال ابوعبداللّه علیه السلام : النظره سهم من سهام ابلیس مسموم من ترکها للّه عزّوجلّ لالغیره اعقبه اللّه أمنا و ایمانا یجدطعمه. (المصدر ص ۱۳۹)

۲- (۲)۵- و فیه عنه عن الکاهلی قال: قال ابوعبداللّه علیه السلام : النظره بعد النظره تزرع فی القلب الشهوه و کفی بها لصاحبها فتنه. (المصدر)

۳- (۳)۶- و فیه عنه... و قال الصادق علیه السلام : من نظر الی امرأهٍ فرفع بصره الی السماء او غضّ بصره لم یرتدّ الیه بصره حتّی یزوّجه اللّه من الحورالعین. (المصدر)

۴- (۴)۷- و فیه عن عقاب الأعمال... عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال: من اطّلع فی بیت جاره فنظر الی عوره رجل او شعر امرأهٍ او شیءٍ من جسدها کان حقّا علی اللّه أن یدخله النار مع المنافقین الذین کانوا یتّبعون عورات النساء فی الدنیا، و لایخرج من الدنیا حتّی یفصحه اللّه و یبدء للناس عورته فی الآخره و من ملأ عینیه من امرأه حراما حشاهما اللّه یوم القیامه بمسامیر من نار، و حشاهما نارا حتّی یقضی بین الناس، ثمّ یؤمر به الی النار. (المصدر ص ۱۴۱ - عقاب الأعمال ص ۴۵)

نیز همیشه به دنبال عورات زن ها بوده انـد و چنین کسـی از دنیا نمی رود تا خداونـد او را منقضـح و رسوا کند و در قیامت نیز عورت او را مقابل مردم آشـکار خواهد ساخت. و کسـی که چشم خود را از نگاه به نامحرم پرکند، خداوند در قیامت چشمان او را از میخ های آتشین پرخواهد نمود و به این حالت خواهد بود تا قیامت تمام شود و سپس او را به آتش خواهند برد.»

تماس با زن نامحرم

(۱)۱- در کتاب وسایل، از امام صادق، از پدرانش علیهم السـلام نقل شده که فرموده اند: «کسی که چشمان خود را از نگاه به نامحرم پرکند خداوند در قیامت چشمان او را از آتش پرخواهد نمود، مگر آن که توبه کند و بازگردد.»

سپس فرمود: «و کسـی که بـا زن نامحرمی مصافحه کنـد، خـدای خود را به خشم آورده است، و کسـی که زن نامحرمی را در آغوش بگیرد در قیامت با زنجیرهای آتشین او را با شیطانی می بندند و در آتش می اندازند.»

(۲)۲- در همان کتاب، از ابوکهمس نقل شـده که گوید: من در مدینه در خانه ای سـکونت داشـتم و در آن خانه زنی بود که زیبـایی او مرا به شـگفت آورده بود. پس شبی به در آن خـانه رفتم و دق البـاب نمودم و آن زن در خـانه را بر من گشود. پس من دست خود را به پسـتان او گرفتم و چون روز بعـد خدمت امام صادق علیه السـلام رفتم به من فرمود: «توبه کن از عملی که دیشب انجام دادی.»

(۳)۳- ودر ذیل روایت دیگری آمده است که فرمود: «آیا نمی دانی که ولایت ما

۱- (۱)التمتعات المحرمه۱- الوسائل: محمّدبن علیّ بن الحسـین باسـناده عن شـعیب بن واقد، عن الحسـین بن زید عن جعفربن محمّد، عن آبائه علیهم السلام فی حدیث المناهی قال: و من ملأ عینیه من حرام ملأ اللّهُ عینیه یوم القیامه من النّار إلاّ أن یتوب و یرجع، و قال علیه السلام : و من صافح امرأه تحرم علیه فقدباء بسخط من اللّه عزّوجلّ، و من التزم امرأه حراما قرن فی سلسله من نار مع شیطان فیقذفان فی النار. (الوسائل ج ۱۴/۱۴)

۲- (۲)۲- و فیه عن سـعیدبن هبه اللّه الراونـدی فی (الخرائج و الخرائح) عن أبی کهمس قال: کنت نازلاً فی المدینه و کان فیها وصـیفه و کانت تعجبنی فانصـرف لیله ممسیا فافتتحت الباب ففتحت لی فقبضت علی ثدیها، فلمّا کان من الغد دخلت علی أبی عبداللّه علیه السلام فقال: تب إلی اللّه مما صنعت البارحه. (الوسائل ج ۱۴/۱۴۲)

۳- (۳)۳- و فیه عن مهزم الأسدی قال: کمّا بالمدینه و کانت جاریه صاحب الدّار تعجبنی و إنّی أتیت الباب فاسـتفتحت الجاریه فغمزت ثدیها، فلمّا کان من الغد دخلت علی أبی عبداللّه علیه السـلام فقال: أین أقصـی أثرک؟ قلت: ما برحت بالمسـجد، فقال: أما تعلم أنّ أمرنا هذالایتمّ إلاّ بالورع. (المصدر)

بدون ورع و تقوا تمام نمی شود [و مؤثر نخواهد بود]؟»

حرمت گفتگو و مزاح با زن نامحرم

(۱)۱- در کتاب وسایل، از امام صادق، از پـدرانش، از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در حدیث مناهی، نقل شده که فرمود: «زن نباید با غیر شوهر و محرم خود، حتی در صورت ضرورت، بیش از پنج کلمه سخن بگوید.»

(۲)۲- در همان کتاب، از خصال، از امام باقر علیه السـلام نقل شـده که رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «چهار چیز قلب انسان را می میراند: گناه بعد از گناه، زیاد با زن ها بحث و گفتگو کردن، گفتگو و کش مکش با احمق که او چیزی بگوید و تو چیزی بگویی و منتهی به صـلاح و خیری نشود، و هم نشـینی با مرده ها.» گفته شـد: مرده ها کیانند؟ فرمود: «مقصود من هر ثروتمند مترف و خوشگزران می باشد.»

(۳)۳- در همـان کتـاب، از عقـاب الأعمـال صـدوق، از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نقل شـده که فرمود: «کسـی که با زن نـامحرمی مصـافحه کنـد [یعنی دست به دست او بدهـد]، روز قیـامت او را به زنجیر و غل می بندنـد و در آتش می افکننـد، و کسی که با زن نامحرمی مفاکحه و مزاح کند، خداوند برای هر کلمه ای که در دنیا با او سخن گفته است هزار

۱- (۱)حرمه التکلم و المفاکهه مع الاجانب۱- و فیه عن الکافی عن الصادق عن آبائه علیهم السلام عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله فی حـدیث المناهی قال: و نهی ان تتکلّم المرأه عند غیر زوجها و غیر ذی محرم منها اکثر من خمس کلمات ممّا لابدّ منه. (المصدر ص۱۴۳)

۲- (۲)۲- وفیه عن الخصـال... عن جعفربن محمـد عن ابیه علیهماالسـلام قـال: قـال رسـول اللّه صـلی الله علیه و آله : اربع یمتن القلب: الذنب علی الذنب، و کثره مناقشه النساء یعنی محادثتهنّ، و مماراه الأحمق یقول و تقول و لا یؤل الی خیر أبدا، و مجالسه الموتی، قیل و ما الموتی؟ قال: کلّ غنّی مترف. (الوسائل ج ۱۴/۱۴۳ - الخصال ۱/۱۰۸)

۳- (۳)۳- و فیه عن عقاب الاعمال... عن رسول اللّه صـلی الله علیه و آله قال: و من صافح امرأه حراما جاء یوم القیامه مغلولاً ثمّ یؤمر به الی النار، و من فاکه امرأه لایملکها حبسه اللّه بکلّ کلمهٍ کلّمها فی الدنیا الف عامٍ. (المصدر عقاب الأعمال ص ۴۶)

سال او را محبوس خواهد نمود.»

نگاه به پشت سر زن نامحرم

(۱)۱- در کتاب وسایل، از موسی بن جعفر علیهماالسلام نقل شده که در باره آیه شریفه «یا ابت استأجره انّ خیر من استأجرت القویّ الأمین» فرمود: «حضرت شعیب به دختر خود که گفت: «این جوان، یعنی حضرت موسی علیه السلام را اجیر کن، همانا او مرد قوی و امینی است» فرمود: قوی بودن او را تو برای از جا کندن صخره و سنگ دانستی، امین بودن او از کجا برای تو ثابت شد؟ آن دختر گفت: از این که چون از جلوی او حرکت کردم [که راه را به او نشان دهم] فرمود: از پشت سر من حرکت کن و مرا راهنمایی نما؛ چرا که ما مردمی هستیم که به پشت سر زن ها نگاه نمی کنیم.»

(۲)۲- در همان کتاب، از ابوبصیر نقل شده که گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: زنی از کنار مردی می گذرد و آن مرد به پشت سر او نگاه می کند [آیااین عمل صحیح است]؟ امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: «آیا شما راضی هستید کسی پشت سر عیال و یا خویشان شما نگاه کند؟» گفتم: خیر. فرمود: «پس برای دیگران نیز این عمل را نپسندید.»

آداب اسلامی در باره ورود به منازل و غیره

ص: ۱۵۳

۱- (۱)۱- و فیه... عن صفوان بن یحیی عن ابن الحسن علیه السلام فی قول اللّه عزّوجلّ «یا أبتِ استأجره إنّ خیر من استأجرت القوی الأمین» قال: قال لها شعیب: یا بنیّه هذا قویّ برفع الصخره، الأمین من این عرفتیه؟ قالت: یا ابتِ انّی مشیت قدّامه، فقال: إمشی من خلفی فان ضللت فأرشدینی الی الطریق فانّا قوم لانتظر الی ادبار النساء. (المصدر ص ۱۴۵)
۲- (۲)۲- و فیه... عن ابی بصیر انّه قال للصادق علیه السلام : الرجل تمرّبه المرأه فینظر الی خلفها؟ قال: أیسّر احدکم ان یُنظر الی اهله و ذات قرابته؟ قلت: لا قال: فارض للناس بما ترضاه لنفسک. (المصدر)

(۱)از آداب اسلامی و حفظ حیا و عفت عمومی این است که در موارد ذیل بدون اجازه وارد نشوند.

۱- بدون سلام و اجازه وارد خانه های مردم نشوند.

۲- به خانه ای که در آن زن نامحرم باشد بدون اجازه وارد نشوند.

۳- کسی نباید بدون اجازه وارد اطاق زن های محارم خود که دارای همسر هستند بشود.

۵- فرزندان غیر بالغ و خدمتگذاران و غلامان نباید قبل از اذان صبح و قبل از ظهر و بعد از نماز عشا بدون اجازه وارد اتاق پدر و مادر شوند؛ چرا که این ساعات مواقع خلوت آنان است.

۶- برای ورود به منازل دیگران باید سه مرتبه سلام کنند و اجازه بخواهند، اگر اجازه داده شد وارد شوند و اگر اجازه داده نشد [بدون نگرانی و آزردگی] باز گردند.

در اماکن غیر مسکونی، مانند حمام های عمومی و مدارس و انبارها و... اجازه ورود لازم نیست.

دستور اسلام در باره اجازه ورود به خانه ها

(۲)قال اللّه سبحانه: «یا ایّها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتا غیربیوتکم حتی

۱- (۱)الأماکن التی لایجوز الدخول فیها الاّ بإذن اهلها الوسائل عن محمّد بن یعقوب، عن عدّه من أصحابنا، عن أحمدبن أبی عبداللّه، عن أبیه، عن هارون بن الجهم، عن جعفربن عمر، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: نهی رسول اللّه صلی الله علیه و آله أن یدخل الرّجال علی النساء إلاّ باذن أولیائهن. (الوسائل ج ۱۴/۱۵۷ - الفروع ج ۲/۶۶) وجوب استیذان الولد علی أبیه و عنده زوجه، و عدم وجوبه علی الاب الوسائل عن محمّد بن یعقوب، عن عدّه من أصحابنا، عن أحمدبن محمّد، عن ابن محبوب عن أبی أیّوب الخرّاز، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: یستأذن الرّجل إذا دخل علی أبیه و لایستأذن الاب علی الابن الحدیث. (المصدر)

۲- (۲)الوسائل... عن محمّد بن علیّ الحلبیّ قال: قلت لابی عبداللّه علیه السلام : الرّجل یستأذن علی أبیه؟ فقال: نعم قد کنت أستاذن علی أبی ولیست اُمّی عنده إنّما هی امرأه أبی توفیّت اُمّی و أنا غلام، و قدیکون من خلوتهما مالا اُحبّ أن أفجاهما علیه، و لایحبّان ذلک منّی و السلام احسن و اصوب. (الوسائل ج ۷/۱۵۷)

تستأنسوا و تسلّموا علی اهلها ذلکم خیرلکم لعلّکم تذکّرون فان لم تجدوا فیها احدا فلاتدخلوها حتّی یؤذن لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هوازکی لکم و اللّه بما تعملون علیم» (سوره نور/ ۲۷-۲۹)

خلاصه آیات فوق این است: ای اهل ایمان بدون اجازه و سلام، وارد خانه های دیگران نشوید و بدانید که این سلام و اجازه خواستن بهتر از آن است که سرزده وارد شوید؛ امید آن که به حکمت آن واقف شوید، و اگر کسی را در آن خانه ها نیافتید باز بدون اجازه وارد نشوید و اگر به شما گفته شد بازگردید باید بازگردید که برای پاکی روح شما مؤثرتر خواهد بود. خداوند به اعمال شما آگاه است.

(۱)در تفسیر صافی، ازکافی، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «شخصی که می خواهد به اتاق پدر خود وارد شود باید اجازه بگیرد و در اتاق خواهر و دختر خودنیز اگر ازدواج کرده اند باید با اجازه وارد شود ولکن پدر اگر بخواهد به اتاق پسر خود وارد شود لازم نیست اجازه بگیرد.

(۲)در همان کتاب، از تفسیر مجمع البیان نقل شده که شخصی به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: اگر من بخواهم به اتاق مادرم وارد شوم باید اجازه بگیرم؟ فرمود: «آری.» او گفت: مادرم تنهاست و خادمی جز من ندارد، آیا باز باید با اجازه وارد اتاق او شوم؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا دوست می داری که او را عریان ببینی؟ گفت: خیر. و پس از آن با اجازه بر مادر خود وارد می شد.

ص :۱۵۵

۱- (۱)و فیه عن الکافی... عن الصادق علیه السلام قال: و من بلغ الحلم فلایلج علی امّه و لاعلی أخته و لا علی خالته و لاعلی ذلک إلاّ باذنٍ، و لاتأذنوا حتّی یسلّموا، و السلام طاعه للّه عزّوجلّ و فیه عن الکافی عن ابی جعفر علیه السلام عن جابربن عبداللّه الأنصاری قال: خرج رسول اللّه صلی الله علیه و آله یرید فاطمه و انا معه، فلمّا انتهینا الی الباب وضع یده علیه فدفعه ثمّ قال: السلام علیکم، فقالت فاطمه علیهاالسلام : و علیک السلام یا رسول اللّه، قال صلی الله علیه و آله أدخل؟ قالت: أدخل یا رسول اللّه، قال: ادخل و من معی؟ قالت: لیس علیّ قناع، فقال صلی الله علیه و آله : یا فاطمه خذی فضل ملخفتک فقنّعی به رأسک ففعلت ثمّ قال صلی الله علیه و آله :

۲- (۲)السلام علیک، فقالت: و علیک السلام یا رسول اللّه قال: ادخل؟ قالت: نعم یا رسول اللّه، قال: انا و من معی؟ قالت: و من معک، قال جابر: فدخل رسول اللّه صلی الله علیه و آله و دخلت الحدیث.(الوسائل ج ۱۴/۱۵۸ - الفروع ج ۲/۶۶)

۲- صاحب کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی نمود که مردها بدون اجازه وارد خانه ای شوند که در آن زن های نامحرم باشند، جز این که اولیای آنان اجازه دهند.»

۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «فرزندان باید هنگام ورود به اتاق پدر [و مادر] اجازه بگیرند، ولی پدر لازم نیست هنگام ورود بر فرزند خود اجازه بگیرد لکن لازم است برای ورود به اتاق دختر و خواهر خود، اگر همسر داشته باشند، اجازه بگیرد.»

در همان کتاب، حلبی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا فرزند باید هنگام ورود بر پدر خود اجازه بگیرد؟ فرمود: «آری، من همیشه برای ورود بر پدرم که همسر دیگری غیر از مادرم داشت [و مادر من قبلاً از دنیا رفته بود] اجازه می گرفتم و البته من دوست نمی داشتم که در ساعات خلوت آنان با یکدیگر بدون اجازه بر آنان وارد شوم، چنان که آنان نیز این عمل را از من دوست نمی داشتند.» سپس فرمود: «هنگام ورود سلام کردن بهتر و نیکوتر از همه چیز است.» [کافی، ج ۵/۵۲۸]

۴- صاحب کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «فرزند پسر هنگامی که بالغ می شود نباید بدون اجازه وارد اتاق مادر و خواهر و خاله و امثال آنها بشود و آنان نیز نباید به او اجازه وارد شدن بدهند تا این که با سلام وارد شود و البته سلام کردن اطاعت خداست.»

در همان کتاب، از کافی، از امام باقر علیه السلام ، از جابربن عبدالله انصاری نقل شده که گوید: من در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که آن حضرت برای ورود به خانه فاطمه علیهاالسلام حرکت کردند و چون به درخانه رسیدیم رسول خدا صلی الله علیه و آله در را تکان دادند و فرمودند: «السلام علیکم.» پس فاطمه از داخل خانه پاسخ داد: «و علیک السلام، یا رسول اللّه!» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا وارد شوم؟» فاطمه علیهاالسلام عرض کرد: «وارد شوید، ای رسول خدا!» رسول خدا فرمود: «آیا با همراهان خود وارد شوم؟» فاطمه علیهاالسلام فرمود: «من چیزی بر سر ندارم.» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «گوشه ای از ملحفه خود را بر سر بگیر و با آن سر خود را بپوشان.»

چون فاطمه علیهاالسلام چنین کرد باز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «السلام علیک»

(۱)فـاطمه علیهاالسـلام گفت: «و علیـک السـلام، یـا رسـول اللّه!» رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمـود: «وارد شوم؟» فـاطمه علیهاالسـلام فرمـود: «آری؟ ای رسول خـدا! وارد شویـد؟» فرمود: «بـا همراهـان خود وارد شوم؟» فـاطمه علیهاالسـلام فرمود: «با همراهان وارد شوید...»

(۲)۵- در کتاب وسایل، از کافی، از امام صادق علیه السـلام نقل شـده است که فرمود: «بایـد غلامان و خادمان و فرزنـدان غیر بالغ، چنان که خداونـد در قرآن امر فرموده، در سه وقت بـدون اجازه وارد اتاق زن و شوهر نشونـد: بعد از نماز عشاء [که آنان به خوابگاه خود رفته انـد]، و بعد از نماز صـبح، و هنگامی که در وسط روز لباس خود را برای استراحت بیرون می کنند. همانا خداوند این دستور را برای این داده است که در این ساعات زن و شوهر با یکدیگر خلوت نموده اند.»

(۳) ۶- در کتـاب وسایـل، از خصـال، از ابوبصـیر، از امـام صـادق علیه السـلام نقـل شـده که فرمود: «[از آداب ورود به منازل دیگران این است که] باید سه مرتبه سلام کنند و اجازه ورود بخواهند؛ مرتبه اول برای این است که صاحب منزل مطلع شود، و مرتبه دوم برای این است که خود را آماده کنـد، و مرتبه سوم برای این است که اگر بخواهـد اجازه دهـد و اگر نخواهـد اجازه ندهد و کوبنده در باز گردد.»

(۱)در اماکن غیر مسـکونی، چنان که قرآن فرموده: «لیس علیکم جناح ان تدخلوا بیوتا غیر مسکونهٍ فیها متاع لکم و اللّه یعلم ما تبدون و ما کنتم تکتمون»[نور/ ۲۹]، مانند انبارها و حمام ها و کاروانسراها و... اجازه ورود نیاز نیست.

ص :۱۵۷

۱- (۱)و فیه عن الکافی... عن جراح المـدائنی عن ابی عبداللّه علیه السـلام قال: یسـتأذن الذین ملکت ایمانکم و الدین لم یبلغوا الحلم ثلاث مرّات کمـا امرکم اللّه عزّوجـلّ «الی ان قال»: لیسـتأذن علیک خادمک اذا بلغ الحلم فی ثلاث عورات، اذا دخل فی شی ءٍ منهنّ ولو کان بیته فی بیتک قال: و یسـتأذن علیک بعد العشاء التی تسـمّی العتمه و حین تصبح و حین تضعون ثیابکم من الظهیره انّما امراللّه بذلک للخلوه فانّها ساعه عزّه و خلوه. (وسائل ج ۱۴/۱۶ - الفروع ج ۲/۶۷)

۲- (۲)و فیه عن الخصال... عن ابی بصـیر عن ابی عبـداللّه علیه السـلام قال: الإیسـتذان ثلثه: اولهنّ یسـمعون و الثانیه یحذرون و الثالثه إن شاؤا اذنوا و ان شاؤا لم یفعلوا فیرجع المستأذن. (المصدر ص ۱۶۱)

۳- (۳)و فیـه: و قـال الصـادق علیه السـلام فی قـوله: «لیس علیکم جنـاح ان تـدخلوا بیوتـا غیر مسـکونهٍ» قـال: هی الحمامـات و الخانات. (المصدر)

سن قانونی نامحرم بودن دختر و پسر

(۱)۱- صاحب وسایل الشیعه، از کافی، از زراره، از امام صادق علیه السلام نقل نموده که فرمود: «هنگامی که دختر به سن شش سالگی می رسد نباید او را [در بغل بگیرید و] ببوسید.»

(۲)۲- در همان کتاب، از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که در مجلسی آن حضرت با همراهان خود دعوت شده بودند و دختر بچه ای را اهل آن مجلس می گرفتند و به یکدیگر می دادند و چون به حضرت رضا نزدیک شد و از سن او سؤال فرمود و آنان گفتند: پنج ساله است، امام علیه السلام او را از خود دور فرمود.

(۳)۳- در همان کتاب، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هنگامی که دختر به سن شش سالگی رسید پسرها نباید او را ببوسند و پسر نیز هنگامی که به هفت سالگی رسید نباید زن ها را ببوسد [و یا زن ها او را ببوسند].»

(۴)۴- در همان کتاب، از امام باقر علیه السلام نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مادر اگر با دختر شش ساله خود بدون لباس [برای شستشو و غیره] تماس پیدا کند برای او شعبه و نوعی از زنا محسوب می شود.»

نگاه زن به مرد نابینا

در سوره نور، آیات ۳۰ و ۳۱، در حکم نگاه مرد به زن نامحرم و نگاه زن به مرد نامحرم را بیان فرموده و زن ها را نیز همانند مردها امر نموده که به مردان نامحرم

۱- (۱)سنّ المحرمیّه للصبیّ و الصبیّه۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: اذا بلغت الجاریه الحرّه ست سنین فلا ینبغی لک ان تقبّلها. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۰ - الفروع ج ۲/۶۸)

۲- (۲)۲- و فیه عن ابی الحسن الرضا علیه السلام إنّ بعض بنی هاشم دعاه مع جماعه من اهله فأُتی بصبیّهٍ له فادناها اهل المجلس جمیعا الیهم فلمّا دنت منه سأل عن سنّها فقیل: خمس فنحاها عنه. (المصدر)

۳- (۳)۳- و فیه عن الفقیه... قال ابوعبداللّه علیه السلام : اذا بلغت الجاریه ست سنین فلا یقبّلها الغلام، و الغلام لایقبّل المرأه اذا جاز سبع سنین. (المصدر)

۴- (۴)۴- و فیه عن الفقیه... عن جعفربن محمّد عن ابیه علیهماالسلام قال: قال علیّ علیه السلام : مباشره المرأه ابنتها اذا بلغت ستّ سنین شعبه من الزنا. (المصدر عن الفقیه ج ۲/۱۴۰)

نگاه نکنند؛ حتی اگر مرد نابینا باشد.

امروزه، مع الاسف، زن های جامعه ما به این قانون توجه نکرده و فکر می کنند نگاه زن به مرد نامحرم مانعی ندارد.

(۱)۱- در کتاب وسایل، از کافی، از احمدبن ابی عبدالله نقل شده که گوید: هنگامی که عبدالله امّ مکتوم، مؤذن رسول خدا صلی الله علیه و آله ، که نابینا بود، خدمت آن حضرت رسید رسول خدا صلی الله علیه و آله به همسران خود، عایشه و حفصه، فرمود: «برخیزید و به اتاق بروید.» آنها گفتند: او نابیناست، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر او شما را نمی بیند شما که او را می بینید.»

(۲)۲- در همان کتاب، از کتاب عقاب الاعمال نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خشم خداوند سخت است بر زنی که دارای شوهر باشد و چشم خود را از نگاه به نامحرم پر کند و اگر چنین کند خداوند همه اعمال و عبادات او را محو می فرماید و اگر مرد نامحرمی را در خانه شوهر خود بیاورد و با او زنا کند برخداوند حق است که او را در قبر و قیامت به آتش عذاب نماید.»

تماس پزشک برای معالجه

عده ای گمان کرده اند که پزشک برای مریض محرم است و برهمین اساس با پزشک نامحرم تماس پیدا می کنند و این را حرام نمی دانند و شاید خود پزشک هم چنین گمانی داشته باشد، در حالی که در رساله های عملی محارم را نام برده اند و پزشک در زمره محارم محسوب نشده است. فقها و مراجع تقلید فرموده اند پزشک مانند سایر مردم است و فقط در صورتی که ضرورتی ایجاب کند و پزشک زن برای

۱- (۱)حرمه نظر المرأه الی الرجل وان کان اعمی ۱- الوسائل عن الکافی... عن احمدبن ابی عبداللّه قال: استأذن ابن امّ مکتوم علی النبیّ صلی الله علیه و آله و عنده عایشه و حفصه فقال لهما: قوما فادخلا البیت، فقالتا: انّه اعمی فقال صلی الله علیه و آله : ان لم یرکما فانّکما تریانه. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۱ - الفروع ج ۲/۶۸)

۲- (۲)۲- و فیه عن عقاب الأعمال... قال النبیّ صلی الله علیه و آله : اشتدّ غضب اللّه علی امرأةٍ ذات بعل ملأت عینها من غیر زوجها او غیر ذی محرم منها، فانّها إن فعلت ذلک احبط اللّه عزّوجلّ کلّ عمل عملته فان اوطئت فراشه غیره کان حقّا علی اللّه ان یحرقها بالنار بعد ان یعذبها فی قبرها. (المصدر عن عقاب الأعمال ص ۴۸)

زنی که بیمار است پیدا نشود، در حد ضرورت تماس با پزشک مرد جایز است وگرنه حرام خواهد بود.

اینک برای توجه خوانندگان محترم بعضی از روایات این موضوع که مدرک فتوای فقها می باشد را ذکر می کنیم به امید این که از سخنان معصومین علیهم السلام پند بگیریم.

(۱)۱- در کتاب وسایل الشیعه، از کافی، از ابوحمزه ثمالی نقل شده که گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: زن مسلمان بسا بیماری شکستگی و یا جراحتی پیدا می کند که مرد برای معالجه او مؤثرتر خواهد بود، آیا پزشک مرد می تواند او را معالجه کند؟ امام باقر علیه السلام فرمود: «اگر چاره ای جز این ندارد مانعی ندارد.»

(۲)۲- در همان کتاب، از موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که فرمود: «اگر زنی بیمار باشد و جراحتی در ران و یا شکم و یا بازوی او باشد [در صورتی که پزشک زن یافت شود] حرام است به پزشک مرد مراجعه کند.»

ص: ۱۶۰

۱- (۱)جواز النظر الی الأجنبیّه لضروره العلاج ۱- الوسائل عن الکافی... عن ابی حمزه الثمالی عن ابی جعفر علیه السلام قال: سألته عن المرأه المسلمه یصیبها البلاء فی جسدها امّا کسرو امّا جرح فی مکان لایصلح النظر الیه یکون الرجل ارفق بعلاجه من النساء، أیصلح له النظر الیها؟ قال: اذا اضطرّت الیه فلیعالجها إن شاءت. (الوسائل ج ۱۴/۱۷۲/ الفروع ج ۲/۶۸)

۲- (۲)۲- وفیه عن الکافی عن علیّ بن جعفر فی کتابه عن اخیه موسی بن جعفر علیهماالسلام قال: سألته عن المرأه یکون بها الجرح فی فخذها اوبطنها اوعضدها هل یصلح للرجل ان ینظر الیه یعالجه؟ قال: لا. (المصدر ص ۱۷۳)

زن های نمونه در اسلام

اشاره

ص: ۱۶۱

اسوه های ارزش و نمونه های بی نظیر

تردیـدی نیست که خداونـد بندگانی از مخلوق خود را اسوه و مقتدا و رهبر و پیشوای مردم قرار داده و همه خوبی ها و زیبایی ها را در آنان جمع و مردم را موظف نموده که در اعمال و اخلاق و ارزش های اسـلامی از آنان پیروی کنند و آنان را پیشوا و مقتدای خود بدانند. از این رو، خداوند در قرآن می فرماید: «و لکم فی رسول الله اسوه حسـنه» ؛ یعنی پیامبر ما صـلی الله علیه و آله برای شـما اسوه و نمونه و مقتدای نیکی می باشد [و شـما باید در همه چیز از او پیروی کنید، او معیار همه خوبی هاست] و همین توصـیه را پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله کرارا نسـبت به اهل بیت خود داشـته است و در خصوص امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن وامام حسـین علیهم السـلام سفارش بیشتری فرموده است. از این رو، بر همه مسلمانان واجب و لازم است که در شـناخت و معرفت آنـان بکوشـند و در همه ابعـاد زنـدگی و مسایـل روحی و معنوی و عبـادی و اخلاـقی و سیاسـی از آنان پیروی کنند و آنان رامعیار همه خوبی ها و ارزش ها بدانند.

مـا در این کتـاب به گوشه هایی از اخلاق و زنـدگی حضـرت فاطمه و فرزنـد او حضـرت زینب علیهاالسـلام اشاره می کنیم و امیدواریم برای زن های مسلمان وسیله رشد و نجات از آفت ها و خطرها باشد.

عبادت فاطمه علیهاالسلام

(۱)علاّمه مجلسی در بحار، از علل الشرایع صدوق، از امام صادق و او از

ص: ۱۶۲

۱- (۱)عبـاده فـاطمه علیه السـلام و دعاءهـا للمؤمنین روی فی البحار ج ۴۳/۸۱ عن العلـل عن ابن مقبره، عن محمّـدبن عبـداللّه الحضـرمی، عن جندل بن والق عن محمّد بن عمرالمازنی، عن عباده الکلبی، عن جعفربن محمّد، عن أبیه عن علی بن الحسـین، عن فاطمه الصـغری، عن الحسین بن علی، عن أخیه الحسن بن علی بن أبی طالب علیه السلام قال: رأیت اُمّی فاطمه علیهاالسلام قامت فی محرابها لیله جمعتها فلم تزل راکعه ساجده حتّی اتّضح عمود الصبح و سمعتها تدعو للمؤمنین و المؤمنات و تسمّیهم و تکثرالـدعاء لهم، و لاتـدعو لنفسـها بشـی ء، فقلت لها: یا اُمّاه لم لاتـدعین لنفسک کما تـدعین لغیرک؟ فقالت: یا بُنی! الجار ثمّ الدار.

پدرش امام باقر و او از پدرش امام سجاد و او از فاطمه صغری و او از پدرش امام حسین و او از برادرش امام حسن علیهم السلام نقل نموده که فرمود: «شب جمعه ای مادرم فاطمه علیهاالسلام را در محراب عبادت دیدم که تا صبح مشغول رکوع و سجود بود و فراوان به مؤمنین و مؤمنات دعا می کرد و نام آنها را می برد و برای خود هیچ دعایی نکرد پس به او گفتم: مادر! چرا همچنان که برای مردم دعا می کنی برای خود دعا نمی کنی؟ مادرم فرمود: فرزند عزیزم! «الجار ثمّ الّدار»، یعنی اول همسایه بعد اهل خانه.»

(۱)در همان کتاب از علل الشرایع، از موسی بن جعفر، از پدرش، از پدرانش علیهم السلام نقل نموده که فرمود: «عادت فاطمه علیهاالسلام این بود که چون دعا می کرد، به مؤمنین و مؤمنات دعا می نمود و در حق خود دعا نمی کرد و چون به او گفته شد: دختر پیامبر! چرا همچنان که به مردم دعا می کنی به خود دعا نمی نمایی؟ فاطمه علیهاالسلام می فرمود: «الجار ثمّ الّدار»، یعنی حق همسایه مقدم بر اهل خانه است.»

در همان کتاب (ج ۴۳/۸۴)، از مناقب ابن شهر آشواب (ج ۳/۳۴۱)، از حسن بصری نقل شده که گوید: کسی بین این امت عابدتر از فاطمه علیهاالسلام نبوده است؛ او آن قدر مقابل پروردگار خود به عبادت ایستاد که قدم های او متورم شد.

مرحوم صدوق در علل الشرایع (ج ۱/۱۸۱) نقل نموده که فاطمه علیهاالسلام چون در محراب عبادت خود می ایستاد نور او برای اهل آسمان می درخشید؛ چنانکه نور ستارگان برای اهل زمین می درخشد.

۱- (۱)و روی فیه ص ۸۲ عن العلل عن احمد بن عبدالرحمن المروزی، عن جعفرالمقری، عن محمّدبن الحسن الموصلی، عن محمّدبن عاصم، عن أبی زید الکحال، عن أبیه، عن موسی بن جعفر، عن أبیه، عن آبائه علیهم السلام قال: کانت فاطمه علیهاالسلام إذا دعت تدعو للمؤمنین و المؤمنات و لا تدعو لنفسها، فقیل لها: یا بنت رسول اللّه إنّک تدعین للناس و لا تدعین لنفسک، فقالت: «الجار ثمّ الدار.»

تسبیحات فاطمه علیهاالسلام

(۱)در کتاب بحار، از علل الشرایع، از علی علیه السلام نقل شده که آن حضرت به مردی از طایفه بنی سعد فرمود: «می خواهی قصّه من و فاطمه را بشنوی؟ بدان که فاطمه علیهاالسلام همسر من بود و با این که عزیز پرورده رسول خدا صلی الله علیه و آله بود آن قدر با مشک آب آورد که بر سینه او اثر گذارد و آن قدر با دست خود آسیا نمود که دستان او تاول زد و آن قدر خانه مرا جاروب زد که لباس او به شکل خاک گردید و آن قدر چوب زیر دیگ گذارد که لباس او خاکستری شد و در نهایت از کارهای خانه سخت اذیت شد.»

(۲)سپس فرمود، «من به او گفتم که اگر نزد پدر خود می رفتی و از او درخواست خادمی می کردی از این سختی ها نجات می یافتی، پس فاطمه علیهاالسلام نزد پدر رفت و چون دید مردم نزد ایشان اجتماع نموده اند حیا نمود و بازگشت.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مطلع شد که فاطمه علیهاالسلام برای حاجتی آمده بود صبحگاه به درخانه ما آمد و ما خوابیده بودیم، پس فرمود: «السّلام علیکم» و ما چون خوابیده بودیم حیا کردیم و پاسخ او را ندادیم. باز فرمود: «السّلام علیکم» و ما [دوباره] سکوت نمودیم و چون مرتبه سوم فرمود: «سلام علیکم» ترسیدم که اگر پاسخ ندهیم آن حضرت - طبق عادت خود که سه مرتبه سلام می داد و اگر جوابی

ص: ۱۶۴

۱- (۱)انّ النّبیّ صلی الله علیه و آله علّمها التسبیحات مکان الخادم روی فی البحار ج ۴۳/۸۲ عن العلل عن القطان، عن السکری، عن الحکم بن أسلم، عن ابن علیه، عن الحریری، عن أبی الورد بن ثمامه، عن علیّ علیه السلام أنّه قال لرجل من بنی سعد: الا احدّثک عنّی و عن فاطمه إنّها کانت عندی و کانت من أحبّ أهله إلیه و أنّها استقت بالقربه حتّی أثّرفی صدرها، و طحنت بالرحی حتّی مجلت یداها، و کسحت البیت حتّی اغبرّت ثیابها، و أوقدت النّار تحت القدر حتّی دکنت ثیابها، فأصابها من ذلک ضرر شدید. فقلت لها: لوأتیت أباک فسألتیه خادما یکفیک ضرّما أنت فیه من هذا العمل فأتت النّبیّ صلی الله علیه و آله فوجدت عنده حدّاثا فاستحت فانصرفت.

۲- (۲)قال: فعلم النّبیّ صلی الله علیه و آله أنّها جاءت لحاجه، قال، فغداعلینا رسول اللّه صلی الله علیه و آله و نحن فی لفاعنا فقال: «السّلام علیکم»، فسکتنا و استحیینا لمکاننا، ثمّ قال: «السّلام علیکم» فسکتنا ثمّ قال: «السّلام علیکم». فخشینا إن لم نّرد علیه أن ینصرف و قد کان یفعل ذلک یسلّم ثلاثا فان اُذن له و إلاّ انصرف، فقلت: و علیک السّلام یا رسول اللّه ادخل فلم یعد أن جلس عند رؤوسنا، فقال: یا فاطمه ما کانت حاجتک أمس عند محمّد؟

نمی شنوید باز می گشت - بر گردد. پس من پاسخ دادم و گفتم: و علیک السّلام یا رسول اللّه. بفرمایید.

پس چیزی نگذشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله بالای سرما نشست و فرمود: «ای فاطمه! دیروز حاجت تو چه بود؟

[و چون فاطمه حیات نمود که سر خود را از زیر لحاف خارج کند] و من ترسیدم که اگر پاسخ او را ندهم از خانه ما خارج شود سر خود را بیرون آوردم و گفتم: یا رسول اللّه! به خدا سوگند، من می گویم که فاطمه چه می خواست.

(۱)سپس گفتم: فاطمه آن قدر با مشک آب آورده که مشک در سینه او اثر گذارده و آن قدر با دست خود آسیا را گردانده که دستان او تاول زده و آن قدر خانه را جاروب کرده که لباس او به رنگ خاکی در آمده و آن قدر آتش زیر دیگ روشن نموده که لباس او خاکستری شده است من به او گفتم: اگر نزد پدر خود بروی و از او درخواست خادمی بکنی از این سختی ها نجات خواهی یافت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا به شما تعلیم نکنم چیزی را که بهتر از خادم باشد؟» سپس فرمود: «چون خواستید بخوابید سی و سه مرتبه سبحان اللّه بگویید و سی و سه مرتبه الحمدللّه و سی و چهار مرتبه اللّه اکبر بگویید.»

آن گاه فاطمه سر خود را از زیر لحاف خارج نمود و سه مرتبه گفت: از خدا و رسول او راضی شدم.»

فاطمه علیهاالسلام و انفاق زینت های خود در راه خدا

(۲)۱ - علاّمه مجلسی در کتاب بحار، از کتاب کافی، و مکارم الأخلاق از

ص: ۱۶۵

۱- (۱)قال: فخشیت إن لم نجبه أن یقوم قال: فأخرجت رأسی فقلت: انا و اللّه أُخبرک یا رسول اللّه إنّها استقت بالقربه حتّی أثرّت فی صدرها و جرّت بالرحی حتّی مجلت یداها، و کسحت البیت حتّی اغبرّت ثیابها، و أوقدت تحت القدر حتّی دکنت ثیابها، فقلت لها: لو أتیت أباک فسألتیه خادما یکفیک ضرّ ما أنت فیه من هذا العمل، قال: أفلا أُعلّمکما ما هو خیر لکما من الخادم؟ إذا أخذتما منامکما فسبّحا ثلاثا و ثلاثین، و احمدا ثلاثا و ثلاثین، و کبّرا أربع و ثلاثین قال: فأخرجت علیهاالسلام رأسها فقالت: رضیت عن اللّه و رسوله ثلاث دفعات. انفقت حلیّها فی سبیل اللّه لرضا ابیها صلی الله علیه و آله

۲- (۲)۱- روی فی البحار ج ۴۳ ص ۸۳ عن الکافی و المکارم عن زراره، عن أبی جعفر علیه السلام قال: کان رسول اللّه صلی الله علیه و آله إذا أراد السفر سلّم علی من أراد التسلیم علیه من أهله ثمّ یکون آخر من یسلّم علیه فاطمه علیهاالسلام فیکون وجهه الی سفره من بیتها، و اذا رجع بدأبها. فسافر مرّه و قد أصاب علیّ علیه السلام شیئا من الغنیمه فدفعه الی فاطمه فخرج فأخذت سوارین من فضّه و علّقت علی بابها سترا، فلمّا قدم رسول اللّه صلی الله علیه و آله دخل المسجد فتوجّه نحوبیت فاطمه کما کان یصنع، فقامت فرحه الی أبیها صبابه و شوقا إلیه فنظر فاذا فی یدها سواران من فضّه و اذا علی بابها ستر، فقعد رسول اللّه صلی الله علیه و آله حیث ینظر إلیها، فبکت فاطمه و حزنت و قالت: ما صنع هذا بی قبلها.

زراره، از امام باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود، «عادت رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که چون اراده سفر می نمود با هر کسی از اهل خود که می خواست خداحافظی می نمود و آخرین نفری که با او خداحافظی می کرد فاطمه علیهاالسلام بود و سفر خود را از خانه فاطمه علیهاالسلام شروع می نمود و در بازگشت نیز اولین کسی را که ملاقات می کرد فاطمه علیهاالسلام بود.»

سپس فرمود: «در یکی از سفرها، چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مسافرت بازگشت. دید فاطمه از مالی که امیرالمؤمنین علیهماالسلام از غنیمت به دست آورده بود و به او داده بود دو عدد دست بند و یک پرده برای اتاق خود تهیه نموده است.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد و به طرف خانه فاطمه آمد فاطمه علیهاالسلام مثل همیشه با خوشحالی از آن حضرت استقبال نمود. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله دید که دو عدد دست بند به دست فاطمه است و پرده ای بر در خانه اوست همان جا نشست و با سکوت و نگاه خود مسأله را به فاطمه علیهاالسلام فهماند.

(۱)پس فاطمه علیهاالسلام حسن و حسین علیهم السلام را صدا زد و فرمود: اینها را نزد پدرم

ص: ۱۶۶

۱- (۱)فدعت ابنیها فنزعت الستر من بابها و خلعت السوارین من یدیها، ثمّ دفعت السوارین الی أحدهما و الستر الی الآخر ثمّ قالت لهما: انطلقا إلی أبی فاقرئاه السّلام و قولا له: ما أحدثنا بعدک غیرهذا فشأنک به، فجاءاه فأبلغاه ذلک عن اُمّهما فقبّلهما رسول اللّه صلی الله علیه و آله و التزمهما و أقعد کلّ واحد منهما علی فخذه، ثمّ أمر بذینک السوارین فکسرا فجعلهما قطعا ثمّ دعا أهل الصفّه [وهم] قوم من المهاجرین لم یکن لهم منازل و لاأموال، فقسّمه بینهم قطعا، ثمّ جعل یدعوالرجل منهم العاری الذّی لایستتر بشی ء و کان ذلک الستر طویلالیس له عرض فجعل یؤزر الرجل فاذا التقیا علیه قطعه حتّی قسّمه بینهم اُزرا ثمّ أمر النساء لایرفعن رؤوسهنّ من الرکوع و السجود حتّی یرفع الرجال رؤوسهم، و ذلک أنّهم کانوا من صغر إزارهم إذا رکعوا و سجدوا بدت عورتهم من خلفهم ثمّ جرت به السنّه أن لایرفع النساء رؤوسهنّ من الرکوع و السجود حتّی یرفع الرجال. ثمّ قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : رحم اللّه فاطمه لیکسونّها اللّه بهذا الستر من کسوه الجنّه، و لیحلّینّها بهذین السوارین من حلیّه الجنّه.

ببرید و سلام مرا به او برسانید و بگویید: ما در غیاب شما کاری جز تهیه اینها نکرده ایم شما حال، با آنها هرچه می خواهید بکنید.

هنگامی که حسن وحسین علیهم السلام پیام و سلام مادرشان را خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله ابلاغ نمودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را بوسید و در آغوش گرفت و هر کدام را بر روی یک ران خود نشاند و دستور داد تا آن دست بندها را چند قطعه کردند و بین مهاجرین اهل صفحه - که نه خانه ای داشتند و نه مالی - تقسیم نمود و آن پرده را نیز بین آنان قسمت کرد و چون لباس اهل صفحه کوتاه بود به زن ها دستور داد که قبل از مردها سر از رکوع بلند نکنند و سپس این سنت شد که زن ها قبل از مردها سر از رکوع بلند نکنند.

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا فاطمه علیهاالسلام را رحمت کند و از لباس ها و زیورهای بهشتی به او عطا فرماید.»

(۱)۲ - علامه مجلسی در بحار، از کشف الغمه، از مسند احمدبن حنبل، از ثوبان غلام رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده که گوید: رسول خدا هر وقت به مسافرت می رفت آخرین نفری که با او خداحافظی می نمود فاطمه علیهاالسلام بود و چون از سفر باز

ص: ۱۶۷

۱- (۱)۲- روی فی البحار ج ۴۳/۸۹ عن کشف الغمه عن مسند أحمدبن حنبل عن ثوبان مولی رسول اللّه قال: کان رسول اللّه اذا سافر آخرعهده بانسان من أهله فاطمه، و أوّل من یدخل علیه اذا قدم فاطمه علیهاالسلام قال: فقدم من غزاه فأتاها فاذا هو یمسح علی بابها و رأی علی الحسن و الحسین علیهماالسلام قلبین من فضّه فرجع و لم یدخل علیها فلمّا رأت ذلک فاطمه ظنّت انّه لم یدخل علیها من أجل ما رأی، فهتکت الستر و نزعت القلبین من الصبیّین فقطعتهما، فبکی الصبیّان فقسّمته بینهما، فانطلقا الی رسول اللّه صلی الله علیه و آله و هما یبکیان فاخذه رسول اللّه صلی الله علیه و آله منهما و قال: یا ثوبان اذهب بهذا الی بنی فلان أهل بیت بالمدینه و اشتر لفاطمه قلاده من عصب و سوارین من عاج، فانّ هؤلاء أهل بیتی و لا احبّ أن یأکلوا طیّباتهم فی حیاتهم الدّنیا. بیان: القلب بالضم: السوار، قال الجزری: فی حدیث ثوبان أنّ فاطمه حلّت الحسن و الحسین بقلبین من فضّه، القلب: السوار.

می گشت اولین فردی که بر او وارد می شد نیز فاطمه علیهاالسلام بود.

او از یکی از جنگ ها بازگشت و بر در خانه فاطمه علیهاالسلام آمد ناگهان دید پرده ای بر در خانه فاطمه آویخته و دو خلخال نقره بر پاهای حسن و حسین هست. رسول خدا [چون این گونه دید] وارد خانه فاطمه علیهاالسلام نشد و فاطمه علیهاالسلام گمان کرد که پدرش به جهت پرده و خلخال وارد خانه نشده است پس پرده را باز نمود و خلخال ها را از پاهای حسنین جدا کرد و آنها را شکست و چون گریه کردند آنها را بین آن دو تقسیم نمود و نزد پدر فرستاد.

و چون حسن و حسین با چشمان گریان بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند رسول خدا صلی الله علیه و آله به ثوبان غلام خود فرمود: این خلخال ها و پرده را نزد فلان شخص ببر و از آن قلاده ساده ای برای فاطمه و دو خلخال از عاج (استخوان دندان فیل) برای حسن و حسین بگیر؛ چرا که اینها اهل بیت من هستند و من دوست ندارم بهره ها و طیّبات خود را از دنیا استفاده کنند.»

مقام فضّه کنیز فاطمه علیهاالسلام

(۱)فاطمه علیهاالسلام کنیزی داشت به نام فضه خاتون که رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از پیروزی اسلام و غنایم زیادی که از جنگ خیبر و بنی قریظه و بنی النضیر و غیره به دست آمد و فقر از بین مسلمین زدوده شد و اصحاب صفه و ضعفای دیگر مدینه به سامانی رسیدند او را به فاطمه علیهاالسلام بخشیده بود.

از بعضی از کتاب های تاریخ استفاده می شود که فضّه دختر پادشاه هند و عالم به علوم غریبه بوده است.

علّامه مجلسی از صاحب کتاب «مشارق الانوار» مرحوم برسی (عالم و شاعر معروف اهل البیت علیهم السلام) نقل نموده که گوید: چون فضّه به خانه فاطمه زهرا علیهاالسلام

آمد جز شمشیر و زره و آسیا چیزی در آن خانه ندید؛ در حالی که او دختر پادشاه هند بود و نزد او ذخیره ای از علم اکسیر و کیمیا نهفته بود. پس پاره ای از مس را گرفت و آن را به صورت سکه در آورد و دوایی بر آن ریخت تا تبدیل به طلا شد و چون خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید آن را مقابل آن حضرت گذارد.

(۱)امیرالمؤمنین علیه السلام چون آن را مشاهده نمود به او فرمود: «احسنت، یا فضّه! لکن اگر بدن خود را در عبادت خدا ذوب کنی ساختار تو عالی تر و قیمت آن بیشتر خواهد بود.» فضه گفت: یا علی! آیا شما از این علم اطلاعی دارید؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آری، من اطلاع دارم.» و به فرزند خود حسین علیه السلام اشاره نمود و فرمود: «او نیز از آن اطلاع دارد.» و چون فضه خدمت امام حسین علیه السلام رفت او نیز مانند پدر خود پاسخ داد.

پس امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: «ما بالاتر از این را می دانیم و سپس با دست مبارک اشاره نمود، ناگهان فضّه دید رشته ای از طلا و گنج های زمین در حال حرکت است پس علی علیه السلام به فضه فرمود: «طلای خود را در کنار آنها بگذار و چون فضّه طلای خود را در کنار آنها گذارد دید طلای او هم با آن طلاها حرکت نمود.

بیست سال جز با قرآن سخن نگفت

(۲)در کتاب بحارالانوار، از ابوالقاسم قشیری نقل شده که گوید: یکی از

ص: ۱۶۹

۱- (۱)«مشارق الانوار» للحافظ البرسی(ره): روی لمّا جاءت فضه الی بیت الزهراء علیهاالسلام لم تجد هناک الاّ السیف و الدرع و الرحی، و کانت بنت ملک الهند، و کانت عندها ذخیره من الاکسیر، فأخذت قطعه من النحاس و ألانتها و جعلتها علی هیئه سبیکه، و القت علیها الدواء وصنعتها ذهبا. فلمّا جاء امیرالمؤمنین علیه السلام و ضعتها بین یدیه. فلمّا رآها قال: أحسنت یا فضّه لکن لو أذبت الجسد لکان الصبغ أعلی و القیمه اغلی. فقالت: یاسیّدی تعرف هذا العلم؟ قال: نعم و هذا الطفل یعرفه، و أشار الی الحسین علیه السلام فجاء و قال کما قال أمیرالمؤمنین علیه السلام ، فقال أمیرالمؤمنین علیه السلام : نحن نعرف أعظم من هذا؛ ثمّ أومأ بیده فاذا عنق من ذهب و کنوز الارض سائره، ثمّ قال: ضعیها مع أخواتها، فوضعتها فسارت. (البحار» ج ۴۱، ص ۲۷۳ - ۲۷۴). عشرین سنه لم تتکلّم الاّ بالقرآن

۲- (۲)و فی البحار ج ۴۳/۸۶ عن ابی القاسم القشیری فی کتابه: قال بعضهم: انقطعت فی البادیه عن القافله فوجدت امرأه، فقلت لها: من أنت؟ فقالت: «و قل سلام فسوف تعلمون» (الزخرف: ۸۹) فسلمت علیها، فقلت: ما تصنعین ههنا؟ قالت: «من یهدی اللّه فلا مضلّ له» (لم نجد بهذا اللفظ آیه فی القرآن و الموجود فیه: الزمر: ۳۸ و من یهدی اللّه فماله من مضلّ) فقلت: أمن الجنّ أنت أم من الانس؟ قالت: «یا بنی آدم خذوا زینتکم» (الاعراف: ۲۹) فقلت: من أین أقبلت؟ قالت: «ینادون من مکان بعید» (فصلت:۴۴) فقلت: أین تقصدین؟ قالت: «و للّه علی الناس حجّ البیت» (آل عمران: ۹۱) فقلت: متی انقطعت؟ قالت: «و لقد خلقناالسموات و الارض فی ستّه أیّام» (ق: ۳۷ بزیاده: «و ما بینهما.» بعدالارض) فقلت: أتشتهین طعاما؟ فقالت: «و ما جعلنا هم جسدا لا یأکلون الطعام» (الانبیاء: ۸) فأطعمتها، ثمّ قلت: هرولی و لا تعجلی، قالت: «لا یکلّف اللّه نفسا الاّ وسعها» (البقره: ۲۸۶) فقلت: أردفک؟ فقالت: «لو کان فیهما آلهه الاّ اللّه لفسدتا» (الانبیاء: ۲۲) فنزلت فأرکبتها، فقالت: «سبحان الذّی سخّرلنا هذا»

(الزخرف: ١٢).

حجاج گفت: من در بیابان از قافله جدا شده بودم، پس به زنی برخورد کردم که درمانده شده بود. به او گفتم: تو کیستی؟ او در جواب من این آیه را خواند: «و قُلْ سَلامٌ فَسَوفَ تَعلمونَ»[اشاره به این که قبل از سخن باید سلام بکنی].

پس به او سلام کردم و گفتم: در این بیابان چه می کنی؟ او در جواب من گفت: «مَنْ یَهْدِی اللّهُ فَلا مُضِلَّ لَهُ» [اشاره به این که من راه را گم کرده ام].

به او گفتم: تو از جنیان هستی یا از انسان ها؟ او در جواب من گفت: «یا بَنی آدمَ خُذُوا زینَتَکم»] اشاره به این که من از بنی آدم هستم].

به او گفتم: از کجا می آیی؟ گفت: «یُنادَونَ مِنْ مکانٍ بَعیدٍ» [اشاره به این که از راه دور می آیم].

(۱)گفتم: مقصد تو کجاست؟ گفت: «وَ لِلّهِ عَلَی الناسِ حَجُّ البَیْتِ» [اشاره به این که می خواهم به حج بروم].

گفتم: چند روز است از قافله جدا شده ای؟ گفت: «وَ لَقَدْ خَلَقْنا السَموات و

الارضَ فی سِتّهِ اَیّامٍ» [اشاره به این که شش روز است از قافله جا مانده ام].

گفتم: آیا میل به غذا داری؟ گفت: «وَ ما جَعلناهُم جَسَداً لا یأکُلُونَ الطَعامَ» [اشاره به این که نیاز به غذا دارم]. پس به او غذا دادم.

گفتم: به دنبال مرکب من حرکت کن. گفت: «لا یُکَلِّفُ اللّهُ نَفَسْا اِلاّ وُسْعَها» [اشاره به این که قدرت راه رفتن ندارم].

گفتم: تو را در کنار خود سوار می کنم، گفت: «لَوکانَ فیهما آلِهَهٌ اِلاّ اللّهُ لَفَسدَتا» [اشاره به این که صحیح نیست زن در کنار مرد سوار شود].

چون از مرکب پیاده شدم و او را سوار نمودم گفت: «سبحان الّذی سخّرلنا هذا»[اشاره به شکر نعمت الهی].

و چون به قافله خود رسید گفتم: آیا کسی را در این قافله داری؟ گفت: «یا داود اِنّا جَعَلناکَ خلیفهً فی الارض»، «وَ ما محمّدٌ اِلاّ رسولٌ»، «یا یَحیی خُذِالکتابَ»، «یا موسی اِنّی اَنَا اللّه». پس فهمیدم که چهار نفر به نام های داود و محمّد و یحیی و موسی آشنایان اویند.

آنان را صدا زدم، ناگهان چهار جوان به طرف او آمدند. به او گفتم: اینها با شما چه نسبتی دارند؟ گفت: «اَلمالُ و البَنونَ زِینَهُ الحیوهِ الدُنیا» [اشاره به این که اینها فرزندان من هستند].

پس به آنان گفت: «یا اَبتِ استأجِرْهُ اِنَّ خَیرَ مَنْ اِستأجَرتَ القَویُّ الامَینُ» [اشاره به این که اجرت او را بدهید که او قوی و امین است].

و چون آنها چیزهایی به من دادند، باز گفت: «وَ اللّه یُضاعِفُ لِمَنْ یَشاءُ» [اشاره به این که بیش از این به او بدهید].

پس آنها مزد اضافه ای به من دادند. آن گاه من از آنها سؤال کردم: این زن کیست؟ گفتند: این زن، مادر ما و خادمه فاطمه زهرا علیهاالسلام است و بیست سال است که جز با قرآن سخن نگفته است.

فاطمه علیهاالسلام و نزول آیه عذاب

(۱)علاّمه مجلسی در کتاب بحار، از کتاب «زهد النّبیّ صلی الله علیه و آله »، از ابوجعفراحمد

۱- (۱)فاطمه علیهاالسلام عند سماع آیه العذاب روی فی البحار ج ۴۳ ص ۸۷ عن الدروع من کتاب زهد النّبیّ صلی الله علیه و آله لابی جعفرأحمد القمی: أنّه لمّا نزلت هذه الآیه علی النّبیّ صلی الله علیه و آله : «و انّ جهنّم لموعدهم أجمعین * لها سبعه أبواب لکلّ باب منهم جزء مقسوم» (الحجر: ۴۳ و ۴۴) بکی النّبیّ صلی الله علیه و آله بکاء شدیدا و بکت صحابته لبکائه و لم یدروا ما نزل به جبرئیل علیه السلام ، و لم یستطع أحد من صحابته أن یکلّمه. و کان النّبیّ صلی الله علیه و آله إذا رأی فاطمه

علیهاالسلام فرح بها، فانطلق بعض أصحابه إلی باب بیتها، فوجد بین یدیها شعیرا و هی تطحن فیه و تقول: «و ما عنداللّه خیر و أبقی» (القصص: ۶۰) فسلّم علیها و أخبرها بخبر النّبیّ صلی الله علیه و آله و بکائه. فنهضت و التفّت بشمله لها خلقه قد خیطت فی اثنی عشر مکانا (منها) بسعف النخل، فلمّا خرجت نظر سلمان الفارسی الی الشمله و بکی و قال: و احزناه إنّ [بنات] قیصر و کسری لفی السندس و الحریر، و ابنه محمّد صلی الله علیه و آله علیها شمله صوف خلقه قد خیطت فی اثنی عشر مکانا.

قمی نقل نموده است که چون آیه شریفه (وَ انَّ جَهَنَّمَ لَمُوْعِدُهُم اَجمَعین لَها سَبْعهُ اَبْوابٍ لِکَلِّ بابٍ مِنهمُ جُزءٌ مَقسُومٌ) بر رسول صلی الله علیه و آله نازل شد، گریه شدیدی نمود و اصحاب او نیز از گریه آن حضرت گریان شدند و نمی دانستند که جبرئیل علیه السلام برای او چه آورده و کسی را جرأت آن نبود که با آن حضرت سخن بگوید.

(۱)و عادت رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که چون فاطمه علیهاالسلام را می دید شاد می شد، پس یکی از اصحاب به خانه فاطمه علیهاالسلام آمد و دید آن بانو مشغول آسیا نمودن است و این آیه را تلاوت می کند: (وَ ما عِنْدَاللّهِ خَیرٌ وَ أَبقی) پس بر فاطمه علیهاالسلام سلام نمود و او را از وضع پدر و گریه او خبر داد.

فاطمه علیهاالسلام برخاست و خود را با ردای کهنه ای که دوازده جای آن را با سعف خرما وصله زده بود به طرف مسجد رفت. سلمان فارسی چون چادر فاطمه علیهاالسلام را دید گریه کرد و گفت: چقدر ناگوار است که دختران پادشاهان مثل قیصر و کسری لباس سندس و حریر بپوشند و دختر پیامبر صلی الله علیه و آله چادری از مو بر سر کند که دوازده جای آن وصله باشد! و چون فاطمه علیهاالسلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد به پدر خود گفت: «یا رسول اللّه! سلمان از لباس من تعجب نموده است. سوگند به آن خدایی که شما را

۱- (۱)فلمّا دخلت فاطمه علی النّبیّ صلی الله علیه و آله قالت: یا رسول اللّه إنّ سلمان تعجّب من لباسی، فوالّذی بعثك بالحقّ مالی و لعلیّ منذ خمس سنین الاّـ مسک کبش نعلف علیها بالنهار بعیرنا، فاذا کان اللیل افترشناه و انّ مرفقتنا لمن أدم حشوها لیف فقال النّبیّ صلی الله علیه و آله : یا سلمان انّ ابنتی لفی الخیل السوابق.

به پیامبری مبعوث کرده است، پنج سال است که فرش من و علی علیه السلام یک پوست گوسفند است که روزها شتر خود را بر روی آن علف می دهیم و شب که می شود آن پوست فرش ما و روانـدازی از لیف خرما لحاف ما می باشد! پس رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به سلمان نمود و فرمود: «ای سلمان! دخترم فاطمه علیهاالسلام از پیش تازان (در زهد و قناعت) است.»

(۱)سپس فاطمه علیهاالسلام به پدر خود عرض کرد: «پدر جان! فدای شما شوم، چه چیز شما را گریان نموده است؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله آن دو آیه را که جبرئیل آورده بود برای فاطمه علیهاالسلام قرائت نمود. فاطمه [با شنیدن آیات] به رو بر زمین افتاد و گفت: «وای، وای، بر کسی که وارد آتش شود.»

سلمان نیز چون این دو آیه را شنید، گفت: ای کاش، من گوسفندی بودم که مرا ذبح و از گوشت من استفاده می نمودند و این آیه را که وعده آتش داده است نمی شنیدم.

ابوذر نیز چون این آیه را شنید، گفت: ای کاش، مادرم عاقر و نازا بود و من را نزاییده بود و من وعده آتش را نمی شنیدم.

مقداد نیز چون این آیه را شنید، گفت: ای کاش، من پرنده بیابان بودم و حساب و عقابی نداشتم و نام آتش را نمی شنیدم.

علی علیه السلام چون این آیه را شنید، فرمود: «ای کاش، درندگان گوشت مرا

۱- (۱)ثمّ قالت: یا أبت فدیتک ما الذّی أبکاک؟ فذکرلها ما نزل به جبرئیل من الآیتین المتقدّمتین قال: فسقطعت فاطمه صلی الله علیه و آله علی وجهها و هی تقول: الویل ثمّ الویل لمن دخل النّار، فسمع سلمان فقال: یا لیتنی کنت کبشا لاهلی فأکلوا لحمی و مزّقوا جلدی و لم أسمع بذکرالنّار، و قال أبوذرّ: یا لیتنی کنت طائرا فی القفار و لم یکن علیّ حساب و لا عقاب و لم أسمع بذکرالنّار، و قال علیّ علیه السلام : یا لیت السباع مزّقت لحمی و لیت اُمّی لم تلدنی و لم أسمع بذکرالنّار. ثمّ وضع علیّ علیه السلام یده علی رأسه و جعل یبکی و یقول: وا بعد سفراه! و اقلّه زاداه فی سفر القیامه یذهبون فی النّار و یتخطّفون، مرضی لایعاد سقیمهم، و جرحی لایداوی جریحهم، و أسری لایفکّ أسرهم، من النّار یأکلون، و منها یشربون و بین أطباقها یتقلّبون، و بعد لبس القطن مقطّعات النّار یلبسون،و بعد معانقه الازواج مع الشیاطین مقرّنون.

می خوردند و یا مادر مرا نمی زایید و اسم آتش را نمی شنیدم.» سپس علی علیه السلام دست مبارکش را بر سر خود نهاد و گریست و فرمود: «چقدر سفر قیامت طولانی است و چقدر توشه ما کم است و چه سخت است حال اهل دوزخ که در آتش غوطه ورند. آن ها بیمارانی هستند که عیادت نمی شوند، و مجروحانی هستند که معالجه نمی گردند، و اسیرانی هستند که آزاد نمی شوند. آنها از آتش می خورند و از آتش می آشامند و در طبقات آتش می گردند و بعد از آن که در دنیا لباس هایی از پنبه پوشیدند، در آن جا با پاره های آتش پوشیده می شوند و بعد از معانقه با همسران خود در دنیا، آن جا با شیاطین هم نشین خواهند بود!»

عبادت حضرت زینب علیهاالسلام

(۱)صاحب کتاب «فاطمه الزهراء» می گوید: زینب کبری بعد از مادر خود، فاطمه علیهاالسلام ، عابدترین زنان زمان خود بود و همواره شب های خود را به عبادت و تلاوت قرآن می گذراند. بعضی از اهل فضل نقل کرده اند که او تهجّد و عبادت خود را در شب یازدهم محرم نیز ترک نکرد، از زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمود: «عمه ام زینب، فقط در شب یازهم محرم نوافل خود را نشسته خواند.» از آن حضرت نیز نقل شده است که فرمود: «عمه ام زینب، در دوران اسیری و حرکت ما به شام نوافل خود را ترک نکرد!»

(۲)در کتاب «مثیرالأحزان» نقل شده که فاطمه بنت الحسین علیهماالسلام گوید: عمه ام

۱- (۱)عبادت زینب علیهاالسلام أمّا زینب صلوات اللّه علیها فلقد کانت فی عبادتها ثانیه اُمّها الزهراء علیهاالسلام ، و کانت تقضی عامّه لیالیها بالتهجّد و تلاوه القرآن. قال بعض ذوی الفضل: إنّها علیهاالسلام ما ترکت تهجّدها للّه تعالی طول دهرها حتّی لیله الحادی عشر من المحرم. قال: و روی عن زین العابدین علیه السلام انّه قال: رأیتها تلک اللیله تصلّی من جلوس. و عن الفاضل القائینی البیرجندی، عن بعض المقاتل المعتبره، عن مولانا السجاد علیه السلام انّه قال: انّ عمّتی زینب مع تلک المصائب و المحن النازله بها فی طریقنا الی الشام ما ترکت نوافلها اللیلیّه.

۲- (۲)و فی «مثیرالاحزان» للعلاّمه الشیخ شریف الجواهری قدّس سرّه: قالت فاطمه بنت الحسین علیه السلام : و أمّا عمّتی زینب فإنّها لم تزل قائمه فی تلک اللیله (ای العاشره من المحرم) فی محرابها تستغیث الی ربّها، فما هدأت لنا عین، و لا سکنت لنا رنه.

زینب در شب عاشورا پیوسته در محراب عبادت بود و به خدای خود استغاثه می نمود؛ به طوری که چشمان ما به خواب نرفت و صدای ناله او تا صبح ادامه داشت.

(۱)بعضی از اهل تحقیق از حضرت زین العابدین علیه السلام نقل کرده اند که فرمود: «عمه ام زینب در مسیر کوفه تا شام همه نمازهای واجب و مستحب خود را ایستاده می خواند، ولی در بعضی از منازل دیدم که نماز خود را نشسته می خواند و چون از علت آن سؤال کردم گفت: سه روز است غذا نخورده ام و از شدت گرسنگی و ضعف طاقت ایستادن ندارم!»

(۲)سپس گوید: «این بدان علت بوده است که سهم یک شبانه روز هر اسیر یک قرص نان بوده و زینب علیهاالسلام سهم خود را به اطفال می داده است.» به نظر می رسد که زینب با این عبادات وحالات به مقام انبیا و اوصیا رسیده و شکی در عصمت او نباشد. او در زمره کسانی است که حرکات و سکنات خود را برای خدا قرار داده و بدین سبب به مقامی بلند و مرتبه ای والا رسیده و همتای مرسلین و اوصیای آنها شده است.

عفت و حیای زینب علیهاالسلام

(۳)در کتاب «زینب کبری» از یحیای مازنی نقل شده که گفته است: من سال ها

ص: ۱۷۵

۱- (۱)و روی بعض المتتبعین عن الامام زین العابدین علیه السلام أنّه قال: انّ عمّتی زینب کانت تؤدّی صلواتها من قیام: الفرائض و النوافل عند سیرالقوم بنا من الکوفه الی الشام، وفی بعض المنازل کانت تصلّی من جلوس، فسألتها عن سبب ذلک فقالت: اُصلّی من جلوس لشدّه الجوع و الضعف منذ ثلاث لیال، لأنّها کانت تقسم ما یصیبها من الطعام علی الأطفال، لانّ القوم کانوا یدفعون لکلّ واحد منّا رغیفا واحدا من الخبز فی الیوم و اللیله. (فاطمه الزهراء ،ص ۶۴۱).

۲- (۲)أقول: فاذا تأمل المتأمل الی ما کانت علیه هذه الطاهره من العباده للّه تعالی و الانقطاع إلیه لم یشکّ فی عصمتها علیهاالسلام و أنّها کانت من القانتات اللواتی و قفن حرکاتهنّ و سکناتهنّ و أنفاسهنّ للباری تعالی، و بذلک حصلن علی المنازل الرفیعه و الدرجات العالیه التی حکت برفعتها منازل المرسلین و درجات الأوصیاء علیهم الصلاه و السّلام. («زینب الکبری» للنقدی، ص ۶۲-۶۳).

۳- (۳)عفّتها و حیاؤها علیهاالسلام حدّث یحیی المنازنی قال: کنت فی جوار أمیرالمؤمنین علیه السلام فی المدینه مدّه مدیده، و بالقرب من البیت الذی تسکنه زینب ابنته، فلاو اللّه ما رأیت لها شخصا، و لا سمعت لها صوتا، و کانت إذا أرادت الخروج لزیاره جدّها رسول اللّه صلی الله علیه و آله تخرج لیلاً و الحسن عن یمینها و الحسین عن شمالها و أمیرالمؤمنین أمامها، فإذا قربت من القبر الشریف سبقها أمیرالمؤمنین علیه السلام فأخمد ضوء القنادیل، فسأله الحسن مرّه عن ذلک، فقال: أخشی أن ینظر أحد إلی شخص اُختک زینب. («زینب الکبری» ص ۲۲).

در مدینه همسایه امیرالمؤمنین علیه السلام بودم. خانه من نزدیک خانه زینب علیهاالسلام بود. به خدا سوگند، در آن مدت، من نه صدای او را شنیدم و نه شخص او را دیدم. و همیشه شبانه به زیارت جد خود رسول خدا صلی الله علیه و آله می رفت، در حالی که امام حسن علیه السلام در طرف راست او و امام حسین علیه السلام در طرف چپ او و امیرالمؤمنین علیه السلام مقابل او حرکت می کردند و چون نزدیک قبر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله می رسید امیرالمؤمنین علیه السلام زودتر می رفت و نور چراغ ها را کم می کرد.

یک بار امام حسن علیه السلام از پدر خود سؤال نمود که برای چه نور چراغ ها را کم می کند؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «می ترسم کسی به اندام خواهرت زینب نگاه کند!»

مؤلّف گوید: کجایند امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و زینب کبری علیهم السلام که وضع زنان این زمان را ببینند که همانند مردها بالباس های محرک و آرایش زنانه در کوی و خیابان و بازار می گردند و در لباس و شغل و تجارت همانند مردها هستند!

ص: ۱۷۶

سخنان فاطمه علیهاالسلام

اشاره

ص: ۱۷۷

سخنان نورانی صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیهاالسلام گرچه فراوان است و نیاز به کتاب مستقلی دارد لکن شایسته دیدم که اهم آن ها را با ذکر ترجمه در پایان مباحث کتاب ذکر نمایم تا دوستان اهل بیت علیهم السلام از آن ها استفاده کنند و این طلبه ناچیز را از دعای خیر خود فراموش نفرمایند.

۱- ثمره اخلاص

قالت فاطِمَه علیهاالسلام : «مَن أَصعَدَ إلَی اللّه خالِصَ عِبادَتِهِ أَهبَطَ اللّهُ إلَیهِ أَفضَلَ مَصلَحَتِهِ.» (تفسیرالامام العسکری علیه السلام / ص ۳۲۷).

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:

«کسی که عبادت های خالصانه خود را به سوی خدا بالا فرستد، خدای عزوجل برترین مصلحت خود را به سوی او فرو خواهد فرستاد.»

۲- نرمخویی و اکرام بانوان

قالت فاطِمَه علیهاالسلام : «خِیارُکُمْ أَلیَنُکُم مَناکِبَ وَ أَکرَمُهُم لِنِسائِهِم.» (دلائل الامامه ص ۷۶).

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:

«بهترین شما نرمخوترین شما و آن که بهترین رفتار را با همسرش داشته می باشد.»

۳- خوشرویی در چهره مومن

قالت فاطِمَه علیهاالسلام : «أَلبِشرُ فی وَجْهِ المُؤمنِ یُوجِبُ لِصاحِبِهِ الجَنَّهَ. .» (تفسیرالامام العسکری علیه السلام / ص ۳۵۴).

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:

«خوشرویی در چهره مؤمن، بهشت را بر صاحبش واجب می سازد».

۴- معیار شیعه بودن

قالت فاطِمَه علیهاالسلام : «إن کُنتَ تَعمَلُ بِما أَمَرناکَ وَ تَنتَهِی عَمّا زَجَرناکَ عَنهُ فَأَنتَ مِن شیعَتِنا وَ إلاّ فَلا.» (تفسیر الامام العسکری علیه السلام / ص ۳۰۸).

حضرت فاطمه علیهاالسلام در پاسخ به سؤال شخصی فرمود:

«اگر به آنچه دستور داده ایم عمل می کنی، و از آنچه تو را بازداشته ایم خویشتن داری می کنی، از شیعیان ما هستی؛ و گرنه، خیر.»

۵- مَثَل امام مَثَل کعبه است

قالت فاطمه علیهاالسلام : قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : مَثَل الإمام مَثَلُ الکعبه إذ تؤتی و لاتأتی. (کفایه الأثر ص ۱۹۹)

حضرت فاطمه علیهاالسلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود:

«مَثَل امام، مثل کعبه است که مردم بایـد نزد او رونـد و به گرد او طواف کنند، نه آن که او نزد آنان رود و به دور مردم طواف کند.»

۶- ارزش مؤمن

جاءَ رَجُل إلی فاطِمَهُ علیهاالسلام فَقال: یا ابنَهَ رَسُولِ اللّه! هَلْ تَرَکَ رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله عِندکِ شَیئا تطرِفینِیهِ؟ فقالت:

«یا جاریَهُ! هاتِ تِلکَ الحَریرهَ فَطَلَبَتها فَلَم تَجِدها فَقالَت علیهاالسـلام وَیْلَکَ أُطلُبِیها فَإنَّها تَعدِلُ عِندی حَسَـنا وَ حُسَـینا فَطَلَبَتهْا فَإذا هِیَ قد قَمَمَتهْا فِی قمامَتِها فَإذا فیها قال محمّد النّبی صلی الله علیه و آله :

لَیسَ مِنَ المُؤمنینَ مَنْ لَم یَأمَن جارُهُ بَوائِقَهُ وَ مَن کانَ یُؤمِن بِاللّه وَ الیَوم الآخِرِ فَلا یُؤذِی جارَهُ وَ مَن کانَ یُؤمِن بِاللّه و الیَوم الآخِرِ فَلیَقُل خَیرا أَو یَسـکُت. إنَّ اللّه تَعالی یُحِبُّ الخَیِّرَ الحَلِیمَ المُتَعَفِّفَ وَ یُبغِضُ الفاحِشَ الضَّنینَ البَذّاءَ السَّئّالَ المُلحِفَ إنَّ الحَیاءَ مِنَ الإیمانِ وَ الإیمانُ فِی الجَنَّهِ وَ إنّ الفُحشَ مِنَ البَذاءِ وَ البَذاءُ فِی النّار.»

شخصـی به حضور حضـرت فاطمه علیهاالسـلام رسـید و عرض کرد: ای دختر رسول خدا، آیا پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله یادگاری نزد شـما دارد که به عنوان هـدیه و تحفه به من عنایت فرماییـد؟ فاطمه زهرا علیهاالسـلام به کنیزکی که در حضورش بود فرمود:

«آن پـارچه ابریشـمی را بیـاور.» کنیزک به جسـتجوی آن پرداخت ولی آن را نیـافت. فاطمه علیهاالسـلام بسـیار ناراحت شـد و فرمود: «وای بر تو!سـعی کن آن را پیدا کنی که آن از نظر من به منزله حسن و حسین می باشد.» کنیزک پس از جستجو آن را پیدا کرد؛ پارچه ای بود که در پوششـی مخصوص قرار گرفته بود و در آن نوشـته شده بود: «رسول خدا حضـرت محمّد صـلی الله علیه و آله فرمود:

از مؤمنان نیست کسی که همسایگان از آزار او درامان نباشند. و کسی که به خدا و روز رستاخیز ایمان داشته باشد، باید نیکو سخن گوید یا سکوت اختیار نماید. خداوند انسان نیکوکار بردبارِ با عفت را دوست می دارد و بدزبان چاپلوس و اصرارکننده در سؤال [گدا] رادشمن می دارد. حیا، بخشی از ایمان است و صاحب ایمان در بهشت است، و فحش نوعی زشت گویی است و زشتگو در آتش است.»

۷- علی علیه السلام و شیعیانش

قـالت فـاطمهُ علیهاالسـلام قـالَ رسولُ اللّه صـلی الله علیه و آله «أمـا إنّـکَ یَابنَ ابی طالب وَ شـیعَتُکَ فِی الجَنَّهِ.» (دلائل الامامه / ص۶۸).

حضرت فاطمه علیهاالسلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که آن حضرت فرمود:

«ای علی! همانا تو و شیعیانت در بهشت خواهید بود.»

۸- خلعت های کرامت

قالت فاطِمَه علیهاالسـلام : سـمعت ابی صلی الله علیه و آله یقول: «إنَّ عُلَماء شیعَتِنا یُحشَرُونَ فَیُخلَعُ عَلَیهِم مِن خِلَعِ الکَراماتِ عَلی کَثرَهِ عُلُومِهِم وَجِدِّهِم فی إرشادِ عِبادِاللّه.» (مستدرک الوسائل، ج ۱۷/ ص ۳۱۷ و ۳۱۸).

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: من از پدرم شنیدم که می فرمود:

«همانـا دانشـمندان شـیعه مـا در روز قیـامت در حـالی برانگیخته می شونـد که به انـدازه بار علم و دانش و کوششـی که در راه هدایت بندگان خدا برداشته اند، بر قامتشان خلعت های کرامت و بزرگواری پوشانده می شود.»

۹- بدترین امت

عن فاطمه علیهاالسـلام ، عن النّبی صلی الله علیه و آله قال: «شِرارُ أُمَّتی الَّذینَ غَذُّوا بِالنَّعیمِ الَّذینَ یَأکُلُونَ أَلوانَ الطَّعامِ، وَ یَلبَسُونَ أَلوانَ الثِّیابِ و یَتَشَدَّقُونَ فِی الکَلامِ.» (عوالم العلوم، ج ۱۱/ ص ۶۲۱).

حضرت فاطمه علیهاالسلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کند که آن حضرت فرمود:

«بدترین [افراد] امتم کسانی هستند که از نعمت ها[ی الهی] بهره مندند، غذاهای رنگین می خورند، جامه های رنگارنگ برتن می کنند و بی پروا هر سخنی را

بر زبان می رانند.»

۱۰– انگشتری عقیق

قـالت فـاطِمَه علیهاالسـلام : قـال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله «مَن تَخَتَّمَ بِالعَقیقِ لَم یَزَل یَری خَیرا.» (امالی شـیخ طوسـی / ص ۳۱۱).

حضرت فا طمه علیهاالسلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که آن حضرت فرمود:

«کسی که انگشتری عقیق در دست کند. همیشه خیر و نیکی می بیند.»

۱۱– نیکوترین ویژگی زنان

قالت فاطِمَه علیهاالسلام : «خَیرٌ لِلنِّساءِ أَن لایَرَیْنَ الرِّجالَ وَ لا یَراهُنَّ الرِّجالُ.» (وسائل، ج ۱۴/ ص ۱۷۲).

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:

«نیکوترین ویژگی زنان در آن است که نه آنان مردان را ببینند و نه مردان ایشان را.»

۱۲– نزدیک ترین حالت زن به پروردگار خود

قالت فاطِمَه علیهاالسلام : «أَدنی ماتَکونُ مِن رَبِّها أَن تَلزَمَ قَعرَ بَیتِها». (بحارالانوار، ج ۴۳/ ص ۹۲).

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:

«نزدیک ترین حالت زن به پروردگارش زمانی است که ملازم گوشه خانه اش [مشـغول رسیدگی به کارهای زندگی و تربیت فرزندانش] باشد.»

۱۳– شفاعت امت گنهکار

قالت فاطِمَه علیهاالسلام : «اِذا حُشِرتُ یَومَ القِیامَهِ أَشفَعُ عُصاهَ أُمَّهِ النَّبی صلی الله علیه و آله .» (العوالم، ج ۱۱/ ص ۴۸۷).

حضـرت فـاطمه علیهاالسـلام فرمـود: «آن گـاه که در روز قیـامت برانیگخته شوم از گنهکـاران امت پیـامبر صـلی الله علیه و آله شفاعت خواهم کرد.»

۱۴– ثواب صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام

عن فـاطمهُ علیهاالسـلام قـالت: قال لی رسولُ اللّه صـلی الله علیه و آله : «یا فاطِمَهُ! مَن صَـِلّی عَلَیکُم غَفَرَ اللّهُ لَهُ و أَلحقهُ بِی حِیثُ کُنتُ مِنَ الجَنَّهِ.» (کشف الغمه، ج ۱/ ص ۴۷۲).

حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: «ای فاطمه، هر که بر شما درود و صلوات فرستد، خداوند او را می آمرزد و او را به من در هر جای بهشت که باشم ملحق می کند.»

۱۵- خشم همسر، رضایت همسر

قالت فاطِمَه علیهاالسلام قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : «وَیلٌ لِامرَأَةٍ أَغضَبَتْ زَوجَها، وَ طُوبی لِامرَأَةٍ رَضِیَ عَنها زَوجُها.» (وسائل الشیعه، ج ۲۰/ ص ۲۱۳).

حضرت فاطمه علیهاالسلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که آن حضرت فرمود:

«وای بر زنی که همسرش را به خشم آورد و خوشبخت آن زنی که همسرش از او راضی باشد.»

۱۶- بهره روزه دار

عَن فاطِمَةَ بِنتِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّها قالَتْ: «ما یَصنَعُ الصائِمُ بِصِیامِهِ إذا لَم یَصُن لِسانَهُ وَ سَمعَهُ وَ بَصرَهُ وَ جَوارِحَهُ.» (دعائم الاسلام، ج ۱/ ۱۶۸).

فاطمه، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله ، فرمود: «روزه دار با روزه خود می خواهد چه کند؛ اگر زبان و گوش و چشم و اعضایش را از [گناه] باز ندارد؟»

۱۷- رضایت فاطمه علیهاالسلام از خدا و رسول او صلی الله علیه و آله

چون علی علیه السلام به خواستگاری فاطمه علیهاالسلام آمد رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه فرمود: «دخترم! پسرعمویت علی علیه السلام از تو خواستگاری نموده است، پاسخ تو چیست؟»

فاطمه علیهاالسلام به پدر احترام نمود و فرمود: «نظر شما چیست؟» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اَذِنَ اللّه فیه مِنَ السَماء»؛ خدا از آسمان اجازت داده است. فاطمه علیهاالسلام ، در حالی که تبسمی بر لب داشت، فرمود: «رضیت بما رضی اللّه لی و رسوله.»

و فی روایةٍ قالت: «رضیت باللّه ربّا و بک یا ابتاه نبیّا و بابن عمّی بعلاً و ولیّا.» (الروضه، ص ۱۲۷؛ البحار، ج ۴۳/۱۴۹).

یعنی: «به آنچه خدا و رسول او برای من رضایت داده اند خشنودم.» و در روایتی آمده است که فرمود: «خشنودم که خدای پروردگار من است و تو، ای پدر، پیامبر من و پسرعمویم علی علیه السلام شوهر و امام من هستید.»

و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله فضایل و خصلت های علی علیه السلام را برای فاطمه علیهاالسلام بر

شمرد، فاطمه گفت: «یا رسول اللّه! انت اولی بماتری» (البحار، ج ۴۳/۹۹).

یعنی: ای رسول خدا! شما برای اظهار نظر و خیرخواهی برای من از خود من سزاوارترید.» و چون صبح عروسی رسول خدا صلی الله علیه و آله به دیدن دختر خود آمد و فرمود: «ای فاطمه! شوهرت را چگونه یافتی؟» فاطمه علیهاالسلام پاسخ داد: «یا ابه! خیر زوجٍ»(البحار، ج ۴۳/۱۳۳).

یعنی: «او را بهترین شوهر دیدم.»

۱۸- حالات معنوی فاطمه علیهاالسلام در شب ازدواج

علی علیه السلام چون در شب ازدواج فاطمه را نگران و گریان دید، پرسید: برای چه نگران و ناراحت هستی؟» فاطمه علیهاالسلام فرمود:

«تَفَکّرتُ فی حالی و أمری عِنْدَ ذِهابِ عُمری و نُزولی فی قبری فَشَبَّهتُ دخولی فی فراشی بِمَنْزِلی کَدُخولی الی لَحَدی و قبری فَأُنشِدُک اللّهَ انْ قُمتَ الی الصلاهِ فَنَعْبُدُ اللّه تعالی هذِهِ اَلّلیلَهَ» [الارشاد، ج ۱/۲۷۰].

یعنی: «من پیرامون حال و رفتار خویش فکر کردم و به یاد پایان عمر خویش و عالم قبر افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از این جا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت. بنابراین تو را به خدا سوگند می دهم که امشب با هم به نماز بایستیم و خدا را عبادت کنیم.»

۱۹- صبر و ایثار فاطمه در خانه علی علیهاالسلام

روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به فاطمه علیهاالسلام فرمود: «فاطمه جان! آیا غذایی داری که گرسنگی من را برطرف کند؟» فاطمه علیهاالسلام فرمود: «سوگند به خدایی که پدرم را به نبوت و تو را به امامت برگزید، دو روز است در منزل غذای کافی نداریم. آن چه بود به شما و حسن و حسین علیهماالسلام دادم و خود استفاده نکردم.» امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «چرا به من اطلاع ندادی تا غذایی برای شما تهیه کنم؟

فاطمه علیهاالسلام فرمود: «یااباالحسن! اِنّی لَاَءسْتَحیی من إلهی اَنْ أکلّف نَفْسَکَ مالا تَقْدِرُ عَلَیْهِ» (فضائل الخمسه، ج ۲/۱۴۷؛ البحار، ج ۳۷/۱۰۳).

یعنی: من از خدای خود حیا می کنم که تو را بر آن چه قدرت بر آن نداری

تکلیف نمایم.»

۲۰- عفت و حجاب فاطمه علیهاالسلام

اسماء بنت عمیس می گوید: روزهای آخر عمر فاطمه علیهاالسلام نزد ایشان بودم. فاطمه علیهاالسلام از [نحوه] حمل جنازه زن ها اظهار نگرانی نمود و فرمود: «چرا جنازه زن را روی تخته ای می گذارند و بالای دست مردان و زنان حمل می کنند؟»

سپس فرمود: «اِنّی قَد اِستَقبَحتُ ما یُصنَعُ بِالنِساءِ اِنَّه یُطرَحُ عَلَی المَرأَهِ الثَوبُ فَیصِفُها لِمَن رَأی فلا تَحمِلینی علی سَریرٍ ظاهرٍ، اُسترُینی سَتَرکِ اللّه مِنَ النّار». [البحار، ج ۲ /۶۷].

یعنی: «من بسیار زشت می دانم که جنازه زنان را پس از مرگ بر روی تخته ای که اطراف آن باز است می گذارند و پارچه ای روی آن می افکنند که حجم بدن او را نشان می دهد. ای اسماء! مرا بر روی چنین تخته ای نگذارید بلکه [کاری کنید که] بدن من پوشیده شود. خدا تو را از آتش دوزخ بپوشاند و حفظ کند.»

۲۱- سخن فاطمه علیهاالسلام در مورد آداب غذا خوردن

فاطمه علیهاالسلام در باره آداب غذا خوردن و نظافت و بهداشت فرمود:

«فی المائده اثنتا عشره خصله یجب علی کلّ مسلمٍ ان یعرفها؛ اربع فیها فرضٌ، و اربع فیها سنّهٌ، و اربع فیها تأدیب.

فامّا الفرض: فالمعرفه، و الرضا، و التسمیه، و الشکر. فامّا السنّه: فالوضوء قبل الطعام، و الجلوس علی الجانب الأیسر، و الأکل بثلاث اصابع. فامّا التأدیب: فالأکل بما یلیک، و تصغیر اللقمه، و المضغ الشدید، و قلّه النظر فی وجوه النّاس [کنزالعمال، ج ۱۲/۳۳۹].

یعنی: «آداب و دستورات غذاخوردن دوازده چیز است که واجب است هر مسلمانی آنها را بداند؛ چهار چیز آن واجب، و چهار چیز آن مستحب و چهار چیز آن نشانه ادب (و بزرگواری) است.

امّا چهار دستور واجب: ۱- شناخت خدا که ولی نعمت و صاحب آن است؛ ۲- راضی بودن به نعمت های خدا؛ ۳- گفتن «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم» هنگام شروع غذا؛ ۴- ادای شکر خداوند و گفتن «الحمدللّه ربّ العالمین».

و امّا چهار دستور مستحب: ۱- وضو گرفتن قبل از غذا؛ ۲- نشستن به جانب چپ؛ ۳- نشسته غذا خوردن؛ ۴- با سه انگشت غذا خوردن.

و امّا آن چهار دستوری که نشانه ادب و بزرگواری است: ۱- از غذای پیش روی برداشتن؛ ۲- لقمه ها را کوچک گرفتن؛ ۳- غذا را کامل جویدن؛ ۴- کمتر به صورت دیگران نگاه کردن.»

۲۲- دعای فاطمه علیهاالسلام برای گناهکاران امت

اسماء بنت عمیس، همسر جعفرطیّار، می گوید: در لحظه های پایانی عمر حضرت زهرا علیهاالسلام در کنار او بودم. آن بزرگوار ابتدا غسل کردو لباس های تازه خود را پوشید و سپس مشغول دعا و راز و نیاز با خدای خود شد و دیدم که دست به دعا بلند کرده و رو به قبله نشسته و چنین می گوید:

«الهی و سیّدی، اسألک بالّذین اصطفیتهم و ببکاء ولدیّ فی مفارقتی، ان تغفر لعصاه شیعتی و شیعه ذریّتی» [ذخائر العقبی، ص۵۳].

یعنی: «خدایا، به حق پیامبران و اوصیای آنان که برگزیدگان تواند، و به گریه های دو فرزند من حسن و حسین از فراق من، از تو می خواهم که از گناهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان من بگذری و آنان را عفو فرمایی.»

۲۳- دعای فاطمه علیهاالسلام وقت غروب روز جمعه

شیخ صدوق درکتاب معانی الاخبار نقل نموده که زهرای اطهر علیهاالسلام فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: «انّ فی الجمعه لساعه لایوافقها رجل مسلم یسأل اللّه عزّوجلّ فیها خیرا الاّ اعطاه ایّاه.» فقلت: یا رسول اللّه! ایّ ساعهٍ هی؟ قال صلی الله علیه و آله : «اذا تولّی نصف عین الشمس للغروب» (معانی الاخبار، ص ۲۹۹).

یعنی: در روز جمعه ساعتی است که هر خواسته خیر و نیکویی در آن ساعت به اجابت می رسد. پرسیدم: یا رسول اللّه! آن کدام ساعت است؟ فرمود: هنگامی که نصف قرص خورشید پنهان شده باشد.»

راوی حدیث می گوید: از آن پس حضرت زهرا علیهاالسلام کسی را می گماشت که غروب خورشید را به او اطلاع دهد و در آن ساعت مشغول دعا و خیرخواهی برای مسلمانان می شد.

ص: ۱۸۵

۲۴– فاطمه علیهاالسلام از خدا درخواست غذای بهشتی نمود

علاّمه مجلسی در کتاب بحار، از امام صادق، از جد خود صلی الله علیه و آله نقل نموده که در یکی از روزهای سخت زندگی، چون گرسنگی بر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله فشار آورد، حضرت فاطمه علیهاالسلام وضو گرفت و پس از خواندن دورکعت نماز دست به دعا بلند نمود و گفت:

«یا الهی و سیّدی، هذا محمّد نبیّک و هذا علیّ ابن عمّ نبیّک. الهی أنزل علینا مائدةً من السماء کما انزلتها علی بنی اسرائیل أکلوامنها و کفروابها، اللّهمّ انزلها علینا فانّا بها مؤمنون» (البحار، ج ۳۵/۲۵۱).

یعنی: «خدایا، این محمد صلی الله علیه و آله پیامبر توست و این علی علیه السلام پسرعمّ اوست. خدایا، مائده ای از آسمان برای ما فرو فرست؛ چنان که بر بنی اسرائیل فرستادی و از آن خوردند و ناسپاسی کردند و به آن کافر شدند. خدایا، آن مائده را برای مافرو فرست که ما به آن ایمان خواهیم داشت.»

ناگهان ظرفی از غذای بهشتی نازل شد که بوی عطر آن منزل علی علیه السلام را معطر ساخت. پس امیرالمؤمنین از فاطمه علیهاالسلام پرسید: «انّی لک هذا؟»، این غذای عطرآگین از کجاست؟ فاطمه علیهاالسلام فرمود: «هو من عنداللّه»؛ یعنی این غذا از ناحیه خداوند است.

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حمد و ستایش خداوندی را که دختری مانند مریم به من عطا نمود که هرگاه زکریای پیغمبر درمحراب عبادت او حاضر می شد نزد او مائده ای می یافت و می فرمود: این مائده از کجاست؟ و مریم پاسخ می داد: از جانب پروردگار است.»

۲۵– خیرخواهی فاطمه علیهاالسلام و درسی که به زن ها داده است

در کتاب «اخبارالدول» و «جنّه العاصمه» احمدبن یوسف دمشقی نقل شده که چون فاطمه علیهاالسلام آگاه شد که مهریه او مقداری درهم و دینار است، به پدر خود رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«یا رسول اللّه! انّ بنات النّاس تتزوّجن بالدراهم فما الفرق بینی و بینهنّ؟ اسألک ان تردّها و تدعواللّه ان یجعل مهری الشفاعه فی عصاه أمّتک.»

ص: ۱۸۶

یعنی: «ای رسول خدا! همانا دختران مردم مهریه خود را درهم و پول قرار می دهند، پس فرق من با آنان چیست؟ از شما می خواهم که درهم و دینار را مهریه من قرار ندهی، بلکه از خدا بخواهی تا مهریه من راشفاعت از گنهکاران امت تو قرار دهد.»

۲۶- صحنه دلخراش و خیرخواهی فاطمه علیهماالسلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله

در روزهای واپسین زندگانی، رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسجد آمد و بر منبر رفت و فرمود: «هر کس را حقی بر من باشد [و یا آسیبی از من به او رسیده باشد] من آماده هستم که قبل از قیامت از من قصاص کند و حق خود را بگیرد!»

بلال نیز این سخن را از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه منتشر نمود. پس مردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا! شما در جنگ بدر که صف سربازان را تنظیم می نمودید با شلاق خود بر شکم لخت من [ضربه ای] زدید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بیا قصاص کن!» آن مرد گفت: باید همان شلاق را بیاورید. پیامبر صلی الله علیه و آله به بلال فرمود که آن شلاق را از خانه فاطمه علیهاالسلام بگیرد و بیاورد. چون بلال به خانه فاطمه رفت، فاطمه علیهاالسلام از او پرسید: «یا بلال! ما یصنع والدی بالقضیب ولیس هذا یوم القضیب؟» و لما اخبرها بلال بما وقع، قالت: «و اغمّاه لغمّک یا ابتاه من للفقراء و المساکین و ابن السبیل؛ یاحبیب اللّه و حبیب القلوب! یا بلال! فقل للحسن و الحسین یقومان الی هذا الرجل فیقتصّ منهما و لا یدعانه یقتصّ من رسول اللّه صلی الله علیه و آله .» (امالی الصدوق، ص ص ۳۷۶ و ۵۰۵، مجلس ۷۲).

یعنی: «ای بلال! پدرم با شلاق [روزهای جنگ] چه کار دارد، امروز که روز شلاق نیست؟» چون بلال ماجرای آن مرد را با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان نمود، فاطمه علیهاالسلام ناله ای زد و گفت: «وای از این اندوه برای تو، ای پدر! غیر از تو چه کسی سرپرست فقرا و تهیدستان و درماندگان خواهد بود؟ ای محبوب خدا و محبوب دل های مردم!» سپس گفت: «ای بلال! فرزندانم حسن و حسین علیهماالسلام را نزد آن مرد ببر تا از آنان قصاص کند و از رسول خدا صلی الله علیه و آله دست بازدارد.»

البته مقصود آن مرد قصاص نبود. او چون قضیب را گرفت به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: بدن من در آن هنگام برهنه بود، باید بدن شمانیز برهنه باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله

بدن خود را برهنه نمود و او به جای قصاص بر بدن آن حضرت بوسه زد.»

۲۷– ناله های فاطمه علیهاالسلام در لحظه های غمبار رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله

علاّمه مجلسی در کتاب بحار می گوید: لحظه های آخر عمر رسول خدا صلی الله علیه و آله ، فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام در اطراف بستر آن حضرت حلقه زده بودند و با چشمانی اشکبار نظاره گر غروب خورشید رسالت بودند. آن بزرگوار خواست سخنی بفرماید، اما نتوانست، و درحالی که می گریست بی رمق در بستر افتاد. فاطمه علیهاالسلام با مشاهده این وضع فریاد کرد و فرمود: «یا رسول اللّه! قد قطعت قلبی و احرقت کبدی لبکائک. یا سیّدالنبیّین من الأوّلین و الأخرین! یا امین ربّه و رسوله!یا حبیبه و نبیّه! من لولدی بعدک؟ و لذلٍّ ینزل بی بعدک؟ من لعلیّ اخیک و ناصر الدین؟ من لوحی اللّه و امره؟» (البحار، ج ۲۲/۴۸۴).

یعنی: «ای رسول خدا! با گریه خود قلب مرا از جا کندی و جگرم را سوزاندی. ای بزرگ پیامبران، از حضرت آدم تاآخرین آنان!ای امین پروردگار! ای فرستاده و محبوب خدا! بعد از تو پناه فرزندان من که خواهد بود؟ ای رسول خدا! بعد از تو چه کسی در مصیبت و حوادثی که بر من وارد می شود به فریاد خواهد رسید؟ و پس از تو چه کسی در حوادثی که بر علی - برادر تو و یاور دین خدا - واقع می شود از او حمایت خواهد نمود؟ و پس از تو حامی وحی خدا و امر او که خواهد بود؟»

آن گاه خود را به آغوش پدر افکند و پدر را بوسید و با اشک فراوان خود گونه های پدر راشست. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله دست فاطمه را در دست علی علیهماالسلام گذارد و فرمود: «علی جان! فاطمه امانت الهی و امانت من در دست توست. از او محافظت کن!»

۲۸– مبارزات فاطمه علیهاالسلام و دفاع از علی علیه السلام

پس از ماجرای سقیفه و سرپیچی عده ای از بنی هاشم و مهاجرین و انصار از بیعت با ابوبکر، عمر به ابوبکر گفت: چاره ای نیست جز این که علی وحامیان او را وادار به بیعت کنیم وگرنه خلافت برای تو سامان نخواهد گرفت. از این رو، عمر همراه عده ای به درخانه فاطمه آمدند و تهدید کردند که اگر علی برای بیعت با

ابوبکر به مسجد نیاید خانه او را آتش خواهیم زد. در این هنگام حضرت فاطمه علیهاالسلام در دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها فرمود:

«ایّها الضّالّون المکذّبون! ما ذاتقولون؟ وایّ شی ءٍ تریدون؟ یا عمر! اما تتّقی اللّه؟ تدخل علی بیتی؟ أبحزبک الشیطان تخوّفنی؟ و کان حزب الشیطان ضعیفا. و یحک ما هذه الجرأه علی اللّه و علی رسوله؟! ترید ان تقطع نسله من الدنیا و تفنیه و تطفی ء نوراللّه؟! «و اللّه متمّ نوره».

... اما و اللّه، یابن الخطّاب! لولا انّی اکره ان یصیب البلاء من لا ذنب له لعلمت أنّی سأقسم علی اللّه ثمّ اجده سریع الإجابه [فلمّا احرقوا دارها و رکزها عمر قالت] یا ابتاه!یا رسول اللّه! هکذا کان یفعل بحبیبتک و ابنتک؟! آه! یا فضّه! الیک فخذینی، فقد واللّه قتل مافی أحشائی من حملٍ» [البحار، ج ۵۳/۱۸ و ج ۸/۲۲۹].

یعنی: «ای گمراهان دروغگو! چه می خواهید و چه می گویید؟ ای عمر! آیا از خدا پروا نداری؟

این گونه می خواهی وارد خانه من شوی؟ آیا با حزب خود که حزب شیطان است مرا می ترسانی؟ البته حزب شیطان ناتوان است!

وای بر تو، ای عمر! چقدر نسبت به خدا و رسول او صلی الله علیه و آله جرأت و جسارت پیدا کرده ای؟ آیا می خواهی نسل رسول خدا را نابود کنی و نور او راخاموش گردانی؟ آگاه باش که خداوند نور خود را روشن و کامل خواهد نمود. [و چون عمر گفت: چرا علی خود نیامده و تو را فرستاده است؟ فاطمه علیهاالسلام فرمود:] من از حضور درمیان نامحرمان پرهیز داشتم، ولی هجوم و طغیان تو مرا از خانه بیرون آورد تا حجت را بر تو و بر دیگر گمراهان تمام کنم.

سپس فرمود: به خدا سوگند، اگر کراهت نمی داشتم که بی گناهان دچار بلا و عذاب شوند بر شما نفرین می کردم و تو می دانستی که نفرین و سوگند من به سرعت به اجابت می رسید و عذاب خدا بر شمانازل می شد.»

و پس ازکوبیده شدن فاطمه بین در و دیوار به وسیله عمر و شهید شدن محسن او فاطمه علیهاالسلام صدا زد: «یا رسول اللّه! بنگر که با دخترت فاطمه، حبیبه تو، چه می کنند؟ و چون بیچاره شد، صدا زد: «ای فضه!بیا به فریاد من برس که به خدا

سوگند، فرزندم محسن را کشتند.»

۲۹- آه و ناله فاطمه علیهاالسلام از فراق پدر

علاّمه مجلسی در کتاب بحار، از ورقه بن عبداللّه ازدی، از فضه - خادمه حضرت فاطمه علیهاالسلام - نقل نموده که او ضمن بیان ماجرای بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و مصایب فاطمه علیهاالسلام گوید:

فاطمه علیهاالسلام پس از دفن پیامبر صلی الله علیه و آله با بی تابی از منزل خارج شد، در حالی که از گریه و درد، حال راه رفتن نداشت تا این که خود را به قبر پدر رساند، و چون جایگاه اذان و محراب را مشاهده نمود فریاد برآورد و بیهوش شد و روی زمین افتاد.

زنان مدینه که وضع را چنین دیدند، به سوی او آمدند و بر سرو صورت آن مظلومه آب پاشیدند تا به هوش آمد. سپس در حالی که به قبر پدر خیره شده بود، فرمود:

«رفعت قوّتی و خاننی جلدی و شمت بی عدوّی و الکمد قاتلی. یا ابتاه! بقیت و الهه وحیدهً، و حیرانهً فریدهً، فقد انخمد صوتی و انقطع ظهری، و تنغّص عیشی، و تکدّر دهری، فما اجد یا ابتاه بعدک أنیسا لوحشتی و لا رادّا لدمعتی و لا معینا لضعفی!

فقدفنی بعدک محکم التنزیل، و مهبط جبرئیل، و محلّ میکائیل، انقلب بعدک یا ابتاه الأسباب، و اُغلقت دونی الأبواب، فانا للدنیا بعدک قالیه، و علیک ما تردّدت انفاسی باکیه، لاینفد شوقی الیک، و لا حزنی علیک...» (البحار ج ۴۳/۱۷۵)

یعنی: «پدر جان! قوتم رفت و صبرم تمام شد و دشمن به من سرزنش می کند و اندوه و غصه فراق تو مرا می کشد.

ای پدر من! یکه و تنها مانده ام و در کار خویش حیران و سرگردانم. صدایم خفته و پشتم شکسته و زندگیم درهم ریخته و روزگارم تیره شده است.

ای پدر! پس از تو برای وحشتم انیسی نمی یابم، و گریه ام تمام نمی شود، و یاوری برای جبران ناتوانی خود پیدا نمی کنم.

آری، ای پدر! بعد از تو نزول قرآن و محل هبوط جبرئیل و مکان میکائیل از بین رفت. ای پدر! بعد از تو روابط مردم با ما دگرگون شد و درها به روی ما بسته

گردید.

ای پدرا من بعد از تو از ماندن در دنیا نفرت دارم و تا نفس دارم برای فراق تو گریه می کنم.

ای پدر! شوق من به لقای تو واندوه من بعد از تو پایانی ندارد.»

۳۰- نگاه فاطمه علیهاالسلام به حسن وحسین و یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله

علّامه مجلسی در بحار، از مناقب نقل نموده که فاطمه علیهاالسلام همواره بعد از پدر خویش دستمال عزا بر سر داشت و بدن او رنجور و نحیف و کمر او خمیده و چشم او گریان و قلب و دل او سوخته بود. ساعتی از هوش می رفت و ساعتی به هوش می آمد و نگاهی به حسن و حسین می نمود و می فرمود: «این ابوکما الذی کان یکرمکما و یحملکما مرهً بعد مرهٍ؟ این ابوکما الذی کان اشدّ النّاس شفقهً علیکما؟ فلا یدعکما تمشیان علی الأرض، و لا اراه یفتح هذا الباب ابدا و لا یحملکما علی عاتقه کما لم یزل یفعل بکما؟» (البحار، ج ۴۳/۱۸۱).

یعنی: «کجاست پدر مهربان شما؟ کجاست رسول خدا صلی الله علیه و آله که شما را عزیز و گرامی می داشت و همیشه شما را بر دوش می گرفت و نمی گذاشت که روی زمین راه روید؟ کجاست آن که از همه مردم به شما مهربان تر بود؟ او دیگر هرگز درِ این خانه را باز نخواهد نمود و به این خانه نخواهد آمد و شما را به دوش نخواهد گرفت.»

۳۱- درخواست فاطمه علیهاالسلام از بلال برای اذان گفتن

پس از رحلت رسول گرامی صلی الله علیه و آله فاطمه علیهاالسلام به یاد پدر و دوران با شکوه و پرعظمت اسلام افتاد و فرمود: «انّی اشتهی ان اسمع صوت مؤذّن ابی صلی الله علیه و آله بالأذان.»

یعنی: «من بسیار دوست دارم که صدای اذان بلال، مؤذن پدر خود رسول خدا صلی الله علیه و آله را بشنوم.»

چون این خبر به گوش بلال رسید با این که عهد کرده بود بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله [و خلافت ابوبکر] هرگز اذان نگوید و تا آنوقت نیز اذان نگفته بود، آماده شد و بالای مأذنه رفت و مردم یک بار دیگر صدای دلنشین اذان بلال را شنیدند. از این رو، شهر مدینه در شادی و سرور فرو رفت. همین که بلال گفت: «اشهد انّ محمّدا

رسول اللّه صلی الله علیه و آله »، ناگاه به بلال خبر دادند اذان خود را رها کن که فاطمه علیهاالسلام بیهوش شده و روی زمین افتاده است! بلال اذان را ناتمام گذارد و از مأذنه پایین آمد.

۳۲- مبارزه منفی فاطمه علیهاالسلام و سخن نگفتن او با غاصبین خلافت

پس از ماجرای زشت و ناگوار هجوم به خانه فاطمه و آتش زدن خانه وحی و توهین به برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و اجبار او به بیعت با ابوبکر و غصب فدک از فاطمه و جعل حدیث و افتراء به رسول خدا صلی الله علیه و آله و تحت فشار قرار دادن بنی هاشم و... ابوبکر و عمر خواستند گذشته های ننگین خود را با عیادت از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله اصلاح کنند و افکار عمومی را نسبت به حوادث گذشته و آزار به فاطمه علیهاالسلام و خاندان نبوت به نحوی اصلاح کنند و فاطمه علیهاالسلام را از خود راضی نمایند. از این رو، اجازه ملاقات خواستند ولی فاطمه علیهاالسلام به آنان اجازه نداد. سپس نزد امیرالمؤمنین علیه السلام رفتند و از او خواستند که اجازه دهد، آنان به عیادت فاطمه بروند. امیرالمؤمنین علیه السلام که با توجه به شرایط موجود چاره ای جز اجابت خواسته آنان را نداشت به آنان رخصت داد ولکن فاطمه علیهاالسلام توطئه آنان را نقش بر آب نمود و چنانکه علّامه امینی نقل نموده به آنها فرمود:

«و اللّه لاکلّمکما من رأسی کلمةً حتّی القی ربّی فاشکونّکما الیه بما صنعتما به و بی و ارتکبتما منّی» (الغدیر، ج ۷/۲۲۹؛ البحار، ج ۴۳/۲۰۳).

یعنی: «به خدا سوگند، با شما دو نفر یک کلمه هم سخن نخواهم گفت تا هنگامی که پروردگار خویش را ملاقات نمایم و از شما به خدای خود شکایت کنم که شما با دین خدا [و ولی خدا] و من چه کردید و چه اعمالی را مرتکب شدید!»

و در خصوص ابوبکر فرمود: «و اللّه لاکلّمک ابدا و اللّه لأدعونّ اللّه علیك فی کلّ صلاةٍ» یعنی: به خدا سوگند، از این پس هرگز با تو سخن نخواهم گفت و سوگند به خدا که در هر نمازی تو را نفرین خواهم نمود!»

۳۳- آخرین وصایای فاطمه علیهاالسلام

فاطمه علیهاالسلام در لحظه های واپسین زندگی خود به امیرالمؤمنین علی علیه السلام وصیّت کرد:

«یا ابالحسن لم یبق لی الاّ رمق من الحیاه و حان زمان الرحیل و الوداع، فاستمع

کلامی فانّک لا تسمع بعد ذلک صوت فاطمه ابدا. اُوصیک، یا اباالحسن! ان لاتنسانی و تزورنی بعد مماتی.»

یعنی: «ای اباالحسن! بیشتر از لحظه ای از زندگانی ام نمانده است و زمان کوچ و خداحافظی فرا رسیده است. سخنان مرا بشنو، زیرا پس از این هرگز صدای فاطمه را نخواهی شنید.

تو را ای اباالحسن! وصیت می کنم که مرا فراموش نکنی و پس از وفاتم، همواره مرا زیارت نمایی.» (کوکب الدری، ج ۱، ص ۲۵۳).

۳۴- وصیت به مخفی بودن مراسم تدفین و قبر فاطمه علیهاالسلام

حضرت زهرا علیهاالسلام در تداوم مبارزات منفی علیه کودتاگران سقیفه، به امام علی علیه السلام وصیّت کرد:

«انّی أوصیک ان لا یلی غسلی و کفنی سواک و اذا انامتّ فادفنیّ لیلاً و لا تؤذِنَنَّ بی احدا و لا تؤذَنِنَّ بی ابابکر و عمر، و بحقّ محمّدٍ رسول اللّه صلی الله علیه و آله أن لا یصلّی علیّ ابوبکر و لا عمر.» (البحار ج ۴۳/۱۵۹).

یعنی: «همانا من تو را وصیت می کنم که غسل و کفن مرا کسی جز تو انجام ندهد و وقتی وفات کردم، مرا شب دفن کن و هیچ کس را خبر نکن و ابوبکر و عمر را نیز مطلع نساز، تو را به حق رسول خدا صلی الله علیه و آله سوگند می دهم که ابوبکر و عمر بر جنازه من نماز نخوانند.»

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت زهرا علیهاالسلام در لحظه های آخر زندگی خطاب به علی علیه السلام فرمود: «اذا توفیّت لا تُعلِمْ احدا الاّ امّ سلمه و امّ ایمن و فضّه و من الرجال ابنیّ و العبّاس و سلمان و عمّارا و المقداد و اباذرّ و حذیفه، و لا تدفنّی الاّ لیلاً و لا تعلم قبری احدا.» (مستدرک الوسائل ج ۲/۱۸۶)

یعنی: «وقتی وفات کردم هیچ کس جز امّ سلمه و امّ ایمن و فضّه را از زنان، و دو فرزندم حسن وحسین علیهماالسلام و عباس و سلمان و عمّار و مقداد و اباذر و حذیفه از مردان را خبر نکن.

مرا جز در شب دفن نکن و قبر مرا به هیچ کس اطلاع نده [تا مخفی بماند].»

حضرت زهرا علیهاالسلام به اسماء بنت عمیس فرمود: «یا اسماء! اذا انامتّ فاغسلینی

انت و علیّ بن ابی طالب علیه السلام ولا تدخلینی علّی احدا.»

یعنی: «ای اسماء! هنگامی که من از دنیا رفتم تو و علی علیه السلام مرا غسل دهید و هیچ کس را بر سر جنازه من راه ندهید.»

۳۵ کیفر و عذاب زنان گناه کار

(۱) در کتاب عیون، از حضرت رضا، از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السلام نقل شده است که فرمود: «من و فاطمه علیهاالسلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدیم، من دیدم آن حضرت سخت گریان است، گفتم: یا رسول اللّه، پدر و مادرم فدای شما! چه چیز شما را گریان نموده است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یا علی! شبی که مرا به معراج بردند زن هایی از امت خود را در عذاب سختی دیدم که برای من گران آمد، گریه من از آن عذاب سختی است که بر آنها دیدم، زنی را دیدم که به موهای خود آویخته بود و دماغ و مغز سر او از آتش می جوشید، زن [دیگری [را دیدم که در آتش به زبان خود آویخته بود و آب جوشان بر حلق او فرو می ریخت؛ زن [دیگری] را دیدم که در آتش به پستان های خود آویخته بود؛ زن [دیگری] را دیدم که گوشت بدن خود را می خورد و آتش از زیر او زبانه می کشید؛ زن [دیگری] را دیدم که پاهای او را به دستهایش بسته بودند و مارها و عقربها بر او مسلّط بودند؛

(۲)زن [دیگری [را دیدم که کر و کور و گنگ بود و در تابوتی از آتش قرار داشت

ص: ۱۹۴

۱- (۱)العیون ج ۲/۱۰: حدّثنا علیّ بن عبداللّه الورّاق رضی اللّه عنه قال حدّثنا محمّدبن ابی عبداللّه الکوفی عن سهل بن زیاد الادمی، عن عبدالعظیم بن عبداللّه الحسنی عن محمّدبن علیّ الرضا، عن ابیه الرضا، عن ابیه موسی بن جعفر عن ابیه جعفربن محمّد عن ابیه محمّدبن علی عن ابیه علیّ بن الحسین عن ابیه الحسین بن علی عن ابیه امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه السلام قال: دخلت انا و فاطمه علی رسول اللّه صلی الله علیه و آله ، فوجدته یبکی بکاءا شدیدا، فقلت: فداک ابی و امّی یا رسول اللّه ماالذی ابکاک؟ فقال: یا علیّ لیله اسری بی الی السماء رایت نساءً من امّتی فی عذاب شدید، فانکرت شأنهنّ؛ فبکیت لما رأیت من شدّه عذابهنّ، و رأیت امرأه معلّقه بشعرها یغلی دماغ رأسها، و رأیت امرأه معلّقه بلسانها والحمیم یصبّ فی حلقها ورایت امرأه معلّقه بثدییها، و رأیت امرأه تأکل لحم جسدها و النارتوقدمن تحتها، و رأیت امرأه قدشدّ رجلاهاالی یدیها و قد سلّط علیها الحیّات والعقارب، و رأیت امرأه صمّاء عمیاء خرساء فی تابوت من نار یخرج دماغ رأسها من منخرها و بدنها منقطع من الجذام والبرص، ورأیت إمرأه معلقّه بر جلیها فی تنّور من نار، ورایت امرأه تقطع لحم جسدها من مقدّمها و مؤخّرها بمقاریض من نار، ورأیت امرأه یحرق وجهها ویداها و هی تأکل امعائها، ورأیت امرأه رأسها رأس الخنزیر و بدنها بدن الحمار و علیها الف الف لون من العذاب؛ و رأیت امرأه علی صوره الکلب و النار تدخل فی دبرها و تخرج من فیها والملائکه یضربون رأسها و بدنها بمقامع (المقمعه کمکنسه:العمود من الحدید «گرزآهنین»).

۲- (۲)من نار فقالت فاطمه علیهاالسلام : حبیبی و قرّه عینی اخبرنی ما کن عملهنّ و سیرتهنّ حتی وضع اللّه علیهنّ هذا

العذاب؟! فقال صلى الله عليه و آله :

و مغز سر او از بینی اش خارج می شد و بدن او از جزام و برص پاره پاره شده بود؛ زن [دیگری [را دیدم که به پاهای خود در تنوری از آتش آویخته بود؛ زن [دیگری[را دیدم که با مقراض آتشین گوشت بدن خود را از جلو و عقب می برید؛ زن دیگری را دیدم که صورت و دست های او به آتش می سوخت و مشغول خوردن روده های خود بود؛ زن [دیگری] را دیدم که سر او سر خوک و بدن او بدن الاغ بود و هزار هزار نوع از آتش بر او مسلّط بود؛ زنی را دیدم که به صورت سگ بود و آتش از عقب او داخل و از دهان او خارج می گردید و ملائکه آتش با گرزهای آتشین بر سر و بدن او می کوبیدند.

(۱)پس فاطمه علیهاالسلام به پدر خود فرمود: ای حبیب من و نور چشم من! به من بگویید عمل و روش آنان چه بوده که خداوند چنین عذابی بر آنان قرار داده است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دختر عزیزم! آن که با موی سر خود در آتش آویزان بود زنی بود که موی سر خود را از مردان نمی پوشید، آن که به زبان خود در آتش آویخته بود زنی بود که با زبان خود شوهر خویش را آزار می داد؛ آن که با پستان های خود در آتش آویخته بود زنی بود که از بستر شوهر خود دوری می جست؛

ص: ۱۹۵

۱- (۱)یابنیّتی امّاالمعلّقه بشعرها فانّها کانت لاتغطّی شعرها من الرجال، و امّاالمعلقه بلسانهافانّها کانت تؤذی زوجها و امّاالمعلّقه بثدییها فانّها کانت تمتنع من فراش زوجها، و امّا المعلّقه برجلیها فانّها کانت تخرج من بیتهابغیر اذن زوجها، و امّا اَلّتی کانت تأکل لحم جسدها فانّهاکانت تزیّن بدنها للنّاس و امّااَلّتی شدّ (هکذا فی اکثر النسخ، ولکن فی النسخه المطبوعه الجدیده: «شدّت»). یداها الی رجلیها وسلّط علیها الحیّات و العقارب فانّها کانت قذره الوضوء قذره الثیاب و کانت لاتغتسل من الجنابه و الحیض و لاتنتظف و کانت تستهین بالصلوه،

آن که با پاهای خود در آتش آویخته شده بود زنی بود که بدون اجازه شوهر خود از خانه خارج می شد؛

آن که گوشت بـدن خود را در آتش می خورد زنی بود که خود را برای نامحرمـان آراسـته و آرایش می نمود؛ آن که دسـت های او به پاهایش بسـته شـده بود و مارها و عقرب ها بر او مسـلّط بودنـد زن آلوده ای بود که لباس خود را نظافت نمی کرد و غسل حیض و جنابت انجام نمی داد و نماز خود را سبک می شمرد؛

(۱)زنی که کر و کـور و گنـگ بود زنی بود که از زنـا فرزنـدی می آورد و به عهـده شوهر خود قرار می داد؛ آن که گوشـت خود را با مقراض جدا می کرد زنی بود که خود را بر مردان نامحرم عرضه می نمود؛

آن که آتش صورت و بدن او را می سوزاند و خود مشغول خوردن روده های خویش بود زنی بود که زن های دیگر را برای زنای با نامحرمان آماده می نمود؛ زنی که سر او مانند خوک و بدن او مانند الاغ بود زنی بود که اهل دروغ و سخن چینی بود، و آن زنی که به شکل سگ بود و آتش از عقب او وارد و از دهان او خارج می گردید زنی آوازه خوان و اهل حسد بود.

سپس رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «وای بر زنی که شوهر خود را به خشم آورد و خوشا به حال زنی که شوهر او از او خشنود باشد.»

۳۶- حدیث فاطمه علیهاالسلام در باره سبک شمردن نماز

(۲)علاّمه نوری در «مستدرک الوسائل» با سند خود از فاطمه زهرا علیهاالسلام نقل

۱- (۱)و امّا الصـمّاء العمیـاء الخرسـاء فانّهاکانت تلـد من الزناء فتعلّقه فی عنق زوجها و امّا التّی کانت تقرض لحمهابالمقاریض فانّهاکـانت تعرض نفسـهاعلی الرجال، و امّا التّی کانت تحرق وجهها و بـدنهاوهی تأکل امعائها. فانّهاکانت قوّده، و امّاالتّی کان رأسـها رأس الخنزیر و بـدنها بـدن الحمـار فانّها کانت نمّامه کـذّابه و امّاالتّی کانت علی صوره الکلب والنار تـدخل فی دبرها و تخرج من فیهـا فانّهاکـانت قینه (القینه: الامـه المغنّیه). نواّحه حاسـده ثمّ قـال صـلی الله علیه و آله : ویـل لإمـرأه اغضـبت زوجها وطوبی لامرأه رضی عنها زوجها. ما قالت علیهاالسلام فی المتهاون بالصلاه

۲- (۲)۱ - مستدرک الوسائل ۱/۱۷۱ عن فاطمه الزهراء سیّده النساء و ابنه سیّدالأنبیاء! انّها سألت اباها محمّدا صـلی الله علیه و آله فقـالت: یـا ابتـاه مـا لمن تهـاون بصـلاته من الرجال و النساء؟ قال: یا فاطمه من تهاون بصـلاته من الرجال و النساء ابتلاه اللّه. بخمسه عشر خصله، ستّ منها فی دار الدّنیا، و ثلاث عند موته، و ثلاث فی قبره،و ثلاث فی القیامه اذا خرج من قبره.

نموده که آن بانو از پدر بزرگوار خود سؤال کرد: «پدر جان! کسانی که به نماز خود بی اعتنایی می کنند و آن را سبک می شمارند چه حالی خواهند داشت؟» رسول خدا فرمود:

«ای فاطمه! هر کس از امت من – چه مرد و چه زن – به نماز خود بی اعتنا باشد و آن را سبک بشمارد خداوند او را به پانزده بلاـ و نکبت مبتلاـ خواهد نمود، شش بلاـ در دنیا، و سه بلا در هنگام مرگ، و سه بلا در عالم قبر و برزخ، و سه بلا در وقت خروج از قبر و حضور در قیامت.

(۱)اما بلاهایی که در دنیا می بیند:

۱ – خداوند برکت را از عمر او بر می دارد.

۲ – خداوند برکت را از رزق او بر می دارد.

(۲)۳ – خداوند آبروی صورت صالحین را از صورت او می گیرد.

ص: ۱۹۷

۱– (۱)و امّا اللواتی تصیبه فی دارالدّنیا: فالاولی یرفع اللّه البرکه من عمره، و یرفع اللّه البرکه من رزقه، ویمحو اللّه عزّوجلّ سیماء الصالحین من وجهه، و کلّ عمل یعمله لایوجرعلیه، و لایرفع دعاءه، الی السماء، و السادسه لیس له حظّ فی دعاء الصالحین. و امّا اللواتی تصیبه عند موته: فاوّلهنّ انّه یموت ذلیلاً، و الثانیه یموت جائعا، و الثالثه یموت عطشا، فلوسقی من انهار الدّنیا لم یروعطشه.

۲– (۲)و امّا اللواتی تصیبه فی قبره: فاوّلهنّ یوکّل اللّه به ملکا یزعجه فی قبره، و الثانیه: یضیّق علیه قبره، و الثالثه تکون الظلمه فی قبره. و امّا اللواتی تصیبه یوم القیامه اذا خرج من قبره: فاوّلهنّ ان یوکّل اللّه به ملکا یسحبه علی وجهه و الخلائق ینظرون الیه، و الثانیه: یحاسب حسابا شدیدا، و الثالثه لاینظراللّه الیه و لایزکیه و له عذاب الیم.

۴ - خداوند برای هیچ عملی که انجام می دهد پاداشی قرار نمی دهد.

۵ - خداوند دعای او را مستجاب نمی کند.

۶ - برای او بهره ای در دعای صالحین نیست.

و اما بلاهایی که در هنگام مرگ می بیند:

۱ - ذلیل از دنیا می رود.

۲ - گرسنه از دنیا می رود.

۳ - تشنه از دنیا می رود؛ به طوری که اگر نهرهای دنیا را به او بدهند سیراب نمی شود.

و اما بلاهایی که در قبر به او می رسد:

۱ - خداوند ملکی را مأمور می کند که او را در قبر زجر و شکنجه بدهد.

۲ - قبر برای او تنگ می شود.

۳ - قبر برای او تاریک می شود.

و اما بلاهایی که در قیامت به او می رسد:

۱ - خداوند ملکی را مأمور می کند که او را به صورت بر زمین بکشد و اهل محشر به او نگاه کنند.

۲ - حساب سختی از او خواهند گرفت و چیزی را بر او نخواهند بخشید.

۳ - خداوند نظر رحمت به او نخواهد نمود و اعمال او را نخواهد پذیرفت و عذاب دردناکی برای او خواهد بود.

ص :۱۹۸

اخلاق زندگی در اسلام

اشاره

ص :۱۹۹

ارزش اخلاق در زندگی

پس از مسایـل اعتقـادی و توجه به آیـات و نشانه های حضـرت حق و علم و قـدرت و عظمت وجلال او که در هر موجودی به ویژه خـود انسـان نهفته است مطـابق آنچه در آیه شـریفه سوره جمعه آمـده دومین بخش مهم معـارف اسـلام مسـاله اخلاـق و آراستن روح است به ارزش های انسانی.(۱)

این بخش، مکمّـِل اعتقـادات و اساس و پایه مسایل بعـدی،ماننـد حکمت و علم و دانش، احکام الهی و انجام واجبات و ترک محرمـات نیز می باشـد. در حقیقت، هر عمل خوبی که از انسان سـر می زنـد به تبع خلق و خوی نیک اوست و هر عمل زشتی هم که از او سـر می زنـد مربوط به اخلاـق فاسـد او می باشـد. به تعبیر روشن تر، تمـام ارزش هـای انسـان معلول اخلاـق نیک اوست.

انسان تا با تمرین و مجاهـده عملی اخلاق نیک را در خود ایجاد نکند ارزش انسانی پیدا نخواهد نمود و اعمال و عبادات او نیز ارزش و مقبـولیت نخواهـد یـافت. از ایـن رو، از نظر اسـلام، هر فرد اگر شایسـتگی اخلاـقی پیـدا نکنـد، حـتی اگردانشـمند و متخصص و هنرمند هم باشد، ارزش انسانی و اسلامی ندارد. جامعه و خانواده نیز چنین هستند.

تلاـش مـا در این کتـاب آن بوده که به اختصـار بخش هـایی از دسـتورات اخلاقی مربوط به خانواده را گردآوری نماییم تا ان شاءاللّه با رعایت آنها که دسـتورالعمل های دینی و برگرفته از سـخنان و سـیره و روش معصومین علیهم السلام است زمینه بهره گیری خانواده ها از معارف و ارزش های اسلامی فراهم گردد و از خطر سقوط اخلاقی نجات یابند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند مرا مبعوث نمود تا اخلاق نیک را تکمیل

ص: ۲۰۰

۱- (۱)۱- قـال اللّه سـبحانه: هوالـذی بعث فی الأـمّیین رسولاًـ منهم یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمّهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین. (سوره جمعه، آیه۲)

نمایم.»(۱) و فرمود: «کامل ترین مردم از جهت ایمان کامل ترین آنانند از جهت اخلاق.»(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که خداوند پیامبر خود صلی الله علیه و آله را به کمال ادب تأدیب نمود به او فرمود: «انّک لعلی خلق عظیم» و فرمود: «خذا لعفو و أمر بالعرف و اعرض عن الجاهلین» و فرمود: «ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوه کأنّه ولیّ حمیم».

و چه زیباست حدیثی که در خصال آمده است: «حدّثنا أبوالحسن قال: حدّثنا أبوالحسن قال: حدّثنا الحسن، عن الحسن، عن الحسن علیه السلام : إنّ أحسن الحسن الخلق الحسن.» (الخصال ص ۲۹)

یعنی، ابوالحسن از ابوالحسن از ابوالحسن از حسن از حسن از امام حسن علیه السلام برای ما حدیث نمودند که فرمود: بهترین خوبی ها خلق خوب است.

۱- اندوه زدایی و پاداش بهشت

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «خداوند به داود علیه السلام وحی نمود: ای داود! روز قیامت بنده ای از بندگان من با خود حسنه و عمل نیکی آورده و من به وسیله آن عمل نیک او را در بهشت جایگزین می کنم. داود علیه السلام گفت: عمل نیک او چیست؟ خطاب شد: او با یک دانه خرما و یا نصف دانه خرما اندوهی را از دل مؤمنی برطرف نموده داود علیه السلام چون این سخن را شنید گفت: خدایا! هرکس تو را بشناسد سزاوار است که امید خود را از تو قطع نکند.»(۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس دوست داشته باشد که خداوند او را در رحمت

۱- (۱)۱- قال النبیّ صلی الله علیه و آله : بعثت لأتمّم مکارم الأخلاق. (مکیال المکارم، ج ۱/۳۳۶)

۲- (۲)۲- و قال صلی الله علیه و آله : أکمل المؤمنین إیمانا أحسنهم خلقا. (العیون ج ۱/۴۱)

۳- (۳)۱- تنفیس کربه المؤمن البحار عن قرب الإسناد... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : أوحی اللّه تبارک و تعالی الی داود النّبی علیه السلام : یاداود إنّ العبد من عبادی لیأتینی بالحسنه یوم القیامه فاحکمّه فی الجنّه. قال داود: و ما تلک الحسنه؟ قال: کربه ینفّسها عن مؤمن بقدر تمرهٍ او بشقّ تمرهٍ، فقال داود: یا ربّ حقّ لمن عرفک أن لا یقطع رجاءه منک. (البحار ۷۲/۱۹ عن قرب الاسناد ص ۵۶)

خود داخل نماید و در بهشت خود اسکان دهد باید اخلاق خویش رانیکو کند و با مردم با انصاف عمل کند و بر یتیم ترحم نماید و به افراد ضعیف کمک کند و در مقابل پروردگار خود متواضع باشد.»(۱)

۲- بهترین مردم و بهترین عمل آنان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین مردم کسانی هستند که مردم از وجود آنان بهره بیشتری می برند.»(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: «مقصود خداوند از آیه «و جعلنی مبارکا أینما کنت» که حضرت عیسی علیه السلام می گوید: «خداوند مرا هرکجا که باشم برکت قرار داده» این است که من برای مردم بسیار کارگشا و سودمند خواهم بود.»(۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت نامه خود به امام حسن و امام حسین علیهماالسلام فرمود: «من شما و همه فرزندان و خانواده خود و هر که این نامه من به او می رسد را به تقوا و پرهیزگاری و نظم در امور و اصلاح بین خود سفارش می نمایم چرا که من از جدّ شماشنیدم می فرمود: اصلاح بین مردم از یک سال نماز و روزه [و یا از سرتاسر نمازها و روزه ها] بهتر است.»(۴)

۳- عدالت و انصاف

۱- (۱)البحار... عن الصادق علیه السلام قال: من اراد ان یدخله اللّه عزّوجلّ فی رحمته و یسکنه جنّته، فلیحسن خلقه، و لیعطی النصفه من نفسه، و لیرحم الیتیم، و لیعن الضعیف، و لیتواضع للّه الذی خلقه. (البحار ج ۷۲/۱۸ عن امالی الصدوق ص ۲۳۴)

۲- (۲)۲- خیرالناس من إنتفع به الناس البحار... قال الصادق علیه السلام : قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : خیرالناس من انتفع به الناس. (البحار ج ۷۲/۲۳ عن امالی الصدوق ص ۱۴)

۳- (۳)البحار... عن ابی عبداللّه علیه السلام فی قوله اللّه عزّوجلّ: «وجعلنی مبارکا أینما کنت» قال: نفّاعا. (البحار ج ۷۲/۲۴ عن معانی الأخبار ص ۲۱۳).

۴- (۴)البحار... عن نهج البلاغه فی وصیّه أمیرالمؤمنین علیه السلام عند وفاته للحسن و الحسین علیهماالسلام : أوصیکما و جمیع ولدی و أهلی و من بلغه کتابی بتقوی اللّه و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم فانّی سمعت جدّکما رسول اللّه صلی الله علیه و آله یقول: صلاح ذات البین أفضل من عامّه الصلاه و الصیام. (البحار ج ۷۲/۲۴ عن نهج البلاغه ص ۷۸)

(۱)امیرالمؤمنین علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «إنّ اللّه یأمربالعدل و الإحسان» می فرماید: «مقصود از عدالت، انصاف و مقصود از احسان، تفضّل و دستگیری از دیگران است.»

شیخ طوسی در کتاب امالی، از ابوعبیده حذاء نقل نموده که گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا می خواهی به تو بگویم که سخت ترین چیزی که خداوند بر بندگان خود واجب نموده چیست؟» گفتم: آری. امام صادق علیه السلام فرمود: «سخت ترین چیزی که خداوند بر بندگان خود واجب نموده انصاف دادن با مردم، واحسان مالی به آنان نمودن، و فراوان یاد خدا کردن است.» سپس فرمود: «آگاه باش که مقصود من از ذکر و یاد خدا، گفتن: «سبحان اللّه و الحمدللّه و لاإله الّااللّه» نیست؛ گرچه این هم ذکر زبان است لکن مقصود من این استکه انسان خدا را در وقت حلال و حرام یاد کند که اگر چیزی بر او واجب بود انجام دهد و اگر با گناه و معصیت روبرو شد گناه را ترک کند.»(۲)

۴- هدیه و احسان (کادو)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «بهترین وسیله برای انجام حاجت، هدیه است.» سپس فرمود: «برای یکدیگر هدیه ببرید تا دوستی ها و محبت ها زیاد شود و کینه ها برطرف گردد.»(۳)

و فرمود: «برای این که هدیه ها ادامه پیدا کند ظرف های آن را باز گردانید.»

و فرمود: «هدیه بر سه قسم است: ۱- هدیه جبرانی؛ ۲- هدیه ریایی؛ ۳-

---

۱- (۱)۳- العدل و الإنصاف البحار... قال علی علیه السلام فی قوله اللّه تعالی: إنّ اللّه یأمربالعدل و الأحسان»: العدل الإنصاف، و الاحسان التفضّل. (البحار ج ۷۲/۲۹ عن نهج البلاغه ج ۲/۱۹۵)

۲- (۲)البحار... عن ابی عبیده عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال لی: ألا اخبرک باشدّما فرض اللّه علی خلقه؟ قال: نعم قال: إنّ من أشدّ ما فرض اللّه علی خلقه انصافک الناس من نفسک و مواساتک اخاک المسلم فی مالک و ذکراللّه کثیرا؛ أما إنّی لا اعنی: «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله إلّااللّه» و إن کان منه، لکن ذکر اللّه عند ما احلّ و ما حرّم، فان کان طاعهً عمل بها و ان کان معصیهً ترکها. (البحار ج ۷۲/۲۹ عن امالی الطوسی ج ۲/۲۷۸)

۳- (۳)۴- الهدیّه البحار... عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: نعم الشی ء الهدیّه أمام الحاجه، و قال: تهادوا تحابّوا فانّ الهدیّه تذهب بالضغائن. (البحار ج ۷۲/۴۴ الخصال ج ۱/۱۶)

هدیه خالصانه و برای خدا.»(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از کرامت و بزرگواری مرد این است که هدیه برادر مسلمان خود را بپذیرد و از آنچه در اختیار دارد به او هدیه دهد و خود را به زحمت نیندازد.»(۲)

۵-پاداش احسان

امام صادق علیه السلام می فرماید: «آیه ای در قرآن ثبت شده و مورد امضا قرار گرفته که در باره مؤمن و کافر و صالح و غیرصالح یکسان است.» علی بن سالم می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آن آیه کدام است؟ فرمود: «آیه «هل جزاء الإحسان الاّ الاحسان» یعنی هرکس از برادر دینی خود و یا غیر آن ها احسانی ببیند بر او لازم است که آن را جبران نماید و جبران آن این است که احسان بالاتری به او بکند؛ چرا که او شروع به احسان نموده است.»(۳)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «کیفر چهار چیز به زودی [در دنیا] به انسان می رسد: ۱- پاداش احسان را به بدی دادن؛ ۲- آزار نمودن به کسی که بی آزار است؛ ۳- پیمان شکنی با کسی که به پیمان خود عمل نموده است؛ ۴- قطع رابطه خویشی با کسی که اهل رابطه و صله رحم می باشد.»(۴)

۱- (۱)البحار... عن ابی قتاده قال: قال أبوعبداللّه علیه السلام : أتتهادون؟ قال: نعم یابن رسول اللّه، قال: فاستدیموا الهدایا بردّ الظروف الی اهلها.(المصدر)

۲- (۲)البحار... عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:: الهدیّه علی ثلاثه وجوه: هدیّه مکافاهٍ، و هدیّه مصانعه، و هدیّه للّه عزّوجلّ. (المصدر ص۴۵)

۳- (۳)البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من تکرمه الرجل لأخیه المسلم ان یقبل تحفته او یتحّفه ممّا عنده و لایتکلّف شیئا. (المصدر)

۴- (۴)۵- جزاء الإحسان البحار... عن علی بن سالم قال: سمعت أباعبداللّه علیه السلام یقول: آیه فی کتاب اللّه مسجّله قلت: ما هی؟ قال: قول اللّه تبارک و تعالی فی کتابه: «هل جزاء الإحسان إلاّ الإحسان» جرت فی الکافر و المؤمن و البرّ و الفاجر، من صنع الیه معروف فعلیه ان یکافی ء به، و لیست المکافاه ان یصنع کما صنع به بل حتّی یری مع فعله لذلک أنّ له الفضل المبتدا. (البحار ج ۷۲/۴۳) البحار... عن ابی جعفر علیه السلام قال: أربعه أسرع شی ءٍ عقوبهً: رجل أحسنت إلیه و یکافیک بالاحسان الیه إساءه، و رجل لاتبغی علیه و هو یبغی علیک، و رجل عاهدته علی أمرٍ فمن أمرک الوفاء له و من أمره الغدربک، و رجل یصل قرابته و یقطعونه. البحار ج ۷۲/۴۲)

۶- ماعون (عاریه دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان)

(۱)خداوند در سوره ماعون می فرماید: «وای بر نمازگزارهایی که نماز خود را ضایع می کنند و ریاکار هستند و از ماعون خودداری می نمایند.

در تفسیر قمی روایت شده است: «مقصود از «ماعون» نیازهایی مثل چراغ و آتش و خمیر و امثال آن می باشد که مردم به آنها نیاز دارند.» در بعضی از روایات زکات نیز ماعون نامیده شده است.

در کتاب امالی صدوق نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس نسبت به همسایه خود از ماعون [و عاریه دادن وسایل مورد نیاز [منع نماید خداوند او را در قیامت از خیر خود محروم می نماید واو را به خود او وا می گذارد و چقدر بیچاره است کسی که خداوند او را به حال خود واگذار نماید.»

۶- ماعون (عاریه دادن وسایل مورد نیاز به همسایگان)

بعضی از مردم که اهل امانت نیستند ممکن است مورد لعنت خداوند قرار گیرند، زیرا آنها امانت مردم و یا آنچه از مردم عاریه گرفته اند را در وقت خود سالم به صاحب آن باز نمی گردانند، از این رو، صاحب احسان از احسان خود خودداری می نماید.

(۲)در کتاب فقیه، از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «خداوند کسانی که راه

۱- (۱)۶- فضل الماعون قال اللّه سبحانه: فویل للمصلّین الذینهم عن صلاتهم ساهون الذینهم یراؤن و یمنعون الماعون. تفسیر القمی: «و یمنعون الماعون» مثل السراج و النار و الخمیر و اشباه ذلک من الذی یحتاج الیه الناس، و فی روایه أخری: الخمیر و الزکات. البحار عن امالی الصدوق فی مناهی النبیّ صلی الله علیه و آله انّه نهی ان یمنع احد الماعون، و قال: من منع الماعون جاره منعه اللّه خیره یوم القیامه، و وکله الی نفسه و من وکله الی نفسه فما اسوأ حاله. (البحار ج ۷۲/۴۵/۴۶)

۲- (۲)۷- قاطعی سبیل المعروف الفقیه... عن الصادق علیه السلام قال: لعن اللّه قاطعی سبیل المعروف قیل: و ما قاطعی سبیل المعروف؟ قال: الرجل یصنع الیه المعروف فیکفره فیمتنع صاحبه من ان یصنع ذلک إلی غیره. (الفقیه ج ۲/۵۷)

خیر و احسان را می بندند را لعنت نموده است» گفته شد: آنان کیانند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «آنان کسانی هستند که پاداش احسان را با آزار به مردم و حبس مال آنان می دهند، از این رو، صاحب احسان از احسان خود امتناع می ورزد، [و دیگر به کسی احسان نمی کند].»

(۱)امام صادق علیه السلام می فرماید: «سه گروه از مردم در روز قیامت - که فریادرسی نخواهد بود در زیر سایه عرش الهی و لطف خداوند خواهند بود:

۱- کسی که با مردم با انصاف عمل کند.

۲- کسی که قدمی جلو نگذارد و حرکتی نکند تاخشنودی خدا و یا خشم او را در آن حرکت بداند [و از کاری که خشم خداوند در آن است پرهیز کند].

۳- کسی که برادر دینی خود را بر عیبی سرزنش نمی کند تا این که آن عیب را از خود برطرف نماید. البته انسان عیبی را از خود برطرف نمی کند جز آن که به عیب دیگری از خود آگاه می شود و همین بس است که از عیب دیگران چشم پوشی نماید و همیشه مشغول اصلاح عیوب خویش باشد.»

۸- مواظبت بر صدقه و عمل خیر در هر روز

(۲)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بر هر مسلمانی لازم است که در هر روزی که از عمر

۱- (۱)البحار عن الخصال... عن الخضر بن مسلم، عن أبی عبدالله علیه السلام قال: ثلاثه فی ظلّ عرش اللّه عزّوجلّ یوم لاظلّ إلاّ ظلّه: رجل انصف الناس من نفسه، و رجل لم یقدّم رجلاً و لم یؤخرّ رجلاً أخری حتّی یعلم أنّ ذلک للّه عزّوجلّ رضی أو سخط، و رجل لم یعب أخاه بعیب حتّی ینفی ذلک العیب من نفسه فانّه لاینفی منها عیبا إلاّ بدا له عیب آخر و کفی بالمرء شغلاً بنفسه عن الناس. (البحار ج ۷۲/۴۶)

۲- (۲)۸- کلّ معروف صدقه البحار عن دعوات الراوندی: روی عن النّبی صلی الله علیه و آله انّه قال: إنّ علی کلّ مسلم فی کلّ یوم صدقه، قیل: من یطیق ذلک؟ قال صلی الله علیه و آله : إماطتک الأذی عن الطریق صدقه، و ارشادک الرجل الی الطریق صدقه، و عیادتک المریض صدقه، و امرک بالمعروف صدقه، و نهیک عن المنکر صدقه، و ردّک السلام صدقه. (البحار ج ۷۲/۵۰) و فیه عن أمالی الطوسی عن ابی قلابه قال: قال رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله : من اماط عن طریق المسلمین ما یؤذیهم کتب اللّه له أجر قراءه أربعمأه آیه کلّ حرف منها بعشر حسنات. (المصدر)

او می گـذرد صـدقه بدهد.» گفته شد: چه کسـی به چنین کاری توانایی دارد؟ رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «مقصود من این است که خاشاکی را از سر راه مسلمانانی برداری که از آن آزار نبینند، و یا کسی را که از راهی آگاهی ندارد [و از تو نشـانی می خواهـد] راهنمـایی کنی و یـا بیماری را عیادت نمایی، و یا امر به معروف نمایی، و یا نهی از منکر کنی، و یا پاسـخ سلام برادر مؤمن خود را بدهی.»

و فرمود: «کسـی که چیزی را از سر راهی بردارد (که مردم از آن آزار نبینند) خداوند پاداش قرائت چهارصد آیه قرآن را به او می دهد که پاداش هر حرفی از آنها ده حسنه باشد.»

(۱)و در روایت دیگری آمده است که انجام هر کار خیری صدقه محسوب می شود.

۹- سازش و نرم خویی و مدارای با مردم

(۲)خداوند قلب پیامبر خود را نسـبت به مردم نرم و اخلاق او را نیکوقرار داده و به او می فرماید: «خداوند بر تو رحمت فرموده و تو را برای مردم رفیق و نرمخو قرار داده است. و اگر تو شـخص تنـدخو و سـخت دلی می بودی مردم از گرد تو پراکنده می شدند، پس تو باید از مردم بگذری و برای آنان استغفار نمایی.»

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «مـا پیامبران هم چنان که مأمور به انجام واجبات شـده ایم مأمور به مـدارای با مردم نیز شده ایم.»

و فرمود: «عاقل ترین مردم کسانی هستند که مدارای آنان با مردم بیشتر باشد.»

و فرمود: «دو نفر که با یکدیگر همراه می شوند آن که بیشتر به رفیق خود

۱- (۱)و قال النّبی صلی الله علیه و آله : کلّ معروف صدقه. (زبده البیان للأردبیلی ص ۶۷۶)

۲- (۲)۹- فضـل الرحمه و مـداراه النـاس قـال اللّه سـبحانه: فبمـا رحمهٍ من اللّه لنت لهم ولو کنت فظّا غلیـظ القلب لانفضّوا من حولک فاعف عنهم و استغفرلهم. (آل عمران/ ۱۵۹) البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنّا أمرنا معاشر الأنبیاء بمداراه النـاس کما أمرنا بأداء الفرائض. (البحار ج ۷۲/۵۳) و قال صـلی الله علیه و آله : أعقل الناس أشـدّهم مـداراهً للناس. (المصدر) و قال صـلی الله علیه و آله : ما اصـطحب إثنان إلاّ کان أعظمهما أجرا و أحبّهما إلی اللّه عزّوجلّ ارفقها بصاحبه. (المصـدر ص ۶۴ الکافی ج ۲/۱۲۰) و قال الصادق علیه السلام : من کارفیقا فی أمره نال ما یرید من الناس. (المصدر)

ارفاق می کند نزد خداوند محبوب تر است و پاداش بیشتری خواهد داشت.»

و فرمود: «کسی که در کار خود اهل رفق و مدارا باشد به خواسته خود از مردم خواهد رسید.»

۱۰- خیرخواهی نسبت به مردم و انتقادپذیری از آنان

(۱)از بهترین و ارزشمندترین خصلت های نیک خصلت خیرخواهی و خیراندیشی برای دیگران است که در روایات معصومین علیهم السلام از آن تعبیر به نصیحت شده است چنان که پذیرش نصیحت و خیرخواهی نیز از بهترین خصلت های نیک به شمار می رود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکه پنج چیز را برای من ضمانت کند من بهشت را برای او ضمانت خواهم نمود.» گفته شد: آنها چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «۱- خیرخواهی برای خدا؛ ۲- خیرخواهی برای رسول خدا؛ ۳- خیرخواهی برای کتاب خدا؛ ۴- خیرخواهی برای دین خدا؛ ۵- خیرخواهی برای مسلمانان.»

(۲)امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که از برادر خود اشتباهی را ببیند و بتواند او را راهنمایی کند و نکند به او خیانت نموده است، جز آن که طرف او آدم احمقی باشد.»

(۳)حضرت رضا علیه السلام فرمود: «اگر خداوند به بنده ای نظر لطف داشته باشد توفیق انتقادپذیری به او می دهد.»

۱- (۱)۱۰- فضل النصیحه البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من یضمن لی خمسا أضمن له الجنّه قیل: و ما هی یا رسول اللّه؟ قال: النصیحه للّه عزّوجلّ و النصیحه لرسوله، و النصیحه لکتاب اللّه، و النصیحه لدین اللّه، و النصیحه لجماعه المسلمین. (البحار ج ۷۲/۶۵)

۲- (۲)البحار... عن عبدالرحمان بن حجاج قال: سمعت الصادق علیه السلام یقول: من رأی أخاه علی أمرٍ یکرهه فلم یردّه عنه و هو یقدر علیه فقد خانه و من لم یجتنب مصادقه الأحمق أوشک أن یتخلّق بأخلاقه. (المصدر)

۳- (۳)البحار... عن ابی الحسن الثالث علیه السلام إنّه قال لبعض موالیه: عاتب فلانا و قل له: إنّ اللّه إذا اراد بعبدٍ خیرا إذا عوتب قبل. (المصدر)

۱۱– ادب و تجاوز نکردن از حق خود

(۱)امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هرکس اندازه خود را بشناسد هلاک نخواهد شد.»

و فرمود: «ادب اقتضا می کند که آنچه انسان از دیگران نمی پسندد خود نیز انجام ندهد.»

و فرمود: «ادب هرکسی شخصیت او را نشان می دهد.»

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «برای تواضع درجاتی است: ۱- اندازه خود را بشناسد و خود را در جایگاه خویش قرار دهد؛ ۲- هرچه را بر خود می پسندد بر دیگران نیز همان را بپسندد؛ ۳- با اخلاق نیک خود دیگران را اصلاح کند؛ ۴- خشم خود را فرو برد؛ ۵- از خطاهای مردم بگذرد؛ ۶- اهل احسان باشد.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز نشانه ادب و تواضع است: ۱- به نشستن در پایین مجلس راضی باشی؛ ۲- به همه مردم سلام و احترام کنی؛ ۳- از مراء و خصومت دوری کنی گرچه صاحب حق باشی؛ ۴- نخواهی مردم تو را برای دیانت و تقوای تو ستایش کنند.»

۱۲– نگهداری اسرار و آبروی مردم

ص: ۲۰۹

۱- (۱)۱۱- الأدب و التواضع البحار... قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ما هلك امرؤ عرف قدره. (البحار ج ۷۲/۶۶) البحار... و قال علیه السلام : و كفی بك أدبا لنفسك تركك ما كرهته لغيرك. البحار... و قال علیه السلام : حسن الأدب ينوب عن الحسب. (المصدر ص ۶۸). الكافی... عن أبی الحسن الرضا علیه السلام قال: التواضع درجات منها أن يعرف المرأ قدر نفسه فينزلها منزلتها بقلب سليم، لايحبّ أن يأتی إلی أحد إلّا مثل ما يؤتی إليه، إن رأی سيّئةً درأها بالحسنه، كاظم الغيظ، عاف عن الناس، و اللّه يحبّ المحسنين. (الكافی ج ۲/۱۲۴) الكافی... عن ابی عبدالله علیه السلام قال: من التواضع أن ترضی بالمجلس دون المجلس، و أن تسلّم علی من تلقی، و أن تترك المراء و إن كنت محقّا، و أن لاتحبّ أن تحمد علی التقوی. (المصدر ص ۱۲۲)

(۱)کتمان سرّ از ارزش های بلند اسلام و از صفات ذات مقدس حق است. خداوند خود را ستّارالعیوب نامیده و اسرار بندگان خود را فاش نمی نماید و آنان را رسوا نمی کند. اولیای خدا فرموده اند مؤمن باید این سنت را از خدای خویش بیاموزد (سنه من ربّه و هو کتمام السرّ) و اسرار مردم را فاش نکند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خیر دنیا و آخرت در کتمان سرّ و رفاقت با خوبان جمع شده است؛ چنان که شرّ دنیا و آخرت نیز در منتشر نمودن اسرار و رفاقت با اشرار جمع شده است.»

و فرمود: «سینه عاقل صندوق سرّ اوست و هر که سرّ خویش را نگهدارد همیشه انتخاب به دست او خواهد بود.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «دوست خود را نیز بر اسرارخویش آگاه مکن؛ چرا که ممکن است روزی دشمن تو شود.»

۱۳- رعایت عهد و پیمان

(۲)قرآن در آیات زیادی رعایت و پایبندی به عهد و پیمان را لازم و شرط ایمان

۱- (۱)۱۲- فضل کتمان السرّ البحار... قال الرضا علیه السلام : لایکون المؤمن مؤمنا حتّی یکون فیه ثلاث خصال: سنّه من ربّه... و هی کتمان سرّه قال اللّه عزّوجلّ: «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه أحدا إلاّ من إرتضی من رسول.» (البحار ج ۷۲/۶۸) البحار... قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : جمع خیرالدنیا و الآخره فی کتمان السرّ و مصادقه الأخیار، و جمع الشرّ فی الإذاعه و مواخاه الأشرار. (المصدر ص ۷۱) و قال علیه السلام : صدر العاقل صندوق سرّه. (المصدر) و قال علیه السلام : من کتم سرّه کانت الخیره بیده. (المصدر) و قال الصادق علیه السلام : لاتطلع صدیقک من سرّک إلاّ علی مالواطلع علیه عدوّک لم یضرّک فإنّ الصدیق قدیکون عدوّک یوما ما.(المصدر)

۲- (۲)۱۳- فضل الوفاء بالعهد قال اللّه سبحانه: واوفوا بالعهد إنّ العهد کان مسؤلاً. (الاسراء /۳۴) و قال سبحانه: و الذینهم لأماناتهم و عهدهم راعون. (مؤمنون /۸) و البحار... عن ابی مالک قال: قلت لعلی بن الحسین علیهماالسلام : اخبرنی بجمیع شرایع الدین، قال: قول الحقّ، و الحکم بالعدل، و الوفاء بالعهد (البحار ج ۷۲/۹۲) البحار... عن الحسین بن مصعب قال: سمعت أباعبدالله علیه السلام یقول: ثلاثه لاعذر لأحدفیها: أداء الأمانه الی البرّ و الفاجر، و الوفاء بالعهد للبرّ و الفاجر، و برّالوالدین برّین کانا أو فاجرین. (المصدر)

دانسته است. در سوره اسراء می فرماید: «به پیمان خود وفادار باشید؛ چرا که روز قیامت نسبت به آن مورد پرسش قرار خواهید گرفت.»

در سوره مؤمنؤن می فرماید: «افراد مؤمن نسبت به امانت ها و پیمان های خویش پایبندند.»

حضرت زین العابدین علیه السلام فرمود: «تمام معارف دین در سه کلمه جمع می شود: گفتار حق، حکم به عدل و وفای به عهد و پیمان.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «در سه چیز برای هیچ کس عذری نیست: ادای امانت نسبت به مؤمن و فاجر، وفای به عهد نسبت به افراد نیك و بد، احسان به پدر و مادر، چه صالح و چه غیرصالح.»

(۱)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در معاشرت خود با مردم ظلم نکند و چون سخن گوید به آنان دروغ نگوید و چون با آنان وعده و قرار می گذارد تخلف نکند، مردانگی او کامل و عدالت او ظاهر و اخوت و برادری او واجب و غیبت او حرام می باشد.»

۱۴- مشورت و استفاده از فکر دیگران

(۲)خداوند در قرآن به پیامبر خود صلی الله علیه و آله می فرماید: «با مردم مشورت کن و چون بر امری مصمم شدی به خداوند توکل نما؛ همانا خداوند متوکلین را دوست دارد.»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «کسی که تنها از فکر خود استفاده کند و با کسی مشورت نکند خویش را در خطر انداخته است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در هر جلسه مشورتی که شخصی به نام محمد و یا

۱- (۱)البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من عامل الناس فلم یظلمهم، وحدّثهم فلم یکذبهم، و وعدهم فلم یخلفهم، فهو ممّن کملت مروءته، و ظهرت عدالته، و وجبت أخوتّه، و حرمت غیبته. (المصدر)

۲- (۲)۱۴- فضل المشوره قال اللّه سبحانه: و شاورهم فی الأمر فاذا عزمت فتوکّل علی اللّه إنّ اللّه یحبّ المتوکلین. (آل عمران /۱۵۹) البحار... قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : خاطر بنفسه من استغنی برأیه. (البحار ج ۷۲/۹۸) البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : ما من قوم کانت لهم مشوره فحضر معهم، من اسمه، محمّد، أو حامد، أو محمود، أو أحمد. فأدخلوه فی مشهورتهم إلّا خیرلهم. (المصدر)

حامد و یا محمود و یا احمد شرکت کند خداوند خیر آن جلسه را فراهم خواهد نمود.»

(۱)امـام صـادق صـلی الله علیه و آله فرمود: «با مردان عاقل و با تقوا مشورت کن که آنان جز خیر برای تو نخواهنـد گفت و از گفته آنان تخلّف نکن که برای دین و دنیای تو فساد خواهد داشت.»

و فرمـود: «کسـی که در مشـورت برای برادر خود خیرخواهی نکنـد و حقیقت رابرای او نگویـد خداونـد رأی و فکر او را زایل خواهد نمود.»

۱۵- روح بی نیازی از مردم و توکل به خداوند

(۲)از ارزش هـای بلنـد اخلاـقی و نشانه های ایمان و یقین، اطمینان به وعـده های خداونـد و غنای نفس و بی نیازی از مخلوق است. خداوند می فرماید: «اهل ایمان با یاد خداوند آرامش و اطمینان پیدا می کنند وهراسی برای آنان نخواهد بود؛ چرا که با یاد خدا دل ها آرامش می یابد.»

(۳)امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر کسی می خواهد هرچه از خدا سؤال کند به او داده

۱- (۱)البحار... عن سلیمان بن خالد قال: سمعت أباعبداللّه علیه السلام یقول: إستشرالعاقل من الرجال الورع فانّه لایأمر إلّا بخیر، و إیّاک و الخلاف، فانّ خلاف الورع العاقل مفسـده فی الدین و الدنیا. (المصدر ص ۱۰۱) البحار... قال ابوعبداللّه علیه السلام : من استشار أخاه فلم ینصحه محض الرأی سلبه اللّه عزّوجلّ رأیه. (البحار ج ۷۲/۱۰۲)

۲- (۲)۱۵- الإستغناء عن النـاس و التوکلن علی اللّه قال الله سبحانه: ألـذین آمنوا و لم یلبسوا إیمانهم بظلم أولئک لهم الأمن و هم مهتدون» (انعام /۸۲) البحار... قال ابوعبـداللّه علیه السـلام : إذا أراد أحـدکم أن لایسأل اللّه شـیئا إلّا أعطاه فلییأس من الناس کلّهم، و لایکون له رجـاء الاّمن عنـداللّه عزّوجـلّ فـإذا علم اللّه عزّوجلّ ذلک من قلبه لم یسأل اللّه شـیئا إلّا اعطاه ألا فحاسـبوا انفسکم قبل أن تحاسبوا فانّ فی القیامه خمسین موقفا کلّ موقفٍ مثل ألف سنهٍ ممّا تعدّون الخ (البحار ج ۷۲/۱۰۷) البحار... قال أبوعبداللّه علیه السـلام : شـرف المؤمن قیام اللیل، و عزّه إستغناءه عن الناس.(المصدر) الکافی... قال أبوعبداللّه علیه السلام : إنّ اللّه تبـارک و تعـالی یقول: و عزّتی و جلالـی و مجـدی و ارتفـاعی علی عرشـی لأـقطعنّ أمـل کلّ مؤمّل [من الناس] أمّل غیری بالیأس و لأکسونّه ثوب المـذلّه عندالناس و لأنحیّنه من قربی و لأبعّدنّه من فضـلی، أیؤمّل غیری فی الشدائد؟! و الشدائد بیدی و یرجو غیری و یقرع بالفکر باب غیری؟! و بیدی مفاتیح الأبواب و هی مغلقه و بابی مفتوح لمن دعانی... (الکافی ج ۲/۶۶)

شود بایـد خود راااز همه مردم بی نیاز بدانـد و تمام امیـد او به خـدا باشـد و چون خداوند چنین چیزی را در قلب او بیابد هرچه می خواهد به او می دهد. پس به فکر حساب آخرت خویش باشید که در قیامت پنجاه موقف هست و هر موقفی هزار سال دنیا می باشد.»

و فرمود: «عزّت و شرافت مؤمن به دو چیز است: عبادت و قیام در شب، و بی نیاز دانستن خود از مردم.»

و فرمود: «خداوند به عزّت و جلال و... خود سوگند یاد نموده که اگر مؤمنی به غیر او امیدوار شود امید او را قطع نماید.»

۱۶- نگهداری و برگرداندن امانت

(۱)از نشانه های دیانت مؤمن حفظ امانت و برگردانـدن آن می باشد. خداوند در قرآن امر نموده که امانت ها را به صاحبانش باز گردانید و در سوره مؤمنون یکی از نشانه های آنان را امانتداری نام برده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «از خدا بترسید و امانتی راکه کسی نزد شما سپرده است به او باز گردانید.»(۲)

سپس می فرماید: «اگر قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام امانتی نزد من بسپارد من امانت او را به او باز خواهم داد.»

امـام سـجاد علیه السـلام نیز می فرمایـد: «بر شـما باد به ادای امانت. سوگنـد به خـدایی که پیامبرخود صـلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث نمود، اگر قاتل پدرم شمشیری که با آن پدرم را

ص: ۲۱۳

۱- (۱)۱۶- فضـل ردّ الأمانه إنّ اللّه یأمرکم أن تؤدّوا الأمات إلی أهلهاو إذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعـدل. نساء /۵۸) و الذینهم لأماناتهم وعهدهم راعون. (مؤمنون /۸)

۲- (۲)البحار... قال الصادق علیه السـلام : اتقوا اللّه و علیکم بأداء الأمانه إلی من إئتمنکم، فلوأنّ قاتل أمیرالمؤمنین علیه السـلام إئتمننی علی أمانه لأدّیتها إلیه. (البحار ج ۷۲/۱۱۴)

کشته است نزد من امانت سپارد من امانت او رابه او خواهم داد.»(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «تا زمانی که امت من اهل دوستی ومحبت و احسان به یکدیگر و ادای امانت و پرهیز از گناه و میهمان نواز و رعایت کننده نماز و زکات باشند در خیر و سعادت خواهند بود و اگر رعایت این امور را نکنند گرفتار قحطی و عقوبت الهی خواهند شد.»

۱۷- تواضع و فروتنی

نشانه ارزش و شخصیت مؤمن تواضع و فروتنی اوست. خداوند نشانه بندگان شایسته خود را قبل از هرچیز تواضع و فروتنی قرار داده و در سوره فرقان می فرماید(۲): «بندگان خداوند رحمان با تواضع بین مردم زندگی می کنند و در پاسخ افراد نادان سلام می گویند.» و در سوره مائده می فرماید: «آنان در مقابل مؤمنان ذلیل و در مقابل کفار عزیز و با صلابت می باشند.»(۳)

حضرت عسکری علیه السلام می فرماید: «هرکس در دنیا در مقابل برادران خود متواضع باشد نزد خداوند از صدّیقین خواهد بود.»(۴)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تواضع منزلت انسان را بالا می برد. پس شما تواضع کنید تا خداوند منزلت شما را بالا ببرد.»(۵)

امام صادق علیه السلام می فرماید: چهارچیز نشانه تواضع است: ۱- به هر که برخورد

۱- (۱)البحار... عن الثمالی قال: سمعت علیّ بن الحسین علیه السلام یقول لشیعته: علیکم بأداء الأمانه فوالذی بعث محمّدا بالحقّ نبیّا لوأنّ قاتل أبی الحسین بن علیّ علیه السلام إئتمننی علی السیف الذی قتله به لأدیته الیه.(المصدر)

۲- (۲)البحار... عن الرضا عن آبائه قال: قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لاتزال أمّتی بخیرماتحابّوا و تهادوا و أدّوا الأمانه و اجتنبوا الحرام و قروا الضیف، و أقاموا الصلاه، و أتووا الزکاه فاذا لم یفعلوا ذلک أبتلوا بالقحط و السنین. (البحار ج ۷۲/۱۱۵)

۳- (۳)۱۷- فضل التواضع

۴- (۴)وعبادالرحمان الذین یمشون علی الأرض هونا و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما. الفرقان/ اذلّه علی المؤمنین أعزّةٍ علی الکافرین. (المائده /۵۴) البحار... قال العسکرّی علیه السلام : و من تواضع فی الدنیا لإخوانه فهو عنداللّه من الصدّیقین. (البحار ج ۷۵/۱۱۷) البحار... قال النبیّ صلی الله علیه و آله : و إنّ التواضع یزید صاحبه رفعةً فتواضعوا یرفعکم اللّه.(المصدر ص ۱۱۹)

می کنی سلام کنی؛ ۲- به پایین مجلس راضی باشی؛ ۳- از مراء و خصومت خودداری کنی، گرچه حق با تو باشد؛ ۴- دوست نداشته باشی که تو را برای تقوا ستایش کنند.»(۱)

۱۸- احترام به بزرگ تر و ترحم به کوچک تر

(۲)از اخلاق نیکوی اسلامی احترام به بزرگ تر و رعایت حال فرزندان و افراد خوردسال می باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «احترام به بزرگسالان احترام به خداوند است.» و فرمود: «به بزرگ تر احترام کن تا در قیامت از رفقای من باشی.» و فرمود: «از ما نیست کسی که به افراد خردسال ترحّم نکند و به بزرگسالان احترام ننماید.» و فرمود: «هر که احترام به بزرگ تر را نگهدارد و به جهت سن او او را احترام نماید خداوند او را از وحشت قیامت ایمن خواهد نمود.»

(۳)امام صادق علیه السلام فرمود: «پیری زود به طرف مؤمن می آید و آن سبب وقار او در دنیا و نور اوست در قیامت و به وسیله آن خداوند، خلیل خود ابراهیم علیه السلام را احترام نمود. ابراهیم سؤال کرد: سفید شدن مو برای چیست؟ خطاب شد: این وقار و بزرگواری است.» امام صادق علیه السلام فرمود: «احترام به پیرمرد مؤمن احترام به خداوند است.» و فرمود: «پیرمرد وسیله برکت و همانند پیامبر خواهد بود بین اهل خود.»

۱- (۱)البحار... قال الصادق علیه السلام : إنّ من التواضع أن یرضی الرجل بالمجلس دون المجلس و أن یسلّم علی من یلقی، و أن یترک المراء و ان کان محقّا، و لایحبّ أن یحمد علی التقوی. (المصدر ص ۱۱۸)

۲- (۲)۱۸- فضل توقیر الکبیر و الترحم علی الصغیر البحار... قال النبیّ صلی الله علیه و آله : من عرف فضل شیخ کبیر فوّقره لسنّه آمنه اللّه من فزع یوم القیامه و قال: من تعظیم اللّه عزّوجلّ إجلال ذی الشیبه المؤمن. (البحار ج ۷۵/۱۳۷)

۳- (۳)و قال صلی الله علیه و آله ... و وقّر الکبیر تکن من رفقائی یوم القیامه.و قال صلی الله علیه و آله : لیس منّا من لم یرحم صغیرنا و لم یوّقر کبیرنا. (المصدر) و قال صلی الله علیه و آله : من عرف فضل کبیر لسنّه فوّقره آمنه اللّه تعالی من فزع یوم القیامه.(المصدر) و قال الصادق علیه السلام : ما رأیت شیئا أسرع إلی شی ء من الشیب الی المؤمن و انّه وقار للمؤمن فی الدنیا و نور ساطع یوم القیامه، به وقّر اللّه خلیله إبراهیم فقال: ما هذا یاربّ؟ قال له: هذا وقار، فقال: یا ربّ زدنی وقارا، قال أبوعبداللّه علیه السلام : فمن إجلال اللّه إجلال شیبه المؤمن. (المصدر ص ۱۳۸)

(یعنی باید حرمت او را حفظ نمایند و از سخنان او پند گیرند)

۱۹- پاداش احترام به مؤمن و گناه توهین به او

(۱)احترام و اکرام به بندگان خدا احترام به خداوند است؛ چنان که توهین به آنان نیز توهین به خداوند می باشد. خداوند در قرآن می فرماید: «اهل دوزخ به وسیله توهین به مؤمنان و خندیدن به آنان از یاد خدا غافل و گرفتار عذاب شدند.» و می فرماید: «با لقب زشت یکدیگر را صدا نزنید که این عمل [اگر] پس از ایمان آوردن [انجام شود] بسیار زشت و نکوهیده است.»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند فرموده است به جنگ با من برخاسته هرکس به بنده من توهین کند، و از خشم من درامان است هرکس به بنده مؤمن من احترام نماید.»

(۲)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:«خداوند سه چیز را در سه چیز پنهان نموده است: خشنودی خود را در طاعت خود، خشم خود را در نافرمانی خود، ولیّ و دوست خود را بین خلق خود. پس هیچ طاعتی را کوچک نشمارید، شاید رضای خداوند در آن باشد؛ و هیچ معصیتی را نیز سبک نشمارید، شاید خشم خداوند در آن باشد؛ و به هیچ بنده ای ازبندگان خدا توهین نکنید، چرا که کسی نمی داند کدام آنان ولی و دوست خداوند است.»

۱- (۱)۱۹- فضل إکرام المؤمن و حرمه هتکه قال اللّه سبحانه: فاتّخذتموهم سخریا حتّی أنسوکم ذکری و کنتم منهم تضحکون إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا أنّهم هم الفائزون (مؤمنون /۱۱۰) و قال سبحانه: و لاتنابزوا بالألقاب بئس الإثم الفسوق بعد الأیمان. (الحجرات /۱۱)

۲- (۲)البحار... عن الصادق علیه السلام قال اللّه عزوجل: لیأذن بحربٍ منّی من أذلّ عبدی المؤمن، و لیأمن غضبی من أکرم عبدی المؤمن. (البحار ج ۷۵/۱۴۵) البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنّ اللّه عزّوجلّ کتم ثلاثه فی ثلاثه: کتم رضاه فی طاعته و کتم سخطه فی معصیته و کتم ولیّه فی خلقه فلایستخفّن أحدکم شیئا من الطاعات فإنّه لایدری فی أیّها رضااللّه، و لایستقلّنّ أحدکم شیئا من المعاصی فانّه لایدری فی أیّها سخط اللّه، و لایزرأنّ أحدکم بأحدمن خلق اللّه فانّه لایدری أیّهم ولیّ اللّه. (المصدرص۱۴۷)

۲۰- کیفر قهر و پاداش آشتی و گذشت

(۱)در کتاب کافی، از مفضّل نقل شده که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: «دو نفر از یکدیگر قهر نمی کنند جز آن که یکی از آنان مورد لعنت و بیزاری خداوند قرار می گیرد و بسا هر دو مستحق لعنت و بیزاری واقع می شوند.» یکی از اصحاب آن حضرت گفت: فدای شما شوم، ظالم چنین می شود، مظلوم برای چه؟ امام علیه السلام فرمود: «او نیز به علت آشتی نکردن و [یا] کوتاه نیامدن و تغافل نکردن مستحق لعنت و بیزاری خداوند واقع می شود.» سپس فرمود: «از پدرم (امام باقر علیه السلام) شنیدم می فرمود: هنگامی که دونفر با هم نزاع می کنند و یکی از آنان به دیگری ظلم می کند باید مظلوم نزد ظالم برود و راه آشتی را باز نماید تا جایی که به او بگوید: ای برادر! من به تو ستم نموده ام! تا جدایی به آشتی و دوستی تبدیل شود، چرا که خداوند حاکم عادل است و حق مظلوم را از ظالم خواهد گرفت.»

۲۱- گناه غیبت و بدگویی از مردم

(۲)خداوند در قرآن می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها بپرهیزید و از عیب دیگران تجسّس نکنید و غیبت همدیگر را ننمایید. آیا

۱- (۱)۲۰- حرمه الهجران و فضل السبق إلی المواده الکافی... عن المفضّل قال: سمعت أباعبداللّه علیه السلام یقول: لایفترق رجلان علی الهجران إلاّ استوجب أحدهما البرائه و اللعنه، و ربّما إستحقّ ذلک کلاهما، فقال له معتّب: جعلنی اللّه فداک هذا الظالم فما بال المظلوم؟ قال: لأنّه لایدعو أخاه إلی صلته، و لایتغامس له عن کلامه، سمعت أبی یقول: إذا تنارع إثنان فعازّ أحدهما الأخر فلیرجع المظلوم إلی صاحبه حتّی یقول لصاحبه: أی أخی أنا الظالم حتّی یقطع الهجران بینه و بین صاحبه. فانّ اللّه تبارک و تعالی حکم عدل یأخذ للمظلوم من الظالم. (الکافی ج ۲/۳۴۴) الکافی... عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لاهجره فوق ثلاث. (المصدر) الکافی... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله أیّما مسلمین تهاجرا فمکثا ثلاثا لایصطلحان إلاّ کانا خارجین عن الإسلام، و لم یکن بینهما و لایه، فایّهما سبق الی کلام أخیه کان السابق الی الجنّه یوم الحساب. (المصدر ص ۳۴۵)

۲- (۲)۲۱- حرمه الغیبه و کفّاره الإغتیاب قال اللّه سبحانه: یا أیّها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظنّ إنّ بعض الظّن إثم و لاتجسّسوا و لایغتب بعضکم بعضا أیحبّ أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتا فکرهتموه و اتّقوا اللّه إن اللّه توّاب رحیم. (الحجرات/۱۲) البحار... عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: إعلم أنّه لاورع أنفع من تجنّب محارم اللّه، و الکفّ عن أذی المؤمنین، و إغتیابهم. (البحار ج ۷۵/۲۵۳)

یکی از شـما دوسـت می دارد کـه گـوشت مرده برادر خـود را بخـورد؟ پس چـون از آن کراهت داریـد [غیبت برادر خـود را نکنید] از خدا بترسید. همانا خداوند توّاب و رحیم است.

امام صادق علیه السـلام می فرمایـد: «هیچ پرهیزی بهتر و سودمندتر از پرهیز از محرّمات و خودداری از آزار به مؤمنین و غیبت از آنان نیست.»

(۱)رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «هرکس از آبروی برادر مؤمن خود دفـاع کنـد و مانع غیبت از او شود بهشت برای او واجب خواهـد شـد و فرمود:غیبت از زنـا بـدتر است؛ چرا که زنا کار توبه میکنـد و بخشوده می گردد، ولی توبه غیبت کننده پذیرفته نمی شود تا صاحب غیبت او را حلال کند.»

و فرمود: «کفاره غیبت این است که [هر وقت به یادآن افتادی] برای صاحب آن استغفار نمایی.»

۲۲- گناه اسراف و تبذیر

(۲)اسراف مصرف بی جا و زیاده روی در مصرف است و تبذیر از بین بردن و هدر دادن نعمت های خداوند است. خداوند در قرآن می فرماید: «بخورید و

۱- (۱)البحـار... قـال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : من ردّ عن عرض أخیه المسـلم وجبت له الجنّه البتّه. (المصـدر ص ۲۵۴) البحار... قال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : الغیبه أشـدّ من الزنا، فقیل: یا رسول الله ولم ذلک؟ قال: صاحب الزنا یتوب فیتوب اللّه علیه، و صـاحب الغیبه یتوب فلاـ یتوب اللّه علیه حتّی یکون صاحبه الـذی یحلّه. (المصـدر ص ۲۴۲) البحار... قال رسول الله صلی الله علیـه و آلـه : کفّاره الإغتیـاب أن تسـتغفر لمن إغتبته. (المصـدر ص ۲۵۳) اقول: روی العلاّـمه المجلسـی عن عـدّه من العلماء رحمهم اللّه: أنّ الغیبه اذا بلغت المغتاب وجب الاستحلال منه و ان لم تبلغه لم یجب الإستحلال منه و یجب الندم و التوبه فی کلاهما.

۲- (۲)۲۲- حرمه الإسـراف و التبذیر قال اللّه سبحانه: و کلوا و اشربوا - و لاتسرفوا إنّه لایحبّ المسرفین. (انعام ۱/۱۴۱ - اعراب /۳۱) و قال سبحانه: و لاتبذّر تبذیرا إنّ المبذّرین کانوا إخوان الشیاطین و کان الشیطان لرّبه کفورا - و لاتجعل یدک مغلولهً الی عنقک و لاتبسطها کلّ البسط فتقعد ملوما محسورا. (الأسرا /۲۶-۲۹)

بیاشامید و [لکن] اسراف نکنید. خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی دارد.»

و می فرماید: «تبذیر مکن که تبذیر کنندگان برادران شیطان هستند و شیطان نعمت های خدا را کفران نمود.»

و می فرمایـد: «[از بخـل] دست خود را به گردن نیـاویز و در انفـاق نیز تمام آنچه داری را در راه خـدا مـده تا گرفتار ملامت و حسرت نشوی.»

(۱)امام صادق علیه السلام فرمود: «انفاق در غیر راه خدا تبذیر است و انفاق در راه خیر اقتصاد و میانه روی است.»

و فرمود: «از خدا بترس و اسراف مکن و سختگیر نیز مباش بلکه مقتصد و معتدل باش.»

امیرالمؤمنین علیه السـلام فرمود: «نشانه های اسراف کننده سه چیز است: ۱- خوراک او در شأن او نیست؛ ۲- لباس او در شأن او نیست؛ ۳- چیزهایی تهیه می کند که در شأن او نیست.

۱- (۱)قـال الصـادق علیه السـلام : من أنفق شـیئا فی غیرطـاعه اللّه فهو مبـذّر، و من انفق فی سبیل الخیر فهو مقتصـد. (البحار ج ۷۵/۳۰۲) و قـال علیه السـلام : إتّق اللّه و لاتسـرف ولاـتقتر، وکن بین ذلک قواما. (المصـدر ص ۳۰۳) و قـال أمیرالمؤمنین علیه السـلام : للمسرف ثلاث علامات: یأکل مالیس له، ویلبس مالیس له، و یشتری مالیس له. (المصدر) و قال الصادق علیه السلام : أتری اللّه أعطی من أعطی من کرامته علیه و منع من منع من هوان به علیه؟ لاـ ولکنّ المـال مال اللّه یضـعه عنـدالرجل و دایع و جوزّ لهم ان یأکلوا قصدا... (المصدر ص ۳۰۵)

آداب زندگی در اسلام

اشاره

ص: ۲۲۰

شیرینی و طراوت زندگی

برای تشکیل یک خانواده سالم و با ارزش - چنان که گذشت - رعایت دستورات زندگی و حقوق متقابل زن و شوهر ضروری است. هرکدام از زن و مرد باید پیش از آغاز زندگی مشترک و تشکیل خانواده وظایف لازم و آداب زندگی و زناشویی را بدانند تااین که حقوق همدیگر را ضایع نکنند و فرزندانی که از آنان به وجود می آید نیز سالم باشند و با تربیت های اخلاقی رشد نمایند و از کودکی تربیت های صحیح را بیاموزند و بر هر کدام از زن و مرد و فرزندان خانواده نیز لازم است که برای رسیدن به یک زندگی سالم و با برکت، آداب و دستورالعمل های لازم را در ابعاد گوناگون زندگی بدانند و با رعایت آن آداب، شیرینی و طراوت و برکت زندگی خود را بچشند. از این رو، در این بخش نیز آداب زندگی اسلامی در حد نیاز یک خانواده، به طور مختصر آورده می شود. البته آنچه در این بخش آمده، همانند بخش گذشته، ترجمه و توضیح سخنان معصومین علیهماالسلام می باشد که از کتب معتبر گرفته شده است.

۱- سلام و احترام به برادران و خواهران مسلمان

خداوند در سوره نور می فرماید: «هنگامی که وارد خانه ها [و...] می شوید بر برادران مسلمان خودسلام کنید که آن تحیّت مبارك و پاکی است که خداوند به آن امر نموده. این چنین خداوند آیات خود را بر شما بیان می نماید تا شاید شما [در اسرار آن] تعقل نمایید.»

(۱)و در سوره نساء می فرماید: «هنگامی که بر شما سلام و تحیّت فرستاده شد

۱- (۱)۱- فضل السلام قبل الکلام قال اللّه سبحانه: فاذا دخلتم بیوتا فسلّموا علی أنفسکم تحیّه من عنداللّه مبارکهً طیّبه کذلک یبیّن اللّه لکم الآیات لعّلکم تعقلون. (نور/۶۱) و قال سبحانه: و إذا حییّتم بتحیّه فحیوّا بأحسن منها أوردّوهان إنّ اللّه کان علی کلّ شی ءٍ حسیبا. (نساء /۸۶)

شما نیز بهتر از آن و یا همانند آن را پاسخ دهید. همانا خداوند بر حساب هرچیزی آگاه است.»

(۱)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که با شما بدون سلام وارد سخن شود پاسخ او را ندهید.»

و فرمود: «بخیل ترین مردم کسی است که از سلام کردن بخل ورزد.»

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «برای سلام هفتاد پاداش است و شصت ونه پاداش آن مربوط به سلام کننده است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به وسیله سلام با یکدیگر وداع و خداحافظی کنید.» و فرمود: «با صدای بلند بر یکدیگر سلام کنید تا سلامت را بیابید.» و فرمود: «سخن نیک و شروع در سلام وسیله آمرزش است.»

۲- اجازه ورود به اتاق پدر و مادر

(۲)علی بن ابراهیم قمی در تفسیر آیه «یا ایّها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکت ایمانکم... ثلث عورات لکم» می فرماید: «خداوند نهی نموده که بدون اجازه، بعد از طلوع فجر و بعد از ظهر و بعد از نماز عشا کسی وارد اتاق پدر و مادر و خواهر و مادر شود و در غیر این اوقات که اوقات خلوت با همسر محسوب می شود بدون اجازه وارد شدن مانعی ندارد.»

۱- (۱)البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من بدأ بالکلام قبل السلام،فلا تجیبوه. (البحار ج ۷۶/۳) و قال صلی الله علیه و آله : و إنّ ابخل الناس من بخل بالسلام. (المصدر ص ۴) و البحار... قال علی علیه السلام : السلام سبعون حسنه تسعه و تسعوّن للمبتدی و واحده للرّاد. (المصدر ص۱۱) البحار قال النبیّ صلی الله علیه و آله : إذا قام أحدکم من مجلسه فیلوّدعهم بالسلام و قال: أفشوا السلام تسلموا. (المصدر) و قال صلی الله علیه و آله : إنّ من موجبات المغفره بذل السلام و حسن الکلام. (المصدر)

۲- (۲)۲- آداب الدخول علی الوالدین قال اللّه سبحانه: یا أیها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکت أیمانکم و قال سبحانه: یا أیّها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوت النبیّ إلاّ أن یؤذن لکم (الأحزاب/۵۴) البحار... عن الصادق علیه السلام قال: الإِستیذان ثلثه أولّهنّ یسمعون، و الثانیه یحذرون و الثالثه إن شاؤا أذنوا و إن شاؤا لم یفعلوا فیرجع المستأذن. (البحار ج ۷۶/۱۴)

امام صادق علیه السلام فرمود: «برای وارد شدن به خانه سه مرتبه باید اجازه گرفته شود:۱- برای شنیدن صاحب خانه ؛ ۲- آماده شدن اهل خانه؛ ۳- اگر مایل بودند اجازه ورود بدهند و الّا اجازه گیرنده باید بازگردد.»

(۱)امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله اجازه ورود خواستم. آن حضرت اجازه دادند و چون من وارد شدم، فرمودند: یا علی!مگر نمی دانی خانه من خانه تو نیز می باشد؟ برای چه اجازه گرفتی؟ گفتم: یا رسول اللّه! دوست داشتم با اجازه وارد شوم. فرمود: آنچه خدا دوست می دارد دوست داشتی و به آدابی که او دستور داده عمل کردی.»

۳- احوالپرسی و پند و اندرز

در پاره ای از سخنان معصومین علیهم السلام در قالب احوالپرسی حقایق و نصایح زیبایی بیان شده برای نمونه به برخی از آنها اشاره می شود.

(۲)به حضرت زین العابدین علیه السلام گفته شد: کیف اصبحت؟ (حال شما چگونه است؟) امام علیه السلام فرمود: من خود را مقابل هشت طلبکار می بینم: ۱- خداوند واجبات خود را می طلبد؛ ۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله سنّت دین خود را می طلبد؛ ۳- عیال قوت خود را طلب می کنند؛ ۴- نفس از من شهوت طلب می کند؛ ۵- شیطان معصیت می طلبد؛ ۶- دو ملک حافظ اعمال، صدق عمل از من می طلبند؛ ۷- ملک الموت روح من را می طلبد؛ ۸- قبر جسد من را می طلبد، و من در مقابل اینها قرارگرفته ام.»

(۳)به حضرت امام حسین علیه السلام گفته شد: حال شما چگونه است؟ فرمود: «من

۱- (۱)البحار... قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : دخلت علی النبیّ صلی الله علیه و آله و هو فی بعض حجراته فاستأذنت علیه فأذن لی فلّما دخلت قال لی: یا علی أما علمت أنّ بیتی بیتک فمالک تستأذن علیّ؟ قال: فقلت: یا رسول اللّه أحببت أن أفعل ذلک قال: یا علیّ أحببت ما احبّ اللّه وأخذت بآداب اللّه الخبر (المصدر ص۱۵)

۲- (۲)۳- الجواب عن قول القائل کیف أصبحت البحار... قیل لعلیّ بن الحسین علیهماالسلام : کیف أصبحت یابن رسول اللّه؟ فقال: أصبحت مطلوبا بثمان خصال: اللّه تعالی یطلبنی بالفرایض، و النبیّ صلی الله علیه و آله بالسنّه، و العیال بالقوت، و النفس بالشهوه، و الشیطان بالمعصیه، و الحافظان بصدق العمل، و ملک الموت بالروح، و القبر بالجسد، فانابین هذه الخصال مطلوب. (البحار ج ۷۶/۱۵)

۳- (۳)البحار... قیل للحسین بن علیّ علیهماالسلام : کیف أصبحت یابن رسول اللّه؟ فقال: أصبحت ولی ربّ فوقی، و النار أمامی، و الموت یطلبنی، و الحساب محدق بی، و أنا مرتهن بعملی، لاأجد ما أحبّ و لا أدفع ما أکره، و الأمور بید غیری، فإن شاء عذبّنی، و إن شاء عفی، فأیّ فقیر أفقر منیّ؟ و قال علیه السلام : قلت لأمیرالمؤمنین علیه السلام : کیف أصبحت؟ فقال: کیف یصبح من کان للّه علیه حافظان، و علم أنّ خطایاه مکتوبه فی الدیوان، ان لم یرحمه ربّه فمرجعه إلی النیران؟ (البحار ج

صبح کردم در حالی که خدا را بالای سر خود، و آتش را مقابل خود، و مرگ را در انتظار خود، و حساب را در پیش خود، و خویش را در گرو اعمال خود یافتم. به آنچه میل من هست دست نمی یابم و از آنچه کراهت دارم نمی توانم دور شوم. امور خود را در دست دیگری می بینم. او اگر بخواهد مرا عذاب می کند و اگر بخواهد می بخشد. کدام فقیری از من فقیرتر است؟ سپس فرمود: «به پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام گفتم: حال شما چگونه است؟ پدرم فرمود: چگونه می تواند باشد حال کسی که از طرف خداوند دو نگهبان دارد، و گناهان او در دفتری ثبت می شود، اگر خدا به او ترّحم نکند بازگشت او به دوزخ خواهد بود.»

۴- پاداش سلام و مصافحه (دست دادن) و معانقه (در آغوش گرفتن)

(۱)از اخلاق شریفه و آداب نیکوی اسلامی مصافحه و دست دادن به برادران دینی است که نشانه محبت و وسیله آمرزش گناهان است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «مؤمن چون با برادر مؤمن خوددست می دهد، گناهان هردو بخشوده می گردد.»

(۲)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که با یکدیگر ملاقات می کنید با سلام و مصافحه ملاقات کنید و چون از هم جدا می شوید برای یکدیگر طلب مغفرت کنید.»

(۳)امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که دو نفر مؤمن بایکدیگر ملاقات می کنند و

ص: ۲۲۴

۱- (۱)۴- فضل المصافحه و المعانقه البحار... قال ابوجعفر علیه السلام : إنّ المؤمن إذا صافح المؤمن تفرقّا من غیر ذنبٍ.(البحار ج ۷۶/۲۰)

۲- (۲)البحار... قال و قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إذا تلاقیتم فتلاقوا بالتسلیم و التصافح و إذا تفرّقتم فتفرّقوا بالإستغفار (المصدر)

۳- (۳)البحار... و قال الباقر علیه السلام : إنّ المؤمنین إذا التقیا فتصافحا أقبل اللّه عزّوجلّ علیهما بوجهه و تساقطت عنهما الذنوب کما تتساقط الورق عن الشجر.(المصدر ص ۲۵)

مصافحه می نمایند خداوند نظر رحمت به آنان می افکند و گناهان آنها مانند برگ درخت در فصل خزان می ریزد.»

(۱)و فرمود: «هنگامی که دو نفربا یکدیگر مصافحه می کنند. آن که دیرتر دست خود را می کشد پاداش بیشتری دارد و گناهانشان برطرف می شود تا جایی که یک گناه بر آنها نمی ماند.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله با هر که مصافحه می نمود دست خود را نمی کشید تا او دست خود را بکشد.»

۵- پاداش زیارت و بوسیدن پیشانی مؤمن

(۲)امام باقر و امام صادق علیهماالسلام فرموده اند: «هر مؤمنی که به زیارت برادر خود برود و حق او را شناخته باشد خداوند به هر قدمی که بر می دارد حسنه ای به او می دهد و گناهی از او محو می کند و درجه ای بر او می افزاید و چون در خانه او را می زنند درهای آسمان بر روی او گشوده می شود و چون یکدیگر را ملاقات می کنند و مصافحه ومعانقه می نمایند خداوندنظر رحمت به آنان می افکند وبر ملائکه خود مباهات می نماید و می فرماید: به این دو بنده من بنگرید که برای من همدیگر را زیارت نموده و دوست می دارند و بر من واجب است که آنان را بعد از این به آتش

۱- (۱)البحار... و قال الباقر علیه السلام : إذا صافح الرجل صاحبه فالذی یلزم التصافح اعظم اجرا من الذی یدع ألا و إنّ الذنوب لتتحات فیما بینهم حتّی لایبقی ذنب. (المصدر ص ۲۸) البحار... قال الصادق علیه السلام : ما صافح رسول الله صلی الله علیه و آله رجلاً قطّ فنزع یده حتّی یکون هوالذی ینزع یده منه. (المصدر ص ۳۰)

۲- (۲)۵- فضل زیاره المؤمن الکافی... عن أبی جعفر وأبی عبداللّه علیهماالسلام قالا: أیّما مؤمن خرج إلی أخیه یزوره عارفا بحقّه کتب اللّه له بکلّ خطوٍ حسنه و محیت عنه سیئه، و رفعت له درجه فإذا طرّق الباب فتحت له أبواب السماء فإذا التقیا و تصافحا و تعانقا أقبل اللّه علیهما بوجهه، ثمّ باهی بهما الملائکه فیقول: أنظروا إلی عبدیّ تزاورا و تحابّا فیَّ حقّ علیّ ألاّ أعذّبهما بالنار بعدذا الموقف، فاذا انصرف شیّعه ملائکه عدد نفسه و خطاه و کلامه یحفظونه عن بلاء الدنیا و بوائق الآخره إلی مثل تلک اللیله من قابل فإن مات فیما بینهما أعفی من الحساب، و ان کان المزور یعرف من حقّ الزایر ما عرفه الزائر من حقّ المزور کان له مثل أجره.(الکافی ج ۲/۱۸۳ البحار ج ۷۶/۳۴)

عذاب نکنم.

و چون دیدار تمام شود و زایر به خانه خود باز گردد به اندازه نفس ها و گام ها و سخنان او با برادر خود ملائکه او را بدرقه می کنند و او رااز بلای دنیا و گرفتاری های قیامت تا سال آینده حفظ می نمایند و اگر در بین سال از دنیا برود از حساب قیامت معاف خواهد بود و اگر برادر او نیز حق او را شناخته باشد همین پاداش را خواهد داشت.»

(۱)امام صادق علیه السلام فرمود: «سر و دست کسی را نباید بوسید جز رسول خدا صلی الله علیه و آله و یا کسی که به احترام رسول خدا صلی الله علیه و آله سر و یا دست او را می بوسند.»

۶- آداب عطسه و تحیّت آن

(۲)امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که انسان عطسه می کند اگر بگوید: «الحمدللّه» دو ملک همراه او می گویند: «ربّ العالمین کثیرا لاشریک له» و اگر این را نیز بگوید، آنها می گویند: «و صلیّ اللّه علی محمد». اگر این را نیز بگوید آنها می گویند: «و علی آل محمد» و اگر این رانیز بگوید، آنها می گویند: «رحمک اللّه»

(۳)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر کسی مشغول سخن باشد و دیگری عطسه کند عطسه او شاهد حقانیت سخن اوست.» و فرمود: عطسه مریض دلیل سلامتی و راحت بدن اوست.»

(۴)امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هنگامی که کسی عطسه می کند به او بگویید:

۱- (۱)الکافی... عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: لایقبل رأس أحدٍ ولایده إلاّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله أو من أرید به رسول اللّه صلی الله علیه و آله . (الکافی ج ۲/۱۸۵ البحار ج ۷۶/۳۷)

۲- (۲)۶-العطاس و آدابه البحار... قال الصادق علیه السلام : إذا عطس الإنسان فقال: «الحمد للّه» قال الملکان الموکلان به: «ربّ العالمین کثیرا لاشریک له» فإن قالها العبد قال الملکان: وصلّی اللّه علی محمّد» فإن قالها العبد قالا: «و علی آل محمّد» فإن قالها العبد قال الملکان: «رحمک اللّه».

۳- (۳)البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إذا کان الرجل یتحدّث فعطس عاطس فهو شاهد حقّ. و قال صلی الله علیه و آله : العطاس للمریض دلیل علی العافیه، و راحه للبدن.

۴- (۴)البحار... قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : إذا عطس أحدکم فسمّتوه: قولوا: یرحمکم اللّه و یقول هو لکم: یغفراللّه لکم و یرحمکم. قال اللّه تبارک و تعالی: «و إذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا بأحسن منها أو ردّوها. (البحار ج ۷۶/۵۴)

«یرحمکم اللّه» و او باید در پاسخ شما بگوید: «یغفرالله لکم ویرحمکم» چنانکه خداوند فرموده: «و اذا حییتم بتحیهٍ فحیّوا بأحسن منها او ردّوها».»

(۱)خادم حضرت عسگری علیه السلام می گوید: خدمت امام زمان علیه السلام بودم و چون عطسه نمودم به من فرمود: «یرحمک اللّه» پس من خشنود شدم و آن حضرت فرمود: «تو را بشارت بدهم؟» گفتم: آری. فرمود: «عطسه امان از مرگ است تا سه روز.»

۷- آداب آروغ زدن و آب بینی و دهان انداختن

(۲)از روایات ظاهر می شود که آروغ زدن به دلیل امتلا و سنگینی معده است و هرکس در دنیا بیشتر شکم خود را پر کرده باشد در قیامت گرسنه تر خواهد بود و در روایتی آمده که صدای آروغ خود را بلند نکنید و بعد از آن «الحمدللّه» بگویید که آن از نعمت های خداوند است.

(۳)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که یکی از شما آروغ می زند و یا آب دهان می اندازد صدای خود را بالا نبرد و آروغ از نعمت های خداست پس باید حمد خدا را به جا آورد.»

(۴)امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «آب دهان را به طرف قبله نینداز و اگر از روی فراموشی چنین کردی استغفار کن.»

۱- (۱)البحار... قالت نسیم خادم أبی محمد علیه السلام : قال لی صاحب الزمان علیه السلام و قد دخلت علیه بعد مولده بلیله فعطست عنده فقال لی: یرحمک اللّه ففرحت بذلک فقال لی: ألا أبشرک فی العطاس؟ فقلت: بلی قال: هو أمان من الموت ثلثه أیّام. (البحار، ج ۵۱/۵)

۲- (۲)۷- آداب التجشّأ و التبصّق البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إذا تجشّأ أحدکم فلا یرفع جشاءه إلی السماء و لا إذا بزق، و الجشاء نعمه من اللّه جلّ و عزّ، فإذا تجشأ أحدکم فلیحمد اللّه. (البحار ج ۷۶/۵۴)

۳- (۳)البحار... عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: سمع رسول اللّه صلی الله علیه و آله رجلاً یتجشّأ فقال: یاعبداللّه قصّر من جشائک فإنّ أطول الناس جوعا یوم القیامه أکثرهم شبعا فی الدنیا. (المصدر ص ۵۷)

۴- (۴)البحار... قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : لایتفل المؤمن فی القبله فإن فعل ذلک ناسیا فلیستغفراللّه عزّوجلّ منه. (المصدر)

۸- مزاح و خنده و شیرینی سخن

از روایات استفاده می شود که مؤمن خنده رو و شیرین سخن و اهل مطایبه و مزاح است، ولی از مزاح و شوحی زیاد پرهیز می کند.

(۱)رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «مزاح و شوخ زیاد آبرو را می برد و خنده زیاد ایمان را محو و نابود می کند و دروغ زیاد ارزش و آبروی انسان را ضایع می نماید.»

(۲)امام صادق علیه السلام فرمود: «داود به سلیمان علیهماالسلام فرمود: فرزند عزیزم، از خنده زیاد پرهیز کن که خنده زیاد موجب فقر انسان در قیامت است.»

(۳)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از خنده زیاد پرهیز کن که قلب را می میراند.»

(۴)امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هیچ مردی مزاح نمی کند جز آن که از عقل او کاسته می شود.» و در وصیّت خود به امام حسن علیه السلام فرمود: «بپرهیز از سخنی که موجب خنده شود؛ گرچه آن سخن را از دیگری نقل کنی.»

۹- سنّت های ابراهیمی و محمدی صلی الله علیه و آله در نظافت

(۵)از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: «سنت های حنیفیّه ابراهیمی که

۱- (۱)۸- کثره المزاح و الضحک البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : کثره المزاح تذهب بماء الوجه، و کثره الضحک تمحوالایمان، و کثره الکذب تذهب بالبهاء. (البحار ج ۷۶/۵۸)

۲- (۲)البحار... عن الصادق عن أبیه علیهماالسلام قال: قال داود لسلیمان علیهماالسلام : یا بنیّ إیّاک و کثره الضحک، فإنّ کثره الضحک تترک العبد فقیرا یوم القیامه. (المصدر)

۳- (۳)البحار... فیما أوصی به النبیّ صلی الله علیه و آله إلی أبی ذرّ: عجبت لمن أیقن بالنارِ لمَ یضحک؟ و قال صلی الله علیه و آله : إیاک و کثره الضحک فإنّه یمیت القلب. (المصدر ص ۵۹)

۴- (۴)نهج البلاغه: قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : ما مزح رجل مزحهً إلاّ مجّ من عقله مجّهً. (المصدر ص ۶۰) و قال علیه السلام فی وصیّته للحسن علیه السلام : إیّاک أن تذکر من الکلام ما کان مضحکا و إن حکیت ذلک من غیرک. (المصدر)

۵- (۵)۹- السنن الحنیفیّه البحار... قال الرضا علیه السلام : أمّا السنن الحنیفیّه التی قال اللّه عزّوجلّ لنبیّه صلی الله علیه و آله : «واتبّع ملّه إبراهیم حنیفا، فهی عشره سنن خمسه فی الرأس و خمسه فی الجسد فأمّا التّی فی الرأس: فالمسواک، و اخذ الشارب، و فرق الشعر، و المضمضه، و الإستنشاق، و أمّیا التی فی الجسد، فالختان، و حلق العانه، و نتف الإبطین، و تقلیم الأظفار، و الإستنجاء. (البحار ج ۷۶/۶۷ الخصال ج ۱/۱۳۰)

خداوند در قرآن به پیامبر خود صلی الله علیه و آله فرموده: «و اتبّع ملّه ابراهیم حنیفا» ده چیز است که پنج چیز آن مربوط به سر انسان است و پنج چیز آن مربوط به بقیه بدن است. آنچه مربوط به سر می باشد: مسواک، کوتاه کردن شارب، تنظیم موی سر، مضمضه واستنشاق است. و آنچه مربوط به بقیه بدن است: ختنه کردن، برطرف نمودن موی اطراف عورت، برطرف نمودن موی زیر بغل، گرفتن ناخن، و استنجاء، یعنی شستن خود بعد از رفتن به دستشویی است که در آیین حضرت ابراهیم علیه السلام بوده و تا قیامت نیز جزء آیین پیامبران می باشد.»

(۱)و در کتاب طبّ الائمه، از حضرت ابی الحسن یعنی موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که فرمود: «ناخن های خود را روز سه شنبه بگیرید، و روز چهارشنبه حجامت کنید، و روز پنج شنبه حمام بروید، و بهترین بوی خوش را روز جمعه مصرف کنید.»

(۲)امام صادق علیه السلام فرمود: «من دوست ندارم مسلمانی از دنیا برود و خصلتی از خصلت های رسول خدا صلی الله علیه و آله را انجام نداده باشد.»

۱۰- نگهداشتن محاسن و برطرف نمودن موهای دیگر بدن

(۳)امام صادق علیه السلام می فرماید: «گرفتن ناخن و کوتاه کردن شارب از جمعه تا جمعه از جذام جلوگیری می نماید.»

(۴)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که ناخن و شارب خود را روز شنبه و پنجشنبه

۱- (۱)البحار عن مکارالاخلاق عن طبّ الائمّه علیهم السلام عن أبی الحسن علیه السلام قال: قلّموا أظفارکم یوم الثلثاء، و احتجموا یوم (۲)الأربعاء، و أصیبوا من الحمام حاجتکم یوم الخمیس، و تطیّبوا بأطیب طیبکم یوم الجمعه. (المصدر ص ۷۹) البحار... عن الصادق علیه السلام قال: إنّی لأکره للرجل أن یموت و قد بقیت خلّه من خلال رسول اللّه صلی الله علیه و آله لم یأت بها. (المصدر ص ۶۷)(۳)۱۰- أخذ الشارب و إعفاء اللحی البحار... عن أبی عبداللّه علیه السلام قال: تقلیم الأظفار و أخذ الشارب من الجمعه إلی الجمعه أمان من الجذام.(البحار ج ۷۶/۱۱۰) البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من قلّم أظفاره یوم السبت و یوم الخمیس، و أخذ من شاربه عوفی من وجع (۴)الأضراس و وجع العین. (المصدر) البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لا یطولنّ احدکم شاربه، و لاعانته، ولاشعرإبطه، فإنّ الشیطان یتّخذها مخابی یستتربها. (المصدر ص ۱۱۱)

بگیرد از درد دندان و چشم درامان خواهد بود.» و فرمود: «نباید کسی موی شارب و عانه و زیر بغل را رها کند؛ چرا که شیطان بین آنها پنهان می شود.»

(۱)امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «عده ای از مردم که ریش خود را می تراشند و شارب و سبیل را بلند می گذارند لشکر مروان [دشمن رسول خدا صلی الله علیه و آله] می باشند.»

(۲)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آتش پرستان و مجوس محاسن خود را می تراشند و سبیل خود را بلند می گذارند [لکن] ما سبیل (شارب) را کوتاه می کنیم و محاسن را بلند می گذاریم و این مطابق فطرت انسان است.»

(۳)امام صادق علیه السلام فرمود: «محاسن [و موی صورت] اگر بیش از یک قبضه (گرفتن دست) باشد باید کوتاه شود.»

۱۱- آداب ناخن گرفتن

(۴)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس در روز جمعه ناخن بگیرد خداوند درد را از انگشتان او خارج و دارو را در آنها وارد می کند.»

(۵)امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس ناخن های خود را روز پنج شنبه بگیرد و یک ناخن را برای جمعه باقی گذارد فقر از او دور می شود.»

(۶)امام باقر علیه السلام فرمود: «هرکس در هر جمعه ناخن ها و شارب خود را بگیرد و

۱- (۱)البحار... قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : أقوام حلقوا اللحی و فتلوا الشوارب هم جند مروان. (المصدر ص ۱۱۲)

۲- (۲)البحار... قال النبیّ صلی الله علیه و آله : إنّ المجوس جزوّا لحاهم و وفّروا شواربهم، و انّا نحن بخزّ الشوارب و نعفی اللحی، و هی الفطره. (المصدر ص ۱۱۲)

۳- (۳)البحار... قال الصادق علیه السلام : تقبض بیدک علی اللحیه و تجزّ ما فضل. (المصدر ص)۱۱۳

۴- (۴)۱۱- فضل تقلیم الأظفار البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من قلّم أظفاره یوم الجمعه أخرج اللّه من أنامله الداء و أدخل فیه الدواء. (البحار ج ۷۶/۱۲۰)

۵- (۵)البحار... قال أبوعبداللّه علیه السلام : من قصّ أظافیره یوم الخمیس و ترک واحدهً لیوم الجمعه نفی اللّه عنه الفقر. (المصدر)

۶- (۶)البحار... عن أبی جعفر علیه السلام : من أخذ أظفاره و شاربه کلّ جمعه و قال حین یأخذه: بسم اللّه و باللّه و علی سنّه محمّد و آل محمّد» لم یسقط منه قلامه و لاجزازه إلاّ کتب اللّه له بها عتق رقبه، و لم یمرض إلاّ المرضه التی یموت فیها. (المصدر ص ۱۲۳)

بگویـد: «بسم الله و باللّه و علی سـنه محمد و آل محمد» به عدد هر مو و هر ریزه ناخن خداوند پاداش آزاد کردن بنده ای را به او می دهد و جز مریضی مرگ بیماری دیگری پیدا نمی کند.»

(۱)مرحـوم صـدوق می فرمایـد: پـدرم به من وصـیت نمود: برای گرفتن نـاخن از انگشت کوچـک دست چپ شـروع کن و به انگشت کوچک دست راست خود ختم کن. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مو و دندان و ناخن و خون را دفن کنید.»

۱۲- پاداش مسواک و پاکیزه کردن دهان

(۲)رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: «اگر برای امت من مشقت نبود بر آنان واجب می کردم که برای هر نمازی مسواک کنند.»

(۳)امـام صـادق علیه السـلام فرمود: «هنگامی که برای نماز شب حرکت می کنی مسواک کن؛ چرا که ملک مأمور به اعمال و عبادات دهان خود را بر دهان تو می گذارد و آنچه تو می خوانی او به آسمان می برد. پس باید دهان تو پاکیزه باشد.»

(۴)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مسواک دوازده فایده دارد: ۱- پاک کننده دهان است؛

۱- (۱)البحـار... قـال الصـدوق رحمـه اللّه: قـال أبی رضـی اللّه عنه فی وصـیّته إلیّ: قلّم أظفـارک، و خـذ من شاربـک، و ابـدء بخنصرک من یدک الیسری، واختم بخنصرک من یدک الیمنی. (المصدر ص ۱۲۱)

۲- (۲)البحار... قال أبوعبـداللّه علیه السـلام : أمرنا رسول اللّه صـلی الله علیه و آله بـدفن أربعه: الشـعر، و السنّ، و الظفر، و الدم. (المصدر ص ۱۲۵)

۳- (۳)۱۲- فضل السواک البحار... عن أبی جعفر علیه السـلام قال: قال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : لولا أن أشقّ علی أمتّی لأمرتهم بالسواک مع کلّ صـلاهٍ. (البحار ج ۷۶/۱۲۶) البحار... قال أبوعبداللّه علیه السـلام : إذا قمت باللیل فاسـتک فإنّ الملک یأتیـک فیضـع فـاه علی فیـک، فلیس مـن حرف تتلوه وتنطق به الاّـ صـعد به الی السـماء فلیکن فـوک طیّب الریـح. (البحـار ج ۷۶/۱۲۶)

۴- (۴)البحار... قال النبیّ صـلی الله علیه و آله : فی السواک إثنتا عشـره خصـله: مطهره للفم، و مرضاه للربّ، و یبیّض الأسنان، و یـذهب بالحفر، و یقلّل البلغم، و یشـهّی الطعام، و یضاعف الحسـنات، و تصاب به السـنّه، و تحضـره الملائکه، و یشدّ اللثه، و هو یمرّ بطریقه القرآن، و رکعتین بسواک أحبّ إلی اللّه عزّوجلّ من سبعین رکعه بغیر سواک. (المصدر ص ۱۲۹)

۲- موجب خشنودی خداست؛ ۳- دندان ها را سفید می کند؛ ۴- جرم دندان را برطرف می نماید؛ ۵- بلغم را کم می کند؛ ۶- اشتهای غذا می آورد؛ ۷- پاداش عبادات را دو چندان می کند؛ ۸- به سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می شود؛ ۹- ملائکه نزد مسواک کننده حاضر می شوند؛ ۱۰- لثه ها را محکم می کند؛ ۱۱- راه قرائت قرآن را پاکیزه می کند؛ ۱۲- دو رکعت نماز با مسواک نزد خداوند بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک است.»

۱۳- پاداش استعمال عطر و بوی خوش

(۱)امام صادق علیه السلام می فرماید: «عطر از سنّت های پیامبران علیهم السلام است.»

(۲)رسول اللّه صلی الله علیه و آله فرمود: «بوی خوش قلب را قوی و قدرت جماع را زیاد می کند.»

(۳)امام کاظم علیه السلام فرمود: «سزاوار نیست در هر روزی عطر استعمال نشود و اگر ممکن نبود یک روز در میان و اگر ممکن نبود در هر جمعه ترک نشود.»

(۴)امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بوی خوش در شارب از اخلاق پیامبران علیهم السلام و احترام به فرشتگان نویسنده اعمال است.»

(۵)امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس در آغاز روز عطر مصرف کند عقل او تا شب کاستی پیدا نمی کند.» و فرمود: «یک نماز با عطر بهتر از هفتاد نماز بدون عطر است.»

(۶)و فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله برای عطر و بوی خوش بیش از غذا و طعام پول

۱- (۱)۱۳- فضل التطیّب الکافی... عن ابی عبدالله علیه السلام قال: العطر من سنن المرسلین. (الکافی ج ۶/۵۱۰)

۲- (۲)الکافی... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنّ الریح الطیّبه تشدّ القلب و تزید فی الجماع. (المصدر)

۳- (۳)الکافی... عن ابی الحسن علیه السلام قال: لاینبغی للرجل ان یدع الطیب فی کلّ یوم فان لم یقدر علیه فیوم و یوم لا، فان لم یقدر ففی کلّ جمعه و لایدع. (المصدر)

۴- (۴)الکافی... قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : الطیب فی الشارب من أخلاق النبیّن و کرامه للکاتبین. (المصدر)

۵- (۵)الکافی... قال أبوعبداللّه علیه السلام : من تطیّب أوّل النهار لم یزل عقله إلی اللیل. و قال علیه السلام : صلاه متطیّب أفضل من سبعین صلاهٍ. (المصدر ص ۵۱۱)

۶- (۶)و قال علیه السلام : کان رسول اللّه صلی الله علیه و آله ینفق فی الطیب أکثر ممّا ینفق فی الطعام. (المصدر ص ۵۱۲)

می دادند.»

۱۴- اجابت دعوت مؤمن و پاداش آن

(۱)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من به امت خود - حاضر و غایب آنها وصیت می کنم که دعوت برادر مسلمان خود را بپذیرند گرچه با فاصله پنج میل (نزدیک به دو فرسخ) باشد. همانا این دستور دین من است.»

(۲)امام صادق علیه السلام فرمود: «از حقوق واجب مؤمن بر برادر خود این است که دعوت او را بپذیرد.»

(۳)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که دعوت برادر خود را نپذیرد با خدا و رسول او صلی الله علیه و آله مخالفت نموده است.»

و فرمود: «اگر کسی مرا برای یک پاچه گوسفندی دعوت کند من او را اجابت خواهم نمود.»

(۴)و فرمود: «عاجزترین مردم کسی است که بدون عذر دعوت برادر خود را نپذیرد.»

(۵)و فرمود: کسی که روزه مستحبی گرفته باشد و داخل منزل برادر خود شود و

۱- (۱)۱۴- فضل اجابه دعوه المؤمن البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : اُوصی الشاهد من أمتی و الغائب أن یجیب دعوه المسلم ولو علی خمسه أمیال، فإنّ ذلک من الدین. (البحار ج ۷۵/۴۴۷)

۲- (۲)البحار... قال الصادق علیه السلام : من الحقوق الواجبات للمؤمن علی المؤمن أن یجیب دعوته. (المصدر)

۳- (۳)مستدرک الوسائل... قال النبیّ صلی الله علیه و آله : من لم یجب الدعوه فقدعصی اللّه و رسوله. (ج ۱۶/۲۳۶)

۴- (۴)البحار... قال صلی الله علیه و آله : لودعیت إلی ذراع شاهٍ لأجبت. (البحار ج ۷۵/۴۴۸)

۵- (۵)البحار... قال صلی الله علیه و آله : من أعجز العجزه رجل دعاه أخوه إلی طعام فترکه [من غیرعلّه]. البحار... عن العلل عن بعضهم علیهم السلام قال: من دخل علی أخیه و هو صائم تطوعّا فأفطر کان له أجران: أجر لنیّه صیامه و أجر لإدخال السرور علیه. (البحار ج ۹۷/۱۲۵)

دعوت او را اجابت نماید و افطار کند پاداش روزه و پاداش ادخال السرور براو خواهد داشت.

(۱)امام صادق علیه السلام فرمود: افطار تو در منزل برادر مؤمن خود بهتر از هفتاد و یا نود روزه است که تو روزه بگیری.

۱۵- نکوهش از میهمان بدون دعوت

(۲)از وصایای رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام این است که فرمود: «هشت گروه از مردم هستند که اگر مورد اهانت واقع شدند باید خود را ملامت کنند: ۱- کسی که بر سر سفره ای که دعوت به آن نشده است حاضر شود...»

(۳)امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر یکی از شما را به میهمانی دعوت کردند نباید فرزند خود را همراه ببرد و اگر چنین کند کار حرامی انجام داده و غاصب خواهد بود؛ جز آن که طبق فرموده قرآن از خانه پدر و یا مادر و یا برادر و یا خواهر و یا عمو و یا عمّه و یا دایی و یا خاله ویا دوست و یا خانه کسی که وکیل او محسوب می شود و کلید خانه خود را به او سپرده است غذایی بخورد که نیاز به اجازه و دعوت ندارد و حلال است.»

۱- (۱)البحار... قال أبوعبداللّه علیه السلام : لأفطارك فی منزل أخیك المسلم أفضل من صیامك سبعین ضعفا أو تسعین ضعفا. (المصدر)

۲- (۲)۱۵- من لم یدع إلی مائده البحار... فی وصایا النبی صلی الله علیه و آله لعلیّ علیه السلام : یا علیّ ثمانیه إن أهینوا فلا یلوموا إلّا أنفسهم: الذاهب الی مائدةٍ لم یدع الیها... (البحار ج ۷۵/۴۴۴) البحار... قال رسول الله صلی الله علیه و آله : إذا دعی أحدكم إلی طعام فلایستتبعنّ ولده، فإنّه إن فعل ذلك كان حراما و دخل غاصبا. (المصدر ص ۴۴۵)

۳- (۳)قال اللّه سبحانه: لیس علی الأعمی حرج و لاعلی الأعرج حرج و لاعلی المریض حرج و لاعلی أنفسكم أن تأكلوا من بیوتكم أو بیوت آبائكم أو بیوت أمهاتكم أو بیوت إخوانكم أو بیوت أخواتكم أو بیوت أعمامكم أو بیوت عمّاتكم أو بیوت أخوالكم أو بیوت خالاتكم أو ما ملكتم مفاتحه أو صدیقكم لیس علیكم جناح أن تأكلوا جمیعا أو أشتاتا. (النور آیه ۶۱) البحار... عن أبی عبداللّه علیه السلام فی قوله: «أو ملكتم مفاتحه» قال: الرجل یكون له وكیل یقوم فی ماله فیأكل بغیر إذنه. (البحار ج ۷۵/۴۴۶)

۱۶- آداب میهمانی رفتن

(۱)خداونـد در قرآن می فرماید: «ای اهل ایمان! بدون اجازه وارد خانه های پیامبر صـلی الله علیه و آله نشوید، جز آن که برای طعامی به شـما اجازه داده شود. پس برای آماده شـدن غـذا شـتاب نکنیـد و انتظار نکشـید و چون به شـما اجازه داده شـد وارد شویـد و هنگـامی که طعام خود را خوردیـد پراکنـده شویـد و مجلس سـخن برقرار نکنیـد که پیامبر صـلی الله علیه و آله از آن آزرده می شود و از شما حیا می کند ولی خداوند از بیان حق حیا نمی نماید.»

(۲)امام هشتم می فرماید: «شخصی از امیرالمؤمنین علیه السلام دعوت نمود. پس امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود به او: من تو را اجابت می کنم به سه شرط: ۱- چیزی از خارج خانه تهیه نکنی؛ ۲- آنچه داری از من دریغ نکنی؛ ۳- به عیال و خانواده خود سخت نگیری.»

(۳)امام باقر علیه السـلام فرمود: «هنگامی که وارد خانه برادر خود می شویـد هرکجا او می گویـد بنشـینید؛ چرا که او به اسـرار خانه خود آگاه تر است.»

(۴)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «حق میهمان است که او را تا در خانه بدرقه کنید.»

ص: ۲۳۵

۱- (۱)۱۶- فضل الإطعام و آداب الضـیافه قال اللّه سـبحانه: یا ایّها الـذین آمنوا لاتـدخلوا بیوت الّنبیّ الاّ أن یؤذن لکم الی طعام غیرناظرین اناه ولکن إذا دعیتم فإدخلوا فاذا طعمتم فانتشـروا و لامستأنسـین لحدیث إنّ ذلکم کان یؤذی النبیّ فیسـتحیی منکم و اللّه لایستحیی من الحقّ. (الاحزاب /۵۳)

۲- (۲)البحار... عن الرضا عن آباءه علیهم السـلام قال: دعا رجل أمیرالمؤمنین علیه السـلام فقال له: قـد أجبتک علی أن تضـمن لی ثلاث خصـالٍ قـال: و مـا هنّ یا أمیرالمؤمنین؟ قال: لاتـدخل علیّ شـیئا من خارج ولا تـدخرّ علیّ شـیئا فی البیت و لاتجحف بالعیال قال: ذلک لک فأجابه أمیرالمؤمنین علیه السلام . (البحار ج ۷۵/۴۵۱ عن عیون الأخبار ج ۱/۲۵۹)

۳- (۳)البحـار... عن الباقر علیه السـلام قال: إذا دخل أحـدکم علی أخیه فی رحله فلیقعـد حیث یأمر صاحب الرحل فانّ صاحب الرحل أعرف بعوره بیته من الداخل علیه. (المصدر)

۴- (۴)البحـار... إنّ رسـول اللّه صـلی الله علیـه و آلـه قـال: مـن حـقّ الضـیـف أن تمشـی معه فتخرجه من حریمـک إلی البـاب. (المصـدر) البحار... قال أبوجعفر علیه السـلام : لأن أشـبع أخا لی فی اللّه أحبّ إلیّ من أن أشـبع عشـره مساکین. (المصـدر ص ۴۵۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: «اطعام نمودن یک برادر مخلص در دین نزد من ازاطعام ده فقیر بهتر است.»

(۱)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از کرامت انسان است که هدیه برادر خود را بپذیرد و به او نیز هدیه بدهد و خود را به زحمت نیندازد.»

۱۷- پاداش احترام به میهمان

(۲)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس ایمان به خدا و قیامت دارد باید میهمان را گرامی بدارد.» سپس فرمود: «میهمانی سه شبانه روز است و روز چهارم صدقه خواهد بود و سزاوار نیست میهمان صاحب خانه را خسته و ناراحت کند.»

(۳)امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی که از صدای میهمان [و ورود او] خشنود شود گناهان او آمرزیده می شود؛ گرچه از زمین تا آسمان را پر کرده باشد.»

(۴)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که خداوند به مردمی اراده خیر نماید هدیه ای برای آنان می فرستد.» گفتند: آن هدیه چیست؟ فرمود: «میهمان است که رزق خود را می آورد و چون می رود گناهان صاحب خانه را نیز می برد.»

و فرمود: «طعامی که چهار خصلت داشته باشد برکت آن کامل است: ۱- از حلال تهیه شده باشد؛ ۲- دست های زیادی بر آن وارد شود؛ ۳- با بسم الله شروع شود؛ ۴- با الحمدلله تمام گردد.»

ص: ۲۳۶

۱- (۱)البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : من مکرمه الرجل لأخیه ان یقبل تحفته و أن یتحّفه بما عنده و لایتکلّف له شیئا و قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : لا أحبّ المتکلّفین. (المصدر ص ۴۵۴)

۲- (۲)۱۷- فضل إکرام الضیف و آداب الضیافه البحار... قال النبیّ صلی الله علیه و آله : من کان یؤمن باللّه و الیوم الآخر فلیکرم ضیفه، و الضیافه ثلاثه أیّام ولیالیهنّ فما فوق ذلک فهو صدقه و جایزه یوم ولیله و لاینبغی للضیف إذا نزل بقوم أن یملّهم فیخرجهم او یخرجوه.

۳- (۳)البحار... عن أمیرالمؤمنین علیه السلام قال: ما من مؤمن یسمع بهمس الضیف و فرح بذلک إلّا غفرت له خطایاه و إن کان مطبقه بین السماء و الأرض. (المصدر)

۴- (۴)البحار... قال النبیّ صلی الله علیه و آله : الطعام إذا جمع فیه أربع خصال فقدتّم: إذا کان من حلالٍ، و کثرت الأیدی علیه، و سمیّ فی أدّله،و حمد فی آخره، و قال صلی الله علیه و آله : طوبی لمن طوی و جاع و صبر أولئک الذین یشبعون یوم القیامه. (المصدر ص ۴۶۱)

(۱)امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هیچ مؤمنی در دنیا میهمان را دوست نمی دارد، جز آن که چون از قبر خارج می شود صورت او مانند ماه شب چهارده می باشد و اهل محشر می گویند: او جز پیامبر نیست. پس ملکی گوید: او مؤمنی است که میهمان را دوست دارد و گرامی می دارد پس او را مسیری جز بهشت نخواهد بود.»

مؤلف گوید: اگر برای اثبات حقانیت اسلام هیچ دلیلی جز دستورات اخلاقی و عاطفی و... آن نبود همین دستورات اخلاقی و حقوقی و عاطفی برای اثبات حقانیت آن کافی بود.

(۲)رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که شخصی وارد شهری می شود میهمان اهل آن شهر است تا از آن شهر خارج گردد و صحیح نیست میهمان بدون اجازه میزبان خود روزه بگیرد، چرا که ممکن است آنان غذایی برای او آماده کنند و فاسد گردد و صاحب خانه نیز نباید بدون اجازه میهمان روزه بگیرد چرا که ممکن است میهمان میل به غذایی داشته باشد و ملاحظه حال میزبان را بکند و خودداری نماید.»

(۳)و فرمود: «میهمانی سه روز است: روز اول حق و لازم است،و روز دوم و سوم [جایز است]، و بعد از آن صدقه خواهد بود.» سپس فرمود: «نباید کسی میهمانی خود را ادامه دهد تا برادر خود را به گناه وادارد.» گفته شد: چگونه او را به گناه وامی دارد؟ فرمود: «آن قدر نماند که صاحب خانه چیزی نداشته باشد که او را

۱- (۱)البحار... عن أمیرالمؤمنین علیه السلام قال: ما من مؤمن یحبّ الضیف إلاّ و یقوم من قبره و وجهه کالقمر لیله البدر فینظر أهل الجمع فیقولون: ما هذا إلاّنبیّ مرسل، فیقول ملک: هذا مؤمن یحبّ الضیف و یکرم الضیف و لاسبیل له إلاّ أن یدخل الجنّه و قال النبیّ صلی الله علیه و آله : إذا اراداللّه بقوم خیرا أهدی الیهم هدیّهً قالوا: و ما تلک الهدیّه؟ قال: الضیف ینزل برزقه و یرتحل بذنوب أهل البیت. (المصدر)

۲- (۲)البحار... عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال: إذا دخل الرجل بلدهً فهو ضیف علی من بها من أهل دینه حتّی یرحل عنهم، و لاینبغی للضیف أن یصوم إلاّ بإذنهم لئلاّ یعملوا له الشی ء فیفسد علیهم و لاینبغی لهم أن یصوموا إلاّ بإذن ضیفهم لئلاّ یحتشمهم فیشتهی الطعام فیترکه لمکانهم. (البحارج ۷۵/۴۶۲)

۳- (۳)البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : الضیافه ثلاثه أوّل یوم حقّ و الثانی و الثالث [جایزه[و ما بعد ذلک فانّها صدقه تصدّق بها علیه ثمّ قال صلی الله علیه و آله : لاینزلنّ أحدکم علی أخیه حتّی یؤثمه قیل: یا رسول اللّه و کیف یؤثمه؟ قال: حتّی لایکون عنده ما ینفق علیه. (المصدر ص ۴۶۳)

تأمین نماید.»

۱۸- پرهیز از مجالس گناه

مولـدف گویـد: در این زمان مجالسـی که مورد تأییـد اسـلام و اولیای خدا باشد و از آلودگی و فساد و گناه پاک باشد بسـیار کمیـاب است. برای روشن شـدن این موضوع خوب است شـرایط و آداب مجـالس را مطـابق آیـات قرآن و سـخنان معصومین علیهم السلام بیان کنیم تا این حقیقت روشن گردد.

از آیات قرآنی اسـتفاده می شود که مجلسـی که در آن یاد خـدا نباشد خیری در آن نیست و روز قیامت مایه حسـرت اهل آن خواهـد بود. خداوند در قرآن می فرماید: «بسـیاری از اجتماعات سـرّی [و غیر سـرّی] شـما خیری ندارد، جز آن که اهل آن از صدقه و کمک به فقرا و یا اصـلاح بین مردم و یا انجام کارهای خیر و سودمند سـخن بگویند. چنین افرادی اگر برای خشنودی خداوند و انجام امور یادشده گردهم جمع شده باشند زود است که ما به آنان پاداش بزرگی را عطا کنیم.»

و یا می فرماید: «آیا نمی دانی که خداوند به آنچه در آسـمان ها و زمین است آگاه می باشد و هیچ مجلسـی نیست که سه نفر در آن جمع شده باشـند جز آن که خداوند چهارمین آنان خواهد بود و اگر چهار نفر در آن جمع شده باشـند خداوند پنجمین آنان است و اگر پنـج نفر جمع شـده باشـند او شمشـین آنان می باشـد و اگر کمتر و یا بیشترجمع شـده باشـند خداونـد با آنان خواهد بود و در قیامت آنان را به اعمال خویش آگاه خواهد نمود؟ همانا خداوند به همه چیز دانا می باشد.»

و در روایات آمده است: کسی که وارد مجلسی می شود باید براهل آن تحیت و سلام بفرستد و در جای مناسب خود بنشیند و به پایین آن مجلس راضی باشد؛ اهل آن مجلس نیز باید تحیت و سلام او را پاسخ بدهند و برای او جا باز کنند. خداوند به این مسأله اخلاقی توجه نموده و به مؤمنان می فرمایـد: ای کسانی که ایمان آورده ایـد، هنگامی که به شـما گفته می شود: [برای واردین] جـا باز کنیـد شـما بایـد برای آنان جا باز کنیـد تا خداونـد به شـما گشایش دهـد و چون گفته می شود: از جای خود حرکت کنید و به خانه های خویش بروید [و یا برای نماز و یا جهاد آماده شوید] به

آن توّجه کنید و مجلس را ترک نمایید. خداوند اهل ایمان و دانش را درجات بیشتری عطا خواهد نمود و او به اعمال شما آگاه است.» مولف گوید: آداب مجالس فراوان است به جهت اختصار به اهمّ آنها اشاره می شود.

(۱)۱- مجلسی که برای عده خاصی تشکیل شده است، کسی که به آن مجلس دعوت نشده حرام است وارد آن مجلس شود و اگر مورد اعتراض واقع شود باید خود را ملامت کند.

(۲)۲- در مورد انتخاب مجالس حضرت لقمان به فرزند خود فرمود: «مجالس را به دقت بنگر. پس اگر دیدی اهل آن به یاد خدا هستند با آنان بنشین؛ چرا که اگر تو عالم باشی علم تو در آن مجلس سودمند خواهد بود و به آن افزوده خواهد شد و اگر جاهل و نادان باشی آنان تو را از علم خود بهره مند خواهند نمود و شاید خداوند رحمتی بر آنان فرو فرستد و تو نیز از آن بهره مند گردی. و اگر دیدی اهل آن مجلس مردمی جاهل و نادانند با آنان همنشین مشو، که اگر عالم باشی علم و دانش تو برای تو سودی نخواهد داشت و اگر جاهل باشی آنان بر جهل تو خواهند افزود.

و شاید خداوند نکبت و عقوبتی بر آنها فرو فرستد و تو نیز مشمول آن عقوبت شوی.»

۱- (۱)۱۸- آداب المجالس قال اللّه سبحانه: لاخیر فی کثیر من نجویهم إلاّ من أمر بصدقهٍ أو معروف أو اصلاح بین الناس و من یفعل ذلک إبتغاء مرضات اللّه فسوف نؤتیه أجرا عظیما. (النساء /۱۱۴) و قال سبحانه: ألم تر أنّ اللّه یعلم ما فی السماوات و ما فی الأرض ما یکون من نجوی ثلثه إلاّ هو رابعهم و لاخمسهٍ إلاّ هو سادسهم ولا أدنی من ذلک و لا أکثر إلاّ هو معهم أینما کانوا ثمّ ینبّئهم بما عملوا یوم القیامه إنّ اللّه بکلّ شی ء علیم. و قال سبحانه: یا أیّها الذین آمنوا إذا قیل لکم تفسّحوا فی المجالس فافسحوا یفسح اللّه لکم و اذا قیل انشزوا فانشزوا یرفع اللّه الذین آمنوا منکم والذین اُوتوا العلم درجات و اللّه بما تعملون خبیر. (مجادله /۷)

۲- (۲)البحار... قال لقمان لإبنه: یا بنیّ اخترالمجالس علی عینک فإن رأیت قوما یذکرون اللّه عزّوجلّ فاجلس معهم فانّک إن تک عالما ینفعک علمک و یزیدونک علما و إن کنت جاهلاً علموک و لعلّ اللّه ان یظلّهم برحمه فتعمّک معهم و إذا رأیت قوما لایذکرون اللّه فلا تجلس معهم فإنّک إن تک عالما لاینفعک علمک و إن تک جاهلاً یزیدونک جهلاً و لعلّ اللّه أن یظّلهم بعقوبهٍ فتعمّک معهم. (البحار ج ۷۵/۴۶۶)

(۱)-۳- رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السـلام فرمود: «چنـد گروه از مردم اگر اهانت شدند جز خویش را نباید ملامت کنند: ۱- کسی که بدون دعوت داخل مجلسی شود...»

(۲)-۴- در مورد آداب ورود و نشستن در مجالس، حضرت عسکری علیه السلام فرمود: «کسی که وارد مجلسی می شود اگر به پایین آن مجلس راضی باشد، تا در آن مجلس نشسته است خدا و ملائکه بر او درود می فرستند.»

و فرمود: «از نشانه های تواضع این است که به هر مسلمانی برخورد می کنی سلام کنی و راضی باشی که در پایین مجلسی که وارد می شوی بنشینی.»

(۳)-۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله درمورد قیام و برخاستن مقابل دیگری فرمود: «ای مردم، در زمان حیات و پس از مرگ من به اهل بیت من اکرام و تعظیم کنید و آنان را بر دیگران مقدم دارید.» سپس فرمود: «کسـی از محل نشسـتن خود در مقابل احدی برنخیزد جز در مقابل اهل بیت من.»

(۴)-۶- امیرالمؤمنین علیه السـلام در مورد بوسیدن صورت مؤمن فرمود: «چون جعفربن ابی طالب علیه السلام از حبشه بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله او را ملاقات نمود و بین دو چشم او را بوسید.»

(۵)-۷- در مورد رعایت امانت در مجالس، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در مجالس

۱- (۱)البحار... أوصـی النبیّ صـلی الله علیه و آله علیّا علیه السـلام فقال: یا علیّ ثمانیه إن أهینوا فلا یلوموا إلّا انفسـهم: الذاهب الی مائدهٍ لم یـدع إلیها، و المتأمرّ علی ربّ البیت، و طالب الخیر من أعـدائه، و طالب الفضل من اللئام، و الـداخل بین إثنین فی سرّ لم یدخلاه فیه، و المسـتخفّ بالسلطان، و الجالس فی مجلس لیس له بأهل، و المقبل بالحدیث علی من لا یسمع منه. (البحار ج ۷۵/۴۶۴)

۲- (۲)البحار... قال العسکری علیه السلام : من رضی بدون الشرف من المجلس لم یزل اللّه و ملائکته یصلّون علیه حتّی یقوم و قال علیه السلام : من التواضع: السلام علی کلّ من تمرّبه، و الجلوس دون شرف المجلس. (المصدر ص ۴۶۶)

۳- (۳)البحار... قال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : أیّها الناس عظّموا أهل بیتی فی حیاتی و من بعـدی وأکرموهم و فضّلوهم، فانّه لایحلّ لأحد أن یقوم من مجلسه لأحدٍ إلّا لأهل بیتی. (البحار ج ۷۵/۴۶۷)

۴- (۴)البحار... قال علی علیه السـلام : قـدم جعفربن أبیطالب علیه السـلام فتلقّاه رسول اللّه صـلی الله علیه و آله و قبّل بین عینیه. (المصدر)

۵- (۵)البحـار... قـال رسول اللّه صـلی الله علیه و آله : المجـالس بالأمـانه و لاـ یحـلّ لمؤمن أن یوثر عن مؤمن اوقـال: عن أخیه المؤمن قبیحا. (المصدر)

باید امانت داری شود و صحیح نیست کسی خود را بر دیگری تفضیل دهد و یا عیب برادر مؤمن خود را بگوید.»

(۱)۸- در مورد لغزش های اهل مجلس و کفاره آن ها رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: [در پایان مجلس [بگو: «سبحانک اللهمّ و بحمدک لاإله إلاّ انت ربّ تب علیّ و اغفرلی.»

(۲)۹- در مورد رعایت حق جالسین فرمود: «نباید کسی را از جای خود بلند کنید و دیگری به جای او بنشیند.» و فرمود: «در مجالس به دیگران جای دهید.» و فرمود: «کسی حق ندارد بدون اجازه بین دو نفر بنشیند.»

امام باقر علیه السلام فرمود: «مجلسی که در آن یاد خدا و یاد ما نشود در قیامت موجب حسرت خواهد بود؛ چرا که یاد ما یاد خدا می باشد و یاد دشمنان ما یاد شیطان خواهد بود.»

و فرمود: «هرکس می خواهد حق مجلس را ادا نموده باشد باید هنگام برخاستن از آن مجلس بگوید: «سبحان ربّک ربِّ العزّه عمّا یصفون و سلام علی المرسلین و الحمدلله ربّ العالمین.»

(۳)۱۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره مجالس ذکر خدا و ذکر فضایل و مصایب اولیای

۱- (۱)البحار... وقال صلی الله علیه و آله : إنّ کفاره المجلس: سبحانک ألّلهم و بحمدک لا_ إله إلاّ_ انت ربّ تب علیّ و اغفرلی. (المصدر) البحار... نهی النبی صلی الله علیه و آله عن أن یقام الرجل عن مجلسه و یجلس فیه آخر ولکن تفسّحوا و توسّعوا. و نهی صلی الله علیه و آله أن یجلس الرجل بین الرجلین إلاّ بإذنها. (المصدر ص ۴۶۸)
۲- (۲)البحار... قال الصادق صلی الله علیه و آله : ما إجتمع قوم فی مجلس لم یذکروا اللّه و لم یذکرونا إلاّ کان ذلک المجلس حسرةً علیهم یوم القیامه. ثمّ قال الباقر علیه السلام : إنّ ذکرنا من ذکراللّه و ذکرعدوّنا من ذکر الشیطان.(المصدر)
۳- (۳)و قال علیه السلام : من أراد ان یکتال بالمکیال الأوفی فلیقل إذا اراد القیام من مجلسه: «سبحان ربّک ربّ العزّه عمّا یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد للّه ربّ العالمین.» البحار... قال النبیّ صلی الله علیه و آله : إنّ الملائکه یمرّون علی حلق الذکر فیقومون علی رؤوسهم و یبکون لبکائهم و یؤمنون علی دعائهم فإذا صعدوا إلی السماء یقول اللّه تعالی: یا ملائکتی أین کنتم؟ و هواعلم فیقولون: یا ربّنا إنّا حضرنا مجلسا من مجالس الذکر فرأینا أقواما یسبّحونک و یمجّدونک و یقدّسونک و یخافون نارک فیقول اللّه سبحانه: یا ملائکتی أزووها عنهم و أشهدکم أنّی قد غفرت لهم و آمنتهم ممّا یخافون فیقولون: ربّنا إنّ فیهم فلانا و إنّه لم یذکرک فیقول اللّه تعالی: قد غفرت له بمجالسته لهم، فانّ الذاکرین من لایشقی بهم جلیسهم. (البحار ج ۷۵/۴۶۸)

او فرمود: «همانا ملائکه چون به مجالس ذکر برخورد می کنند بالای سر اهل آن می ایستند و همراه گریه آنان گریه می کنند ودعای آنان را آمین می گویند و چون به آسمان بالا ـ می روند خداوند که داناتر به حال آنهاست به آنان می گوید: ای ملائکه من، کجا بودید؟ آنان می گویند: پروردگارا، ما در مجلسی از مجالس ذکر شرکت نمودیم و عده ای را دیدیم که تسبیح و تمجید و تقدیس تو را می کردند و از عذاب تو در هراس بودند. پس خداوند می فرماید:

ای ملائکه، آگاه باشید که من عذاب خود را از همه آنان برداشتم و شما را گواه می گیرم که آنان را بخشیدم و از عذاب خود در امان قرار دادم. پس ملائکه می گویند: بین آنان فلان گناهکار نیز بود که تو را یاد نکرد [و توبه ننمود و ذکر تو را نگفت]. خطاب می شود: من او را نیز به جهت مجالست با بندگانم بخشیدم؛ چرا که ذاکرین من کسانی هستند که هرکس بین آنان باشد نجات خواهد یافت.»

(۱)۱۱- امیرالمؤمنین علیه السلام در باره چگونگی نشستن در مجلس و در کنار سفره غذا فرمود: «هنگامی که یکی از شما بر سر سفره غذا می نشیند باید همانند غلامی که در مقابل مولای خود می نشیند بنشیند و هرگز بر سر سفره غذا یکی از پاهای خود را بر روی دیگری قرار ندهد و چهار زانو ننشیند که مورد خشم خداوند می باشد.»

(۲)۱۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله نیر در باره چگونگی نشستن در مجلس می فرماید: «هر چیزی را شرافتی است و شریف ترین مجالس مجلسی است که اهل آن رو به قبله بنشینند.»

(۳)۱۳- در باره مجلسی که وسیله نجات و هدایت انسان شود و کسی از آن

ص: ۲۴۲

۱- (۱)البحار... قال أمیرالمؤمنین علیه السلام : إذا جلس أحدکم علی الطعام فلیجلس جلسه العبد، و لایضعنّ أحدکم إحدی رجلیه علی الأخری ویربّع فإنّها جلسه یبغضها اللّه و یمقت صاحبها. (البحار ج ۷۵/۴۶۹)
۲- (۲)البحار... قال رسول اللّه صلی الله علیه و آله : إنّ لکلّ شی ءٍ شرفا و إنّ أشرف المجالس ما استقبل به القبله. (المصدر)
۳- (۳)الکافی... قال عبادبن کثیر: قلت لابیعبد اللّه علیه السلام : إنّی مررت بقاصّ یقصّ و هو یقول: هذا، المجلس [الذی] لایشقی به جلیس. قال: فقال أبوعبداللّه علیه السلام هیهات هیهات أخطأت أستاهم الحفره، إنّ للّه ملائکه سیّاحین، سوی الکرام الکاتبین، فإذا مرّوا بقومٍ یذکرون محمّدا و آل محمّد قالوا: قفوا فقد أصبتم حاجتکم فیجلسون، فیتفقّهون معهم فإذا قاموا عادوا مرضاهم و شهدوا جنائزهم و تعاهدوا غائبهم فذلک المجلس الذی لایشقی به جلیس.

آسیبی نبیند روایت شده که عبادبن کثیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من یک نفر قصّه پرداز (دروغ پرداز) را دیدم که می گفت: جلسه من جلسه ای استکه هر کس در آن بنشیند خسارت نمی کند و گمراه نمی شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «هیهات، هیهات تو اشتباه کردی و او نیز به غلط سخن گفته است.

همانا خداوند ملائکه ای را غیر از کرام کاتبین خلق نموده که روی زمین حرکت می کنند و چون به مجلسی برخورد می کنند که اهل آن، فضایل و مصایب محمد و آل محمد علیهم السلام را بیان می کنند به یکدیگر می گویند: توقّف کنید که به حاجت خود رسیدید. پس در آن مجلس می نشینند و به سخنان گوینده آن مجلس گوش فرا می دهند و هنگامی که اهل آن مجلس متفرّق می شوند آنان به عیادت بیماران آنان می روند و مرده های آنان راتشییع می کنند و از احوال غایبین آنان تفقد می نمایند.»

سپس فرمود: «این است مجلسی که هرکس در آن شرکت کند گمراه نمی شود [و هدایت می یابد].»

(۱)۱۴- امام صادق علیه السلام در باره دیدار دوستان، به شیعیان خود فرمود: «به زیارت یکدیگر بروید که موجب زنده شدن دل های شما و ذکر احادیث ما خواهد بود و احادیث ما شما را با یکدیگر مهربان می نماید.»

سپس فرمود: «اگر شما به احادیث و سخنان ما توجه کنید رشد پیدا می کنید و نجات خواهید یافت و اگر به سخنان ما توجه نکنید گمراه و هلاک می شوید. پس احادیث ما را بگیرید و عمل کنید که در آن صورت من ضمانت نجات شما را به عهده می گیرم.»

مؤلف گوید: با توجه به مطالب یاد شده و وضع بیشتر مجالس این زمان،

۱- (۱)الکافی... قال الصادق علیه السلام : تزاوروا فإنّ فی زیارتکم إحیاء لقلوبکم و ذکرا لأحادیثنا و أحادیثنا تعطف بعضکم علی بعضٍ فإن اُخذتم بها رشدتم و نجوتم و إن ترکتموها ظللتم و هلکتم فخذوا بها و أنا بنجاتکم زعیم. (المصدر ص ۱۸۶)

روشن است که میان ماه من تا ماه گردون هزاران فرسنگ فاصله است.

امیدواریم که با توجه به فرموده های خدا و اولیای او حال ما تغییر پیدا کند و از تاریکی های جهالت و غفلت نجات یابیم و خود را به انوار مقدسه حضرات معصومین علیهم السلام نزدیک کنیم.

۱۹- آداب مسافرت

(۱)کسی که اراده سفر دارد مستحب است به اموری توجه نماید:

۱- برادران خود را مطلع سازد؛

۲- در روز شنبه و یا پنج شنبه و یا سه شنبه مسافرت کند و از مسافرت در روزهای جمعه و دوشنبه و چهارشنبه پرهیز نماید، جز آن که صدقه بدهد و در هر روزی می خواهد به مسافرت برود و در روزی که قمر در عقرب باشد نیز مسافرت و ازدواج و زناشویی ننماید که خیری در آن نیست.

(۲)۳- در ابتدای حرکت آیه الکرسی و سوره حمد را بخواند و صدقه بدهد و دورکعت نماز بخواند و پس از آن بگوید: «اللّهمّ انّی أستودعک نفسی و اهلی و مالی و ذریّتی و دنیای و آخرتی و امانتی و خاتمه عملی. (مستند الشیعه ج ۱۳/۳۴۵ الکافی ج ۴/۲۸۳ الفقیه ج ۲/۱۷۷) و دعای دیگری نیز بخواند.

۴- تنها مسافرت نکند و هنگامی که پیاده می شود دو رکعت نماز بخواند و از غذایی که می خورد صدقه بدهد و در حال حرکت قرآن و در حال عمل تسبیح و در حال فراغت دعا بخواند.

۵- اول شب حرکت نکند. (المصدر ص ۳۴۸)

۱- (۱)۱۹- آداب السفر المستند: إنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله کان یسافریوم الخمیس و یقول: یوم الخمیس یحبّه اللّه و رسوله و ملائکته، و فی روایه حفص: من تعذّرت علیه الحوائج فلیلتمس طلبها یوم الثلثاء فانّه الیوم الذی ألان اللّه فیه الحدید لداود علیه السلام .

۲- (۲)و فی روایه الخثعمی: لاتخرج یوم الجمعه فی حاجه و لا فی یوم الإثنین ففی صحیحه الخزّار: وأیّ یوم أعظم شؤما من یوم الأثنین فقدنا فیه نبیّنا صلی الله علیه و آله و ارتفع الوحی عنّا لا تخرجوا و اخرجوا یوم الثلثاء. و فی روایه محمّدبن حمران: من سافر و تزوّج و القمر فی العقرب لم یرالحسنی. (المستند ج ۱۳/۳۴۴ المحاسن /۳۴۷)

اشعار مجالس عقد و عروسی

ص: ۲۴۶

مؤلف گوید: در پایان کتاب برای جلوگیری از برنامه های غیرمشروع و حرام اشعاری را ذکر نمودیم که مجالس عقد و عروسی را شاد و شوندگان آن مجالس را از گناه دور نگهدارد.

مبارک است!

این جشن پر عواطف و شیوا مبارک است وین فیض کردگار تعالا مبارک است

این ازدواج سُنّتِ دین محمّد است قانون شرع چون شده اجرا مبارک است

این ازدواج مایه خیر و سعادت است بر مردم هنرور و دانا مبارک است

از ازدواج کثرت نسل بشر بود این امر خیر هست به هر جا مبارک است

از ازدواج مجلس شادی به پا شود اکنون که جشن خوش شده برپا مبارک است

امشب شب وصال دو زیبا جوان بود این اتّصال همسرو همتا مبارک است

وصلت نموده اند دو فامیل ارجمند در پرتو ولایت مولا مبارک است

جشن شکوهمند دو دسته گل عزیز بر دوستان و جمله اَحبّا مبارک است

پیوند مهر و ماه متین را خجسته باد همبستگی عصمت و تقوا مبارک است

از دوستان تشکر و تقدیر می شود ابراز مهرتان همه بر ما مبارک است

از بهر شادمانی داماد کف زنید جشنی پر افتخار سراپا مبارک است

بهر عروس یک کف محکم تری زنید بر او لباس اطلس و دیبا مبارک است

هرچند به دسته های گل این بزم روشن است داماد گل است که گلها مبارک است

داماد را ببین و بزن بوسه بر رخش بر گوکه جشنت ای گل رعنا مبارک است

تبریک گو که این جشن پرسرور بر این دو خانواده والا مبارک است

داماد بر صفای عزیزان به پای خیز گویند چون به منطق گویا مبارک است

ای مایه امید که داماد گشته ای دامادیت به مادر و بابا مبارک است

از بهر یاد بود بگیر عکس ای فُتو بیننده گویدت به تماشا مبارک است

بر کوچک و بزرگ درود و سلام ما این بزم بهر خانم و آقا مبارک است

ص :۲۴۷

شیرین کنید جمله ز شیرینی کام خویش این میوه هاست خوب و گوارا مبارک است

گارسون بیار بستنی پسته دار را برگیر بهر دوستان که طهور و مبارک است

تا شام میهمانان آماده می شود خارج کسی نگردد از اینجا مبارک است

جوجه کباب با چلو برگ حاضر است سالاد هست و پپسی و کوکا مبارک است

انعام حاج قاری باشد سفارشی این جایزه ز اهل تولاّ مبارک است

نقدی کنید پاکت خواننده را زلطف در پای چِک اگر شده امضا مبارک است

زن بگیر!

جشن اگر خواهی بگیری مجلس دینی بگیر دعوت از اسلامیان از پاک آیینی بگیر

ای که تا این لحظه تنهایی برو کن ازدواج این سخن در گوش همچون دُرّ تزیینی بگیر

تاکه انسان زن ندارد هر طرف ویلان بود زن پی سرگرمی و هم رفع غمگینی بگیر

هر جوان بالغ شود باید نماید ازدواج ای مُجرد زن پی اعزاز و سنگینی بگیر

هر چه من گویم عزیزم خیرخواهی می کنم جان من مرد عمل شو راه خوش بینی بگیر

زن بگیر و زود کن جشن عروسی برقرار تا که شیرین کاِم ما گردد تو شیرینی بگیر

رهنمود من برادر رهگشای راه تست سعی کن چون باغبان یک زن به گلچینی بگیر

چار زن عقدی مُجازی ای رفیق با وفا صیغه ای خواهی مترس از کس برو چینی بگیر

دخت طهرانی و شیرازی بود یک سیستم خرجشان باشد فزون بر خود چو می بینی بگیر

مشهدی و سبزواری چون قمی کاشانی است گر نمی خواهی برو رشتی و قزوینی بگیر

اصفهانی و اراکی هر دو دانا و نجیب گر نشد قسمت برو یزدی و نایینی بگیر

دخت کارآمد اگر خواهی برو در شهر ری میوه می خواهی اگر دخت ورامینی بگیر

بندرعباسی و اهوازی است دلخواه عموم بهر رفع گرمیش رو چای دارچینی بگیر

گر که ییلاقی دلت خواهد برو سوی کرج یا شمیرانی که باشد شیک و سیمینی بگیر

دخت تبریزی برایت آورد ماست و پنیر گر انار خوب می خواهی برو فینی بگیر

گر عرب خواهی برو بغداد و مصر و سوریه خارجی خواهی اگر ژاپونی و چینی بگیر

همتی کن ای برادر جشن را کن برقرار مرغ رسمی گر نباشد مرغ ماشینی بگیر

گر که میز و صندلی هم نیست چندان غم مخور ظرف استیل ار نمی باشد ملامینی بگیر

ص :۲۴۸

ای دلاور هر چه بتوانی برو تولید کن روی دست خویشتن هرساله یک نی نی بگیر

شیر و کاکائو بیاور از برای دوستان بستنی لیوانی و چایی تو در سینی بگیر

حاج قاری تا که انعامت نگیری رد مشو پول نقدی گر نشد چک های تضمینی بگیر

در این مجلس صفا بسیار باشد

در این مجلس صفا بسیار باشد مگر این مطلع الانوار باشد

چراغان مجلس بزم سروری است مزیّن خوش در و دیوار باشد

بود از اُمت پاک محمّد به رفعت سرور ابرار باشد

بود اسلامی این جشن عروسی که جای خواندن اشعار باشد

صفایی کاندر این بزم نشاط است کجا در گلشن و گلزار باشد

بگو تبریک خوش بر آقا داماد که خندان چون گل بیخار باشد

چه دامادی که می باشد مبارز مُحّب عترت اطهار باشد

عروس خانم دختی با فضیلت بر او از جان و از دل یارباشد

عجب افراد با شخصیت و پاک نظر بنما در این تالار باشد

کف محکم زنید ای آشنایان که مجلس خالی از اغیار باشد

زجا برخیز یک دم آقا داماد که اکنون موقع دیدار باشد

نما از جمله اظهار تشکر که آن تقدیر از حُضار باشد

تمنا می شود از اهل مجلس کف محکم زدن تکرار باشد

در اینجا دوستان آل عصمت ز عرفان قلبشان سرشار باشد

همه روشن ضمیر و پاکدامان خوش آن کو مؤمن و دیندار باشد

بریزید نقل وسِکّه بهر داماد که گویی ریزش رگبار باشد

پذیرایی شود از میهمانان خوش آن مهمان که برخوردار باشد

یکی چایی نماید نوش جانش یکی را بر لبش سیگار باشد

خیار و پرتقال و سیب و انگور روا نبود کسی بی کار باشد

ز شیرینی دمادم نوش جان کن که تا کام تو شکّربار باشد

چلو مرغ است شام اهل مجلس به خوردن هرکسی ناچار باشد

کباب کوبیده بهتر هضم گردد خدا ناکرده گر بیمار باشد

کف محکم زدن سهل است و آسان شما را از چه رو دشوار باشد

خدایا هر کسی آهسته کف زد به پشت در بماند زار باشد

شب دامادیش باران بیاید خجل از دلبر طرّار باشد

هر آن شخصی که گوید زن نخواهم کجا او واقف از اسرار باشد

در اینجا هرکسی خورده نمک را زند کف چون که بالاجبار باشد

فکاهی ها که گوید حاج قاری کجا در طبله عطّار باشد

کنون انعام ما حاضر نمایید به شرط آن که صد دینار باشد

بود دینار دینار عراقی بسی صرّاف در بازار باشد

آدرس جهت انتخاب همسر!

جوان کن از جوانی قدردانی که از هر چیز بهتر شد جوانی

شنو پند مرا از جان و از دل که عمر خویش را خوش بگذرانی

مُجرد تا به کی تزویج بنما به شادی در جهان کن زندگانی

به هنگام توانایی تو زن گیر که باشد مونست در ناتوانی

النکاح سنتی قول رسول است چنین گفت آن خدیو آسمانی

چونصف دین تو در ازدواج است برو کن ازدواج ارنکته دانی

زنی با عفت و تقوا طلب کن اگر خواهی نمایی کامرانی

هر آن دختر که محجوب و عفیف است نصیب همسرش شد شادمانی

تو تا آگه شوی گردم مُعَرِف بگیر این آدرس ها با نشانی

زهر شهری پسند خاطرت شد همی شو خواستگار او به آنی

شما گر دخت تهرانی بگیری بری لذّت گه شیرین زبانی

اگر که مؤمن و دیندار خواهی قمی بستان و یا گلپایگانی

اگر خواهی زرنگ و کارآمد تو رشتی گیر یا مازندرانی

اگر خواهی گلاب و عطر قمصر ز کاشان بگیر ای یارجانی

اگر که سبزه و زیبادلت خواست بگیر اهوازی یا که آبادانی

ص :۲۵۰

اگر خواهی که اهل حال باشد بگیر شیرازی یا که کازرانی

اگر که زیرک و هوشیار خواهی بگیر از دختران اصفهانی

ز قزوینی به عالم ساده تر نیست ولی داناست دخت همدانی

ز گرگانی و سمنانی چه گویم که خون گرمند همچون دامغانی

خراسانی اگر شد قسمت تو از او پیوسته بینی مهربانی

ز کرمانی ندیدم با وفاتر از او شد با صفاتر شیروانی

زنان شاهرود و سبزواری ز خوبی بهر آنها نیست ثانی

اگر که چایی کلکته خواهی بکن در بندرعباس کشتی رانی

زن کرمانشهی بی باک باشد ولی یزدی است خون سرد و امانی

ز شهر ری و یا شهر ورامین بگیر گر سبزی خواهی رایگانی

اگر خواهی سخن تُرکی بگوید بگیر ای دوست، آذربایجانی

گلین چوخ یا خچیدی شهر مراغه ارومیّه بگو داد از گرانی

اگر ارزان و بی غصه دلت خواست برو هی صیغه کن اما نهانی

ترا زین آدرس هایی که گفتم همی باید کنی سیر جهانی

به بزم جشن و شادی محبان کند آقای قاری دُرفشانی

بود انعام ما ای آقا داماد اگر نقدی بود ملیون تومانی

عجب جشنی!

عجب جشنی هم اکنون برقرار است که یکسر لطف و فضل کردگار است

مبارک بزم جشن و شادمانی است سراپا مهر و عشق و افتخاراست

چه جشنی جشن عقد و ازدواج است که دستور رسول نامدار است

بود چون سنت دین محمد ملائک را در این محفل گذار است

کنون اجرا شده قانون اسلام چه قانونی که تا روز شماراست

بود در پرتو قرآن و عترت به حُضار گرامی بخت یار است

به داماد و عروس تبریک گوییم کز این تزویج هریک کامکار است

ص :۲۵۱

بجا باشد اگر محکم زنی کف که این مرسوم هر شهر و دیار است

چه دامادی که باشد شاخه گل زجان دین خدا را پاسدار است

عروسش دختری با دین و ایمان که از تقوا و عفت با وقار است

بود داماد دانشجوی قرآن هر آن کس مرد حق شد رستگار است

عروسش پیرو زهرای اطهر چنین دوشیزه یی نیکو شعار است

بود گل ها در اینجا دسته دسته که داماد نوجوانی گل عذار است

بزن کف از برای ساق دوشان که او را در یمین است و یساراست

به باب ارجمند تازه داماد مبارک گو که شخصی نامدار است

به باب نوعروس تبریک گوییم کز این دختر قرین افتخار است

تشکر می کنم از میهمانان که دل این دوستان را دوستدار است

نظر بنما تو براعیان و اشراف در اینجا شادمان خرد و کبار است

یکا یک محو روی ماه داماد که نور دین ز رویش آشکار است

در اینجا فیلمبرداران استاد گرفته عکس بهر یادگار است

عجب بزمی متین و دلپذیر است که خود بی سابقه در روزگار است

ز شیرینی است کام جمله شیرین که شیرینی اعلا خوشگوار است

بخور از بستنی فرد و ممتاز که خود یادآور فصل بهار است

تناول کن ز سیب نغز مطبوع که ویتامین در او ای سور خوار است

دگر از پرتقالش میل فرمای چرا کاین پرتقال از شهسوار است

مشو غافل ز نارنگی و انگور تر و تازه نظر بنما خیار است

هر آنچه میل داری نوش جان کن تو را نعمت کنون در اختیارکن

ز چایی باز تجدید قوا کن که دشمن از تو در حال فرار است

دمی بیکار منشین ای برادر بخور از میوه زیرا آبدار است

بباید میل فرمایی غذا را در این سالن که شام است و نهار است

کف محکم بزن خواهی نگویند که بی حال است گویا روزه دار است

اگر اینجا کف محکم نکوبی بگویندت جوانی بی بُخار است

به بزم مذهبی بین حاج قاری بود مداح و خوش خدمتگذار است

ص :۲۵۲

ز داماد عزیز انعام خواهد سعادت بهر او امیدوار است

مبادا کمتر از میلیون بیاری ولی تخفیف او یکصد هزاراست

راهنمایی داماد

نکته ای شیوا ز من ای مرد دانشور بگیر گوش جان بگشا و پندی بهتر از گوهربگیر

مطلبی حساس باشد ای جوان در ازدواج پرسشی بنما و پاسخ را از این چاکربگیر

دو حرامی را در اول می کند با هم حلال بهر کسب اطلاع آیین پیغمبر بگیر

نسل و پیوند بشر سرچشمه گیرد زین عمل حاصل ار خواهی به دنیا نخل بارآور بگیر

ازدواج است ای جوان قانونی از احکام دین گر تویی مرد عمل روبهر خود همسربگیر

دختری با عفت و عصمت اگر پیدا شود رو به عقد خود درآور کام از آن دلبربگیر

دختر اقوام اگر باشد ترا اولی تر است گر ندادندت ز همسایه برو دختر بگیر

دخت همسایه نباشد گر پسند خاطرت با کمال همت از یک کوچه دیگر بگیر

آن که را خواهی اگر در شهر هم پیدا نشد دخت دهقان یا کشاورز ای بلند اختر بگیر

گر که می خواهی کند کار از برایت روز وشب یا زمشهد یا زبجنورد یا که از کاشمر بگیر

گر که می خواهی بود خوش مشرب و مهمان نواز یا زقلهک یا زشمران یا که از چیذر بگیر

ثروتت محفوظ دارد دخت پاک اصفهان گر که خواهی مالت افزون گردد از رامسر بگیر

دخت تهرانی بدان جیب تو را خالی کند گنج قارون گر که داری رو بِزیرِ سر بگیر

دختر مازندرانی بهر تو آرد برنج ماهی ارخواهی برو از رشت یا رودسر بگیر

دخت شیرازی تو را پیوسته دارد شادمان میل داری میل سرکار است رو زودتر بگیر

انقلابی گر که می خواهی بگیر از شهر قم گر دلاور خواهی از دزفول یا شوشتر بگیر

دخت قزوین و اراکی با تو سازش می کند نامزد کن از برایش زود انگشتر بگیر

بزله گو خواهی اگر رو سوی شهرهمدان گرچه دانایی زنی از خویش داناتر بگیر

دختر کُردی اگر خواهی به کرمانشاه رو لیک بهر حفظ دین او برو معجر بگیر

گر تواضع پیشه می خواهی برو گلپایگان دختر خون گرم اگر خواهی زخرمشهر بگیر

گر که خواهی جوزقند و میوه و عطر وگلاب رو به کاشان دختری از قریه قمصربگیر

لهجه ترکی اگر خواهی سوی تبریز رو هان تِزُل قارداش ز آذربایجان قیزلر بگیر

ص :۲۵۳

دخت آبادان سخن گوید به آهنگ عرب مَرحبا یَرحَب بِکَم آن دخت با مشعر بگیر

جنس قاچاق ار که خواهی وارد از خارج کند روی کن سوی جنوب و دختر از بندر بگیر

آن چه دانستم بگفتم سر به سر بهر شما این زمان تصمیم خود را ای همایونفر بگیر

مجلس جشن عروسی را برو تشکیل ده دعوت از یاران خود از کهتر و مهتر بگیر

سیب و موز و پرتقال و شیرینی آماده کن موز لبنان گر نباشد رو خیار چنبربگیر

حاج قاری بر کلام خویشتنن ده خاتمه لیک انعامت ز داماد ادب پرور بگیر

چون که این داماد می باشد یکی از دوستان صحبت از میلیون مکن از دوستان کمتر بگیر

توصیه به جَووناى بى زن «به لهجه اصفهانى»

جوون برو زن بی گیر یه وصله تن بی گیر

سنت دیند اینس اگر دلد حق بینس

حافظ دین و ایمون زنس براد عزیز جون

داشتن زن عالیس جاش پیش تو خالیس

اینقدر دل دل نکون بی خودی معطل نکون

با این که چیز گرونس قیمتی زعفرونس

دراومدد مکفی نیست کارد دوروغ بافی نیس

نگو گرفتار می شم جلدی عیالوار می شم

اگر می خوای شادباشی از غصه آزاد باشی

تو اجتماع امروز قوی باشی و پیروز

بو گند تو وم یک کسی با خوب خوبا هم دسی

چشم و دلد را واکون دور و ورد، نیگاکن

ببین که زن عزیزس کاراش همه تمیزس

همیشه کار می کوند قدرشا کس نیمدوند

خونه و بچه داری بود براش شعاری

زندگی بی زن وِلِس بی بَرو بی حاصلس

هر جا که زن نباشد خوشی به تن نباشد

کانون مهر و وفاس ماییه لطف و صفاس

ص :۲۵۴

زن مثی شعم می سوزد لباس براد می دوزد

در همه جا یاردس مونس وغمخواردس

با نوق نوقاد می سازد به دشمناد می تازد

هیجا کارش پیدا نیس تو گفته هاش ریانیس

به کاری خونه سفتس بد خواه او خرفتس

پا جای پاد می زارد عزت براد میارد

محبتش زیادس همیشه چش برادس

حول و هوا دا دارد جور و جفا ندارد

او وختی که پیر می شی پیر و زیمین گیر می شی

دس می کوند لابالد کمک می شد به حالد

براد پرستار می شد تو را نیگر دار می شد

به وختی بی دندونی تو را می شد جون جونی

زندگی با زن و ذول باشد تمیز و مقبول

آبروی زندگی زن بود و بندگی

این سخن از «بی ریاس» زن برای مرد دواس

مؤلف گوید: اشعار مربوط به فضایل علی و فاطمه علیهم السلام در پایان کتاب میزان الحق و اسوه النساء درج شده است، مراجعه شود.

و تمّت کلمه ربّک صدقا و عَدلا

آثار مؤلف تاکنون

۱ - الحجّ و الزیارت، عربی

۲ – آداب حج و زیارت حرمین شریفین، فارسی

۳ – میزان الحق یا حقیقت مظلوم، فارسی عربی

۴ – آیات الفضائل یا فضائل علی علیه السلام در قرآن، عربی فارسی

۵ – دوله المهدی علیه السلام یا حکومت امام زمان عجل اللّه فرجه الشریف، فارسی عربی

۶ – اسوه النساء، بانوی نمونه عالم، فارسی عربی

۷ – امام الشهدا و سالار شهیدان، فارسی عربی

ص :۲۵۵

۸- انتظار مهدی علیه السلام و نشانه های ظهور، فارسی عربی

۹ – شهید خراسان و پناه شیعیان، فارسی عربی

۱۰- عاشقان کربلا، زیارات عتبات عالیات عراق

۱۱- آیین همسرداری و آداب زندگی در اسلام، فارسی عربی

۱۲- بشارت های معصومین علیهم السلام ، فارسی عربی

۱۳ – بشارت های قرآنی، ، فارسی عربی

۱۴- محرمات اسلام در قرآن و حدیث، فارسی عربی

ص :۲۵۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹